انتشارات دانشگاه تهران
شمارهٔ ۱۷۴۹

فرهنگ
فارسی به پهلوی

تألیف
دکتر بهرام فره‌وشی

فرهنگ

فارسی به پهلوی

تألیف

دکتر بهرام فره‌وشی

انتشارات دانشگاه تهران

شمارهٔ ۱۷۴۹

شماره مسلسل ۴۳۹۱

فره‌فرشی، بهرام، ۱۳۰۳ – ۱۳۷۱.
فرهنگ فارسی به پهلوی / تالیف بهرام فره‌وشی — تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۱.
ب، ۵۷۱ ص — (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۱۷۴۹).
ISBN 964-03-4391-9: ۳۱۰۰۰ ریال
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
ص.ع.به انگلیسی: Bahram Faravashi:Persian Pahlavi Dictionary.
چاپ سوم.
۱. فارسی — واژه‌نامه‌ها — پهلوی. الف. دانشگاه تهران. موسسه انتشارات و چاپ. ب.عنوان.
۳۲ ف ۳ ف / PIR ۱۹۴۵ ۰/۰۷۳ فا ۳
کتابخانه ملی ایران ۸۰–۷۳۳۵م

شابک ۹۶۴–۰۳–۴۳۹۱–۹ ISBN 964-03-4391-9
عنوان : فرهنگ فارسی به پهلوی
تألیف : دکتر بهرام فره‌وشی
ناشر : مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار : تابستان ۱۳۸۱ (چاپ سوم)
چاپ و صحافی : مؤسسهٔ انتشارت و چاپ دانشگاه تهران
مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

بها : ۳۱۰۰۰ ریال

بیاد پدرم

روانشاد علی‌محمد فره‌وشی «مترجم همایون»

(۱۳۴۸-۱۲۵۶)

ترتیب الفبای لاتینی این فرهنگ و معادل فارسی آنها

a	اَ	m	م
ā	آ	n	ن
b	ب	o	اُ
č	چ	ō	اُ بلند
d	د	p	پ
e	اِ	r	ر
ē	بلند یا یاء مجهول	s	س
f	ف	š	ش
g	گ	t	ت
γ	غ	u	او
h	ه	w	و
i	ای	v	و
ī	ای بلند	x	خ
ǰ	ج	y	ی
k	ک	z	ز
l	ل	ž	ژ

بنام دادار اورمزد رایومند[1] خرهمند[2]

[illegible]

از هنگام چاپ نخست این فرهنگ شش سال می‌گذرد. در این مدت فرهنگ پهلوی به‌فارسی نگارنده که اساس فرهنگ حاضر است و دوازده سال پیش به‌چاپ رسیده بود با افزایش هزاران واژه به چاپ سوم رسید و معادل‌های فارسی آن واژه‌های پهلوی در متن کتاب حاضر افزوده گشت و اکنون این فرهنگ‌نامه دارای چندین هزار واژه بیش از چاپ نخستین است.

بسا واژه‌های مبهم ادبیات کهن پارسی را میتوان دراین فرهنگ‌نامه یافت وبه‌یاری آنها به‌درك برخی از مفاهیم ناگشودهٔ ادب کهن پارسی دست یافت.

بسا واژه‌های از یاد رفتهٔ پارسی‌را که اصل آنها دراین فرهنگ یافت‌می‌شود می‌توان بااطمینان از ریشه و بن آنها، بی‌دغدغهٔ خاطر به‌کار برد. بسیاری از واژه‌های بیگانه را که اکنون بکار برده می‌شوند و گاه می‌پنداریم که معادلی‌در پارسی ندارند، میتوان در میان انبوه واژه‌های پهلوی یافت و بهنگام نیاز آنها را به‌کار برد. بسیاری از شکل‌های دستوری که در زبان پارسی امروز متروك شده‌اند در میان این واژه‌ها یافت می‌شوند که اندیشه‌ای از ساخت دستوری زبان پهلوی و زبان برخی از متون کهن پارسی را بدست می‌دهند و می‌توانند در بازسازی دستور زبان فارسی الهام بخش باشند.

باری، این کتاب با همهٔ رنجی که در فراهم‌آوردن آن برده شده است، کوششی است ناچیز که به‌دوستداران ادب وزبان پارسی تقدیم می‌گردد.

***

از دوستان قدیم خود در مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران، آقای دکتر داریوش فاتحی سرپرست مؤسسه وآقای کریم اصفهانیان معاون‌دانشور و دوست

مهربانم که به پیمردی آنان چاپ این کار پایان پذیرفت کمال سپاس را دارم.

از محبت‌های آقایان شهامت دوست وزنجانی ، مدیران هنرسند کارگاه‌های چاپ و بویژه از آقای ابری حروف چین بیمانند مؤسسه که کار حروف چینی وی تقریباً تصحیحی در پی ندارد سپاسگزارم واگر هنر ومهارت اینان نبود ، این کار بدین پاکیزگی از چاپ بیرون نمی‌آمد .

بهرام فره‌وشی

تهران، مهرماه سال ۱۳۵۸ خورشیدی

پیشگفتار

پس از نگارش فرهنگ پهلوی که شش سال پیش در سال ۱۳۴۶ خورشیدی انتشار یافت برآن بودم که بخش دوم این مجموعه را که شامل فرهنگ‌نامهٔ فارسی به پهلوی است فهرست‌وار فراهم آورم. ولی بعدها که فراغتی حاصل شد بهتر دانستم که آنرا بصورت کتابی جداگانه آماده سازم تا جوینده را نیازی به فرهنگ پهلوی نباشد مگر در پژوهش‌های ژرف‌تر. ازاینرو اصل واژه‌های پهلوی در برابر واژه‌های فارسی نهاده شد ودفتری جداگانه فراهم آمد.

این مجموعه بخش سومی هم خواهدداشت وآن فهرست کلمات پهلوی به خط پهلوی است که بکار کسانی خواهدآمد که ازاصل متون پهلوی سود خواهند جست.

اکنون که شش سال از انتشار فرهنگ پهلوی میگذرد، من خود بیش از همه به کم و کاست آن آگاهم و چون این فرهنگ برپایهٔ کتاب پیشین من «فرهنگ پهلوی» فراهم آمده است ازاینرو این یک نیز بی کم و کاست نتواند بودواگر درعرضه کردن آن دلیری کرده‌ام بیشتر به‌لطف ومهربانی دوستان و دانشجویانی که خواستار آن بوده‌اند دلگرم بوده‌ام و نیز همیشه بیاد گفته استاد فرزانهٔ روانشاد پورداود هستم که میگفت «زمانه درگذراست و زندگی ناپایدار وکاری که کرده می‌شود اگر در همان سال‌های نخست عرضه نگردد، گاه هرگز عرضه نخواهد گشت و برگ‌های یک کتاب چاپ نشده، پس از مرگ آدمی از دکان عطاری برای پیچیدن دارو سر در خواهد آورد».

آرزوی من اینست که این کار سترگ که خود به تنهائی سندی گرانبها از فرهنگ مردم ایرانزمین است پایان پذیرد ومجموعه‌ای از واژه‌های پهلوی بجای مانده، فراهم گردد.

برای دانشورانی که ازاین فرهنگنامه سود خواهند جست یادآوری نکاتی چند را لازم میداند:

۱- چون این واژه‌نامه بربنیاد فرهنگ پهلوی سامان یافته است ، اگر در آن نارسائی‌هائی وجود داشته باشد بایستی به فرهنگ پهلوی نگاه کرد تا معنی خاص واژه روشن شود .

۲- گاهی واژه‌های نامأنوسی بویژه دراسم مصدرها وترکیب‌های مجرد بکاررفته است وآوردن این واژه‌ها که گاه دربرخی ازگویش‌های فارسی نیزبجای مانده‌اند برای نمودن آن دسته ازواژه‌های فارسی است که بزندگی خود ادامه نداده‌اند .

۳- دربرخی موارد، واژه‌های پهلوی شکل‌های گوناگون دارند وآن ازاینروست که کلمات به‌شکل‌ها وتلفظ‌های گوناگون توسط دانشمندان مختلف خوانده شده‌اند ویادرسیر تحولی خودبه اشکال گوناگون کهن‌تر وجدیدتر در آمده‌اند .

٤- درآوانویسی کلمات پهلوی ازشیوه و روش استادان پهلوی‌شناس برجسته چون استاد «نوبرگ» ازسوئد و «دومناش» و «بنونیست» و «موله» از فرانسه و «زنر» و «بیلی» ازانگلستان و «بارتولومه» و «مارکوارت» و «هوبشمن» و «یوستی» و «یونکر» ازآلمان و «دابر» و «کاپادیا» و «مودی» و «سنجانا» و «کانگا» ازهند، پیروی شده‌است .

٥- پیشی وپسی واژه‌های پهلوی که در برابر یک واژه فارسی آمده‌اند تا اندازه‌ای نمودار درجهٔ پیوستگی مفهوم آن واژه‌ها با واژهٔ فارسی است .

* * *

درپایان ناگفته نگذارم که اگر کوشش خستگی‌ناپذیر همسرم «هما» که‌سالی‌چند، چندین هزار برگهٔ واژه‌هارا فراهم ویآنها نظم وسامان‌داد، نمی‌بود، این فرهنگ هرگز پدید نمی‌آمد. ازکوشش ومهربانی ودقت وشکیبایی اوسپاس بسیار دارم .

بهرام فره‌وشی

اسفندماه ۱۳۵۲

آ

آب	āp
آباد	āpāt
آبادان	āpātān
آبادان کردن	āpātān kartan āpātānēnītan frāxvēnītan
آبادانه	āpātīhā
آبادانی	āpātānīh xvāwargarīh xvāpargarīh āpātīhōmand (دارای آبادانی)
آبادکنندهٔ کشور	dēh frāxvēnītār
آبادگر	fšōnišnōmand
آبادی	āpātīh
آبادی مند (دارای آبادی)	āpātīhōmand
آبان (نام ماه)	āpān māh
آبان روز (نام روز)	āpān rōč
آب تقدیس شده	zōhr parāhōm
آب‌تنی	šnāyašnīkīh
آب تیره	xšēn
آبجو	vašk
آب جوی	paršak
آب چشم	xvētīh
آب خوار	āpxvār
آب‌خور (نگ. آبشخوار)	āp-xvar
آب‌دار	āpōmand
آبدان	āpdān
آب دهان (خیو)	xayūk tuf
آب راکد	armēšt

آبرودار	hū-āp
آبریز (ابریق)	āprēč
آب زیرزمینی (نگ. قنات)	nikun āp
آبساری	āpsārīk
آبستن	āpus āpustan burtār pusōmand tanburtār varōmand zahakōmand
آبستن شدن	āpusēnītan hambavēnītan
آبستن موجوداهریمنی بودن	hunušakēnītan višūtan
آبستن کردن	āpusēnītan gawr kartan vušn kartan
آبستن (زنی که نخستین بار آبستن میشود)	ēvak bār
آبستنی	āpusīh āpustīh āpustanīh burtīh
آب سرشت	āp-čihrak
آبشخوار	āpxvar
آب قنات	paršak
آبکامه (نوعی غذا)	āp-kāmak
آبکی	āpīh
آب گردان	kafč
آب گوهر	āp-čihrak
آب گیاه	āp-i tan tuxmak
آبگیر	varm
آبگینه (نگ. شیشه)	āpakēnak āpgēnak
آبگینه‌ای	āpakēnakēn āpgēnakēn
آبله	āpilak
آب مقدس	zōhr zōhrak
آبمند (آبدار)	āpōmand
آب میوه	vašk
آبنوس	āpnūs šēz
آبی	āpīh āpīk (آبکی، منسوب به‌آب)
آبیاری کردن	xvārēnītan
آبی تیره	xašēn
آبی رنگ	kapōt (کبود)
آبی که بادست روی چیزی پاشند	pašanǰak
آتش	ātaš ātaxš ātar ātarōk ātur
آتش آتشکده‌ها	brizisvang

آتش آسمانی	spēništ
آتش افروز	ātaxš vazēnītār
آتش‌بانی (نگاهداری ومراقبت آتش بوسیله پیشوای دینی)	ātarvaxšīh
آتش بهرام	ātaxš i vāhrāmān ātaxš i varhrān ātaxš i vahrām varahrām varahrān
آتش بی‌خورش (همیشه سوز)	ātaxš i axvarišnīk
آتش پرمکر (آتشکده)	ātaxš i parmkar
آتش تخمه	ātaxš tōhmak
آتش تن	āsro-karp
آتشدان (ظرف آتش)	duwrak
آتش زدگی	āsēpišn
آتش زدن	āsiftan
آتش شکل	āsro-karp
آتشکده	dātgās mān i ātaxšān gumbat
آتشکدهٔ برزین‌مهر	ātur burzēn-mitr
آتشکدهٔ بزرگ شهر	ātaxš i vahrām
آتشکدهٔ فرنبغ	ātur farnbaγ ātur farrobag
آتشکدهٔ کرکوی	ātur karkōi ātaxš i karkōi
آتشکدهٔ گشنسپ	ātur gušnasp
آتشکدهٔ ورت‌آستر (در بلخ)	vartāstar
آتشکده‌ها	āturān
آتشگاه	ātaxš-gās āturgās mān i ātaxšān
آتش مقدس کوچک	ātarōk
آتش موبدان	ātur farrobāg
آتش نیایش	ātaxš niyāyišn
آتش‌ها	āturān
آتش همیشه سوز	hamēšak sōč
آتشی	ātaxšīk
آتشی که برای افروختن بکاربرند	vāzišt
آتشی که خود بخود و بی‌هیزم بسوزد	ātaxš i axvarišnīk
آتشی‌که‌درمردم‌وچارپایان‌است	vēh franaftār
آتشی که درگیاهان نهفته است	urvāzišt
آتشی که همیشه فروزان است	hamafrōk
آتورداد (نام خاص)	āturdāt
آتویان (نام خاندانی)	ātviyān
آجودان	hamharz
آختن	axtan
آخر	afdom afdomīh
آخرالامر	pas-ič
آخر بودگی (انتها)	apdomīh
آخرت (معتقدبودن‌به‌آخرت)	huhamārīh

آخری
avdom
afdom

آخرین
avdom
apdom
pasēn

آخرین گاهانبار
hamaspatmaidēm

آخور
āxvar
gō-band
aspistān

آخورسالار
āxvar sardār

آداب مذهبی
kartak
kartakān
nīrang

آدم
mašya
mašā
mahrē
malhā
mihrē
mitrē

آدمخوار
mart ōpār

آدم کش
awzatār
gadōk

آدم نخستین
gayōmart
gayyōmart

آدمیان
dōpādān/yān

آذر
ātar

آذرباد (نام خاص)
āturpāt

آذربایجان
āturpātakān

آذربرزین‌مهر (آتشکده)
burzēn mitr

آذربنده (نام خاص)
ātur bandak

آذرخش
virōzāk

آذرسوز
ātur sōč

آذرشکل
āsro-karp

آذرفرنبغ
ātur farrobāg

آذرکاتکان (آتشکده)
ātur i kātakān

آذرگاه
āturgās

آذرگشسپ (آتشکده)
ātur gušnasp

آذرگونه
ātur gōnak

آذرماه
ātur māh

آذوقه
tūšak
pihan
pihn
pit
hanbār (آذوقهٔ انبارشده)

آراستارانه
ārāstārīhā

آراستاری
ārāstārīh

آراستگی
ārāstakīh
rāδēnākīh/rāy ~
rāδēnītārīh/ rāy~
rāδēnišn/ rāy~
rāδēnišnīh/ rāy~
rāžēnišn
vērāyišn

آراستن	ārāstan
	vināristan
	rāδēnītan/ rāy~
	rāžēnītan
آراسته	ārāstak
	pēsit
	pēšit
	pistak
	rāδēnāk/ rāy~
	rāδēnišnīk/ rāy~
آراسپ (نام‌خاص)	ārāspē
آراستی (نام خاص)	ārāsti
آرام	āram
	rām
	rāmēnīt
	rāmišnīk
	tōšīt
	tušt
	tušn
آرام بودن	rāmistan
آرامش	astartakīh
	drōt
	xvāhragīh
	vētvarīh
آرامش دهنده	rāmišn dātār
آرامش روح	axvīkīh
آرامش فکر	āsān mēnišnīh
آرام شدن	rāmīhastan
آرام شده	rāmēnīt
آرامش یافتن	rāmīhastan
آرام کردن	hūkārītan
	rāmēnītan
آرامگاه	ǰānakān
آرای	ārāδ/y
آرایش	ārāyišn
	pēsišn
آرایش شده	ārāstak
	pēsīt
	pēsītak
آرایش کردن	pēsītan
	azrāyītan
آرایشگر	hūčihrgar
آراینده	ārāstār
	ārāy
	ārāδ
	vīrāy
آرد	ārd
	ārt
	ārtak
	pist
	past
آرد سرخ کرده	pist
آرد کردن	ārtan
آرزو	ārzōk
	kām
	kāmak

	apāyast
	žah
	xvāstārīh
	xvāsišn
آرزوداشتن	ayyastan
آرزوکردن	ayyastan
آرزومند	xvāstār
	xvāδišnōmand
آرزومند پیوستگی بادیوان	dēv ayyās
ارزوی فرمانروایی	xvatāy kāmakīh
آرشیو سلطنتی	dēž i nipišt
آرمیدن	āramītan
آرنج	āranǰ
آرواره	ērvārak
	zanūk
آریائی	ēr
آز	āz
	rusdīh
آزاد	āzāt
	harzak
	pargut
	rastak
	kām zīvišn
آزاد چهره	āzāt čihrak
آزاد شدن	rastan
آزادشدن از قید	parēxtan
آزاد فکرمذهبی	varanīk
آزادکام (سخت)	āzāt-kām
آزادکامی (اختیار)	āzāt-kāmih
آزادکرداری	āzāt-kartārīh
آزادکردن	višātan
آزادگان	āzātakān
آزادگی	āzātakīh
آزاد مردان	āzāt martān
آزادمردی	āzāt martīh
آزادمنش	rāt
آزاده	āzātak
	asnōtak
	apar mānīk
آزادهٔ پارسی	pārs āzāt
آزاده نژاد	āzāt čihrak
آزاده سکائی	sak āzāt
آزادی	āzātīh
	pardāzišn
آزادیخواه	āzātīh kar
آزادیگر	āzātīh kar
آزادی گفتن	āzātīh guftan
آزار	āzār
	āzarm
	bēš
	bēšīh
	bēšišn
	vēšišn
	bēšišnīh

dastak
gazand
rānakīh
stahm
tarvēnišnīh
zanišn

آزاردهنده rānakīh dātār
tarvēnišn
vizand kartār

آزار رسانیدن zatan

آزارش (رنج ، صدمه) āzārišn

آزارشدن tapāhītan

آزارشده xrōstak

آزارکردن āzārtan
āzārītan
bēšītan
bištan
rānakēnītan
tapāhēnītan
tarvēnītan
xrōsītan
vināsītan

آزارکننده āzārtār
bēšītār
tapāhēnītār
tarvēnītār

آزارگر bēšītār
vizandkār
vizandgar

آزاری که درسه‌شب پس‌ازمرگ تحمل میشود stōš

آزردگی dartīh
dušrāmīh
patiyārakōmandīh

آزردن āzārtan
āzartan
āzārītan

آزرده dušrām
dušrāmišn
vitang
patiyārakōmand

آزرده دل mustgar

آزرده دلی mustgarīh

آزرم āzarm
āzarmīh
āzarmišn
hušarmīh

آزرمی āzarmīk

آزرمی بودن āzarmīkīh

آزطبعی āz čihr patišīh

آزکامگی āz kāmakīh

آزکامه āz kāmak

آزکامی (داشتن تمایل مفرط بچیزی) āz kāmīh

آزگمراه کننده varan i arāh

آزمایش āzmāyišn
ōzmāyišn
ūzmāyišn

آزمایش ایزدی var

آزمایش ایزدی (برای مبراشدن از گناه)	mas kār
	mahist kār
آزمایش رنج آور	stōš
آزمایشی	uzmāyišnīk
آزمند	varanīk
آزمند بودن	āz kāmakīh
آزمندی	varanīh
	varanīkīh
آزمودن	āzmūtan
	ōzmūtan
	uzmūtan
	nikīrītan
	nikīrišn
	pasāxtan
آزموده	āzmūtak
	ōzmūtak
	ūzmūtak
	kart-kār
	vartak
آزمون	pasāxt
آزور	āzvar
آزورانه	āzvarīhā
آزوری	āzvarīh
آسان	āsān
	xvār
	xvārak
	hugar
	sapūk
آسان‌تر	xvārtar
آسان‌ترین	xvārtōm
آسانی	āsānīh
آسانی‌دهنده	āsānīh dātār
آسایش	āsāyišn
	hanbārīh
	xūbīh
	xvārīh
	xvārakīh
آسایش دادن	āsānēnītan
آسایش تام وهمیشگی	hamāk xvārīh
آسایش کامل	pur āsānīh
آساییدن	āsāyītan
آسپیکان (نام خاندانی)	āspīkān
آستانه (جای خواب وآرامش)	āstānak
آستانهٔ در	dargāh
آسمان	asmān
	spihr
	sag
	sak
آسمان دوم	spihr i axtarān
آسمان‌روز (روزبیست‌وهفتم)	āsmān rōč
آسمانی	mēnōkīk
	mēnōyīk
	mēnōkīh
آسمانی بودن	garōtmānīkīh

آسودگی باطن	kāmak axvīh
آسودن	āsūtan āsānēnītan
آسوده	āsānīhōmand
آسوده زیستن	xvār ziyišnīh
آسورستان	āsūristān
آسوری	āsūrīk asūrāyīk
آسیاب	āsyāw āsyāy āsiyāp āsiyā
آسیاب دستی	āsyāy pat dast
آسیاب کردن	ārtan
آسیای صغیر	hrōm
آسیب	āk ziyān ziyānīh vināstārīh vizūtakīh vizūtārīh āzarm xvar
آسیب رساندن	zanēnītan vināsītan
آسیب رساننده	vizūtār
آسیب زدن	zīnītan xastan vizāstan
آسیب واردآوردن	zanēnītan
آش	āš
آش (نوعی آش)	kāmak
آش ماست	spēt pāk
آشامیدن	xvartan xvārtan xvārītan xvārišn
آشامیدن (اهریمنی)	žūyišn
آشپز	pāk
آشتی	āštīh āšt āštakīh
آشتی‌خواهی	āšt-xvāhīh
آشتی‌دهنده	āštīh dātār
آشفتاری	āšōftārīh
آشفتگی	āšōftārīh āšōp višōpišn viškōw vōīk
آشفتن	āšōftan āšōptan šuftan

višuftan
višōpēnītan

آشفته
višōftak
višuft

آشفته کاری
višuft kārīh

آشفته کردن
āšōftan
višōpēnītan

آشفته کننده
višōp

آشکار
āškārak
paitāk
pētāk
pat dīt
frāč pētāk
pētākēnītak
čašm dīt
čašm kās
čašmakās
rōšnak
rōšnāk
vēnaft
nikērišnīk
čihr
daxšak
nišak
tāšt

آشکارانه
āškārīhā

آشکارایی
daxšakōmandīh

آشکار شدن
pētākīhastan

آشکار ساختن
pētākēnītan
ō pētākīh āwartan

آشکار کردن
pētākēnītan
āškārākēnītan

آشکار کنندگی
āškārākēnītārīh

آشکار کننده
āškārākēnītār
daxšakēnītār

آشکار کنندهٔ کلام ایزدی
mānsrdōbāk

آشکاری
āškārakīh
āškārīh
pētākīh
paitākīh
dītārīh
nikēž

آشموغ (بی‌دین)
āšmōk
ahramōg

آشنا
āšnāk
āšnā

آشوب
āšōp

آشوبگر
višuftār

آشوری
āsūrīk
asūrāyīk

آشیان
āšyān

آشیانه
āšyān

آغاز
sar
sārēnišn
patisār

	fratōmīh
	bunīh
	nazdist
آغاز جنگجویی	bun artīk
آغاز کردن	frakānēnītan
	nivinn-
	sārēnītan
آغشته	āgištak
آغل	āōstān
	pahast
	pahastān
آفتاب	āftāp
	xvar
آفریدگار	āfrītkār
	āfrītār
	brinōmand
آفریدگاری	āfrītārīh
	dahišnīh
آفریدگان آغاز خلقت	bundahišnān
آفریدگان نیک ایزدی	dāmān
آفریدگی	dahišnīh
	dātīh
آفریدن	āfrītan
	dātan
	frāč kartan
	karītan
	kirrēnītan
	tāštan
	tāšītan
آفریده	āfrītak
	dāmak
	dahišn
آفریدهٔ ایزدی	dām
آفریدهٔ بد	dušdahāk
	dušdām
آفریدهٔ خوب	hūdām
	hūdahak
آفریده شدگی	dātīh
آفریده شده	tāšīt
آفریده شده بخودی‌خود	xvadāt
آفریده مینوی	mēnōg dahišn
آفریدهٔ نخستین	fratom dām
آفریدهٔ هرمزد	ōhrmazd-dāt
آفرین	āfrīn
آفرین کننده	āfrīn kartār
آفرین گفتن	āfrīnītan
آفرین گوئی	āfrīn gōwišnīh
آفرینش (منسوب‌به‌آفرینش)	dahišnīk
	dahišnīh
	dām
	tāšišnīh
آفرینش نژاد	čitr dāt
آفرینش گیتی	gētīk dahišnīh
آفرینش نخستین	bundahišn
	bundahišnīh
	bunē-dātīh

آفرینش همهٔ جهان hamāk dahišnīh

آفریننده brīnkar
day
karrēnītār

آفرین پرهیزکاران (دعا) dahmān āfrīn

آقائی patīh

آک (بدی، درد) āk

آگاه ākās
čašmkās
azd

آگاهانه ākāsīhā

آگاه به‌امور دینی dēn ākās

آگاهبد(بزرگ‌آگاهان،دانشمندبزرگ) ākāspat

آگاه به‌همه‌چیز harvisp ākās

آگاه شدن azd matan

آگاه‌کار (مطلع) ākās kār

آگاه‌کردن ākāsēnītan
dānākēnītan
čihēnītan
azd kartan

آگاهی ākāsīh

آگاهی بد dušākāsīh

آگاهی برعلوم dānišn šnāsīh

آگاهی جهانی vispākāsīh

آگاهی کامل bavandak ākāsīh

آگاهی که ازسوی وهومن بانسان داده شود
vohuman ākās dahišnīh

آگندن ākantan

آگهی frāč nivēdišnīh

آلات و افزار جنگی zēn afzār

آلاله ālālak

آلت afzār
afčār
zāy

آلت تناسلی zahār

آلت رجولیت kīr
kēr

آلت شکنجه škēnǰak

آلت موسیقی (نوعی‌آلت‌موسیقی) šīšak

آلت موسیقی زهی rōt

آلو ālag

آلودگی ālūtakīh
āhōkēnišn
hēxar
hixr
rīmanīkīh
nasuš
nasruštīh
patvēšak
mutrišn

آلودگی به‌چیز ناپاك hixrīh

آلودن ālūtan
āstārēnītan

آلوده	ālūt
	āhōkēnāk
	hamrēt
	nasrušt
	patvēšakōmand
آلوده (براثر تماس باجسم‌مرده)	nasāōmand
آلوده کردن	āhōkēnītan
آلوده کننده	āhōkēnītār
آماده	pasačak
آمار	āmār
	āmārišnīh
آماردار (محاسب)	āmārēnītār
آمارش	āmārišn
آمار کردن	āmārēnītan
آمارگر	amargar
	āmārgar
آمار گرفتن	āmārtan
آمار نکردنی	anāmārišnīk
آماری	āmārīk
آمادگی	rāδēnišn
	rāyēnišn
	sāxtārīh
	vēnārišn
	vīrāstārīh
آماده شده	pasīǰak
	sāxtak
	puxtak
آماده کردن	pasāxtan
	sāxtan
	patrāstan
	pazāftan
	sēčītan
	vēnārtan
	vīrāstan
	pērāyēnītan
آماده کردن اسبان	āyōxtan
آماده کنندگی	ārāstārīh
	vīrāstārīh
آماده کننده	ārāstār
آمدگی	matārīh
آمدن	āmatan
	matan
	frāč matan (فرازآمدن)
	frāč matan (ناگهان‌آمدن)
	rasītan
	āsītan
	rasišn
	āvarītan
	āyišnīh
	awyastan
	matārīh
	apar āmatan (برآمدن)
آمر	framān pat
	framātār
	kāmak hanǰām
آمر بودگی	framānīh

آمرزش	āmurzišn
آمرزش خوب	huāmurzītārīh
آمرزش‌مند(آمرزیده‌شده)	āmurzišnōmand
آمرزنده	āmurzītār
آمرزیداری	āmurzītārīh
آمرزیدگی	āmurzītārīh bōžišn
آمرزیدن	āmurzītan
آمرزیده	pur bōžišn buxtak
آمرزیده شدن	bōžītan
آمرزیده شده	hūfravart
آموخت	čāšt
آموختار	āmōxtār hamōxtār
آموختگی	frahaxtīh frahangīkīh
آموختن	āmōxtan hamōxtan ōmūxtan frahaxtan frahang kartan čāšītan vičistan xratēnītan
آموخته	āmōxtak frahaxt frahangīk
آمودریا	ōšān
آموز	hamōk
آموزانیدن	āmōzānītan āmōžānītan dānēnītan
آموزش	āmōžišn hamōzišn āmōxtišn āmōxtišnīh čāšišn čāšišnīh
آموزش بد	duš āmōzišn
آموزشگاه	frahangistān
آموزش نیک که ازسوی فرشته بهمن داده می‌شود	vōhuman āmōxtišn
آموزشی	čāšišnīk
آموزش یافته	frahangīk
آموزگار	āmōžkār hamōzkār āmōxtār
آموزگاری	āmōžkārīh āmōxtārīh
آموزندگی	čāšišn
آموزنده	āmōžāk čāšītār hamōxtār frahang pat
آموزندهٔ بدی	dušīh āmōxtār

آموزندهٔ زند	zand čāšītār
آمیختگی	gumēčakīh
	hamkarčakīh
آمیختگی با بدی	vat āmēčišnīh
آمیختن	āmēxtan
	gumēxtan
	vīmēxtan
	apyōxtan
	hārēftan
	srištan
	šēp-
آمیختنی	gumēčišnīk
آمیخته	gumēčakōmand
	āmēxtak
	āmēz
	gumēk
	gumēxtak
	gumēčak
	apar gumēxt
	hamkarčak
	barhamak
	yumāk
آمیز (نوعی خوراك مخلوط)	āmēč/z
آمیزش	āmēzišn
	āmēčišnīh
	gumēzišn
	gumēčišn
	gumēčišnīh
	gumēčakīh
	hamvimēžišnīh
آمیزش کردن (مقاربت)	tan vīmēxtan
آن (ضمیر)	hān
	hō
آن‌نیز که	hān-ič i
آن (پسوند جمع)	-ān
آن (لحظه)	tak zamān
آنا	pat gēvāk(برجای)
آنان (ایشان)	ōišān
آنجا	ōd
	ānōd
آنجا که	kū
آنچه‌هم	čēkāmič
آنسوی	tar
	tarist
	avarōn
آنسویی	tarīh
آنطور	ōγōn
آنقدر	and
	hand
	andčand
آنگاه	adak
آنگونه	ōγōn
آنوقت	adak
آنها	ušān
	ōišān

آواره	ēvārak kārdāk viyāpānīk
آواز	āvāz ēvāč srōt vāčīk
آواز بلند	vāng
	burz vāngīhā (باآوازبلند)
آواز خواندن	srūtan
آوازه	āvāzak nām nāmakīh nāmīkīh nang
آوازه داشتن	ēvāčīkīh
آوردار (آورنده)	āwurtār apurtār
آوردگی	āwarišn barišn āpurišnīh
آوردن	āpurtan āwurtān āwartan āwarītan ānītan vāzēnītan ōnītan
	apākēnītan (باهم‌آوردن)
آورش	āpurišn āwarišn
آورشی	āpurišnīh
آورنده	āpurtār apurtār āwurtār burtār āpurāk
آوشن (گیاه)	awišan
آویختن	āvīxtan ākustan
آویخته	ākust ākustak
آویزان	ākust
آویشن (گیاه)	awišan
آهک (ساروج)	čārūk
آه کشیدن	xvāsišn
آهکی	čārūkēn
آهن	āhan āhēn āsan āsēn
آهنجشی	āhanǰišnīh
آهنجیدن	āhanǰītan
آهن درخشان	xvēn āhēn (خماهن)

آهن شعله‌ور xvēn āhēn
xvēn āsēn
xvan āsēn

آهنکار āsinkar
āsingar

آهنگ āhang

آهنگ (درموسیقی) vāčīk
nivāk

آهنگ خوش huniyāk

آهن گداخته āsēn vitaxt
xvēn āhēn

آهنگر āhankār
āhangar
āsinkar
āsingar
pōlāwt patkar

آهنگری āhangarīh

آهن مذاب xvēn āhēn

آهنین āhēnēn
āsēnēn

آهو (عیب) āhōk
āhūk

آهو (غزال) āhūk

آهوگین (ناپاک) āhōkēn

آهوگین کردن āhōkēnītan

آهیختن āhixtan
āhanǰītan

آیا hakar

آیش (عمل آمدن) āyišn

آیفت (مراد، حاجت) āyaft

آیندگی matārīh

آینده (کسی که می‌آید) matār

آیین advēn
advēnak
āyēnak

آیین آفرینگان āfrīngān

آیین مزدک mazdakīh

آیین اورمزدی ōhrmazd dātīh

آیینه advēnak
āyēnak
gēn

hamākīhā ēstišn
hamāk rawišnīh
hamē rawišnīh

ابر
abr
awr
mēγ
miharg
dūt (دود، ابر)
maznāh
snōd
nazm (ابرمتراکم)
zafā

ابر (بالای)
apar
awar

ابراهیم (نام خاص)
awrāhim
awrāhām

/ با (با)
apāk

ابتدا
fratōm
bun
patīsār
nazdist

ابتدائی
naxun
frahistīh

ابد
apat

ابداً
katārčē
hambun-ič

ابداع
nihišn

ابدی
hamēšakīh
hamēīk
akanārak zamān

ابدیت
akarānak zamānīh
hamāyīkīh
hamē būtīh

ابر بارانده	zahāk
	snōdān
ابرپایه (یکی از پایگاه‌های آسمان)	awrpāyak
ابردار	awrōmand
	abrōmand
ابرشهر (شهرنیشابور)	aparōk šatr
	apar šatr
ابرمند (دارای ابر)	abrōmand
	awrōmand
ابرو	bravad
	brūy
	brūk
	brūk tāk (طاق ابرو)
ابریشم	aprēšom
	aprēšam
	tarāz
ابریشم خام (ابریشم کج)	kač
ابریشمین	aprēšamēn
ابزار	afzār
	afčār
ابزار جنگی	zēn
ابله	asištak
ابلهانه	halakīhā
	sturtakīhā
ابلهانه رفتار کردن	halak kārīh
ابله رفتار	halak kunišn
ابلهی	halakīh
ابن‌الوقت بودن	ōvām mēnišnīh
ابهام	mūtakīh
	startakīh
	startīh
	varōmandīh
اپرسن (کوه)	aparsēn
اپرگ (نام خاص)	aparag
اپروک (نام خاص)	aparōk
اپروک‌شهر (شهر)	aparōk šatr
اپرویز (پرویز = پیروزمند)	aparvēč
اتاق	katak
اتحاد	ēvakīh
	ēvīh
	ēv kartakīh
	hamīh
	hamahīh
	hamīkīh
	āyōǰ
	āyōǰišn
	ērmānīh
	patišīh
	patvand
اتحاد نیرو	ēv zōrīh
اتصال	hambandišn
	hambandišnīh
	hambandīh
	patvastārīh
	āyōǰ

اتفاق افتادن	andāxtan
	handāxtan
	ētōnīhītan
	ōftātan
	rasītan
	matan
اتکاء بخود	xvatātīh
اتمام	passāxt
اتهام	pēšēmārīh
	pēšimārīh
	ērang
اثاث البیت	mānak
اثر	sūtārīh
اجاره‌بها	mōzd
	mizd
اجازه	parvānakīh
اجازه‌دادن	hištan
اجازهٔ عبور	parvānak
اجاق	barēǰ
	brēzan
اجاق گلی	kalak
اجبار	parēčvānīk
	frēčpānīh
	frēčvānīh
	ōvām
	frēč
اجباری	frēčpānīk
	parēčvānīk
اجباری کردن	frēčvānītan
اجتماع	hanǰaman
اجتماع بزرگ	harvisp hamrasišnīh
اجتناب	pahrēč
	pahrēčišn
	anāyišn
	aparod
	anāpišn
بطریق اجتناب	pahrēxtakīhā
اجتناب پذیر	vičīrišnīk
اجتناب کردن	pahrēxtan
	vičīristan
	par būtan
اجتناب ناپذیر	apēčār
	avičīrišnīk
اجداد	niyākān
اجر	mizd
	mozd
	pāt dāšn
	pāt dahišn
	nīrmat
اجرا	kunišnīh
	rawākīh
	pat kār dāštan
	hangartīkīh
اجرا شده	pasaxtak
اجرا کردن	pasāxtan
	andar kartan
	hangartēnītan

varzītan
pat kartak āwurtan

اجرا کننده vičār
kunišn varz

اجرای کارنیک hūvaršt kunišnīh

اجر دادن pātdāšnēnītan

اجر دار pātdāšnōmand

اجر دهنده pātdāšnēnītār

احاطه‌شدگی parvandišn
pēčītakīh

احاطه شده parvast
parvastak
pēčītak
parčīnōmand

احاطه کردن parvastan
kustan
xanǰistan

احاطه کننده vartēn

احتراز vartišn

احترام āzarm
āzarmīh
āzarmišn
pās
pāsdārīh
spās
šnāyišn
šnāyītārīh
burzēnākīh
dōšārm
dušārm
dōšārmīh
dōšišn
franāmišnīh
hūškōhīh
nivāxtakīh
šnāyēnītārīh
tarsakāsīh
tarsišn

احترام کردن franāmītan
stāyēnītan
šnāsītan
šnāyītan
šnāyēnītan
yaštan
vandītan
parastītan
parastātan
arzānīk (قابل احترام)

احترام کردن به پیشوای مذهبی rat franāmišnīh

احتوا fravastakīh

احتیاج niyāz
niyāzak
niyāzakīh
niyāzīh
nivāzišn
niyāzōmandīh
apāyast
tangīh

احدی نیز kas-ič

احساس sōhišn
šnāsak
mārišn
mārišnōmand (قابل احساس)

احساس کردن snahītan
sōhistan

احساس کردنی mārišnōmand

احسان āyaft
xvāpargarīh

احضار xvānišn
vāčāfrāh

احضار کردن frāč xvāntan

احقاق حق dātistānōmandīh

احمق halak
asištak
dōš
dušākās

اختر axtar
stār
stārak
gad

اختراع nihišn

اختر شمار axtar-mar
axtar-āmār
kandāk
kundākīh

اختر شماری axtar-mārīh
axtarāmārīh

اختر شناس star ōšmur
star ōšmār

اختری axtarīk

اختصار hangirtīh

اختصاص دادن xvēšēnītan

اختصاصی vāspuhrakānīh

اختفا nihān
nihuftakīh
mānīh

اختلاس کننده nikīrāy

اختلاط āmēč
āmēzišn
āmēxtan
gumēčakīh
gumēčišn
gumēčišnīh
hamgōmīh

اختلاف yutarīh
ayōjišnīh
anayuxtakīh
patyārakīh

اختلاف عقیده yut dātistānīh

اخته شده vizuxtak

اختیار āzāt-kāmīh

اختیاری kāmakīk

اخراج rānakīh
uzdēhīkīh
pazdakīh

اخراج کردن — hištan, pazdēnītan

اخطار — daxšak, daxšakīh

اخطار قانونی — kartak

اخطار قبلی — frāč daxšakīh

اخطار کردن — kartan

اخگر — xvarg, xurag, xurg

اداره — dīwān

اداره کردن — rāyēnīhītan, rāyēnītārīh, rāyēnītan, vinārtan, framūtan

اداره کننده — vinārtār

اداره کنندهٔ کشور — kišvar vīrāy

ادا کردن — tōxtan, vāčišn, dranǰēnītan, vičārtan (ادای وظیفه), vāčītan (ادا کردن سخن)

ادا کننده — tūxtār

ادامه — drang, dirang, pattāyišn, patvandišnīh

ادامه دادن — kašītan

ادامه داشتن — pāyītan, patāyītan, patūtan

ادامه یافتن — pattūtan

ادای احترام — franāmišn

ادای سخن — gōwišnīh

ادای شکر — niyāyišnīh

ادای قرض — tūxtan, tūzišn

ادب — čarpīh, čarp zuwānīh, huēvāčīh

ادبیات — xūp nipēk

ادرار — čamiš, čamišk, čamišn, mīzišn, mēzišn, mēšak

ادرار کردگی — mīzišnīh

ادرار کردن — mēzītan, pēšārvār kartan

ادراری — mīzišnīk

ادراک — mārišn

ادسا (شهر) — ōryā

ادعا — pēšimārīh

ادویه طعام	afzār
اذیت	rānakīh
اذیت کردن	rānakēnītan
	xastan
	raxtan
ارابه	rah
	ras
	vartiyun
	āyōǰ
ارابه جنگی	ray
ارابه چهاراسبه	čahār āyōǰišn
ارابه‌ران	āyōxtār
	vartēn dār
ارابه‌رانی	artēštārīh
اراده	kām
	kāmak
	kāmišn
	nikēžišn
	axv
ارادی	axvīk
	kāmīk
	kāmakīk
ارائه	nikēžišn
	nikēžišnīh
ارائه حکم	nikēžītan
ارائه دادن	nikēžītan
	nikēxtan
	fravārtan

ارباب بودن	dēhūkānīh
ارت (نام روز)	art
ارتباط پدر وفرزندی	pusarīh
ارتداد	apāč stāyistan
ارتشتاران سردار	artištārān sardār
ارتشتاری	ratēštārīh
ارتشی (نظامی)	artēštār
ارتفاع	bālist
	masāi
ارث	aparmānd
	rēxn
ارج	arǰ
	arž
	varǰ
ارجاسپ (نام خاص)	arǰāsp
ارجدرش (نام خاص)	harkitāršn
ارجمند	arǰōmand
	arzōmand
	arzānīk
	āzarmīk
	garāmīk
ارجمندان	arzānīkān
ارجمندانه	garāmīkīhā
ارجمند داشتن	garāmīkēnītan
ارجمندی	arǰōmandīh
	arzānīh

garāmīkīh
hunarōmandīh

اردافرور — artāy fravart
artā fravart

اردشیر (نام خاص) — artaxšēr
artaxšatr

اردشیران (گیاه) — artašīrān

اردشیرخره (شهر) — artaxšēr xvarrah

اردوان (نام خاص) — ardavān
artavān

ارداویراز (نام خاص) — artāy virāz

ارداویراف (نام خاص) — artāy vīrāf

اردو زدن — nišastan

اردوش (درجه‌ای ازگناه) — arduš

اردوگاه — bunak

اردویسور (اناهیت) — ardavisūr

اردوی شاهی — kai gāh

اردی‌بهشت — artavahišt
ašavahišt
urtvahišt

اردی‌بهشت‌ماه — urtvahišt māh

ارز — arz
arž

ارزان — arzānīk
arzānīhā (بطور ارزان)

ارزانی — arzānīh (بهاداری)

ارزانیان — arzānīkān

ارزانیدن — arzānīkēnītan

ارزش — arzišn
arz
arž
arǰ
arg
hunar
sang
vahāk (بها)

ارزش دادن — arzānīkēnītan
vahāk burtan

ارزشمند — arzānīk

ارزمند — arzānīk

ارزمندانه — arzānīhā

ارزمندی — arzānīkīh
arzōmandīh
arǰōmandīh

ارزن — arzan
gāvars
alum

ارزنده — arzānīk

ارزور (کوه) — arzūr

ارزه (کشور) — arzah

ارزیدن — arzītan

ارسال — visē

ارش (دیو)	arš
ارش (مقیاس طول)	arišn
ارشیو	dēvān
ارضاء شده	hūšnōsr
	sagr
	ōšnūtak
ارضاء کردن	rāmēnītan
	šnāyēnītan
	xšnūtan
ارضاء کننده	šnāyēnītār
ارضای هوس	vičārtan
ارغوان	arγavān
ارگ	arg
ارمان (نام ایزد)	ērmān
ارمن (ارمنستان)	arman
ارمنی	armanīk
ارنگ (نام رود)	arang
	arenk
اروستان (نام محل)	arvastān
اروندرود (دجله)	arvand rōt
	digtal
	diglat
ارویچ بیراتان (نام خاص)	arvič i birātān
اره	arak
	arrak
ارهست (نام شهر)	arhest
اره کردن	karrēnītan

اریز (نام کوه)	ēriz
از	hač
از آغاز تا انتها	patisār
ازآن‌پس	hač hān frāč
از اصل	hač bun
ازاو	hač-iš
از این‌پس	hač nūn frāč
	parōn
ازاین‌جهت	ēt rāy
	ēt rāδ
ازاینرو	hamčīm rāδ
ازبرخواندن	ušmurišn
	ušmurtan
ازبرکردن	xvastan
ازبرکردن کتاب مقدس	našk mārišnīh
ازبن	ham bun-ič
	hač bun
از... به‌اینطرف	az... ōrōn
از... به‌بعد	az... ōrōn
ازدواج با خویشان	xvētōdat
	xvētōdatīh
	xvētōkdāt
	xvētōkdas
	xvētōkdasīh
ازدیاد	vēšišn
از روی ناچاری	ačārakīhā
ازش	hač-iš

از کارافتادن	akārīhastan
ازل	asar
ازلیت	asarīh
	akarānak zamānīh
ازمیان	tar
از ... نیز	hač-ič
ازیرا	ēt rāy
	ēt rāδ
ازیرین گاه (ازسه بعد ازظهر تاهنگام غروب)	ūzīrīn
ازینرو	ham čīm
اژدها	āz
	až
	aži
	kirm
اژدهانژاد	až tuxmak
اژدهاك (ضحاك)	aži dahāk
اژدهای چندسر	vas kamār
اژدهای شاخدار	aži srubar
اژدهایی	aži dahākīh
اسارت	grawīh (گروئی)
	parvandišn
	dast grawīh
اساس	bunīh
	frakān
	pāδak
	pāyak
	ōstām
	mātagdān
اساساً	gōhrīhā
	bunyaštakīhā
اساس بودن	frakānīh
اساس چیزی را گذاشتن	frakānītan
اساسی	bunīk
	mātak
	mātakvar
	mātīkān
	mātiyān
	matakīh
	ōstīkān
	vēšmātak
	xānīk
	xvatīk
اساسی بودن	mātakvarīh
اسب	asp
	bārak
	stōr
	zbār (نوعی اسب)
اسباب سواری	zēn afzār
اسباب کار	afzār
	afčār
اسبان گردونه	āyōžišn
	āyōǰišn
اسب آبی	asp āpīk
اسب بالا (به بلندی یک اسب)	asp bālāδ/y
اسب تاختن	asuvārītan

اسب تاز	asp tāk
اسب تندرو	arvand asp
اسب تندرو داشتن	arvand aspīh
اسب تربیت‌شده وجنگی	frahaxt
اسب خاکستری‌رنگ	korind
اسب زیادداشتن	aspōmandīh
اسبستان	aspistān
اسب سوارشدن	asuvārītan
اسب شکل	asp karp
اسب کهر	bōr
اسب گردونه	asp i rāh
اسب ماده	mātyān (مادیان)
اسب نر	gušasp
اسب‌ورج‌دار (دارنده)	asp varčvar
اسپاندار (نام‌خاص)	aspāndār
اسپرغم	sparmak
اسپروز (کوه)	asprōč asparōč
اسپریس	asprēs
اسپنجروش (دیورعد)	aspanǰarōš
اسپول	spul
است	ēstēt
استاد	ōstāt awistāt āmōžāk frahang pat pēš raftār
استاد بنا	rāz kirrōk
استاد مرد	ōstāt mart
استادی	frahaxtīh frahaxt kārīh
استان	awistān
استبداد رأی	kāmkārīh
استبرق (دیبای به‌زر ساخته‌شده)	stawrak staprak
استثناء (به‌استثنای)	yut hač
استحقاق	arzānīkīh
استحکام	saxtīh awistwārīh ōstakīh ōstīkānīh pattōkīh darpuštīh drupuštīh
استحکامات	darpušt drupuštīh
استحکامات نظامی	darband
استحمام	āsnītan tan pat āpzan kartan
استخر	staxr var varm
استخر (شهر)	staxr

استخوان	ast
	astak
	astaxvān
	astaxān
استخوان دار	astōmand
استخوان مهره	muhrak
استدلال	gōwākīh
استر	astar
استراحت	āsānīh
	haspin
استراحت کردن	apar pātan
	āsānēnītan
	visāy-
	xuspītan (خسپیدن)
استراحت کرده	xuspēn
استراحت نداشتن	aparrēčišnīh
استردن	awistartan
استرش	awistarišn
استرده	ōstartak
استره (تیغی که موی بدان بسترند)	ustarak
	awistarak
استصفا	pulītan
استطاعت	tuwān
استعداد	ātāvīh
	nērōk
	nērōkīh

	tuwānīh
	awzārōmandīh
استعلام	āfrās
	frašn
استعمال کردن	kār framūtan
استغاثه	zabāyišn
استغاثه کردن	zabāyītan
استغفار	patēt
	patētīh
	šnāxtārīh
استغفار کننده	šnāyēnītār
استغفاری	patētīk
استفاده	bahrmandīh
	vahrōmandīh
استفراغ کردن	vāmītan
	gōkārtan
استفسار	ham pursītan
استقامت	pātārīh (پایداری)
	stēnīk rawišnīh
	stēnīk zangīh
	tuxšn (توش)
استقبال	patīrak rawišnīh
	patīrak rawišnīkīh
	patiγriftārīh (پذیرفتاری)

استقرار giyākōmandih

استقلال رای kāmkārih

استکمال vāspuhrakānīh

استماع šnavišn

استمداد apastān

استمرار hastīkīh
patvastārīh
patvandišnīh
hamāyīh
hamākīhā ēstišn
patūkīh

استمرار ابدی hamē hamē rawišnīh
hamē rawišnīh

استمرار بخشیدن rōwāk dahišnīh

استمرار جاودانی hamāk rawišnīh

استمرار حیات bavišn rawišnīh
gēhānān bavišnīh

استمرار همیشگی hamāk rawišn

استوار ōstowār
awistwār
ōstīk
stēnīk
ništavānak
xružd

استوار بودن astovānītan

استوارانه ōstīkīhā

استواری ōstowārīh
awistwārīh
ōstavānīh
astovānīh
ōstakīh
ōstīkānīh
stēnīk zangīh

استودان (گودالی که استخوان‌مرده‌را پس از متلاشی‌شدن جسد در آن میریزند) astōdān
hazzān

استهزاء afsōsgarīh
apasōsīh
riyahrīh

استهزاء کننده afsōskar
afsōsgar
apasōskar

استیفای حقوق dāt pasaxvīh

اسرارآمیز rāzīk

اسراف vandgarīh

اسفندماه spandarmat māh

اسفندیار (نام خاص) spand-dāt
spandidāt
spendāt

اسفیان (نام خاص) aswiyān
asfiyān

اسکندر (پادشاه مقدونیه) alaksandar
sukandar
sikandar

اسنوند (نام کوه) asnavand

اسوار asp bārak

اسیر bastak
griftār
dast-graw
dast gīr
vartak
vart

اسیر گرفتن vartak griftan

اش (ضمیرسوم شخص متصل) -aš

اشباع sērīh (سیری)

اشباع شده sagr

اشپول spul
spihr

اشتات (نام ایزد و نام روز بیست و ششم ماه) aštāt

اشتباه ērang
ērangīh
zaspān
zēfān
zēfānīh
apandīh

اشتر uštar
ōštor

اشتراک hamīh
hambāgīh

اشتراک مساعی ēv-kartakīh

اشترستان ōštaristān

اشتغال به‌چیزی pardāzišnīh

اشتها xvārtārīh

اشتهار ēvāčīkīh

اشتیاق niyāzišn

اشخاص kasān

اشراف (بزرگان) vazurgān

اشراق rōčēnītārīh
dōisr

اشک ašk
ars
arš

اشکان (منسوب به اشک) aškān

اشکانیان aškānān

اشکال dušvārīh
anāsānīh
axvārīh

اشکر (شهر) aškar

اشک‌ریزان gryān

اشم‌وهو (دعا) ašim vahuk

اشیشونگ (ایزد) ašišvang

اصالت hū-tōhmīh (اصالت نژاد)
ērīh
ērtanīh
bunyaštīh (اصل و بن داشتن)

اصالةً bunyaštakīhā

اصالت ذات	xvat gōhrīh
اصالت فکر	ērmēnišnīh
اصالت وجود	hast gōhrīh
اصطبل	stōr gās aspistān āxvar
اصفهان (شهر)	spāhān
اصل	frakān gōhr gōhrak naxun tuxmak bunist bunyašt bunyaštak uruspar axv xvatīh
اصلاً	gōhrīhā hač bun
اصلاح	frāč vīrāyišnīh vīrāstārīh vīrāyišn
اصلاح کردن	vīrāstan
اصل اولیه	bunistak bunīštak bunīštīh
اصل اولیه' گیهانی	bunyaštak
اصل بودن	frakānīh
اصلی	bunīk gōhrīk frahist mātak mātakvar mātīkān mātiyān vēš mātak xānīk xvatīk vičart vāspuhr
اصول قسمت داتیک اوستا	dātīkīh
اصیل	hunōmand pat-gōhr gōhrīk pat gōhrīk hūtōhmīk hūtōxmak hūzahāk hūzāt hūpēt hūniyāk čihrānōmand ērīk

اصیل بودگی — vēh zāyišnīh
matakīh
mātakvarīh

اصیل بودن — gōhrīkīh

اضداد — hamēstārān

اضطراب — tapišnīh

اطاعت — framān burtārīh
hūframānīh
nigōšišnīh
niɣōkšītārīh
niyōxšišn
niyōxšītārīh
namāč
tarsakāsīh

اطاعت کردن — niɣōkšītan

اطاق خواب — šapistān
vistarak gās (بسترگاه)

اطراف — pērāmōn
kustakīhā
pargavār

اطلاع — ākāsīh
azd
dēsakīh

اطلاع دادن — azdēnītan

اطمینان — vāvarīkānīh
agumānīh
agumānīkīh

ēvarīh
ōstowārīh
vistāxvīh
xvastūkīh

اطمینان بخشیدن — apēgumānīh dātan

اطمینان کردنی — vāvarīkān
xōst

اضافه — frēč

اضطراب — ayārtišn

اضطرار — sēž

اضطراراً — ačārakīhā

اظهار — nikēž
nikēč
nikēžišn

اظهاردین — nikēž

اظهار شریعت — nimūtārīh

اظهار کردن — paitākēnītan
nikēxtan

اظهار وحشت کردن — bīm nimūtārīh

اعتبار — vičurtīh

اعتدال — patmānīkīh
patmān gōwišnīh(به‌حداعتدال‌سخن‌گفتن)

اعتدال درامور زندگی — hūpahrēčišnīh

اعتراض — vikirāyīh
patkār
patkārišn

اعتراض کردنی — vikirāy

اعتراف	xvastūkīh
	astovānīh
	ōstavānīh
اعتراف بەدین وایمان	pētāk franāmišn
	franāmišn
	franāmišnīh
اعتراف بگناه	patēt
اعتراف کردن	astovānītan
	āškārākēnītan
اعتراف کردن به گناه	garzītan
اعتزالی(کسی کەبدین دیگرمیگرود)	yut framān
	yut ristak
اعتقاد	gravišn
	giravišn
	vāvarīkānīh
	virravišn
	virravišnīh
	virravišnīk (اعتقادی ، قابل اعتقاد)
اعتقاد بەجبر وتقدیر	baxš rawišnīh
اعتقاد بەدین بد	duš virravišnīh
اعتقاد بەروزشمار	hu-hamārīh
اعتقاد بەفلسفه مادی	hast-mēnišnīh
اعتقاد بەهستی	hast-mēnišnīh
اعتقادبەیکی ازفرقەهای مذهبی (زندقه)	zandīkīh
اعتقادداشتن	virravistan
اعتقاد نداشتن بەعالم مینوی	amēnōg virravišnīh
اعتماد	apastān
	apastām
	vistāxvīh
اعراب	tāǰīkān
	tāzīkān
اعطا کردن	baxšītan
اعطای پادشاهی	pātixšāyēnītan
اعطای قوهٔ تمیز	vičītār dahišnīh
اعلام	nivēdišn
	nivēdišnīh
	frāč nivēdišnīh
	pētākīh
اعلام کردن	nivēdēnītan
	kartan
	nivistan
	nivēkēnītan
اعلام کننده	nivēdēnītār
اعلام کنندهٔ قانون	dātastān nivēdēnītār
اعلامیه	vičīr
اعلی	pahrōm
	apargar
اعلیحضرت	oi bag
	oi baγ
	im baγ
	šmāh baγān (در خطاب)
اعمال	kartakān

اعمال پرهیز کارانه aš̄ōkān-kārīh

اعمال دینی dēnkart
ayazišnīh (بجای‌نیاوردن اعمال‌دینی)

اعمال‌قدرت بد duškām kartārīh

اعمال‌مذهبی‌برای‌روان‌درگذشتگان ruwānīkān

اغاش دیو (نام‌دیو) ēɣāš dēv

اغتشاش šēpišn

اغریرث (نام‌خاص) aɣrīrat
akrīrat

اغفال frēp
frēpišn
frēftārīh
frēftārīhā (از روی اغفال)
ērang
druxtārīh
drōnīh
mitōxtīh
pačipākīh
vidēftan
vidēftakīh
viyāpāngarīh
viyāpānēnītārīhā (از روی اغفال)
viyāpānīh
zōr
zūr

اغفال شدن frēpīhītan

اغفال شده frēftak

اغفال شدگی frēftakīh

اغفال کردن frēftan
viyāpānēnītan
druxtan
drūǰītan

اغفال کننده frēftār
dafr
viyāpānēnītār

اغفالگر druǰastak

اغوا کردن niyāzānēnītan

افتادگی ōftišn
ōftišnīh
startīh

افتادن ōftātan
ōpastan
kaftan
patkaftan
patītan

افتاده ōpatak
ōpastak
patkaftak

افتادن ōftēnītan

افتخار burzišn
buržišn
farrah
garāmīh
garāmīkīh
brāh/ah

افتخار بزرگ burz-brāhīh

افترا	spazgīh
افتش (افتادگی)	ōftišn
افت کردگی	ōftišnīh
افد (شگفت)	afd
	awd
افدی (شگفتی)	awdīh
افراز (فراز)	afrāč
افراسیاب	frangrāsiyān
	frangrāsiyāp
	frangrāsiyāk
	frāsiyāk
	frāsiyāp
	afrāsiyāp
افراختن	afrāxtan
افراخته	afrāst
افراشتن	afrāštan
افراشته	afrāst
	stēγ
افراط	frahīh
	frēhbūt
	frāybūtīh
(از روی افراط)	apatmānīhā
	frēhistīh
افراط کار درامور دینی	gētīh frēhbūt
افراط منشی	frēhbūt mēnišnīh
افروختن	afrōxtan
	vazēnītan
	vaxšītan
افروز	afrōč
	afrōz
افروزش	afrōčišn
	afrōzišn
	āsēpišn
افروشه (نوعی کلوچه)	afrōšak
افریقا	frīkā
افزار	afčār
	afzār
	apazār
	awzār
افزارمند	afzārōmand
	awzārōmand
افزایاندن	afzāyēnītan
افزایش	afzāyišn
	apazāyišn
	fradahišnīh
	frāyōmandīh
	gavākīh
	frēhīh
	vālišn
	vaxš
	fšōnišn
	afzāyišn
افزایش گر گیهان	frēhdātār gēhān
افزایشمند	fšōnišnōmand

افزاینده	afzāyēnītār vālišn dātār
افزاییدن	afzāyītan afzāyēnītan (سوجب افزایش شدن)
افزودگی	afzāyišnīkīh
افزودن	afzōtan vihēčēnītan
افزون	afzōn
افزون دهشی	frēh dahišnīh
افزونشدگی فره	farrah afzāyišnīh
افزونشدن	vaxšēnītan
افزون شونده	āzāyišnīk
افزون کردگی	afzāyišnīkīh
افزون کردن	fšōnēnītan
افزون کننده	afzāyēnītār vaxšēnītār
افزونی	afzōnīh afzōnīkīh frahīh frēhīh frāyōmandīh
افزونیدار	afzōnītār
افزونیدهنده	afzōnītār
افزونیدهنده جهان	frēh dātār gēhān
افسار	patisār
افسار کشیدن	nihaxtan
افسارگسیختگی	anayuxtakīh
افسانه	afsōn
افسر (تاج)	apēsar
افسر (مأمور دولتی)	šatrīkān
افسرت (نوعی غذای سرد است)	afsart
افسردگی	afsārišn
افسردن	afsartan apasārtan
افسرده	afsart nišīp
افسنطین	dramanak
افسوس (ریشخند، استهزاء)	afsōs apsōs apasōs
افسوس‌بر (استهزاء شده)	apasōsbar
افسوسگر (استهزاء کننده)	afsōsgar apasōskar apasōsgar apasōsāk
افسوسگرانه (مستهزآنه)	afsōsgarīhā apsōsgarīhā
افسوسگری (استهزاء)	afsōsgarīh
افسون	afsōn mārīk nērang

افشاء	nikēž
	nikēč
افشاء کردن	nikēžītan
	nikēxtan
افشاردن	afšārtan
افشاندگی	viškītakīh
افشاندن	afšāntan
افشردگی	pālāyišn
افعی	mār
	šēpāk
افکندگی	višaδak
افکندن	afgantan
	apakandan
	ōškandan
	ōǰatan
افکنده	apačand
افول	nišēpīk
افیون	apiyōn
اقامت	mānišn
	mānišnīh
اقامت داشتن	māndan
اقامتگاه	māništ
اقبال	farg
	baxtārīh
	ǰāyišn
اقتدار	dastwarīh
اقتدار طویل الدوام	dēr frāčtom patīh
اقتدار کامل	bavandak sardārīh
اقدام	franāmišn
اقدام بد	anāk rawišnīh
اقدام بزرگ	mahist kār
اقدام قانونی	dātīhā kart
	kartak
اقدام کردن	frāčītan
	franāftan
	uzītan
اقدام کننده	handāxtār
	raftār
	rawāk
اقدام مهم	vazurg kartārīh
اقرار	ōstavānīh
اقسام	sartakān
اقل	kēhist
	kahist
اقلاً	kamist
	pat kamistīh
اقلیت	kamistīh
اقلیم	kišvar
اقلیمها	kišvarīhā
اك (پسونداسم مفعول، صفت وتصغیر)	-ak
اکتساب	handōčišn
	handōzišn
اکتسابی	gōšōsrūt
	gōšānsrūt

اکنون nūn
ōknū
avas

اکنونهم nūn-ič

اگر hakar
hat
ka

اگر تو hakar-at

اگرچه and-čand
hančand
kā

الا alā

الاغ xar

البرز (کوه) alburz
harburz

التماس zādišnīh
lāpak-karīh
sūtē karīh
lāpak-garīhā (ملتمسانه)

التماس کردن zādītan

التماس کننده lāpak-kar

الحاد āk-dēnīh
asrōštīh
dēn adātīh
druvandīh
duš dēnīh
duš virravišnīh
ērang
yut dātastānīh
zandikīh (زندقه)

الحاق ayōǰ

الزام frēčvānīh

الزام کردن frēčvānītan

الزام مشترك ham apāyastīh

الزامی frēčvānīk

الصاق کردن patvastan

الماس almāst

المثنی pačēn

المجسطی (رساله‌درنجوم‌ازبطلمیوس) magistīk

الوار dārūk
tāxtak

الوار طاق frasp

الوند (کوه) alvand
alvēnd
arvand

الوندی (منسوب‌به‌الوند) alvandīk

الوهیت yazatīh

الهام nikēžišn
nikēžišnīh
vaxš burtārīh
vāzišnīh

الهام خداوند yān

ام (ضمیرمتصل اول‌شخص) — -am

امانت — nihātak

امانت دادن — apaspārtan

امانت‌دار — stūr

امانت‌داری — stūrīh

امتان (نام خاص) — ēmētān (پسرامید)

امتحان — ōzmāyišn
ūzmāyišn
gumān kārīh
nikīrišn

امتحان کردن — ōzmūtan
ūzmūtan

امتزاج — gumēzišn
gumēčišn
gumēkīh

امتناع — spōžišn

امر (امور) — čīš
kār
dātastān

امر — framān
framāyišn
parvānak

امر الهی — mānsr

امر بزرگ قانونی — mas dātastān

امرداد (مرداد) — amurdat
amurdat māh

امر دادن — framān dātan
vinārtan

امرد باز — kun marz

امر کردن — framūtan

امرود (گلابی) — urmūt

امروز — im-rōč

امشاسپند — amahraspand
amešōspand
amšōspand

امکان — tuwān
šāyēndakīh
nērōkīh

امکان داشتن — šāyēt būtan

امور دنیوی — kār ut dātistān

امیال بد داشتن — duš-kāmakīh

امیال جسمانی — tan-kāmakīh

امیال‌شیطانی (باامیال‌شیطانی) — dēv kāmīhā

امید — ōmēt
ēmēt
hēmēt
ōmētak
ōmētēnišn

امید داشتن — ōmētēnītan

امیدوار — ōmētvār
umētvār
ōmētdār
bāristān

امیدوار بودگی — ōmētīh

امیدوار بودن	ōmētēnītan
امیدوار بەداشتن فرزند	frazand ōmētak
امیدوارگرداندن	niyāzānēnītan
امیدواری	ōmētīh ōmētēnišn bāristānīh
امیدی	ōmētīh
امین	ōstavān stōr
امین خزانه	gās pat
انار	anār
انارگون	anārgōn
اناهید (ایزد)	anāhīt ardavīsūr artavīsūr
انبار	anbār hamābēr hambār hanbār bun bun katak ganǰēnak nipast vārastān varm
انبار ثواب	kān kirpak
انباردار	hanbārtār
انباردن	hanbārtan hambārītan
انبارش	hanbārišn
انبارشدگی	hambārišn
انبارشده	hamburt
انبارکردن	hanbārtan hambārītan
انبارکننده	ōpār (پرکننده)
انبارکوچک	hambārak
انباز	hambāz hanbāz
انبازی	ambāzīh
انباشتن	hambaštan hanbāštan ōbārtan ōpārtan
انباشتن برروی‌هم	ničītan
انباشته	hamvašt
انبان	hanbān hambān
انبساط	frāxvīh vistarišnīh
انبوه	anbūh
انبوه شدن	anbūsihītan
انبوهی	hamīh

انتخاب
vičišn
vičēn
vičītārīh
vēčišn
vēzišn
dōšišn

انتخاب کردن
čītan
vičītan
vēxtan
dōšītan

انتخاب کننده
vičītār
dōšītār
vičēnkar

انتشار
frāč vistarišnīh
viškītakīh
nayišnīh

انتشاردین
dēn rōwākīh

انتظار
ōmēt
ēmēt
ōmētak
ōmētēnišn

انتظار داشتن
ōmētēnītan

انتظام
apar vinārišn

انتقام
kēn

انتقام جو
kēnīk
kēn mēnišn
kēnvar

انتقام‌جویی
kēnvarīh

انتقام گرفتن
kēnēnītan
kēnītan

انتها
fraǰām
fražām
sar
dum
dumb
faš
awdomīh

انتهای تیر
druvāsp

انتهایی
fraǰāmīk

انجام
hanǰām
afdom
afdomīh
passāxt

انجام دادن
anǰāmēnītan
hanǰāmēnītan
fraǰaftan
kartan
pat kartak āwurtan
pasāxtan
hangartēnītan
frahanǰītan

انجام دهنده
kartār
passāxtār

انجامش
anǰāmišn

انجام شدگی passāxtakīh

انجام شده kartak
fraǰaft
pasaxtak
passāxtak
hangartīk

انجام یافتگی afdomīh

انجامیدن anǰāmītan
fraǰaftan

انجام نشده akart

انجام یافتگی afdomīh

انجام یافته ēstātak

انجمن anǰaman
hanǰaman
hangām
ārasan
nišast

انجمن بزرگ hamāk hanǰamanakīh

انجمن کردن اهریمنی ham duwāristan

انجمن موجودات اهریمنی ham duwārišnīh

انجمنی hanǰamanīk

انجمنی بودن hanǰamanīkīh

انجیر anǰihr

انحراف vartakīh

انحراف جنسی apārōn marzišnīh
dōšak marz (منحرف جنسی)

انحطاط nišēp
nišēpīk (درحال انحطاط)

انحلال niyārišn
visustakīh

اند and
hand

انداختن andāxtan
handāxtan
handāxtārīh
ōftēnītan
rānēnītan
ōškandan
vistan (تیر انداختن)
patkāftan (تیرانداختن)

اندازه andāčak
čandān (باندازهٔ)
andčand (باندازهٔ)
handāčak
handāč
mar
marak
masāi
masāk
patmān

	patmānak
	patmānīk
	pur patmānīhā (باندازهٔ پیمانه پر)
اندازهٔ باری که یک بغل باشد	sēnak masāk
اندازهٔ بلندی یک اسب	asp bālāδ/y
اندازهٔ بلندی یک انسان	mart bālāδ/y
اندازهٔ پهنای سینه	sīnak masāi
	sīnak masāk
اندازهٔ تن انسان	tan masāi
اندازهٔ زمانی	patmānak
اندازهٔ طول یک ارش	arišn kaft
اندازهٔ طول یک بازو	bāžāk masāk
اندازهٔ طولی	patmānak
اندازه گرفتن	patmūtan
	tarāzēnītan
	ōzmūtan
	handāxtan
اندازه گیری	handāčišn
	patmān vinārišnīh
اندازه مساحت یک خانه	katak masāi
اندازه نمودن	handāčak nimūtan
اندازه هم	ham brēh
اندازه یک پا	paδ/y
اندازه یک پهلو	pahlu masāi
اندازه یک قدم	pay
اندازهٔ یک مشت (باندازهٔ)	must masā/y
اندازهٔ یک نی	nāi
	nāδ
اندازه یک وجب	vitist drānā
اندازه یک هاسر	hāsr masāi
اندازی	handāxtārīh
اندام	andām
	handām
	hannām
	tanbar
	pēšak
اندام بیرون آوردن	viškītan
اندر	andar
	andarg
	dar
اندر (دیو)	andar
اندرآمدن	andar matan
اندرتوان	andar tuwān
اندرز	andarz
	handarz
	pand
	sōbārišn
	gilak
اندرزبدی دربار	dar andarz-patīh
	dar handarz-patīh

اندرزدادن andarzēnītan
handarzēnītan
sōbārītan

اندرزدهنده viyaxman

اندرزکردن handarzēnītan

اندرزگر čāšītār

اندرزگو sōbār

اندر زمان andar zamān
andar damān
pat zamān

اندرز نیوش handarz anigoxš

اندرشدن andar šutan

اندرگاه vihēzak

اندرگاهی (سال کبیسه‌دار) vihēzakīk
vihēzakīh

اندروای darvāy

اندروایی (معلق درهوا) andarvāyīk

اندرون andarōn
niyandar

اندرون‌خانه andarōn

اندرون شکم rōtīkān

اندرونی andarōnīk

اندرهشتن andar hištan

اندك andak
handak
kam
kēm
kīm
kast
huzār
hambun
nisang
xoǰārak

اندك اندك andak andak

اندك بودگی kastagīh

اندك خواستگی andak xvāstakīh

اندك خور kūtak sūr

اندکی čand
čēkāmič

اندکی نیز ham bun-ič

اندوختن andōxtan
handōxtan

اندوخته handōxt

اندوخته‌دار handōčišnīk

اندوخته کردن handōčišnīh

اندود شده handūtak

اندودن handūtan

اندوده handūtak

اندوده به کثافت guh vart

اندوزش handōčišn
handōzišn

اندوه andōh
handōh

andāk
sōk
pim
čašāk
zarīk
tīmār
vitang
vitangīh

اندوهگین andōhgēn
handōhakēn
handōhakan
andōhkan
andākēn
andāgēn
ašāt mēnišn
dušrām

اندوهگین کردن raxtan

اندوهناك bēšt
mustgar (مستگر)

اندوهاکانه vitangīhā

اندیشانیدن handēšēnītan

اندیشمند handēšītār
mēnītār
mēnišnōmand

اندیشمندی mēnītārīh
hamēšak mēnītārīh

اندیشناك handēšītār

اندیشه handēšišn
mēn
mēnišn
mēnišnīk
gumān
sikāl
uskārišn
uskārišnīh

اندیشه آفرینش مخلوق dām mēnītārīh

اندیشه‌ای mēnišnīk

اندیشه بد duš hūmat
dušmat

اندیشه برتر pahrōm mēnišnīh

اندیشه تابناك rōšn mēnišnīh

اندیشه خوب hūmat
hūmēnišn
vohuman

اندیشه خوب داشتن hūmānīh

اندیشه صحیح hūmēnišn

اندیشه عالی frēh-hūmat
frāhūmat

اندیشه کامل bavandak mēnišn
bavandak mēnišnīhā (بااندیشه کامل)

اندیشه گناه‌آمیز dušmat

اندیشه مرگ hōš mēnišn

اندیشه ملهم āsnītak mēnišn

اندیشه ناصواب mēt mēnišnīh

اندیشه نیک	vahman
اندیشه نیک داشتن	frārōn mēnišnīh
اندیشیدن	andēšītan handēšītan uskārītan uskārtan
اندیشیده شده	šnāsak
انزواگاه	armēšt gās
انسان	mart paitištān dopāδ
انسان خوار	mart ōpār
انسان دوست	mart dōst
انسان دوستی	martōm dōstīh
انسان زادگی	martōm zātakīh
انسان شکل	mart karp
انسان نژاد	martōm zātak
انسانها	martōmān
انسانی	martōmīk
انسانیت	martōmīh martōm zātakīh
انستوب (نام خاص)	anastōb
انشعاب جاده‌ها	rāsān yut rawišnīh
انصاف	miyānčakīh miyānǰakīh
انضباط	srōšīkīh

انعکاس صوت	patān
انعکاس نور	hangōštak
انفرادی	ēvāzīk
انفصال	škastakīh škanišn
انقضاء	sačišnīh
انکار	nigīrāy nakīrāyīh nikērāyīh
انکارکننده	afrāč-guftār
انگار	hangār
انگاردن	hangārtan angārtan
انگارش	hangārišn
انگاره	hangārak angārak
انگاشتن	angāštan angārtan hangārtan
انگبین	angubīn angapin
انگشت	angust
انگشت‌بان	angus pān
انگور	angūr vaškal raz kūtak i raz

انگیختن	hāčitan
	hangēxtan
	haxtan (برانگیختن)
انگیزاننده	hangēxtār
انگیزش	hangēzišn
	hāčišn
	sārēnišn
انگیزه	gumānkārīh
انواع	sartakān
	gōnak gōnak (انواع مختلف)
انوشه	anōšak
انوشه روانی	anōšak ruwānīh
انوشهی	anōšakīh
انوشیروان	anōšak ruwān
انهدام	nēstīh
	nēst čišīh
	nasēnišn
	gukān
	apasīhišn
	apasīhēnišnīh
	apasīnišn
	apaxšišn
	anahast-kārīh
	avīn būtīh
	avīn būtakīh
	āšuft kārīh
	frōt bavišnīh
انهدام کامل	frāč apasahišnīh
انیة	hastīh
انیران	anaγrān
انیران روشن	anagr i rōšn
انیرانستان (کشور خارجی)	anērānistān
او (ضمیر)	avē
	ōi
	hō (پارتی)
	iš (باو)
	aviš (باو)
	bēš (باو)
	patiš (باو)
او را	uš
	patiš
اوراق کردگی	apāč kartakīh
اوباردن	ōpārtan (بلع کردن)
اوج	bālist
اورشلیم	urišlim
اورمزد	hormazd
	ōrmazd
	ōhrmazd
اورنگ	awrang
اورواخش (نام برادر گرشاسپ)	urvāxš
اورونت نر (نام پسرزرتشت)	urvatat nar
اورور ویجک (نام خاص)	urvar vijak
اوزیرین گاه	ūzaīrīn

اوستا apastāk
avistāk

اوشنر (نام‌خاص) ōšnar

اوشهین گاه (ازنیمه‌شب تاسحرگاه) ušahīn

اول fratōm
nazdist
naxvist

اولاد zahak
zākīh

اولویت fratōmīh
pēšīh

اولین naxustēn
naxvistēn

اوریشت (نوعی گناه است) ōvrišt

اهانت āzār
riyahrīh

اهداء nivēdišnīh

اهداء کردن nivēdītan
nivēdēnītan

اهریمن ahrīman
ahraman
gannāk mēnōk
ganāh mēnōk
awigat
pityārak
patyārak
ganāk
ahraman

اهریمن‌زاده hunušak

اهل ایران ērān šatrīk

اهل پتشخوارگر patišxvārgarīk

اهلی katakīk

اهل روم شرقی hrōmīk

اهل ماد mādīk

اهل مصر mučrāīk mānišn

اهل مهنه mēhnāyīk

اهمیت vahāk

اهمیت دادن vahāk burtan

اهمیت کلی hamīh mātīkān

اهورامزدا ahurāy-mazd
dātār ōhrmazd
ahurāy
hormazd
ōhrmazd
ōhrmazd xvatāy
ōrmazd xvatāy

اهونور (دعا) ahunavar

ای (حرف ندا) ay

ای (کسرهٔ اضافه) i

ای (ضمیر دوم‌شخص‌مفرد) hē

ایاسریم (گاهانبار) ayāsrim

ایالت	kust
	ōstān
	awistām
	zand
	rōtastāk
	pāt kōst
	pāt kōs
ایالتی	zandīk
ایجاد	tāšišn
ایجاد اندام دربدن	viškītakīh
ایجاد شدن	anbūsītan
ایجاد شده	tāšīt
ایجاد کردن	dātan
	tāšītan
	kārēnītan
	ānītan
	vispurtan
ایجاد کننده	tāšītār
ایجاد کننده سود	sūt tāšītār
ایجاد کلی	hamāk dahišnīh
ایجاد مخلوق	gēhānān bavišnīh
ایجاد نطفه در رحم	andar dātan
اید	hēt
ایدر	ētar
ایدون	ētōn

ایدون‌تر	ētōn-tar
ایدون چون	ētōn čēgōn
ایدونی	ētōnīh
ایرا (ارا = ازاینرو)	ēt-rād
ایراد	vikirāyīh
ایران	ērān
	aryān
ایران آسان کرد قباد (شهر)	ērān āsān kart kavāt
ایران خره کرد شاپور (شهر)	ērān xvarrah kart šāhpūhr
ایران سپهبد	ērān spāhpat
ایرانستان	aryastān
ایران شهر	ērān-šatr
	ērān šahr
	šahr i ērān
ایرانشهری	ērān šatrīk
	ērān šahrīk
ایران گشسپ	ērān gušasp
ایرانوینارد قباد (شهر)	ērān vinārt kavāt
ایرانویج	ērān vēǰ
ایرانی	ēr
	ērānšahrīk
	ērānšatrīk
	ērānak
	anērānīh (ناایرانی)

ایرانیان	ērānakān ērānagān
ایرانی بودن	ērīh
ایرانی نبودن	anērīh
ایرمانی (رفاقت)	ērmānīh
ایرج (نام خاص)	ērēč ērač
ایرک (نام خاص)	ērak
ایزد	yazat izat yazēt
ایزد آپان ناف	āpān nāf
ایزدان	mēnōgān yazatān izdān
ایزد اندیشهٔ نیک	hūmat
ایزد اهریشونگ	ahrišvang
ایزد باران	tištar
ایزد برز	burz izat
ایزد پرهیزکاران	rat
ایزد توجه مینوی	mēnōg nigarītārīh
ایزد راستی و درستی	aštāt
ایزد رشن	rašn i rāst
ایزد زمین	zāmyāt spandarmat
ایزدمهر	mitr
ایزد ناهید	anāhit yazat
ایزد نگهبان آب	hordat hordāt
ایزد نگهبان دارایی	art
ایزد نگهبان فلزات	sōk i vēh
ایزد هوا	vāi spihr xvatāy rām i vēh
ایزد هوم	hōm yazat
ایزدی	yazatīh yazatīk
ایزدیاد (نام خاص)	yazēt yād
ایزدیار (نام خاص)	izat ayyār yazat ayyār
ایست	mānišn
ایستا	astāk
ایستادگی	ōstakīh
ایستادگی کردن	hamēstārēnītan
ایستادن	ēstātan avistātan astītan ōstātan ustātan
ایستاده	ēstātak stadak stēndak ustān afrāz

ایستاندن ēstānītan
astēnītan
ēstēnītan
astāntan

ایستنده astāk

ایستواستر (پسربزرگ زرتشت) īsatvāstar

ایشان avēšān
ōišān
ušān

ایلچی گری baydēspānīh

ایمان astovānīh
ōstavānīh
vāvarīkānīh
gravišn
dēn
ōstavār (باایمان)

ایمان آوردن gravītan

این ēt
ēn
im

اینجا ētar
ōrōn
āvar

اینجایی ētarīh

این جهانی ētarīh

این چنین ōgōn

ایندر (نام دیوی است) indar

این دنیا nazdīk axvān

این سوی avarōn

اینطرف ōrōn

اینطور ētōn
ōyōn
ōyōnak

اینگونه ētōn
ōgōn
ōyōnak

این هم ēn-ič

ائیریمن (نام ایزدی است) airyaman

ائیوی سروسریم گاه aiwisrūk srim

ب

با	apāk
	gumē
	gumay
باارزش	garāmīk
	grāmīk
	varǰāvand
	varǰōmand
بابک	pāpak
بابل (شهر)	bāwil
	bābil
	āsūristān
باج	bāž
	bāč
	sāy
	sāk
باحرارت	garmōk
	taftīk
باحشمت	afzārōmand
باخبر ساختن	čāštan
باختر	apāxtar
باختری	apāxtarīk
باختن	vāxtan
باخود بردن	pat apākēnītan
باد	bāt
	vāt
	vāy
	damak
بادافره	pātafrās
بادام	vātām
بادام گون	vātām advēn
بادبان	vātpān

بادبزن — damēnak

باد بد (که در بدن انسان جای دارد) — vāt i bačak

بادجانی (بادی که در سر جای دارد) — vāt i ǰānīk

بادرنجبویه — vātrang bōy

بادرنگ — vātrang
vātrang bōy
xār vātrang

باد شدید — vāt i ǰān hanǰ

بادغیس (شهر) — vātgīs

بادغیسان (شهر) — vātgīsān

بادکش — damig

بادوام — astītak
pattōk
sālvār
dēr pattāy

باده — bātak

بادی — vātīk

بادی که حافظ جان است — vāt i ǰānīk dāštār

بادی که رو بپائین می‌وزد — frōt āhang

بار (دفعه) — kart
gart
bār
ǰāvar
pardak
partak
rīn
vīn

بار — bār
bunak

باران — vārān

باران‌آور (ابر) — mānēnak

باران بی‌وقت — duš vārānīh

باراندن — vārēnītan

باران کرداری — vārān kartārīh

باران ملکوسان (سیل‌آسا) — vārān i markūsān

باران نامساعد — duš vārānīh

بارانی — vārānīk
apivārān
āpsārān
mānēnak

باربردن — bār burtan

بارجامه (خرجین) — bāryāmak

باردار (پرحاصل) — xvāwargar

باردارشدن (آبستن شدن) — ham bavišnīh

بارداری (آبستنی) — āvartākīh
barīh
barišn
barišnīh

بار دوم — dōgānīk

بارزان (نام جا) — barzān
bārzān
bārǰān

بارستان (انبار)	vārastān
بارندگی	vārān kartārīh
بارنده	bārandak zahāk
بارو	bār fravār
بارور	hūdahak hūdahāk hudāk zahāk
بارور کردن (آبستن کردن)	gawr kartan
باره (اسب)	bārak
باری	ǰāvar-ē
باریدن	vārītan vaštan fravītan
باریک	bārīk tanuk tunuk (تنک)
باز (قید)	apāč
باز (مرغ شکاری)	bāz čaxrvāk hēlak čihrāp sārigar (نوعی باز)
باز (گشاده)	ustīk višāt višātak
بازآراستگی	apāč ārāstārīh
بازآمدن	apāč matan
بازآوردن	apāč āvartan
بازار	rastak vāčār vāzār
بازاری	vāčārak
بازایستادن	apāč ēstātan apar ōstātan
بازبردن	apāč burtan
بازبودگی	višātakīh
بازپرسیدن	apāč pursītan
بازپیراستن	apāč vīrāstan
بازجوئی	vičōrtīh
بازجوئی کردن	viǰustan
بازخریدار	tūxtār
بازدارنده	apāč dāštār patērāngar vizūtār
بازداشتگی	apāč dārišnīh apāč astišnīh
بازداشتن	apāč dāštan patērānītan spōxtan
بازدید	vinārišn ēvarz (بازدید نظامی)

بازرسان ویژه	čašmakān
بازرسیدگی	apāč rasišnīh
بازرسیدن	apāč rasišnīh
باز رفتن	apāč raftan
بازرگان	vāčārak
	vāčārkān
	vāzārakān
	kārdāk
	kārvānīk
بازرگانی	vāzārakānīh
	vāzurkānīh
بازستدن	apāč statan
بازسر	apāč sar
بازسری	apāč sarīh
بازشدن	viškaftan
	viškōftan
	škōftan
بازشده	škōftak
بازشناختن	uzvārtan
بازشناسی	uzvārišn
بازکردگی	apāč kartakīh
بازکردن	apāč kartan
	višātan
	viyōz-
بازکردن دهان	gāftan
بازگرداندن	vāštan
بازگردیدن	apāč vartītan
بازگرفتن	apāč statan
بازگشت	gašt
	vištārīh
بازگشتگی	apāč rasišnīh
بازگشتن	apāč vaštan
	frōt vartītan
	apāč vartītan
	vaštan
	bē gaštan
بازماندگان	māndakān
بازماندن	apāč māndan
	māndan
	parrēxtan
بازمانده (نواده)	napat
بازمانده (باقی‌مانده)	parrēčānīk
	parrēčišn
	parrēxt
	frēč
بازو	bāzūk
	bāzē
	bāzai
	bāžāk
	vāz
بازوبان (بازوبند)	bāzē pānak
بازورتر	pat zōrtar

بازی vāčīk
vāzīk
kātak

بازی (نواختن آلت موسیقی) vāčīk

بازی‌کردن vāzītan

باژ (باج) bāž

باستثنای bē-kā
magar
yut-ič hač

باشخصیت dārāk xēm

باشد (از فعل بودن) bāt

باشکوه bāmīk
burzāk
burzēn
buržišnōmand
buržōk
farrahōmand
hūškōh
pahrōm
rāyōmand
rōčanāk
rōšn
sahīk
sahist
sahēn
varčāvand
varčēn
varǰāvand
varǰōmand
vas afzār
xvarīk
xvarrahōmand
xvarrōmand
xvatāyvār
awrangīkīhā (شکوهمندانه)

باشندگی bavīh

باشنده بودگی bavišn ēstišnīh

باشید bēt
bit

باضطرار ačārakīhā

باطل‌کردن patērānēnītan
patērānītan

باطل‌کننده patērāngar

باطن خوب (دارای) huparrōn

باعث نابودی شدن nasānēnītan

باعظمت farrahōmand

باغ bāγ

باغبان bāγpān

باغستان bāγastān

بافت vafišn

بافتن tatan

بافته‌شدن vāfīhastan

بافته tatak

بافته‌ای از کرک بز buz pašmēn

بافره	farrahōmand
بافره بودگی	farrahōmandīh
بافضیلت	hunarōmand nēvaktom
بافندگی	vafišn
بافنده	ǰūlāhak
بافه	vāf
بافه‌چین	vāfān čīn
باقی ماندن	māndan māntan mānītan mānistan patāyītan pattūtan parēxtan parrēxtan
باقی‌ماندگان	apārīkān
باقی‌مانده	apārīk parrēxt parrēčānīk
باگذشت	xvāpar
بال	bālak parr parrak parīk
بالا	bālāδ/y bālist azapar ōǰ ul
بالا (اندام)	var
بالاآمدگی	uzāyišnīh uzdahišnīh
بالاآمدن	xēzistan
بالا انداخته شده	uzīr
بالابردن	ahrāmītan ahrāmišn
بالاتر	apartar
بالاترین	hačapartom
بالاترین طبقه بهشت	bālistān bālist
بالارفتن	ahrāmišn ahrāftan
بالارونده	ul āhang
بالاندگی	vaxšēnītārīh
بالاننده	vālišn dātār
بالانیدن	bālēnītan vālēnītan
بالای	apar hačapar tar tarist

بالای پشت dōš

بالایی ulīh
uparyavan
aparak

بال برهم‌زدن škāftan

بال چپ سپاه hōyak

بالدار parīk
parvar
parrakīk
parragīk
vāyēndak
parrōmand

بالذات xvat-gōhrīhā

بال راست سپاه dašnak

بالش (نموکردن) bālišn
vālišn

بالش (بخود بالیدن) nāzišn

بالش‌دهندگی vālišn dahišnīh

بالش دهنده vālišn dātār

بالش گاه (تخت‌خواب) bālišn gās

بالغ purnāy
rasīt
masātar

بالغ‌شدن ō patmān matan

بالندگی bālišn
vālišn
vaxšārišn
vaxšišnīh
viyāstakīh

بالندگی دادن vālišn dahišnīh

بالنده vaxštōmand

بالنگ vātrang
vātrang bōy

بالیدن bālītan
vālītan
vaxšēnītan
vaxšišn
vaxšītan

بالین bālēn
vālēn

بالین‌گاه bālēn gās

بام aškōp
aškōw
bān
dār

بامداد bāmdāt
ōšbām
ušbām
uš
ōš
nazd bām

بامدادی bāmīk

بامزه pat mēčak
mazakōmand
mičakōmand

بام ساختن aškōwēnītan

بامیان	bāmiyān
بانگ	vāng drāyišn
بانگ بلند	borz vāng
بانگ زدن	vāng zatan
بانگی	vāngīh
بانو	bānūk nāīrīk nārīk
بانوی خانه	katak bānūk mān mānpatīn mān patak mānpat nārīk ziyānak
بانویی	bānūkīh
بانی خیر	sūtēnītār
با وجود	apar
باور	vāvar virravišn
باورداشتگی	vāvarīkānīh virravišnīh
باورداشتن	virravistan
باورکردنی	virravāk virravišnīk
باوفا	astuvān
باهم	aknēn apāk gumē gumay ham hamahīk ham būtīk hamgās hamōgēn ǰōmā pat ham pat aknēn yumē
باهم بردن	ham burtan
باهوش	hōš ayāpak xratīk
باهوشی	vīrōmandīh
باید	apāyēt
باید بودن	bavišn apāyēt būtan
بایست	apāyast
بایستن	apāyastan apāyistan
بایسته	apāyastak apāyišnīk
بایستی	apāyastīh apāyastīk
بایکدیگر راه رفتن	ham čamišnīh

بایگانی اسناد کشور (دژنوشت) karīta nipišt

باین ترتیب ōγōnak

باین جهت ēt rād
ham čim

ببر bawr

بت but
uzdēs
dēv

بت پرست dēv yasn
dēv yazak
dēvizak
uzdēs parast
uzdēs parastak

بت پرستان dēv yasnān

بت پرستی dēv izakīh
dēv yazakīh
dēv yasnīh
dēvēsnīh
uzdēsīh
uzdēs parastīh
uzdēs parastišnīh

بتکده uzdēs-čār
uzdēs-zār
uzdēs-tačār

بته تیغ xār

بته شاهدانه šan
banǰak

بجا pat-gyāk
pat gēvāk

بجز bē hač

بچشم čašmīhā

بچه bačak
vačak
kūtak
rasīk
rētak
apurnāyak
apurnāyag

بچه بازی mart vēptakīh

بچه‌دان kūtak
zahār

بچه ماهی māhīk xortak

بچه مرغ murvēčak

بچه هفت ماهه haft māhīk

بحث ham patkārišnīh
uskār
uskārišn

بحث دربارهٔ نجوم star gōwišnīh

بحث مجاز patkār ratīh

بحث ومجادله کردن patkārēnītan

بخار dūt
kup

بخارآلود hōšēnāk

بخت baxt
baxtakīh

	farg
	ǰahišn
	ǰāyišn
بخت آفرید (نام خاص)	baxtāfrīt
بخت آورده (بطور بخت آورده)	baxtakīh
بخت بر گشته	bē šutak baxt
بخت خسرو (نام خاص)	baxt xosrō
بختکان (نام خاص)	buxtakān
بخت یار	ǰahišn ayyār
بخت یاری	ǰahišn ayyārīh
بخرد	xratīk
بخش	baxš
	bahr
	bāg
	brīn
	baxtišn
	bōzišn
	ǰāt
	ǰatak
	nisang
	tow
	fragart (بخش کتاب)
	frakart ~
	nēmak
	pārak
	vēčak
	yāt
بخش الهی اوستا	gāsānīk
بخشایش	apaxšāyišn
	apaxšišn
	apōxšāyišn
	apaxšāyandīh
	āmurzišn
	apaxšāyišnīh
	vixšayišn
بخشایشگر	apaxšāyišnkār
	apaxšāyišnkar
	apaxšāyišngar
بخشایشگری	apaxšāyišnkārīh
بخشایشمندانه	apaxšāyišnkārīhā
بخشایندگی	apaxšītārīh
	xvāwarīh
بخشاینده	apaxšāyand
	apaxšītār
	apōxšāyāvand
	xvāwar
	vixšayišnīk
بخشایدن	apaxšāyītan
بخشش	baxšišn
	dahišn
	dahišnīh
	dātārīh
	hilišn
	savākīh
	nivēk
	āyaft
	drōn

بخشش (عمل قسمت کردن) baxtišn

بخشش خوب hūdahišn

بخشش دایمی hēt dahišnīh

بخش شدگی viškītakīh

بخش شدن baxšīhastan

بخش شده baxt

بخشش کننده dātār
rāt dahišn

بخش کردن baxtan
viškītan

بخش کردنی bahrīk

بخش کننده baxtār

بخشم آوردن āšōftan

بخش عمده frahistān

بخشندگی vandgarīh
vixšayišnīh

بخشنده rāt
hūrāt
hudāhak
rātīh kartār
vēhdāk

بخشودار apaxšūtār

بخشودگی (قابل بخشودگی) vixšayišnīk

بخشودن apoxšāyītan
āmurzītan
tūxtan

بخشوده شده āmurzišnōmand

بخشیداری apaxšītārīh

بخشیدن baxšītan
baxšēnītan
dātan
baxtan
hištan
vixšay-
arzānīh kartan

بخشیدنی baxtārīk

بخرد pat xrat

بخوبی xūpīhā

بخود بالیدن nāzišn

بُخور bōy
bōδ
bōy vaǰarak

بخور دادن bōyēnītan
hū-bōyītan

بد vat
vatak
vattar (بدتر)
duš
dušak
anāk
avēh
apārōn
gannāk

بدآفریده duš-dāmak

بدآموخته — duš-āmōxt
duš-ākās

بدآموز — duš-āmōz
duš-āmōxtār

بدآموزنده — duš-āmōxtār

بدآموزی — duš-āmōzišnīh

بدآمیزشی — vat āmēčišnīh

بدآوازه — dusrav

بد آئینی — vat dātīh

بدارآویختگی — xafakīh

بداصلی — duš-xvatīh

بد اندام — duš karp

بداندیش — duš hūmat
kēn mēnišn
vattar mēnišn
duš-vir

بد اندیشه — dušmēn
duš mēnišn
duš-xrat

بد اندیشی — dušmēnīh
dušmēnišnīh

بدانگار — vat hangār

بد بارانی — duš vārānīh (خشکسالی)

بدبخت — vatbaxt
dušbaxt
dušfarg
duš farrag
duš-xvarrah
zat xvarrah
zatak
tapāh (تباه)
patiyārakōmand

بدبختی — anākīh
zat brēhīh
zatakīh
āstānak
tangīh
duš farragīh
zat xvarrahīh
duš-rawišnīh
anāpātānīh

بدبختی بزرگ — vas anākīh

بدبو — gandak
duš-gand

بد بویی — gandakīh
duš-gandīh
duš-gandakīh

بدبها — duš-vahāk

بدبین — dušmēn
vat hangār

بدبینی — dušmēnišnīh

بدپیوند — duš-patvand

بدتخمه — duš-tōhmīk
vat tōhm
anāk tuxmak

بدتر	vattar
بدتر منش	vattar mēnišn
بدتری	vattarīh
بدترین	vattom
بدترین بد	vattartom
بدترینی (نهایت بدی)	vattomīh
بدجنس	vatak vat gōhr vat zahrak
بدجنسی	vatakīh
بد چشم	duš-čašm
بد چشمی	duš-čašmīh duš-doisrīh sūr čašmīh
بدچشمانه	duš čašmīhā
بدچهره (بدگوهر)	duš-čihr vat čihr vat čihrak
بد حساب	vat hamār
بدخواه	duš-čašm duš-kām vat kāmak kēnīk kēn mēnišn
بدخواهانه	duš čašmīhā
بدخواهی	vat xvāhīh duš-čašmīh duš-kāmakīh vat kāmakīh duš-manātīh anāk kāmakīh anākīh kāmakīh
بدخواهی کردن	duš-kām kartārīh
بد خرد	vat xrat duš-xrat
بدخوی	vat xēm duš-xēm dušak duš-rawišn vat čihrak
بدخویی	dēvīh duš-rawišnīh
بدخویی زیاد	frēh dēvānīh
بدخیم	vat xēm duš-xēm
بد دان (کسی که آگاهی بد و مضر دارد)	duš-dān
بد دل	vat dil
بد دلی	vat dilīh
بددم (بد نفس)	duš-daft
بد دوستی	vat dōšārmīh

بد دین — ākdēn, duš-dēn

بد دینی — vat-dēnīh, duš-dēnīh, āk-dēnīh, dravandīh, druvandīh

بدر — pur māh

بد راه رفتن — škarvītan, škarvītakīh

بد رفتاری — duš-burtīh

بد رفتاری بزیردستان — anākēnīh

بد روان — ākruwān

بد روانی — ākruwānīh

بدرستی — rāstīhā, pat nāmčišt

بد روش — duš-rawišn

بد روشی — anāk rawišnīh, duš-rawišnīh

بد زندگی — vat axv

بد زهره — vat zahrak

بد سالی — duš-yārīh

بد سایگی — duš sāyīkīh

بد سایه — duš-sāyak, duš sāyīk

بدست (وجب) — vidast, vitast

بدست آوردن — handōxtan

بدست نیاوردن — anāyāftan

بدسخن — duš saxvan, frā-duš-huxt

بد سخن گفتن — jōyītan, dandītan

بد سخنی — duš saxvanīh

بدسرشت — duš-čihr, vat gōhr, vat tōhm, duš-xēm, duš-tōhmīk, duš nihātīk, duš-dahāh, sēz čihr

بد سرشتی — duš-čihrīh, vat gōhrīh

بد شکل — vat čihr, vaxr

بد شکل کردن — āhōkēnītan, viškaftan

بد شمار — vat hamār

بد طینت — vat gōhr, vat čihr, vat čihrak, vat tōhm, duš nihātīk

duš-čašm
sēz čihr
sēǰ čihr

بد طینتی vatakīh

بدعت yut dātastānīh
vat dātīh

بدعت گذار در دین varanīk

بدعت گذاری yut vēnišnīh

بد عمل dušīk kār
duš-varzītār
dušak marz (منحرف جنسی)

بد عملی duš kunišnīh

بد فره duš xvarrah

بد فکر duš hūmat
dušman
dušmen
duš-xrat (بد خرد)

بد فکری dušmanīh

بدکار dušīk kār
anāk kartār
anāk kunišn
duškār
dušdā
duš-varzītār
duš-kunišn
duš hūvaršt
anāk
dušak
mar
bēšītār
frā-duš-hūvaršt (بسیار بدکار)

بدکاری duš-kartārīh
duš kunišnīh
duš-varzīh

بدکامگی duš-kāmakīh
vat kāmakīh
anāk kāmakīh

بدکامه vat kāmak
duš-kāmīk
anāk kāmak

بدکامی anākīh kāmakīh

بدکردار duš-kartār
anāk kartār
anākīh kartār
duš hūvaršt

بدکرداری duš-kartārīh
vat kunišnīh

بدکنش duš-kunišn
anāk kunišn

بدکنشی duš kunišnīh
vatgarīh

بدکینه kēnīk

بدگروشی duš virravišnīh

بدگفتار duš-huxt

بدگو	duš gōwišn spazg
بدگوهر	vat gōhr vat čihr
بدگوهری	duš-xvatīh vat gōhrīh
بدگویی	duš-gōwīh duš-gōwišnīh spazgīh
بدمزگی	duš-mičakīh
بدمزه	duš-mičak
بدمندانه (از روی بدی)	akōmandīhā
بدمنش	vattar mēnišn duš-mēnišn
بدن	tan karp kālpat
بدنام	dušnām dusraw duš sraw dusrawēnītak dušāpak čašm kās
بدنام کردن	dusrawēnītan
بدنامی	dusrawīh dušāpakīh duš ēvāčīh
بدنژاد	vat čihr vat čihrak duš-čihr vat tōhm duš-tōhmīk anāk tuxmak
بدنژادی	duš-čihrīh
بدنظر	duš-čašm
بد نفس (بد دم)	duš-daft
بد نگاهدارنده	duš-dār
بد نگرشی	vat nigarītārīh
بدنی	tanīk tankart tankartīh
بد نیت	dušman dušmēnišn frādušmat
بدنیتی	vat dilīh dušmanīh
بدون	bē bē-hač apē
بدون کسر بودن	afrayūt
بدهنر	vat hunar
بدهنری	vat hunarīh
بد هیکل	duš karp

بدی	vatīh vatakīh vattarīh dušīh āk vizāyīh yuttarīh anākīh apārōnīh
بدی‌آموز	dušīh āmōxtār
بدی کامل	harvisp vattarīh
بدی کردن	bēštan
بدی کننده	anāk kartār
بدی مفرط	frēh dēvānīh
بدین جهت	ēt rāy
بدیهی	čihr
بذر	tōm tōhm tōhmak tuxm šusr
بذر افشاندن	kištan
بذر البنگ	mang
بذل کننده	vandgar
بر (بالا)	apar awar bar ōǰ ul
بر (میوه)	bar mīvak
بر (سینه، پهلو)	var
بر (ازبر = درسینه حفظ داشتن)	varm
براتروت (نام خاص)	brātrōkrēš brātarōrēš
براحتی	frāxvīhā
برآشفتگی	āhītīh
برآشفتن	āšōftan
برآشفته	āhīt
برآمدگی	pēštakīh uzāyišnīh
برآمدن	uzītan
برآمده	stīk uzīrišnīk
برآورد کردن	ōšmārītan
برآهیختن	āhanǰītan
برا (تیز)	burāk
برابر	hamvar
برابری	ham kunīh
براتوروش (نام خاص)	brātōrōš

برادر — brāt
brātar
apēbrāt (بی‌برادر)

برادر تنی — ham mātak

برادر دروغین — brātarōt

برادرزاده — brātar zāt

برادری — brātīh
ērmānīh

برافراشتن — āhixtan

برافراشته — rāst

بران — tēz
tēž
tigr

برانداختن — handāčišn

براندازندهٔ دستور وقانون — dastwar zatār

برانگیختن — hāčītan
haxtan
hangēzītan
hangēžēnītan
naxvārītan
rānakēnītan
sārēnītan

برانگیخته شدن — hangēžīhītan

برانگیزنده — ǰumbāk

برای — ō
pat
rā
rāδ
rāy

برای اینکه — vasnād
ēt

برای چه — čim

بربستن — apar bastan

بربط — barbut
barbat

بربط نواز — barbut srāy

برپا شده — stadak
uzīr
uzīrišnīk

برپاکردن — afrāštan
astēnītan
ul dāštan

برپاکردن مراسم دعا — yaštan

برتر — apartar
aparak
apēr
apargar
aparmand
tarvēnītār
pahrōm
pahlōm
patīhak
hačiš mas

برتران hačiš masān

برتر منش tarmēnišn

برتری aparīh
apartarīh
apartōmīh
ulīh
tarīh
frāčīh
fratōmīh
pahrōmīh
pahlōmīh
masīh
patīh
pēš rawišnīh
sālārīh
aparvēčīh

برتری خدایی yazdān pahrōmīh

برترین apartōm
hačapartōm
barēn

برترین آفریده pahrōm dāt

برترین برتر bālistān bālist

برترین دانش mahist ākāsīh

برج axtar

برج اسد šēr (شیر)
šagr

برج بره nahāzīkān

برج ثور gāw

برج جدی nahāzīkān
vahīk
viyūtakān (منسوب به‌برج جدی)

برج جوزا dō patkar (دو پیکر)

برج دختر hōšak

برج دلو dūl (دول)
dōl
dō āpdān

برج حمل mēš
varak
varrak

برج سرطان karčang (خرچنگ)

برج سنبله hōšak

برج قمر xvartak

برج قوس nēmasp (نیم اسپ)

برج میزان tarāzūk

برجستگی kōfak
viyāstakīh

برجستن ǰastan
uzītan

برجسته ǰastak
stīk
uzīr
uzīrišnīk

برخاستگی ōstišnīh
ustišnīh
uzišnīh
uzdahišnīh

برخاستن āxastan
āxēzišn
āxistan
āxēzītan
āxēzistan
xāstan
xēzistan
uzēnīhītan
uzītan
ustan
ul āmatan
ul ustan
ul uzišnīh
ōǰītan
ōstātan
frāč šutan
apar āxistan

برخاستن مردگان درروزقیامت rist vīrāyīh

برخاسته ōstān
ustān
uzīr

برخلاف حقیقت drōžan

برخلاف شرع adātīhā

برخلاف قانون adātastān
adātīhā

برخورد دشمنانه patkōxšišn

برخوردکرده patkōftak

برخوردن دولشکر بهم patkōftan

برخی ēčand

برخیزاندن ōstēnītan

بَردار barōmand

بُردار (برنده) burtār

برداری burtārīh

بردباری burtārīh

بردباری کردن bār burtan

بردن burtan
ham burtan
barišn (عمل بردن)
barišnīh (بردگی)
āpurtan
appurtan
nītan
ānītan
vāčītan
vāčēnītan
vāčišn (عمل بردن)
vāzišn (عمل بردن)
vāzītan
vāzēnītan
vibarišn (به‌اطراف بردن)
vibarišnīh (به‌اطراف بردن)
zamēnītan

بردویدن apar duwāristan

بَرده — bandak (بنده)

بُرده شده — apār
appār

برنده — burtār

بررسی — vičustārīh
vičuyišn
vičōhišn
vičōdišn
vij̆uhišn
vičuyišnīh
nikīr
uskār

بررسیدن — apar rasītan

بررسی کردن — vij̆ustan
vičustan
vij̆ūyīhītan
apar rasītan

بررسی کننده — nikīr
vij̆ustār

بُرز — burz
burž

برز آذر (نام خاص) — burz ātūr

برز ایزد (نام‌خاص) — burz īzat

برزخ — hamistakān

برزشمند — buržišnōmand (متعالی)

برزشمندی — buržišnōmandīh (تعالی)

برزگر — varzīgar
varzēkar
varzvar
varz kartār
vāstryōš

برزن — vālan

برزناکی — burzēnākīh (جلال)

برزو — burzak (نام‌خاص)
burzōk

برزین مهر — burzēn mitr (نام خاص)

برسم — barsam
barsom

برسم چین — barsom čin
barsam čin

برسم دان — barsam dān
māhrōy

برسم گیاهی — urvarēn barsam

برش (عمل بردن) — barišn

برش (عمل بریدن) — karrēnišn

برشتن — brištan

برشته — brištak

برشماری — ušmurišn
xvāndan

برشمردن — ušmurtan
ušmurišn
hangārtan

برشنوم (تطهیر، غسل)	baršnom
برص	pēs
برطرف شده	sišd
برطرف کردن	bē kartan
	pardāxtan
	nišastan
	vičārtan
برف	vafr
	snahr
	snēhr
	snazak
	snēzak
برف‌آلود	vafrēn
برف‌آور	snēžak
برف‌دار	vafrōmand
برف‌مند (نام کوه = برف‌دار)	vafrōmand
برفی	snēžak
	vafrēn
	vafrēnak
برفینه (شیرینی)	vafrēnak
برق	vīr
	virōzāk
برق آسمان	ātaxš i vāzišt
برقرار ساختن	vinārtan
	vīrāstan
برقرار سازنده	vinārtār
برقرار شده	vinārtak
برقرار کردن	nihātan
	nišāstan
	astēnītan
	ēstānītan
	ēstēnītan
	kartan
برقرار کننده	astēnītār
برقراری	vinārtārīh
	vīrāstārīh
برکار	aparkār
برکت	āfrīkānīh
	āpātīh
برکت کامل	harvisp āpātīh
برکشیدن	axtan
	āhixtan
	hanǰītan
	uzītan
	frahaxtan
	ul burtan
برکشیدگی	āhanǰišnīh
برکنارتر	kustak-tar
برگ	barg
	varg
	vark
	valg

برگ درآوردن tandīh

برگ درخت dār varg

برگ درخت انار dāt hūš

برگ سبزه giyākīčak

برگزیدگی čīnišn
vičišn

برگزیدن čīnītan
čītan
vēxtan

برگزیده čītak

برگزیده نشده avičin

برگزیدهٔ اندرز پوریوتکیشان (نام کتاب)
čītak handarz i pōryōtkēšān

برگشتگی bē vartišnīh

برگشتن bē gaštan

برگ مند vargōmand

برمایون (نام خاص) barmāyōn

برملا کردن āškārākēnītan

برمنش apar mēnišn

برنا apurnāy
aparnāyīk
apurnāyīk
purnāy

برنایان apurnāy zātakān
apurnāyīgān

برنایی apurnāyīh

برنج (فلز) brinǰ

برنج (دانه) virinǰ
brinǰ

برنجین brinǰēn

برندگی (بریدن) tēzīh

برندگی (بردن) appurišn

برنده (بردن) vāzēnītār
āwurtār
appurtār

بُرنده burāk
karēnītār
karrēnītār

برنزی brinǰēn

بروج دوازده‌گانه davāzdahān

برومند varōmand
barōmand

بره mēš
varak
varrak

برهم زدن ō ham kartan

برهنگی brahnakīh

برهنه brahnak
vrahn
rūtak
lūtak

برهنه پایان vrahn pāyān

بری از عیب apityārak

بریان کردن brištan

بریدن	brītan
	brīnītan
	brīnišn (باید بریدن)
	burītan
	karītan
	karēnītan
	kirrēnītan
	karēnišn
	karrēnišn
	darūtan (درویدن)
	tāšītan
بریدن علف	vāstr dravišnīh
بریده	burrītak
بریده بریده بودگی	kartak kartakīh
بریده شده	kartak
برین (برترین)	bālist
	barēn
بز	buz
	buzak
بزرگ	vazurg
	vazurk
	vuzurg
	stawr
	sturg (سترك)
	aparak
	aparmānīk
	zand
	mas
	mazan
	burzāk
	buržāk
	girān (گران)
	mēh
بزرگ آگاهان	ākāṡ-pat
بزرگ امید	mas ōmēt
بزرگان	vazurgān
	vazurgakān
	aparakān
بزرگ اندیشه	mas mēnišn
بزرگان دین	patān i dēn
بزرگتر	mas-tar
	hačiš mas
بزرگتران	hačiš masān
بزرگترین	masist
بزرگ خانواده	katak xvatāy
بزرگ دارنده	masēnītār
بزرگ داستان	mas dātastān
بزرگداشت	masēnišn
	masīkēnišn
بزرگ داشتن	burzītan
	masēnītan
بزرگ دانشمندان	ākās-pat
بزرگ دبیران	dipīrān i mahist
بزرگسال	dāt-mas

بزرگ شدن	bālītan vālītan vālēnītan vaxšītan vaxšēnītan vaxšišn
بزرگ شدنی	vaxšēnītanīh
بزرگ فرمدار	vazurg framatār
بزرگ کنش	vazurg kunišn
بزرگ گرداندن	vaxšēnītan
بزرگمردی	mas martīh
بزرگ منش	mas mēnišn vazurk mēnišn vazurg mēnišn
بزرگ منشی	vazurk mēnišnīh rātīh
بزرگمهر بختگان	buxtakān
بزرگ نژاد	girān tuxmak
بزرگواری	buržišnōmandīh
بزرگی	vazurgīh vuzurgīh burz axvīh bulandīh masā masīh škōd (شکوه) varǰ varčōmandīh (ارجمندی) masāi (وسعت)
بزرگی همیشگی	hamēšak masēnišn
بزغاله	vahik vāik vēsak
بزك	buzak
بز کوهی	pāčan pāzan vahik
بزم	bazm
بزم‌آورد (شیرینی)	bazmāvart
بز ماده	xar-buč xar-buz
بُز نر	buz i nar
بِزه	vačak bačak bazak bazakīh
بزه آیین	bazak advēn bazak āyēn
بزهد و تقوی‌عمل کردن	ahrāyīh kartārīh
بزه کار	bačakgar bačak-kar
بزه کاری	bačak-kārīh

بزه گر
bačakar
bazak-gar
vačak-gar

بس
vas

بساختگی (انجام شدگی)
passāxtakīh

بساخته (انجام شده)
passāxtak

بست (بسته)
bast

بُست (شهر)
bast
bust

بستان
bōstān

بستر
vastarg
vistarg
vistarak
vastar
taxt-gāh
dušak
pasišn
mātak

بستر رود
mēγ
rōstāk
rōtastāk

بسترگاه
vistarak gās

بستگان
manīkān

بستگی
bastišn
paivand
patvand

بستن
bastan
vastan
frāč kartan
pašēnēnītan
pašēnītan
dranǰēnītan
ākustan

بسته
bast
bastak
ākustak

بسته بودگی
bastišn

بسته شدن
patvandītan

بستور (نام خاص)
bastvar

بَستی
bastīk

بُستی (منسوب به‌شهربست)
bustīk

بس خواستگی (ثروت)
vas xvāstakīh

بُسد (مرجان)
vussat
vassat

بسدین
vassatēn

بس دشمنی
vas dušmanīh

بسزا
pasačakīhā

بَسط
rawākēnītārīh
vaxšārišn
sahmānak

بسط دادن	frāxvēnītan
بسط دهنده	frāxvēnītār
بسیار	apēr vasyār vasīkār vas vasīhā vas-pur saxt frēh
بسیارآبی	vas āpīh
بسیار بد	vattartom
بسیار خواسته (سالدار)	vas xvāstak
بسیار زیاد	vēšast vēšist
بسیار سر	vas kamār
بسیار مسن	purgāh
بسیار نیرومند	vas ōž
بسیار نیک	pur nēvak
بسیار وظیفه شناسانه	xvēškārīhātom
بسیارها	vasān
بسیج شده	pasīǰak pasīčak
بش (گیاه زهرآگین طبی)	bēš
بُش (یال)	buš
بشاش	hū-rām
بشاید	bē šāyēt
بشقاب	patiš-xvār tašt
بشقاب گرد	astak
بشن	bašn
بشن (ستاره)	bašn
بصیر	šnāsak xup šnāsak pursišnīk
بصیرت	nikēžišn xup šnāsakīh
بصیرت مینوی	mēnōg vēnīh mēnōg vēn (دارای بصیرت مینوی)
بطری	ǰāmak šīšak
بطلمیوس (نام خاص)	patalmuš
بطور غیرعمد	ahonsandīhā
بطوریکه چیزی نقصان نپذیرد	afrayūt hačišīhā
بعد	pas
بعدازظهر (سه‌بعدازظهر تا شب)	ūzīrīn
بعدی	pasēn
بعضی	and

بعکس bē

بعلاوه bē

بغ baγ
bag

بغان‌داد bagān dāt

بغانی baγānīk

بغداد baγdāt
bagdāt
bagān dāt
bakdāt

بغدخت راستی ودرستی aštāt

بغدخت زمین spandarmat

بغ شکوهمند baγ varǰāvand

بغل kaš
kašak

بفراوانی afkārīhā

بقا ēstišn
asačišnīh

بقایا māndakān

بقیه apārīk
frēč
han
hān
parrēčānīk

بکاربردن frāč burtan

بکارت dōšīčakīh

بکار واداشتن kārēnītan

بکلی hač bun

بلا āstānak
margīh

بلاتور (نام زهر و داروئی است) balātur

بلادور (داروئی است) balādur

بلاش valaxš

بلاش شاپور (شهر) valaxš šāhpuhr

بلاغت huzvānīkīh

بلافاصله ham-zamān
ham-damān
andar zamān
nazd hač
has
pat gyāk

بلخ bāxl

بلع ōpārīh
žūtārīh

بلع کردن gukārīhītan

بلعنده ōpār
ǰūtār

بلعندهٔ گله وشکایت gilak ōpār

بلعیدن ōpārtan
ōbārtan
žūtan
ǰutan

ǰōyišn
gōkārtan
gōvārītan

بلغم drēm

بلغور frūšak

بلکه من bē-m

بلند buland
burz
buržāk
ul
bālāδ/y
bālistīk

بلندآواز društ ēvāč

بلنداله borzīhā

بلند بالا hū-rōst
hū-rūst
hū-rūstak
hū-rōyišn

بلند بودگی ulīh
bālistīh

بلندترین bālist

بلندترین قلهٔ البرز که دیوان از آن بیرون‌آیند
arezūr

بلند حرف زدن drāyītan

بلند دستی ūstān dastīh

بلند روشی buland ravišnīh

بلند شدگی uzišnīh
ustišnīh
uzdahišnīh

بلند شدن xāstan
āxistan
ustan
ustātan
xēzistan
āxēzītan
āxēzišn
frāč šutan
ul ustan
ul uzišnīh
ahrāmītan

بلند شده ustān
ōstān

بلند کردن āxēzītan
ahrāftan
uzītan
āhixtan
ōstēnītan
ōǰītan
ahrāmītan
ahrāmēnītan
burzītan
burzēnītan
afrāštan

بلند گرداننده	apargar
بلند مرتبه	burzāvand burzēn
بلند مقامی	mas gāsīh
بلند منشی	tarmēnišnīh
بلندی	bulandīh bar burz bālāδ/y bālistīh čakāt dērangīh var
بلندی‌ها	bālistān
بلوچان	balōčān
بلور	āpakēnak bēlūr gēn mīn
بلوط	balūt
بلوغ	pazāmišn pazmāyišn pažāwišn pazāmēnītārīh mēštarīh masātorīh purnāyīh rahīkīh
بمحض اینکه	ham čēγōn
بموقع	pat gās
بُن	bun kūn
بنا (ساختمان)	dēsišnīh dēstak
بنا	rāz kirrōk
بنات‌النعش	haptōkring
بناچار	ačārakīhā
بناخواه	ahonsandīhā
بنا کردن	dēzītan frakānītan
بنام (معروف)	hanǰamanīk nāmčištīk
بن جنگجوئی	bun artīk
بند	band
بند (دام)	nivandak
بند (نخ)	šnor
بندآوردن	nišastan
بند انگشت	banǰak
بند بازی	andarvāy vāčīk dār vāčīk
بن‌دار	bunōmand
بن داشتگی	bunyaštīh

بن درخت	dār bun
بند شعر	vačast vičast
بندگاه دست وپای اسب وستور	xurtak
بندگی	bandakīh pasōpāyīh
بند مقدس (کستی)	ēvyānghan
بنده	bandak ērmān
بندهٔ دین	dēn bandak
بندهشن(آفرینش نخستین-نام کتاب)	bundahišn
بنفشه (گل)	vanafšak
بن کده (انبار)	bunkatak
بنگ	bang mang banǰak
بنگ ویشتاسپی	mang i vištāspān
بنه	bunak
بُنی	bunīk
بنیاد	bun bunē dātak frakān buništīh buništak nišāyišn nihišn nihātak
بنیاد کردن	nihātan kartan
بنیاد گذاشتن	bun frakandan nišāstan frakandan
بنیه	tanbahr
بُواد	bavāt
بوالهوسی	xvat dōšīh
بوته نی	nāy bun
بوخت اردشیر (شهر)	buxt artaxšēr
بودار	bōy dār
بوداسف (نام خاص)	būtāsaf
بودایی‌ها	būtīhā
بودگی	bavīh bavišn
بودن	būtan ēstātan
بودن (باهم)	apākītan hamahīh ham bavēnītan ham būtan
بوده	būtak
بودی	būtīh
بور	bōr
بوران	damak
بورزآتور (نام خاص)	burz ātur
بورزك (نام خاص)	burzak

بورگاو (نام خاص)	burgāv
بوره	bōrak
بوزینه	kapīk
بورژای (ایزد رویش غلات)	buržāy
بوستان	bōstān bōyistān
بوستان افروز (گل)	bōstān afrōz
بوستان بان	bōstān pān
بوسیدن	būsītan
بوسیلهٔ	pat
بوشاسب (دیو خواب وتنبلی)	būšāsp
بوف	būf
بوق	gāv dumb
بول	pēškār pēšyār pišār
بول کردن (درمورد گاو)	gōmēzītan
بول گاو	gōmēz
بوم (سرزمین)	būm
بوم (جغد)	vahuman murɣ puš
بوناك (نام خاص)	bunāk
بوی	bōδ/y
بویا	bōyāk
بوی بد	dušgand gand gandīh
بوی بدادن	gandītan
بوی خوش	bōδ/y
بویژه	nāmčišt
بوییدن	bōyītan bōyēnītan bōδēnītan hūbōyītan
بوئیتی (دیو)	but dēv
به (حرف اضافه)	bē ō pat
بهاو	pat-iš
به (خوب)	vēh
به (میوه)	bēh
بهآفرید (نام خاص)	vēh āfrīt
بها	vahāk arǰ sang barišn uzēnak
بها دادن	vahāk burtan
بهادار	arzānīk
بهادار بودن	arzītan
بهاداری	arzānīh garānīh

بهار
vahār
bahār
āpsārān
sart garm

بهاری
vahārīk

بهانه
bahānak
bihān
bihānak
vahān
vahānak

بهر
baxšišn

بهت
stūwīh
vitīmuštīh

بهتری
pahrōmīh

بهترین
vahišt
pašōm
pahrōm
nēvaktom

بهترین خواهش
pahrōm xvāhišnīh

بهترین سخن
pahrōm sraw

بهترین مردان
martān pahrōm

بهت‌زده
vitīmušt

بهدوست
vēh dōst

بهدوستی
vēh dōstīh

بهدین (زرتشتی)
vēh dēn
dēn i vēh

hūdēn
xūp dēn

بهدینی
hūdēnīh
vēh dēnīh

بهر
bahr
bāg
nīrmat

بهرام (نام خاص)
bahrām
vahrām
varahrām
varahrān
varhrān

بهرامان (منسوب‌به‌آتشکدهٔ‌بهرام)
vahrāmān

بهرام شاد (نام خاص)
vahrām šāt

بهرام‌گور (نام خاص)
vahrām gōr

بهراموند (نام جا)
vahrāmāvand

بهراندازه
marčikāmči

بهرحال
pat čiš i advēnak
ǰāvar-ē

بهرروی
ǰāvar-ē

بهر کردن
bahrēnītan

بهرمند
bahravar
bahrmand
nirmatōmand

بهرمندی
bahravarīh
hahrmandīh

بهرنا شده	abahr
بهروان	vēh ruwān
بهره (سود)	āyaft
بهره	bahr
	bahrak
	bar
	vēčak
بهره‌ای	bahrīk
بهرهٔ خدایی (تقدیر)	bagōbaxt
	bag-baxtīh
بهره دهنده	baxšēnītār
بهره کردن	bahrak nimūtan
بهره‌مند	bahrōmand
بهره‌مندی	bahrōmandīh
	vahrōmandīh
بهره ور	bahrōmand
بهره وری	bahravarīh
	bahrvarīh
	bahrakvarīh
بهره‌یابی	nirmat vindišnīh
بهش (باو)	aw-iš
بهشت	vahišt
	pahrōm axvān
	garōtmān
	garasmān
	huxt (یکی ازدرجات وصول به‌بهشت)
	hūmat gās (از بخش های بهشت)
	hūvaršt gās (یکی ازبخش های بهشت)
بهشتی	garōtmānīh
	vahištīk
	vahišt bahr
	pahlom
بهشتی بودن	vahištīkīh
به‌کرداری	vēh kartārīh
به‌گاه (بموقع)	pat gās
بَهمان	vahmān
به‌مرد	vēh mart
به‌مردی	vēh narīh
بهمن	vahuman
	vahman
	vohuman
بهمن‌چهر (نام خاص)	vahman čihr
بهمن‌داری(رفتارخوب)	vahuman dārīh
بهمنش	vēh mēnišn
	vahuman mēnišn
به‌منشانه	vēh mēnišnīhā
بهمنشی	vēh mēnišnīk
بهمن‌ماه	vahuman māh
بهمن مرغ (جغد)	vahuman murγ
بهمنش (به‌اندیشی)	vahuman mēnišn
بهنامی	vēh nāmīkīh
به‌نر	vēh nar
به‌نری	vēh narīh

بهنگام — pat hangām
hangāmīk

بههیچ حساب — pat hēč marak

بههیچ روی — pat hēč marak

بههیچ وجه — pat hēč marak

بهی — vēhīh

بهی (نام خاص دختر) — bahīk

بهیزك — vihēzak

بهیزکی (سال کبیسه‌دار) — vihēzakīk
vihēčakīh

بهیزه — vihēčak
vihēžak

بهیزه کردن — vihēčēnītan

بهیستن (نام خاص) — bēhistan

بهیستون (کوه در اصفهان) — bēhistūn

بی — apē

بی آب — anāp

بی‌آبرو — dušāpak
dusravēnītak
rusvāk (رسوا)

بی‌آبرویی — dušāpakīh
anāzarmīh
rusvākīh

بی‌آبرو کردن — dusravēnītan

بی‌آبی — anāpīh

بی‌آرزو — akām

بی‌آزار — anāzār
apēbēš
arēšītār

بی‌آزارانه — arēšītārīhā

بی‌آزردگی — apityārak

بی‌آزرم — anāzarm
anāzarmīk

بی‌آزرمانه — anāzarmīhā

بی‌آزرمی — anāzarmīh

بی‌آزی — abē āzīh

بی‌آسانی — apēxvārīh

بی‌آسایشی — apēxvārīh

بی‌آسیب — agazand

بی‌آلایش — anāhīt
avinast

بی‌آهو (بی‌عیب) — anāhōk

بی‌آهویی (بی عیبی) — anāhōkīh

بی‌آیین — anadvēnak

بی‌آیینی — anadvēnīh

بیابان — viyāpān
vaškar
viškar

بی‌ابتدا — asar

بی‌اثر — apētuxšāy
akār

بی‌اثر کردن akārēnītan
apētuxšāy kartan

بی‌اثر ماندن niyastan

بی‌احترام anarzānīk
aburžišnīk
čašm kās

بی‌احترامی anāzarmīh

بیادآوردن awyātēnītan

بیادآورنده ōšmurtār

بی‌ادبی duš ēvāzīh

بی‌ادراك abōy
abōδ
akāmakōmand

بی‌اراده akāmakōmand

بی‌ارج anarǰ
anarz

بی‌ارزش duš arz
duš vahāk
anarǰ
anarz
anarzānīk

بی‌استعدادی anātāvīh

بی‌اصل abun

بی‌اعتدالی apatmānīh

بی‌اعتقاد avirravišn

بی‌اعتقادی anastuvānīh

بی‌اغفال adruǰišn

بی‌افسر anafsār

بیان guftārīh

بی انتها afraǰām
afražām
asar
dūr karānak

بی‌انتهائی asarīh

بی انحراف afrayūtīhā

بی‌اندازگی apatmānīkīh

بی اندازه pat marak

بی اندیشه amēnītār

بی انصاف adātastān

بی انضباطی anāyēnīh

بیان کردن xvāntan

بیابانگر (مخرب) viyāpāngar

بی‌اهمیت visand

بی‌بالی nēst parragīh

بی بدی yut gat

بی بر apē-bar

بی برادر apē brāt

بی بلندی anafsār

بی بن abun
apē-bun

بی بود apē-būt

بی‌بودی	apē-būtīh, ōvēnišn
بی بوی	abōy, abōδ, apēbōδ
بی بویی	apēbōδīh
بی بها	anarzānīk
بی بهانگی	avahānīh
بی‌بهانه	apē-vihānak, avahān
بی‌بهر	apēbahr
بی بیش (بی‌رنج)	abēš
بی‌بیم	abīm, anabīm, apē-bīm
بی بیمانه	apē-bīmīhā
بی بیمی	apē-bīmīh
بی بینشی	avēnišnīh
بی پاسخ	apasaxv
بی پاسخی	apasaxvīh
بی‌پایان	anaγrān, anaγr, asar
بی‌پایانی	afraǰāmīh, afražāmīh, asarīh
بی پتیارگی	apatyārakīh
بی‌پدر	apēpit
بی پروا	asamēnišn
بی پرواز	avazišnik
بی پروایانه	vistāxvīhā
بی پری	nēst parragīh
بی پسر	apēpuhr, apus
بی پهری	azarmān
بی پیمان	apatmān
بی تأثیر	visand
بی تازش	atačišn
بی تأمل	anašnās
بی تجربه	anāzmūtak
بی تخمه	yut tōhmak
بی تردید	agumān, apēgumān, ēvar
بی‌ترس	anabīm, asamēnišn, asamišn
بی تشخیص	avičin
بی تصمیم	akāmak
بی تفاوت	stadak
بی تقلب	anērang

بی‌تقوایی	ahramōgīh ahramōkīh dravandīh drūǰīh
بی تقوی	ahramōg ahramōk dravand
بیتک (نام خاص)	bītak
بی تکلیف	apardazišn
بی توان	akār
بی توجه	sūtak
بی توجهی	sūtakīh vistārīh
بی ثبات	frasāvand rōčvart
بی ثباتی	frasāvandīh
بیج (نژاد)	vēǰ
بی جا	apēgās
بی جامه	apēyāmak
بی جان	uzīt bōδ ristak uzuštān
بی جانی	uzuštānīh
بی جریان	atačišn
بی جسمی	atanīh
بی جنبش	ačandišnīk
بی جنبشی	armēštīh
بی چارگی	ačārakīh
بی چاره	ačār ačārak ačārik anačārak apēčār
بی چاره کردن	ačārēnītan
بی چیز	driγōš (درویش)
بی چیزی	driγōšīh
بی حاصلی	avīn būtakīh
بی حالی	akārīh bē sūtakīh
بی حد	apē vīmand asāmān
بی حرکت	avazišnīk atačišn
بی حرمت کردن	tar kartan
بی حساب	asāk
بی حسادت	hū-čašm
بی حسی	ašgahānīh apēbōdīh
بی خار	apēxār
بی خبری	anākāsīh

بیختگی	vēzišn
بیختن	vēxtan
بی خطر	asēž
بی خواب	axvāb axvamn
بی خوابی	axvaftakīh axuftakīh
بی خواستی	axvāyišnīh
بیخود	apēbōδ/y
بیخودی	dušxvatīh
بی خورش	axvarišn
بی خورشی	axvarišnīh
بید (حشره)	dēvak
بید (درخت)	vīt
بیداد	apēdāt
بیدادگری	adātastānīh
بی دادی	adātastānīh
بیدار	gubrāk
بیدار دل	zēnāvand
بیدار شدگی	vigrāsišn
بیدار شدن	vigrātan
بیدار کردگی	vigrāsišn
بیدار کردن	gubrāsītan gūhrāyēnītan
بیداری وجدان	ustān axvīh
بی دانشی	kam-xratīh (کم‌خردی)
بی درد	kēm ranǰ adart
بیدرفش (نام‌خاص)	vidrafš
بیدرنگ	pat ham zamān andar damān andar zamān
بی دشمن	apatiyārak
بی دشمنانه	apatiyārakīhā
بیدقت	anašnavāk aniyōxšītār
بیدقتی	aniyōxšītārīh
بی دلیل	apēčim
بی دُم	adumb
بید مجنون	vītōpat (بید افتاده)
بی دوام	frasāvand
بی دوامی	frasāvandīh
بیدین	adēn ākdēn duš dēn ahramōg ahramōk durvand druvand drvand dēn hamistār

	apārōn
	anastuvān
	avirravišn
	duših virravēnitār
	nēst yazat hangār
بیدینی	adēnīh
	ahramōgīh
	ahramōkīh
	duš virravišnīh
	dravandīh
	druvandīh
	karapīh
بی راحتی	apēxvārīh
بی رامش	arāmišn
بی راه	aparās
	apērās
بیراه کردن	apērāhītan
بیراه کنندگی	apērāsēnītārīh
بیراه کننده	apērāsēnītār
بیراهی	apērāhēnītārīh
	apērāsīh
بی رحم	anāmurz
بیرحمی	xrūkīh
بی رقیب	ahamēstār
	anahambūtīk
	apatiyārak
بی رقیبی	ahamēstārīh
بی رنج	abēš
	adart
	asēž
	kēm ranǰ
	yut bēš
بی‌رنج بودن	abēšītan
بی‌رنج شده	abēšt
بی رنجی	abēšītārīh
بی روح	uzuštān
بی روحی	uzuštānīh
بیرون	bērōn
	bīrōn
	ōǰ
	tarist
بیرون آمدگی	uzišnīh
بیرون آمدن	fraǰastan
	uzītan
بیرون آوردن	ōnītan
بیرون برده شدن	uzvāhistan
بیرون رفتن	azruftan
	zruftan
بیرون رفته	uzīt
بیرون کردن	ōgārtan
بیزانسی	hrōmāyīk
بی زبانی	agōvākīh

بی زور	stōw nizōr
بی‌زور بودن	stōw būtan
بی‌زور کردن	stōw kartan
بی زوری	stōwīh nizōrīh
بیژن	vīžan vīǰan
بی سامان	viyāpānīk
بی سایه	nasāyak
بی ستون	apēstūn
بی سکنه	apēmartōm
بی سلاح	vat afzār
بی سن وسال	azarmān
بی سودی	apēsūtīh
بیش	frēh
بیشاپور (شهر)	vēh šāhpuhr
بی شاخه	apē azg
بیش از	tar
بی شباهت	ahumānāk
بیشترین	frayist frāyist
بیشترینی	vēšastīh
بیش زیستن	vēš živišnīh
بی شکوه	apēmust
بی شکوهی	apahrōmīh
بی‌شمار	vas marak anušmār amarak asāk
بی‌شماری	vas marakîh
بیش کردگی	vēšišn
بی شوهر	apēšōδ
بی شوی	apēšōδ
بیشه‌ای	vēšakīk
بیشه‌زار	vēšakistān
بیشی	vēšišn
بی ظلم	apēmust
بیضه	xāyak
بی‌عدالتی (ازروی بی‌عدالتی)	adātastānīhā
بی عرضه	anātuk
بی عقل	duš-vir
بی‌علاقگی نسبت بخود	axvēš čišīh
بی علت	apēčim
بی عیب	anērang
بی غذائی	axvarišnīh
بی فایدگی	tuhīkīh anāpītānīh apēsūtīh

بی فایده	tuhīk
بی فرزند	apus
بی فره	dušxvarrah
بی فرهی	zat xvarrahīh
بی فکر	amēnītār
بی قانونی	dušdātīh
بی قدرت	anafzār
بی قدرت کردن	ačārēnītan
بی قواره	duš karp
بی کرانه بودن زمان	akanārak zamānīh
بی کفایت	anafzār
بی کینی	akēnīh
بیگاری	bēkār
بیگاری گرفتن	vartak griftan
بیگانه	dūr šatrīk
بیگانه بودن	anērānīh
بی گردشی	apē vartišnīh
بی گله	apēmust
بی گمانی	agumānīkīh
بی گمانی دادن	apēgumānīh dātan
بیمار	hiyandak xindak vaštak
بیماری	hiyandakīh sēǰ vaštakīh ǰask āxt xindakīh
بی‌مال ودارایی	vat afzār
بی مبالات	sūtak
بی مر	vas marak amarak
بی مردم	apēmartōm
بی مرز	asāmān
بی مری	vas marakīh
بی مزگی	yut mičakīh
بی مسؤولیت	halak
بیمگین	bīmakan
بی مو	nēst mōy
بی میلی	axvāyišnīh
بیناب	vēnāp
بین‌النهرین	āsūristān
بین‌النهرین علیا	dašt i sūrīk mānišn
بی نام	anāmak
بینایی	vēnišn
بینش	vēnišn
بینش مینوی	mēnōk vēnišn
بینشی	vēnišnīh

بی نشیب	anišēp
بی نقصان	afrayūt
بینی	vēnīk
بیورچشم (دارای ده‌هزارچشم)	bēvar čašm
بی وسیله	vat afzār anafzār
بیو کانی	vayōtakān
بیوه	vēvak
بی همال	apēhamēmāl
بی همالی	apēhamēmālīh
بی هنر	vat afzār
بیهوده کاری	vanīgarīh
بی هوش	duš vīr
بیهوش شدن	sturtan
بیهوشی	apēbōδīh

پ

پا pāδ
pāi
paitištān
patištān
pāy
zang

پابرجا hangōmand

پا برجائی stēnīk zangīh

پا برجائی درعقاید دینی āstavānīh

پا برهنه amōk

پاپک pāpak

پاپکان pāpakān

پاپوش kafš

پاتوق nišēmak

پادار pāyōmand

پاداش pātdāšn
pādāšn
pātdahišn
pātafrās (پاداش کار بد)
puhl (پاداش اخروی)
nīrmat
mōzd
mizd
dāsr

پاداش خوب داشتن hūmōzdīh

پاداش دادن pātdāšnēnītan

پاداش دهنده pātdāšnēnītār

پاداش کار ثواب (دارنده) kirpakōmand

پاداش گیرنده mizdvar

پاداش مند pātdāšnōmand

پاداشی mizdīh
mozdīh

پاداش یابی nirmat vindišnīh

پادافراه pātafrās
pātifrās
puhl

پادافراه کردن pātifrās nimūtan

پاد خسرو (نام‌خاص) pāt xōsrōi

پادزهر pāt-zahr

پادشاه pātaxšā
pātixšāh
pātixšāy
pātšā
šahryār
šatrdār
šatriyār

پادشاهان قنوج kītān

پادشاه خوب hū-pātaxšāy
vēh xvatāy

پادشاه دار pātixšāyōmand

پادشاه روم kēsar (قیصر)

پادشاه زن (زن‌اصلی) zan i pātixšāyīhā

پادشاه ستمگر duš-xvatāy

پادشاهی pātaxšāyīh
pātixšāhīh
pātixšāyīh
šāhīh
šahridārīh
šāhīkīkīh

پادشاهی بد apātixšāyih
dušpātixšāyih

پادشاهی توانا tuwān pātixšāhih

پادشاهی خوب hūpātixšāyih

پادشاهی کردن pātixšāyēnišn

پادشیر (عهدنامه) pātaxšēr

پار pār (گذشته)

پارتی pahlavik

پارچه ابریشمی tarāz

پارچه ابریشمین ساده parand

پارچه ظریف bōp
būp

پارس pārs

پارسا زاده dahmān kart

پارسای daxmān
ahrav dāt (چیزی که‌به‌پارسایان داده‌می‌شود)

پارسای درگذشته yašt fravahr

پارسی pārsīk
pārsak

پارسیان pārsīkān

پارگی rēšak
karrēnišn

پارند (ایزد)	pārand
پاره	pārak
پاره آجر	kalūk
پاره شده	sūtak
پاره پاره کردن	kirrēnītan
پاره ستانی (رشوه گیری)	pārak stānīh
پاره کردن	kaftan
	karēnišn
	karēnītan
	karrēnītan
	karītan
	karēnišnīh
	drītan
	sūtan
	škāftan
	ōxastan
	vusāstan گسستن
	visāstan
	visāndan
	vikāftan
پاره کننده	dritār
	karēnītār
	karrēnītār
پازن	pāčan
پاسبان	pāspān
	pāspānēnītār
پاسبانی	pāspānīh
پاسبانی بد	duš-nikīrīh
پاسبانیدن	pāspānēnītan
	pāšpātan
پاسبانی کردن	pāspānēnītan
پاسخ	pasaxv
	patvāč
	patvāčak
	patvāčīk
	patvāčišn
پاسخ دادن	pasaxvēnītan
پاسخ قانونی	dāt pasaxvīh
پاسخ گفتن	pasaxv guftan
	patvāxtan
	pasaxvīh
پاسخ گو	pasaxv guftār
پاسخ گوئی متهم	pasēmārīh
پاسخ موجه	dāt pasaxvīh
پاسخ ندادن	apasaxvīh
پاسخی	pasaxvīh
پاسداری	pāsdārīh
پاس داشتن	pās dāštan
پاشنه	pāšnak
پاشیدگی	rēxtakīh (ریختگی)
پاشیدن	afšāntan
	fšānǰišn
	fšānǰītan

višuftan
vēxtan

پاشیدن آب — pašančītan
pašančišn

پاشیده — rēxtak

پافشاری — āstišn

پاک — anāhīt
analūt
apēčak
apēčakīhā (از روی پاکی)
apē-rīman
asnōtak
avinast
pāk
pāv
yošdāsr

پاک اندیش — hū-mēnītār

پاک خوار — pāk xvārišn

پاک شدن — pulītan

پاک شده — pākēnītak
havāsītak

پاکدامن — avinast

پاکدامنی — avinastīh

پاک کردن — yōšdāsrēnītan
yōšdāsrēnišnīh
havasēnītan
havāsītan

ōstārišn
awistartan
awistarišn
pākēnītan
vēxtan

پاک کننده — yōšdāsrkar
yōšdāsrgar

پاکی — pākīh
apākīh
yōšdāsrīh
pātyāpīh
avinastīh

پاکیزگی — pākīzakīh

پاکیزه — pākīzak

پالای — pālāk/y

پالایش — pālāyist
pālāyišn

پالاینده — pālāk/y

پالاینده هوم — hōmān pālāy
hōm pālāk/y

پالاییدن — pālāyītan
pālūtan

پالودن — pālāyītan
pālūtan

پالودنی — bajak

پالوده — pālūt
pālūtak

پانزده	pānzdah
پانزدهم	pānzdahom
پانزدهمین روز ماه	day dadv
پانصد	panǰ sat
پای	pāδ pāy pai
پایا	dēr
پای افزار	nālin
پایان	hanǰāmīh hanǰāmišn anǰāmišn dūmb fraǰām sar afdom afdomih
پایان بردن	hanǰaftan pat fražāmēnītan
پایان پذیر	kanārakōmand
پایان پذیری	kanārakōmandīh kanārōmandīh
پایان رساندن	uzītan hanǰaftan fražāmēnītan
پایانی	fraǰāmīk avdom
پایان یافته	fraǰaft fražaft hanǰaftak kanārōmand
پای برجا	bāristān stēnīk
پای برجا کردن	ēstānītan
پای برجائی	bāristānīh stēnīk zangīh
پایتخت	dar nišast gās gēvāk i nišast
پای جلو	frapāδ fravd
پایدار	ōstīk ōstīkān astītak ōstowār dranǰ
پایدار بودن	pātan
پایداری	pātārīh astovānīh ēstišnīh ōstovānīh ōstowārīh

پایداری	ōstikānīh
	patūkīh
	awistwārīh
پایداری کردن	patāyistan
پایداری‌مرد در راه دین	mart astišnīh
پایگاه	pāgāh
	pāδak
	pāyak
پایگاه ستارگان درآسمان	pāδak
	pāyak
پایگی	pāyakīh
پایمال شده	xvastār
پایمال کردن	xvastan
	ōxastan
	ōspurtan
	vispurtan
	spartan
	spurtan
پایمالی	xvāhišn
پایمند (پادار)	pāyōmand
پاینده	yāvēt
پایندهٔ دوستی ومهر	mitrōpān
پایندهٔ مهر وپیمان	mitrōpān
پایه	pāδak
	pāyak
پایه بپایه	pāyīkīhā
پایه پایین	zufr pāyak
پایه‌دار	ōstikān
پایی	pāyīk
	zangīh
پاییدن	pāyītan
	pātan
	patāyistan
	patāyītan
	srāyēnītan
	apāītan
	zēnēnītan
پاییدن زبان	pāt uzvānīh
پاییده شده بوسیله ایزد مهر	mitrōpān
پاییز	pātēz
پایین	pāyēn
	tēh
	adar
	azēr
	frō
	ni
	tar
	past
	nisy
	nišīp
	nitak (بسوی پایین)
	hačadar
پایین آوردن	višuftan
	frōtītan

پایین افتادن — ōftātan
ōpastan

پایین افتاده — šast

پایین انداختن — ōsānītan

پایین بردگی — frōt barišnīh

پایین بودگی — zufr pāyīh

پایین بودن — frōtīh

پایین‌تر — ērtar
ōrandar
ōristar

پایین‌ترین — nītōm

پایین‌ترین قسمت دوزخ — nist

پایین‌ترین قسمت هرچیزی — frōt-tōm

پایین رفتن — frōtīhītan
frōtīhastan

پایین ریختن — nidvārišn

پایینی — pāyēnak

پتشخوار (کوه) — kōf i patašxvār

پتشخوارگر (کوه) — patišxvārgar

پتشخوارگری — patišxvārgarīk

پُتک (چکش آهنگران) — patak
pōtk

پتیارگی (مخالفت) — patiyārakīh
paitiyārakīh
patyārakīh
pityārakīh

پتیارگی کردن — patiyārēnītan

پتیاره (مخالف) — patiyārak
paitiyārak
patyārak
pityār
pityārak

پتیاره‌مند (آزرده) — patyārakōmand

پتیاره‌مندی (ضدیت) — patyārakōmandīh

پتیرپتراسپ (نام خاص) — patīrītarāsp

پیچ‌پیچ کردن — drāyišn
drāyītan

پخته گفتار — puxtak guftār

پختگی — pazāmišn
pazmāyišn
pažāwišn
pazāmēnītārīh

پختن — pazītan
pazāmītan
pazzāmītan
pačītan
pōxtan
puxtan

پخته — puxtak

پخش (بخشی از کتاب) — hāt
kartak

پخش شدگی viškinišn

پخش شدن rēčītan
ōbaxšītan

پخش کردن bahrēnītan
baxšītan
fšanǰišn
fšanǰītan
pargandan
pargantan
patrōtan
rēxtan
visāndan
vistartan (گستردن)
franāftan
franāmītan

پخش کننده franāftār

پخشی از کتاب nask
našk

پدر pit
pēt
pitar
čardār (برای موجود اهریمنی)

پدر بزرگ niyāk

پدرك pāpak

پدر کوچک pāpak

پدر ومادر zātēnītār

پدری pitarīh

پدشخوارگر (نام کوه) patišxvārgar

پدید pat-dīt

پدیدآمدگی vartišnīh

پدیدآمدن anbūsītan

پدیدار pat-dīt

پدیدار شدن ǰastan
paytākīhastan

پدیدارشدن گل بر روی شاخه tandīh

پدیدار کردن brēhēnītan

پذیرابودگی patīrišnīh

پذیرائی patīrišn
patīrak rawišnīh
handēmānīh (مهمانی)

پذیرش patīrišn
patīrišnīk (قابل پذیرش)
apar āstišnīh (پذیرش چیزی)

پذیرشی patīrišnīh
patīrišnīk

پذیرفتاری patiγriftārīh
patigriftārīh
patīraftārīh

پذیرفتگی patīruftakīh

پذیرفتن patiγriftan
patigruftan
patīraftan

پذیرفتنی	patīrišnīk
پذیرفته	patīrišnīk patīruftak
پذیرگی	patīrakīh
پذیره	patīrak
پذیره‌آمدن	patīrak matan
پذیره روی	patīrak rawišnīh patīrak rawišnīkīh patīrak rōwišnīkīh
پَر	par parīk parr
پُر	pur purr uspurr uspurrīk ospūr ospūrīk hanbār frē-āp hamburt bavandak dōkān
پرآب	frē-āp
پرآبی	vas āpīh
پرآذوقه	pur patēxv
پرآگاهانه	spur ākāsīhā
پر ارزش	arzānīk garān pēš arǰ
پر ارزشی	garānīh
پرافتخار	burzāvand
پراکندگانه	pargandakīhā
پراکندگی	pargandakīh niārišn visāndakīh viškītakīh zruftakīh
پراکندن	parāgandan parākantan parkantan pargandan pargantan parganītan paraganītan vičārtan
پراکندن به‌اطراف	vibarišn vibarišnīh
پراکنده	pargandak visāndak zruftak višup vičārak

پراکنده ساختن	višuftan
پراکنده کردن	fšanǰītan parkēnītan spartan
پرامیدی	pur ēmētīh
پران	šapāk
پر بر	pur mēvak
پربودگی	frēhīh
پربوی	pur bōy
پربها	arzōmand garān
پربهائی	arzānīkīh arzōmandīh
پر بیم	pur pīm
پرتاب شده	ōpatak
پرتاب کردن	andāxtan handāxtan
پر ترس	pur pīm
پرت شدن	ōpastan
پرت گوئی	drāyišn
پرتو	tēx
پرتوافکن	brāzišnīk
پرتو افکندن	brāzītan
پرجرأت	ham martāčōk
پرچراگاه	pur vāstar
پرچراگاه بودن	pur vāstarīh
پَرچین	parčīn
پرچین‌دار	parčīnak parčīnōmand
پر حاصل	barōmand xvāwargar xvāwrīr
پر حرفی	drāγān gōwišnīh
پر حوصله	nixšadišnīk
پر خرد	hū-xrat pur-xrat
پر خردی	pur-xratīh hū-xratīh
پر خطر	sēžōmand
پر خور	ruzd ruzdak
پر خوری	apatmān xvarišnīh ruzdīh
پرخوشی	pur urvāhm
پرداخت	tūzišn graw
پرداختگی	pardāzišnīh
پرداختن	pardāxtan pardaxtan tūxtan

پردار	parōmand parrōmand parragīk parvar
پردازش	pardāzišn
پردازنده	tūxtār
پردرخت	pur dār pur draxt
پردردی	pur bēšīh
پرده	pardak partak
پر رامش	pur rāmišn
پررنجی	pur bēšīh
پرزور	vas ōǰ
پرستار (پرستش کننده)	parastār paristār parastak paristak
پرستاری	parastišn parastišnīh
پرستاری (مراقبت از کسی)	xvāparīh xvāwarīh
پرستاری از شوهر	šōy vīrāyīh
پرستاری کردن	parastītan
پرستاری ازخویشاوندان	xvēšāvand-dārīh
پرستش	parastišn paristišn parastišnīh paristakīh yaštārīh yazakīh yazišn ēzišn yazišnīh azbāyišn franāmišn namāč niyāyišn šnāyītārīh šnūman yasn yašt
پرستش ایزدان دروغی	ayazakīh
پرستش ثروت	xvāstak dēnīh
پرستش خوب	frāč yazišnīh
پرستش سلطان	xvatāy dēnīh
پرستش طولانی	dēr yazišnīh
پرستش کننده	stāyītār yaštār
پرستشگاه	kartak mān
پرستشگر	parastišn-kar
پرستشگری	ēzišngarīh

پرستش مزدا mazdayasnīh

پرستشی stāyišnīh

پرستندگی yazakīh
izakīh
parastakīh
paristakīh
parastišnīh
šnūmanīh
yaštārīh

پرستنده parast
parastak
parastišn-kar
yazak
yazišn-kar

پرستنده اهورامزدا ahūrāy-mazd-yaz

پرستو parastūk
kāsakēnēn murv

پرستی yazišnīh

پرستیدن parastan
parastātan
parastītan
paristītan
paristātan
īzītan
ēzītan
izišn
yazītan
yaštan
stāyītan
franāftan
franaftan
franāmītan
vandītan

پرستیدنی yazat
yazišnōmand

پرستیده شده yazat

پر سروصدا xrušd
patānōmand

پرسش āfrās
frašn
pursišn

پُرسش کننده xvānītār
vičustār

پرسش گزار frašn vičār

پرسشنامه pursišn nāmak

پرسشی pursišnīh
pursišnīk

پرسعادت pur urvāhm

پرسگی (صحبت) pursakīh

پرسنده pursītār

پرسیداری pursītārīh

پرسیدگی pursišnīh

پرسیدن pursītan

پرسیدن دربارهٔ چیزی	frāč pursītan
پرشکوه	pur xvarrah pur farrah
پرشکوهی	pur xvārīh
پرشوق	garmōk
پرشیر	šīrōmand
پرطنین	patānōmand
پرفره	pur xvarrah pur farrah
پرفرهی	pur xvārīh
پرکامگی	pur kāmakīh
پرکشت وزرع	vāstrōmand
پرکردن	hambaštan hanbāštan hambārītan ākantan ōpārtan
پَرکندن	rūtan
پرکننده	ōpār
پرکینه	kēnvar
پرگاو (نام خاص)	pur gāv
پرگست	pargast
پُرماه (بدر)	pur māh
پُرمرگ	pur-marg
پرمرگی	pur-margīh
پرمغز	mazgōmand
پرمگر (آتشکده)	parmgar
پرمند (پردار)	parōmand parrōmand
پرمیلی	pur kāmakīh
پرمیوه	pur mēvak
پرنجمشک	parang-mušk
پرنخوت	tarmēnišn
پرند	parand
پرندگان	vāyān
پرنده	parandak mōrv murv murvak vāi vāy vāyēndak
پرندهٔآبی (نوعی پرندهٔ آبی است)	čarz
پرنده کوچک	murvēčak
پرنشدنی	an-hanbār
پرنوع	pur sartak
پرنیان	parnīkān
پرنیرو	pur nērōk tuxšāk
پرنیرویی	tuxšākīh

پر نیکو	pur nēvak
پر نیکوئی	pur nēvakīh
پروار	parvār
پرواردن	parvārtan
پروار کردن	parvārtan
پرواز	parvāz parvāč fravāyišn vāz vāzišn
پروازدادن	apāč tarvēnišnīh vāyēnītan
پرواز کردن	parītan parrītan vāy- vāzītan vazītan patītan (برای موجودات اهریمنی)
پرواز کننده	vāyēndak
پروانگی (مجاز بودن)	parvānakīh
پروانه	parvānak
پروبال	bālak
پُرپیمان (باندازهٔ پیمانه‌پر)	pur patmānīhā
پروراندن	parvartan
پرورانده	parvarāk
پروردگار	parvartār
پروردگار آریائی	dēv
پروردگاری	parvartārīh
پرورانندگی	parvartārīh
پرورانده	parvartār
پروردن	parvartan parvarītan fšōnēnītan (فزونیدن)
پرورده	parvartak
پرورش	parvarišn parvartārīh frahang srāyišn
پرورش آفریدگان	dām parvartārīh
پرورش دهنده	vāsnītār
پرورش کردن	vāsnītan
پرورش گیاهان طبی	bēšāzišnīh kartārīh
پرورش یافتگی	frahangīkīh
پرورنده	parvarāk
پروریدن	parvarītan
پروزن	saṅgēn
پره	parrak
پرهیختار (پرهیز کننده)	pahrēxtār
پرهیختگی (پرهیز)	pahrēxtakīh
پرهیختن (پرهیز کردن)	pahrēxtan parhēxtan

پرهیز
pahrēč
pahrēxtakīh
apāč dārišnīh
apāč āhangīh
anāyišnīh

پرهیز از آزمندی وحرص
varan vaštārīh

پرهیز ازغذا
axvartārīh

پرهیزش
parēčišn

پرهیزکار (پارسا)
pahrēxtār
pāk
artā
ašōk
dahm
daxm
daxmān
dēnīk
frārōn kunišn
tarsākās
tarsakāy
ahrāy/δ
artāy fravart

پرهیزکارانه
dahmīhā

پرهیزکاری
pahrēč-kārīh
ašōkān-kārīh
bavandakgarīh
spanākīh
tarsākāsīh
frārōnīh
kirpakīh
ahrāyīh
artāyīh

پرهیزکاری کامل
parōn magīh

پرهیزکردن
parhēxtan
par būtan
vartak (کسی که باید از او پرهیزکرد)

پرهیزمند
pahrēčōmand

پرهیزکننده
pahrēxtār
parhēxtār

پَری
parīk
pariy (ساده دیو)

پُری
purīh
hamāīkīh

پریادی
matakīh

پریان
parīkān

پریدن
parītan
parrītan

پری دوستی
parīk kāmakīh

پریروز
parēr

پریشان
pariš
visāndak
višōftak
darham
apēbrahm
handōhakēn
handarōtak

	višuft zruftak zariyōmand
پریشان کردن	višoftan vičārtan ayōzītan
پریشان کننده	višōp
پریشانی	zruftakīh sēž gilak handēšišn
پریشانی‌ها	handarōtakīhā
پریک (نام خاص)	parīk
پری کامگی	pariy kāmakīh parīk kāmakīh
پزاندن	pazāmēnītan pazzāmēnītan
پزش	pačišn pazišn
پزشک	bačašk bazašk bičašk bizašk durust-pat bēšāzēnītār
پزشک شفادهنده بوسیلهٔ کلام ایزدی و ورد	mānsrspand bēšāzēnītār
پزشکی	bazaškīh bičaškīh bizaškīh bēšāzīh bēšāz
پزشکی کردن	bēšāzišnīh kartārīh
پزنده	pāk
پزیدن	pazītan pazāmītan pazzāmītan pačītan pōxtan
پژدو (سرگین غلطان)	guhvart
پژمردگی	pačišn
پژمرده شدن	hōšītan afsartan husēnītan havāsītan
پژمرده کردن	afsartan husānītan xusēnītan havāsēnītan
پژوهش	vičōdišn vičōhišn vijuhišn
پس	pas apāč

پس آنگاه	adak
پُس (پسر)	pus
پس افتادگی	pas bavišnīh
پس انداز کننده	handōčišnīk
پس بودگی	pasīh pas bavišnīh
پس پائی (بندگی)	pasōpāyīh
پست	past anēr panīk pen tar visand xvār ōpastān
پستان	pēstān pistān
پستان‌بان (سینه بند)	pistān pān
پستان‌بند	pistān pān pat sēn
پست ترین	nītūm
پست کردن	tar kartan
پسته	pistak bistak
پستی	anērīh ōpastīh panēnītārīh panīh pēnīh tarīh marīh
پس دویدن	apāč duwāristan
پسر	pus puhr pusar
پسرخوانده	patīruftak
پسردار	apāk puhr
پسر داشتن	pusīh apāk pusīh
پسردوست (کسی که‌پسرش‌رابیشتردوست‌میدارد)	pus kāmak
پسر شاه	šāpuhr
پس رفتگی	apāč rāsīh
پسری	pusarīh pusīh
پس‌زدن	rānēnītan
پس‌زننده	spōxtār spōžāk
پس‌فردا	pasfardā
پس گردن	gartanak

پسند	pasand
	pasandišn
	pasandēnišn
پسندیدگی	pasandēnišn
پسندیدن	pasandītan
پسندیده	pasandišnīk
پس‌نیز	pas-ič
پسوند اسم مصدر	-išn
پسوند اسم معنی	-īh
پسوند اسم مفعول وصفت	-ak
پسوند بمعنی دارنده	-vand
	-āvand
پسوند بمعنی «هم»	-ič
پسوند تصغیر	-ak
پسوند صفت تفضیلی	-išt
پسوند صفت‌ساز	-ēn
پسوند صفت عالی	-tom
	-tum
پسوند صفت فاعلی	-ēndak
پسوند ضمیری اول‌شخص	-ōm
	-am
پسوند مصدری فعل متعدی	-ēnītan
پسوند مکان	-stān
پسوند نسبت ومالکیت	-mand
پسوند صفت‌ساز	-īk
پسی	pasīh
پسین	pasēn
پشت	dōš
	kūn
پشت	panāh (پناه)
پشت پناهی	puštē panākīh
پشت‌درمان (نام داروئی است)	pušt-darmān
پشتکار	pattōkīh
پشتکاردار	tuxšāk
	pattōk
	dranǰ
پشت گردن	grēv
	grīv
پشت گرم	apastām
پشت گرم‌بودن بیاری کسی	vistāxvīh
پشت گشتاسپان (کوه)	pušt i vištāspān
پشت وپناه	pušt
پشته	grīvak
	puštak
پشتی	panāhīh
	puštīh
پشتبان	pušt
	pātyār
	pāspān
	pāspānēnītār

friyāt
xvāpar
nikāsdār

پشتیبان‌دار axvōmand

پشتیبان داشتن axvōmandīh

پشتیبانی drupuštīh
puštīh
puštē panākīh
puštēpānakīh
pātārīh
panāhīh
ōstowārīh
pās
srāyišn
xvāparīh
zēnhār
par ēstātan (پیش کسی ایستادن برای پشتیبانی)

پشتیبانی خوب hū-pānakīh
nēvak barišnīh

پشتیبانی کردن pānakīh kartan
srāyēnītan

پشتیبانی مؤثر hu-pānakīh

پشکل الاغ sargīn

پشم pašm
varr

پشم‌آکند pašmākand

پشمالو pašmākand

پشمی pašmak
pašmēn

پشنجه pašanǰak
pašang

پشنجیدن pašančītan

پشنگ (نام خاص) pašang

پشنگان (نام خاندانی) pašangān

پشوتن (نام خاص) pašōtan
pišyōtan
pēšyōtan
tačaromān (لقب پشوتن)

پشه pašak
paxšak

پشیز pašēč

پشیمان pašēmān
pasēmān
apaxš
apaxš dār
garzišnīk
tōžēnītak
tōǰišnōmand

پشیمانانه patētīhā

پشیمان شدگی tōǰišnīh

پشیمان شدن apaxšītan
tōǰītan

پشیمانی apaxšīh
pašāmānīh

pašēmānīh
patēt
patētīh
patētīkīh
tōǰišnōmandīh
ul varzišnīh

پشیمانی از گناه — patēt

پل — pul
puhl
puhr
vitarak

پلاپات (شهر گندی شاپور) — palāpāt

پل‌بان — puhl pān

پل‌بان صراط — puhl pān

پل چینوت — činvat pōhl
činvad pōhl
čin vitarg
čyān vitarg
činvar
čandvar
činkār
činēvar
zamīk vitark
pulītan (از پل چینوت گذشتن)

پل صراط (پل چینوت) — činvat puhl
čyān vitarg
cinvar
čandvar

پلکان — parrakān
pāgāh
pilakān

پلک چشم — gumb

پلنگ — palang

پلنگمشک (گیاه) — palangmušk

پله — parrakān

پلی — puhlīk

پلیدی — palītīh
āhōk

پلیس — gezir

پنام — padām
patām

پناه — panāh
panāhk
pānak
pānāk
apastān
apastām
pat panāh griftan (به‌پناه گرفتن)

پناهگاه — darpust-gās
pānāk
āsāyak

پناهی — panāhīh
pānākīh
panākīh

پنبه — pambak

پنبه‌ای — pambakēn

پنج — panǰ
panč

پنج انگشت — panǰ angurak

پنجاه — panǰāh

پنج بار — panǰ-rīn

پنج‌بور (نام خاص) — panǰ bōr

پنجره — rōčānak (روزنه)

پنج لا — panǰ pardak

پنجم — pančom
panǰom

پنجه — pančak
panǰak

پنجه دزدیده (پنج روز آخر سال) — panǰak
panǰak i vēh
duzītak
gāsānīk

پنجه دست — panǰak

پنج یک — panǰ ēvak

پند — pand
handarz

پندار دروغ — drōǰ gumānākīh

پنداشتن — pat ēt dāštan
dāštan
pat dāštan

پندنامه — pand nāmak

پنهان — nihuftak

پنهان داشتگی — nihuftārīh

پنهان داشتن — nihumbītan

پنهان کردن — nihuftan
huftan
nikānēnītan
nihān kartan
pūšītan
hanbaxsītan

پنهان کردن راز — rāz nihuftārīh

پنهان کردن سرشت — nihān xēmīh

پنهان کردن مرده درزیر خاک — nasāy nikānīh

پنهانگاه شیاطین — grīstak

پنهانی — nihānīh
nihānīk

پنیر — panīr

پوتیک (دریا) — pūtīk

پوچی — hēčīh
nēst čišīh

پور — puhr

پوران (نام خاص) — bōrān

پورشسپ (نام خاص) — pōrušasp
pōršasp

پوروچیست (نام خاص)	pōručist
پوریوتکیش(نخستین‌آموزگارکیش)	pōryōtkēš
پوریوتکیشی	pōryōtkēšīh
پوز	pūz
پوزش	bōžišn
	bōčišn
	pōč
	buxtišn
پوزه	pūz
	pūzak
	pōčak
	zafr
پوسان وه (نام خاص)	pusān-vēh
پوست (درخت، میوه، حیوان)	pūst
پوست پهنا (به‌پهنای پوست)	pūst pahnā
پوست خز	mōy
پوست‌دار	pōstōmand
پوست دباغی‌شده	vīrāstak
پوستگری (دباغی)	pōstkarīh
پوست مار	šērgūk
پوستمند (پوست‌دار)	pōstōmand
پوستی	pōstēn
	pūstēn
پوستین	pōstēn
	var pōstēn
پوسیدگی	fšanǰišn
	kahvanīh
	pašanǰišn
	patvēšak
	pōhišn
	pūtakīh
	vaštakīh
	vēžišn
	vinastīh
پوسیدن	pūsītan
پوسیده	pūsītak
	pūt
	pūtak
	stak
	vinastak
	patvēšakōmand
پوشاك	patmōčan
	vastarg
پوشاندن	pōšītan
	pūšītan
	nihuftan
	huftan
	nihambītan
	nihumbītan
	vistartan
پوشش	pōšišn
	pūšišn
	pūst

patmōč
patmōčan
patmōčišn
čātur
var
varr

پوشش آتش var
varr

پوشش جنگی برای حفظ تن gurtīh

پوشنگ (شهر) pōšang

پوشیدن pōšītan
patmōxtan

پوشیده nihuftak

پوشیده ماندن nihān mānīh

پول pūl
stēr
stīr
dēnār
pārak (پول خرد)

پولاد pōlāwt
pōlāpat
pōlāt

پولادگر pōlāwt patkar

پولادین pōlāwtēn

پول خرد pārak
davānīk
pašēč

پول نقره drahm
draxm

پهلچک (نام‌خاص) pahlēčak

پهلو kaš
pahlūk

پهلوان gort
gošn
taxm
yal
varāz

پهلوانی gortīh
gošnīh

پهلوی pahlavīk

پهن pahn
pahnāk
vēhm
sturg

پهنا masāi
pahanāy
pahnā
pahnād
pahnāy
panād
vēhmīh

پهن کردن vistartan (گستردن)

پی (بنیاد، ته) bun
nišīm
nihātak

پی (دنبال)	pāδ/y
	padē
	pay ī (در پی)
	ōnītan (پی کسی فرستادن)
پی (عقب)	patsār
پی (عصب)	pay
	paδ
پیادگان	padakān
پیاده	payātak
	piyātak
	paitištān
	pat gām
پیاده روی	padē rawišnīh
	pāy rawišnīh
پیاده شترنج	padātak
	payātak
پیاده نظام	padakān
پیاز	padāč
	payāč
	payāz
	piyāz
پیاله	paygāl
	ǰām
	yām
پیاله ساز	paygālgar
پیام	pētām
	aštīh
	vaxš
پیام‌آور	fristak
پیامبر	aštak
	paitambar
	pētāmbar
پیامبری	pētāmbarīh
	vaxšvarīh
	vaxš burtārīh
	aštakīh
پیچ خورده	xuhr
پیچش صدا	patān
پیچیدن	pēčīhastan
پیچیدگی	pēčītakīh
پیچیدن	pēčītan
پیچیده	pēčītak
	vartēn
	vašt
پیچیده شدن	pēčīhastan
پیدا	paitāk
	pētāk
	pētākēnītak
	čašmakās
	čašmkās
پیدا شدن	pētākīhastan
	paitākīhastan
پیدا کردن	paitākēnītan
	pētākēnītan
	ǰasṭan

پیدایش ابتدائی bun-dahišnīh

پیدایی paitākīh
pētākīh
ō pētākīh āvartan (به پیدایی آوردن)

پیدایدن pētākēnītan

پیر pīr
dāt-mas
mastar
zarmān

پیرا vīrāy

پیراستاری vīrāstārīh

پیراستگانه vīrāstakīhā

پیراستگی vīrāstakīh

پیراستن vīrāstan
pērāstan
patrāstan
pērāyēnītan

پیراستن خوی xēm vīrāstan

پیراسته vīrāstak
pērāstak

پیراسته‌خویی vīrāst xēmīh

پیرامون pērāmōn
girt

پیرامون زیبا hūtarist

پیران (نام خاص) pīrān

پیراهن brēh
brāhm

پیراهن مقدس šapīk
taškuk

پیرای vīrāy

پیرایش pērāyišn
pīrāyišn
vīrāyišn

پیرایشی pīrāyišnīk
vīrāyišnīh

پیراینده vīrāstār
vīrāy

پیرایه pērāyak

پیرتراسپ (نام خاص) pīrtarasp

پیرکننده zarmānīh kartār

پیرمرد mastar

پیرنشده azarmān

پیرو hāvišt

پیروان من manīkān

پیرو دین بهی بودن hū-dēnīh

پیرو دین غیر زرتشتی āk-dēn

پیرو دین مزدیسنی māzdēsn

پیرو دین نادرست ahramōg
ahramōk

پیروز
aparvēč
pērōč
van

پیروزان (نام خاص)
pērōčān

پیروز شدن
vānītan
tarvēnītan
vindātan
aparvēčītan

پیروز شونده
tarvēnītār

پیروزگر
pērōčgar
pātiyāvand

پیروزگرانه
pērōčgarīhā

پیروز گری
pērōčgarīh

پیروزمند
amāvand
čīr
čēr
pātyāvand
vānītak
vānītār

پیروزمندانه
aparvēčīhā
pātiyāvandīhā

پیروزمندی
čīrīh
vānītārīh
pātyāvandīh

پیروزه (فیروزه)
pīrōzak
pīrōčak

پیروزی
aparvēčīh
pātyāvandīh
pērōčīh
tarvēnišnīh
vanīh
vānišn
vānītakīh
vāyišn dahišnīh

پیروزی‌آور
pērōč āwar

پیروزی تن
tan pērōčkarīh

پیروزی ناگهانی
aknēn vānītārīh

پیرو فرقه مذهبی
varanīk

پیرو قانون خود
xvatāt

پیرو نیک اندیشی
hūmat mēnītār

پیروی دین مزدا
mazdayastīh
mazdēsnīh

پیروی کردن
apākītan
haxtan

پیری
pīrīh
zarmān
zarmānīh
zarvān

پیری زودرس
anōvāmīh

پی‌ریزی
nišāyišn

پی‌ریزی کردن
bun frakandan

پیس
pēs

پیش — pēš
nazd
frōt
his
has
patiš
frāč ō (به پیش)
nazd hač (پیش از)

پیش‌آفریده — pēšdāt

پیش‌آفریده شدگان — pēšdātān

پیش‌آمدگی — pēštakīh

پیش آمدن — frāč matan

پیش‌آمده — ǰastīhā (بطور برجسته)

پیش آوردن — frāč burtan
fravārtan
āšēhītan

پیشاب — pīšār
pēšyār
pēškār

پیشاب گاو — dast-šōy

پیش ارج — pēš arǰ

پیش از ظهر — frāyar

پیش اندیشی — čārak vēnīh
pēš xratīh

پیشانسه (دشتی در زابلستان) — pēšānsah

پیشانی — pēšānīk

پیشباز رفتن — patīrak rawišnīkīh

پیشبرد — rāyēnišn

پیش بردن — frāčēnītan
frāč burtan
frāč barišnīh

پیش‌بند چرمی — maškīčak

پیش‌بودگی — frāčtarīh

پیش بین — parōdarš
pat xrat

پیش‌بین از روی پرواز پرندگان — murv niš

پیش‌بینی — čārak vēnīh
parōdaršīh

پیش‌پا (پیشوا) — pēšōpāy

پیش‌پاره (غذایی که‌پیش‌از غذای‌اصلی‌خورند)
pēš-pārak

پیش پروازی — frāč fravāyišnīh

پیش‌تاز — frāč tačak

پیشتر — pēštar
frāčtar
pahlom

پیشترین — frāčtōm
frahist
fratōm

پیش‌خبر — pēš daxšak

پیش خبری (نخستین‌آواز خروس)
pēš daxšakīh

پیش خرد pēš xrat

پیش خردی (داشتن خرد فطری) pēš-xratīh

پیش خواندن frāč xvāntan

پیشداد (سلسله) pēšdāt

پیش دلاور pēš nēvak

پیش دلیر pēš nēvak

پیش ده (محلات نزدیک بلخ) pēš dēh

پیش راندن frāčēnītan

پیش رس (بطور پیش رس) pēš ǰastīhā

پیشرفت pēš rawišnīh
rōwāk dahišnīh
rōwākīh
rōwišnīh
vaxš
vaxšīh
vaxšišn
vaxšākīh
vaxšēnišn
vālišn
frāxv čārīh
frēh dahišnīh
hangirtīh
nihātakīh
nihāt kārīh
xvahrīh
vihēčak

پیش رفتار pēš raftār

پیش رفتاری pēš rawišnīh

پیشرفت بد duš-rawišn

پیشرفت خوب hū-pēšīh
nēvak rawišnīh

پیشرفت دادن vihēčēnītan

پیشرفت دایم hamāk rawišn
hamē rawišnīh
hamē hamē rawišnīh
stēnīk rawišnīh
xvēš rawišnīh

پیشرفت دهنده vālišn dātār

پیشرفت دهنده زندگی ǰān frāxvēnītār

پیشرفت طولانی dēr apar rawišnīh

پیشرفت کار kunišn rawišnīh
kār raftārīh

پیشرفت کردن franāftan
vaxšītan
vihēč

پیشرفت کننده vaxšāk
vaxštōmand
hūvaxš
franāftār

پیش رفتگی pēš rawišnīh
rāst rāsīh

پیش رفتن	frāčitan
	frāč raftan
	franāftan
	franāmītan
	franāmītan
پیش رفتن بهرسوی	vihēz
پیشرو	rawāk
	rōwāk
پیش روشی	pēš rawišnīh
پیش رونده	vaxšēnītār
پیشروی	frāšm
پیش قانون	pēšdāt
پیشکار	pēškār
پیشگاه	pēšgās
پیشگاهی	pēš gāsīh
پیشگو	murvniš
	kēt
	kundāk
پیشگوئی	daxšak
	ǰatak
	ǰahišn
	kundākīh
	kētīkīh
پیش نشان	pēš daxšak
پیشوا	pēšōpāy

پیشواز	patīrak
پیشواز آمدن	ō patīrak matan
پیشوایان دینی	kartārān
پیشوای دین زرتشتی	hērpat
	ērpat
	magōg
	magōpat
	mōpat
	mōɣmart
	āsravan
	āsrōn
	rat
	zōt
	zartuxštrōktōmān(بزرگترین‌پیشوای‌دین)
پیشوای دینی	mānsrbar
	maɣūk mart
پیشوای‌دینی‌درمراسم‌یسنا که‌هوم‌میشوید	āsnatār
پیشوای‌دینی مأمورمراقبت آتش	ātarvaxš
	ātaxš vaxšēnītār
	āturpāt
پیشوای دیو پرستان	dēv dastwar
پیشوای فرقه‌های مذهبی غیر زرتشتی	sāstār
پیشوایی	pēšōpāyīh
	mas apar ratīh (پیشوایی بزرگ‌دین)
پیشوایی دین زرتشتی	magīh
	magōpatīh
	asrōkīh

پیک شاهی	baγdēspānīk
پی کندن	frakandan
پیل	pīl
پیله	pīlak
پیمان	patmān
	mitr
	past
	patist
	pašt
	paštak
	pašn
پیمان بستن	patistātan
پیمان شکن	mitrōk drūǰ
	mitrō drūǰ
	mitrān drūǰ
	mitr drūǰ
	mitr zan
	mitrō zan
	marak
	nikērāy
	riftak
	riptak
	riftak patmān
پیمان شکنی	mitrān drūǰīh
	mitrō drūǰīh
	mitrōk drūǰīh
	mitr drūǰīh
	drūǰišnīh
	drūǰīh
	riftakīh
پیمان کاری (تعهد)	patmānkārīh
پیمان کنشی	patmān kunišnīh
پیمانه	kofīč (قفیز)
	kofīz
	patmān
	patmānak
پیمانه غله	grīv
پیمانی	patmānīk
پیمودن	patmūtan
پیوست	patvast
پیوستاری	patvastārīh
پیوستگی	patvandišnīh
	hambandīh
	band
	hamāyīkīh
پیوستگی خانوادگی	patvand
پیوستن	patvastan
	patvandītan
	apiyuxtan
	hārēftan
پیوسته	paivastak
	patvastak

	āsrōnīh ērpatīh ratīh
پیشوایی که‌آیین تطهیر بجای‌می آورد	yošdāsrkar
پیشوایی مذهبی	ratōmandīh
پیشوایی‌هاونگاه	hāvan ratīh
پیشوند استمرار	hamē
پیشوند تذکیر	nar
پیشوند نفی	a- abē- an- ana-
پیشوند نهی	mā
پیشوند حرکت از بالا به‌پایین	ni-
پیشه	pēšak kērōk kīrūk
پیشه‌ور	pēšak kār
پیشه‌های گوناگون	pēšak pēšak
پیشی	frāčīh nazdīh pēšīh
پیشینی	pēšēnak pēšēnīk
پیشین کار	pēšēn kār
پیشینه	pēšēnak
پیشینیان	pēšēnīkān
پیغام	pētām paitām aštīh
پیغام‌آور	patγāk baγdēspān
پیغام‌بری	baγdēspānīh
پیغمبر	paitambar pētāmbar
پیک	patγāk payk pēk
پیکار	patkār patkārīt patkārišn
پیکاردار	patkārdār
پیکار کردن	patkārtan patkārītan
پیکار کننده	patkārtār patkārdār
پیکان	paikān pēkān pīkān
پیکر	patkar

پیوسته patvast
hamāyik
hamē

پیوسته بهم ēv kartak
ham bastak

پیوسته روشی patvand rawišnīh

پیوند paivand
patvand

پیوندیدن patvandītan

پیه pīh
pihv
pim
čarpišn (چربی)

پئیتیراسپ (نام خاص) paitirasp

ت

تا (حرف اضافه)
bē
ō
hantāi
yat

تا (در مقایسهٔ دوچیز)
ku

تا (لا ، لایه)
pardak
tōk
tōf
tōp

تا (بعد از عدد)
tāk

تا (نظیر)
tāk

تاب (تابیدن)
tanišn

تاب آورنده
apāč astēnītār

تا بسوی
tar
yat-ō

تااینکه
tāk
kū
hantāi

تابان
tāpāk
tapišnōmand
rōšn
vaxšēndak
virōčak

تاب خورده
pēčītak
xuhr

تاب دادن
pēčītan

تابستان
hāmēn
hāmīn
tāpastān
tāpistān
garmāk

تابستانی	hāmīnīk hāmēnīk
تابش	tāpišn brēh
تابع	pāyēnak
تابعیت	pasōpāyīh
تابناك	čašmakīhā
تابناکانه	čašmīhā
تابناکی	čašmakīh
تابندگی	čašmīh tapišnōmand
تابنده	čašmak
تابوت	gāhūk
تابه	tāpak brēzan
تاپیدگی	pēčītakīh
تابیدن	tanītan
تابیدن (گرم کردن)	taftan
تأثر پذیر	snahōmand
تأثر پذیری	snahōmandīh
تأثیر	kart sūtārīh
تأثیر کردن	snahītan
تاج (نام خاص)	tāǰ
تاج	tāg

تاج‌الملوك (گل)	biš
تاج خروس	kōfak xrōs tāg
تاجر	vāčārak vāčārkān vāzārakān
تاختن	tačītan tāxtan
تأخر	pasōpāyīh
تأخیر	spōz spōž dērang
تأخیر کردن	patīrānītan patīrānēnītan spōxtan
تأخیر کرده	patīrān
تأخیر کننده	spōzkār spōxtār
تاو (رشته)	tāk
تار (تاریک)	tār
تاراج	rōp
تاراج کردن	rōtan rōpūtan
تاراندن	vitārēnītan
تار تنه (عنکبوت)	tanand

تاریخ (کتاب)	kārnāmak
تاریک	tārīk
	tār
	tamak
	tamīk
	tōmāk
	tōmīk
	tērak
تاریک بدن	tam karp
تاریک‌تخمه (ازنژاداهریمنی)	tam tuxmak
تاریک زاده (موجوداهریمنی)	tam zahāk
تاریکی	tārīkīh
	tam
	tom
	nihumb
تاریکی‌بی‌پایان (قلمرواهریمن)	asar tārīkīh
تاز (نام خاص)	tāz
تازان	tāčān
	tāčānak
تازاندن	tāčānītan
	tāzēnītan
تازش	tačišn
	tazišn
تازگی	nōkīh
	tarīh
	xvētīh
تازنده	tačak
	tāxtār
تازه	nōk
	tar
	tāzak
تازه ساخته	fraškart
تازی	tāǰīk
تازی (سگ)	tāzīk
	tāčīk
تازیان	tāǰīkān
	tāzīkān
تازیانه	tāčānak
	tāzānak
	aštar
	aštr
تازیدن	tačītan
تازیده	tāzītak
تاس (دربازی تخته‌نرد)	tās
تاس بازی	tās vāčīk
تأسیس	vēnārišn
	pasāčišn
تأسیس کردن	frakānītan
تأسیس کردن بافرمان رسمی	kartan
تاغ (درخت)	gaz
تافتن	tāftan

تافته	tāftak
تاق (تک)	tāk
تاك (درخت مو)	tāk
تاکستان	raz
تاکنون	hanōz
تالار بار	pēš gās
تأنیث	mātakīh nāirīkīh
تاوان	tāvān
تاول	āpilak
تاوه	tāpak
تاه (تا، لا)	tōk
تائب شدن	garzītan
تأیید	var
تأیید کردن	astēnītan vičītan
تأیید کننده	astēnītār
تب	tap tāp tapišn
تباه	tapāh
تباه شدن	tapāhīhastan
تباه شدنی	sazišnīk
تباهکار	mūtak
تباهکاری	marīh
تباه کردن	tapāhēnītan apasahēnistan apasīhēnītan apēsahēnītan marnǰēnītan murnǰēnītan
تباه کننده	tapāhēnītār marnǰēnītār škand
تباه نشدگی	asōhišn
تباهی	tapāhīh marnǰēnītārīh
تباهی مطلق	apēčak vattarīh
تباین	anbasānīh apattōkīh
تبحر	hū-šnāsīh kārākāsīh
تبدیل	vartišn vartēnišn vištakīh vihīrīh
تبدیل دنیا	axvān vartišn
تبدیل کردن	vartēnītan
تبر	kūtīnak
تبرزد (نبات)	taparzat

تبرستان tapristān
taparistān

تبعید virēk
uzdēhikīh

تبعیدی uzdēhīk

تبلیغ کردن franāftan

تبه کار mar
marak

تبه کاری محض apēčak vattarīh

تبیین gōvičār
uzvārišn
vičārīh

تبیین کردن uzvārtan
vičārēnītan
vičārtan
vičīrēnītan

تبیین کنندگی vičārtārīh

تبیین کننده vičārtār

تپش tapišnīh

تپه gar
kōf

تپه کوچک kōfak

تپیدن tapītan

ترگتیوس (نام خاص) tatragativas

تجارت vāzārakānīh

تجاوز awigat
ēwgat

تجاوز کار awigat
marak

تجدید frāšm

تجدید دنیا frāškart
fraškart
frāškart kartārīh
frāškartīk (مربوط به تجدید دنیا پس از قیامت)

تجدید کننده دنیا frāškart kartār

تجربه āzmāyišn
ōzmāyišn
gumānkārīh
frahaxt kārīh

تجربه کردن ōzmūtan

تجربه کننده viǰustār

تجربی uzmāyišnīk

تجزیه anahamīh
naštakīh
vaštakīh
višōpišn

تجسس viǰustan
viǰūyīhītan

تجسم کلمه خدا tan framān

تجلی zākīh

تجلیل buržišn
buržišnīkīh

franāmišnīh
masēnišn
masīkēnišn
namāč

تجلیل ازدین pētāk franāmišn

تجلیل شده bālist

تجلیل کردن bālēnītan
burzītan
buržītan
masēnītan

تجلیل کننده masēnītār

تجمع hanǰamanīh

تجویز کردن handarzēnītan

تحتانی pāyēnak

تحدید کننده sāmāngar

تحرک bavišn
frāšm
ǰumbākīh
tuxšišn

تحریک hāčišn
hangēž
hangēzišn
sārēnišn
xrōstakīh

تحریک شدن hangēžīhītan

تحریک کردن hāčītan
hangēnītan
hangēzītan
hangēxtan
hangēžēnītan
haxtan
hāxtan
sārēnītan

تحسین āfrīn
ostōfrīt
pōč
šnāyēnišn
šnāyišn

تحسین کردن šnāyītan
stūtan

تحسین کردنی stūtak

تحسین کننده stāyītār

تحصیل ayāpakīh
ayāpišnīh

تحصیل شده ayāftak

تحصیل علوم دینی hērpatistānīh

تحقق بخشیدن pat kartak āwurtan

تحقق نیافته arawāk
avīnart

تحقق یافته ēstātak

تحقیر nikōhišn (نکوهش)
nizburtīh

tarīh
tarmēnišnīh
tarvēnišnīh
tarmānīh

تحقیر آمیز xvār

تحقیر کردن nikōhītan
nikōēnītan
tarvēnītan
tar kartan
bēšēnītan

تحقیر کردنی nikōhītak
nikōhēnak
nikōnišnīk
tar
tarīhōmand

تحقیق pursišn
vičustārīh
vičuyišn
vičuyiśnīh

تحقیق کردن vičustan

تحقیق کننده vičustār

تحمل burtīh
burtārīh
bāristānīh
barišnīh
sāxtārīh
škēpākīh
pattōkīh
vazdvarīh

تحمل خوب nēvak barišnīh

تحمل کردن burtan
bār burtan
kašītan
sāxtan
patūtan
patāyistan
vitārtan

تحمل کنندهٔ رنج ranǰ spōz

تحول vartišn
gartišn
vartēnišn

تحول ماوراءالطبیعه‌ای fraškart

تحیر startīh

تخت taxt
bālēn gās
taxtgāh
parvān gās
gās
bālišn

تخت پادشاهی taxt

تخت جمشید satistūn

تختخواب gās
bālišn gās
vistarak gās

تخت سلطنت farraxvān gās

تخت گاه taxtgāh

تخت نشستن (به‌تخت‌نشستن) apar nišastan

تخته tāxtak
taxtak
taxt

تخته سنگ vēm

تخته شترنج taxtak

تخته نرد nēv-artaxšēr
taxtak

تخریب anāwišn
anāpišn
anāftakīh
apāč nasēnišnīh
apasīhēnišn
mrnǰēnišn
nasānišn
viyāpānīh
viyāpānkarīh
rēšītārīh
vināsišn
zatārīh

تخریب خلقت dahišn kāhēnītārīh

تخس tuxšāk
tuxšēnītār

تخسی tuxšīh
tuxšākīh

تخصص hu-šnāsīh

تخصیص nivēdēnišn
nivēdišnīh

تخصیص دادن nivēdēnītan
hanbaxtan
handāxtan
ōbaxtan

تخفیف kāhišn

تخفیف دادن kāstan

تخفیف دهنده kāhēnītār
kāstār

تخلف drōž
vartakīh

تخلق čihrēnītakīh

تخلیه کردن rītan

تخم (بیضه) tuhm
gund

تخم پاشیدن kāštan

تخم گذاشتن rītan

تخم ماهی xāyak

تخم مرغ xāyak
xāyīk
hāyīk

تخم مرغی شکل hāyīk-dēš
xāyak-dēs

تخمه čihr
čitr

šusr
tōm
tōhm
tōhmak
tuxm
tuxmak
vēǰ

تخمه زمین (دارندهٔ) damīk čihrak

تخمهٔ گیاه (دارندهٔ) urvar čihrak

تخمین hangārišn
ōšmārītan

تخمین زدن hangārtan

تدارك sāxtārīh

تدبیر čār

تدبیر خوب hūčamakīh

تدبیر داشتن hūčamakīh

تدبیر کردن čārak kartan

تدریجی pāyīkīhā

تدریس hamōk

تدوین کردن nipīkēnītan

تدین āstavānīh

تذرو titar
tatar

تذکیر narīh

تر (پسوند صفت تفضیلی) -tar

تر tar
tarr

تراز بودن tarāzēnišnīh

ترازکردگی tarāzēnītārīh

ترازکردن tarāzēnītan

ترازو (برج هفتم) tarāzūk
tarāzēnītan

ترازو tarāzūk

ترازوکردن tarāzēnītan

تراش tāšišn

تراش صورت awistarišn

تراشنده tāšītār
fariš
karrēnītār

تراشیدن randītan

تراشیدن صورت awistartan

تراشیده شده ōsturtak

تراوش کردن frāč tačītan

تراوش کننده zahāk

تراویدنی baǰak

تربیت frahang
parvarišn

تربیت شده frahangīk
frahaxt
frahaxtak
frahixtak
parvartak

تربیت کردن	frahang kartan
	frahaxtan
	frahixtan
	parvartan
	xratēnītan
	haxtan
	hāxtan
ترتیب	rāδēnākīh
	rāδēnītārīh
	rāyēnišn
	rāžēnišn
	vēnārišn
	vēnārtārīh
	vinārišn
	vinārišnīh
	vinīrišn
	vērāyišn
	rastak
	ēv-sānīh
ترتیب دادن	vēnārtan
	ārāstan
	rāyēnītan
	vērāstan
ترتیب دهنده	vērāstār
ترتیب یافتن	vinārīhistan
ترجمان	targumān
	targamān
ترجمه کردن بزبانی دیگر	vičārtan
ترجیح دادن	vičītan
ترحم	apaxšāyišnīh
	dil-sōčak
	xvāparīh
تُرد	tarrōk
تردید	gumān
	gumānīh
	gumānīkīh
	šak
	varōmandīh
	vistārīh
تردید آمیز	gumānīk
	varōmand
تردید کردن	gumānītan
ترس	tars
	tarsišn
	vīm
	pīm
	bīmīh
	sahm
	sam
	škōhīh
	nihīp
ترس‌آور	bīmēnāk
	bīmgēn
	vīmgēn
	sahmēn

	sahmgan
	sahmakan
	sahmgūn
ترسا	tarsāk
	kalīsāik
ترسان	tarsākāy
	bīmakan
	bīmōmand
	nīhīk
ترساندن	tarsēnītan
	pazdēnītan
	bīmēnītan
ترسایی	tarsākīh
ترس داشتگی	tarsīh
ترسناك	tarsēnāk
	sahmgēn
	arγand
	škaft
ترسناکی	škaftīh
ترسنده	tarsākās
ترسو	vat dil
ترسولی	vat dilīh
ترسی	tarsīh
ترسیدگی	tarsišn
ترسیدن	tarsītan
	āsamītan
	sahistan
ترش	truš
ترشح آب	pašančītan
	pašančišn
ترشح نسوج	guzag
ترشرو	āhīt
ترصیع	nikandan
ترفیع	bālist
	burzēnītan
ترقی	āpātānīh
	āpātīh
	frēh dahišnīh
	frāxv čārīh
	frādahišnīh
	vaxšīh
	vaxšišn
	nihāt kārīh
	pur rawišnīh
ترقی دادن	fšōnēnišn
ترقی دهنده	fšōš kartār
ترقی زیاد	darg apar rawišnīh
ترقی کردن	vālītan

ترك	bē vartišnīh hilišn
َترك (کلاهخود)	targ
ُترك	turk
ترکان	turkān
ترك رفاقت	anayyārīh
ترکستان	turkistān
ترکش	kantigr
ترك کردگی	hilišnīh
ترك کردن	hilišn hištan parēxtan parhēxtan rēčītan spōxtan vitāštan vizārtan žūtan
ترك کردنی	hilišnīk
ترك مسلك	apāč stāyistan
ترکه	spēk
ترکه تر وتازه	narm tāk
ترکیب	pasāčišn ham bandišn hambandišnīh bāhrōmandīh
ترکیب دارو	dārūk āmēzišnīh
ترکیب شدن	pasāxtan
ترکیب شده	hambastak
ترکیب کردن	hamēnītan hambastan
ترکیب کننده	hamēnītār
ترکیبی	hamēnītak
ترکیب یافتن	hambūtan
ترمیم	frāšm
ترمیم کردنی	čārīk
ترنجبین	taparzat
تر و تازه	taranak tarūg tarūk tarun tāzak xvēt zargōn zarrγōn
تر وتازگی	zarrγōnīh ahōšišn
ترونك (نوعی سگك)	tarunak

ترومت (نام دیو) tarōmat

ترویج nayišnīh

تره tarak
gandanāk

تری tarīh
tarīgīh

تریاق anōš

تریاك apiyōn

تریتک (نام خاص) trītak

تریچ (نام دیو) tarič

ترین (پسوند صفت عالی) -tum
-tom

تزاید vaxšārišn

تزویر drōš

تزویر کردن frēftan

تزیین ārāstakīh
barāziškīh

تزیین شده afrank
pistak

تزیین شده با زر zarrēn pēsīt

تسلط دین dēn sardārīh

تسلط طولانی dirang xvatāy

تسلط یافتن vānītan

تسلی vētvarīh
vitvarīh

تسلی دادن hūkārītan

تسلی یافته vitvar

تسلیم apaspārišnīh

تسلیم کننده apaspār

تسویه حساب tōgīh

تسویه کننده حساب āmārēnītār

تشابه hangōšītakīh
hūmānākīh

تشت tašt
tišt
tašt i zōrbarān (تشت آب زور)

تشتک tištak

تشخیص vičārišn
vičārišnīh
vičārtakīh
vičēhišn
vičēnišn
vičīn
vičīnišn
vičīnītārīh
vičīrkarīh

تشخیص دادن vičārēnītan
vičēnītan
vičīnīhītan
vičītan
vičārtan

تشخیص دهندگی	vičīnkārīh
تشخیص دهنده	vičīnkār
	vičītār
	vizītār
تشریفات مذهبی	nīrang
تشریفات مذهبی کامل	hamāk dēn
	kartakān
تشریفات مذهبی گاهانبارها	rat pasāk
تشریفات نوشیدن هوم	hōm xvart kār
تشعشع	brīh
	brēh
	brāzišn
تشک	būp
تشکر کردن	spās hangārtan
تشکل	dēsakōmandīh
	dēsišnīh
	ham bandišn
تشکیل	čihrēnītan
	pasāčišn
	dēsakōmandīh
تشکیل دادن	vināristan
تشکیل دهنده	dēsāk
تشکیل نطفه	āvartākīh
تشکیل یافته	brēhēnītak
تشنگی	tišn
	tišnakīh
	tišnīh
تشنه	tišnak
تصاحب	xvēšēnītārīh
تصادم کردن	patkōftan
تصدیق شده	xvastuhīt
تصفیه	pālāyist
	pālāyišn
تصفیه شده	pālūt
تصفیه کردن	pālāyītan
	pālūtan
تصفیه کننده حساب	ēmār vičārtār
تصلیب	dār kartīh
تصمیم	vičārišn
	vičārišnīh
	vičar
	vičīr
	vēčišn
	bē vičārišnīh
	brīn
تصمیم قانونی	dātastānīh
	dātastān
	dātwarīh
تصمیم قضائی	vičīr
تصمیم گرفتن	vičīrītan
	vičārtan
تصمیم گیرنده	vičītār
	bē vičītār
	vičīrgar

تصمیم واحد ویکسان	ēvtākīh
تصور	mēnišnīh
تصور کردنی	mēnišnīk
تصور کردن	pat ēt dāštan angāštan
تصویب	pasandišn
تصویب کردن	pasandītan
تصویر	nikārak nigārak
تضاد	hambasānīh
تضرع	mūyak xrōsišn zārīk sūtē karīh
تضرع کردن	zādītan
تطابق	ham kunīh hangōšītakīh hūsāčakīh pasāčišn
تطابق با قانون	dātastānīkīh
تطهیر	dastšōy kartan frāč šōyišnīh pākēnītan pātyāp pātyāpīh pātyāp kartan yōšdāsr yōšdāsrēnišnīh yōšdāsrgarīh yōšdāsrīh pišār (تطهیر با گومز پس از تماس با مرده) baršnom (تطهیر کسی که دست به ناپاک زده است)
تطهیر شده	asnōtak
تطهیرشده توسط مرد پارسا	dahmān pālūt dahmān yōšdāsrēnīt
تطهیر کننده	yōšdāsrkar yōšdāsrgar
تطیر	mōrvāk
تطیر خوب	hu-mōrvāk
تطیر کننده	murvniš
تظاهر	nimūtārīh
تظاهر بدین	dēn nimūtārīh
تعادل	tarāzēnītārīh
تعالی	afrāz aparīh buržišnōmandīh
تعبیر	čīm gōvičār vičār vičārišn huzvārišn uzvārišn zand

تعبیر کردن	vičārtan
	uzvārtan
تعبیر غلط	duš-vičār
تعبیر کننده	vičārtār
تعجب	škiftīh
	škuftīh
	avdīh
تعداد*	marak
	marakīhā
تعداد زیاد	vasān
تعدادی**	ēčand
تعریف	vīmand
تعریفی**	vīmandīk
تعصب دینی	dēn nimūtārīh
تعظیم	franāmišn
	franāmišnīh
	namāč
	niyāyišn
تعظیم کردن	anāmītan
	franāftan
	franāmītan
	namāč burtan
	nyāēnītan
	nyāītan
تعفن	gandakīh
تعقیب دعوا	pēšēmārīh
تعقیب کردن	haxtan
	hāxtan
تعقیب کننده	štāftār
تعلق	xvēšēnišn
	xvēšīh
	ō xvēš kartārīh
تعلق گرفته	xvatēnītak
تعلیم	čāšišn
	čāšišnīh
	andarz
	handarz
	čāštak
	hamōk
	frahang
	nikēž
	nikēžišn
	nikēžišnīh
	dēsakīh
	čāšišnīk (قابل تعلیم)
تعلیمات مذهبی	nīrang
تعلیم بد	duš-āmūzišn
تعلیم دادن	čāštan
	frahixtan
	frahang kartan
	handarzēnītan
	vičistan
	čihēnītan

تعلیم گرفتن — āmōxtišnīh

تعلیم یافته — frahixtak

تعمد — kāmišnkārīh

تعمیر — apāč ārāstārīh
nisārišnīkīh

تعمیر کردن — vināristan

تعهد — pašn
pardāzišn

تعیین اندازه — patmān vinārišnīh

تعیین کردن — pētākēnītan
hangārtan

تعیین وقت — zamān kartan
zamān kartārīh

تغذیه — xvārtārīh
patēxvīh

تغذیه شده — parvār

تغییر — vartišn
vartišnīh
vartēnišn
vaštārīh
vištakīh
vištārīh
vihērišn

تغییر پذیر — vartišnīk

تغییرپذیری — vartišnīkīh

تغییر خاصیت — yatak vihērīh

تغییر دادن — vartēnītan

تغییر دادنی — vartēnāk
vartišnīk
vihērišnīk

تغییر دهنده — vartēnītār

تغییرشکل — yatak vihērīh

تغییر کردن — gaštan
vartītan
vaštan
vištan
vihēr-

تغییر کرده — vašt
vištak

تغییر ماهیت — yatak vihērīh

تغییر محل — franāmišn

تغییر مذهب — hāčišn

تغییر ناپذیر — avartišn
avartišnīk

تغییر ناپذیری — amōšišnīh
avartišnīh

تف — tuf
xayūk

تفأل — mōrvāk
ǰatak
ǰahišn

تفأل خوب — hu-mōrvāk

تفتگی — tapišn

تفته	taft
تفرج	čamišn
تفرج کردن	čamītan
تفرق	visāndakīh pargandakīh zruftakīh
تفریح	āsāyišn āsānīh huniyākīh
تفسیر	čāštak huzvārišn nikēž vičār vičārīh vičārišn vizārišnīh zand zand-ākāsīh
تفسیر اوستا بزبان پهلوی	pāzand
تفسیر کردن	nikēžītan
تفصیل	gōkān
تفکر	mēnītārīh mārišn ōšmurišn ušmurišn šnāsakīh šnāxtārīh
تفکر بی‌پایان	asar mēnišn
تفکر مداوم	asar mēnišn
تفکیک	vičār
تفوق	apar ōžīh
تفهم خوب	hū-frazānakīh
تقبل	pardāzišn
تقبیح	nikōhišn
تقبیح کردن	nikōhītan
تقدس	pahlōmīh artāyīh
تقدم	frāčīh frāčtarīh frahistīh fratōmīh pēšōpāyīh pēš-rawišnīh
تقدیر	baγobaxt baγ baxtīh bagobaxt brēh baxš baxt baxšēnišn dahišn ǰāyišn ǰahišn dātak

handāčišn
pat apāyastīh

تقدیر (برآورد کردن) ošmārītan

تقدیر الهی bagobaxt
bay baxtārīh

تقدیس franāmišnīh

تقدیس شده yazītak

تقدیس کردن franāftan

تقدیس کردن نان فطیر درون drōn yaštan

تقدیس گوشت یا روغن gāušōdahak

تقدیم کردن franāftan
franāmītan

تقسیم baxšišn
baxtišn
vināršin
hambaxšišnīh

تقسیم شده brīnōmand

تقسیم کردن baxšītan
baxšēnītan
baxtan
bahrēnītan
bahrak nimūtan
rāδēnītan

تقسیم نشده abrīn

تقصیر bačak
bazak
māndak

تقصیردار vināsōmand

تقطیر کردن vitāxtan

تقلب mitōxt
drōžanīh
drōzanīh
drōš
drōž
drōžīh
pačīpāy
pačīpākīh

تقوا ahrāδīh
dahmīh
kirpakīh
frārōnīh
hūkartārīh
rajistakīh
tarsakāsīh
hunarāvand (با تقوا)

تقویم zīk
zīč

تقویم را تصحیح کردن vihēčēnītan

تقویم کردن handāxtan

تکّ tak
tāk

تکان	šip
تکان خوردن	drafšītan čandītan ǰunvītan ǰumbītan larzītan
تکان خوردگی	škarvītakīh
تکان خورنده	škarvan
تکان دادن	šēp-
تکبر	tarmēnišnīh girān mēnišnīh škōh
تکرار	dōkān
تکرار کردن	dranǰēnītan ōšmurtan ušmurtan xvastan
تکریم	buržišn buržišnīkīh
تکریم کردن	burzītan buržītan
تکمیل	bavandakīh pasāxt spurrkarīh spurrīkgarīh
تکمیل کردن	pasāxtan
تکک ودو	tak
تکه	bahr baǰišn bak brīnēnak karačāk kartak pārak tāk
تکه‌تکه	kartak kartak
تکه تکه‌شدگی	kar
تکه‌تکه‌کردن	bačak pat bačak brīnītan karrēnītan
تکه معجزا	yut kartak
تکیه گاه	panāhīh darpust gās
تگرگ	tagarg sangār grāngān
تگل (گوسفند جنگی)	takal
تلاش	kōšītārīh kōšišn
تلاشی	naštakīh višōpišn
تلافی	tāvān tōǰišn
تلاقی جاده‌ها	rāsān hamrasišnīh

تلخ	taxl
	tahl
تلخی	taxlīh
	taxlakīh
	taxlanīh
تلف شدگی	frōt mīrišnīh
تلف شدنی	sānišnōmand
تلف شده	vany
تلف کاری	vạny būtīh
تلقیح کردن	vušn kartan
تلقین کردن	haxtan
	hāxtan
تلو خوردن	škarvītan
تله	talak
تماس	marz
	sohišn
	sohišnīh
تماس حاصل کردن	āyōǰītan
تماس نزدیک	hamkarčakīh
تمام	bavandak
	bavandakīhā (بطور تمام)
	drust
	druyist
	frēh
	ham
	hām
	hamāk
	hamōk
	hamōgēn
	hamōkēn
	hangartīk
	hangart
	hanǰaft
	harv
	harvin
	pasāxt
	spur
	spurīk
	spurrīk
	uspurrīk
	vāvarīkān
تماماً	uspurrīkīhā
	ēvīh
تمام بودگی	hamākīh
تمام شدن	fraǰāmītan
تمام شده	fraǰaft
	fražaft
	hanǰaftak
تمام کردن	bavandakēnītan
	fraǰāmītan
	fražaftan
	fraǰaftan
	hangartēnītan
	hanǰāmēnītan
	pardāxtan
	spurrīhītan

frazāmēnītan
pat frazāmēnītan

تمام کننده spurrgar

تمامی uspurrīkīh

تمامیت spurrīkīh

تمایز vičārtakīh

تمایل dōšišn
grāyišnīh
grāyastakīh
kāmisn
kāmakōmandīh
vixāz
ōnāmišn
mēnišnīh

تمایل بد varan

تمایل بازدواج nāirīk kāmakīh

تمایل به‌حرص وآز varan kāmakīh

تمایل به کار نیک hūvaršt kāmakīh

تمایل داشتن grāyītan
dōšītan

تمایل‌داشتن بزهد ahrāyīh-franāmišnīh

تمایل مشترک ham kāmakīh
ham apāyastīh

تمایل مفرط frēhbūt xvāhišnīh

تمثال patkar

تمجید buržišnīkīh
ostōfrīt

تمدد عضلات hanǰītan

تمدن frahang

تمرین varzišn
vinārišn

تمسخر afsōs
afsōsgarīh
riyahrīh

تمسخر شده čašm-kāi

تملق zuwānīh
čarp zuwānīh
nāzēnakīh

تملک dārišn
dārišnīh
dāštārīh
xvēšīh
xvēšēnītan

تمنا xvāδišn
xvāhišn
xvāstārīh

تمیز (پاک) pāk
pākīzak
pāv

تمیز (تمایز) vičēhišn
vičīn
vičīnišn
vičītārīh

تمیز دادن	vičēnītan vičinīhītan vičirītan
تمیز دهنده	vičītār
تمیز شده	pākēnītak
تمیز کردن	pākēnītan ruftan
تمیزی	pākīh pākīzakīh
تمییز	vičīhītakīh
تن	tan tanbar karp
تناسب	niyāpakīh niyāwākīh pasačakīh
تناسب اندام	tan brēh tanbahr
تنافور (گناه)	tanāpuhr
تناقض	anbasānīh viguftakīh hambasānīh
تن بفرمان (لقب‌سروش)	tan pat framān
تنبل	armēšt ašēkahān ašgahān
تنبک	tumbak
تنبور	tambūr tanbūr tanbūrak
تنبور بزرگ	tambūr i mas
تنبورك	tanbūrak
تنبور نواز	tanbūr srāy
تنبوره	tambūrak
تن بهر (زیبائی اندام)	tan bahr tan brēh
تن بەرضا داده	bāristān
تن بی‌پایان	asar karpak asarak karpak
تن بی‌جان	ristak tan
تنبیه	garzišnīh pātafrās puhl tōǰišn zanišn drōš
تنبیه برای گناهی خاص	srōšōčaranām
تنبیه جسمانی	puhr
تنبیه شدگی	tōǰišnīh
تنبیه شدن ازگناه	patīt patēt

تنبیه کردن pātafrāsēnītan
tōǰītan
drōšītan

تنبیه کردنی tōǰišnōmand

تنبیه کننده pātafrāskar

تن پسین (تنی که در رستاخیز زنده می‌شود)
tan i pasēn
tan pasēn

تند (سریع) tund
arvand
zūt
šapīk
šēpāk
šifarg
tāzīk
raγ

تند (تیز) tēž
tēxak

تندر γarrānāk

تندرست tan-drust

تندرستی tan-drustīh
drōt

تندرستی مداوم tandrust rawišnīh

تند رو tačak
hūravānak
frāxv raftār
āyōxtār
zibāl

تندی tundīh
sapūkīhā (به تندی)

تن روز پسین که از گور بر میخیزد tan i pasēn

تنزل frōtīh

تنزل مقام frōt bavišnīh

تنزه apēčakīh

تن ساز tan kartār

تنسر (نام خاص) tansar
tōsar

تنش (تنیدن) tanišn

تنفس vēn āwarišn barišn

تنک (کم) tanuk

تنگ چشم duš-čašm

تنگ چشمانه duš čašmīhā

تنگدستی škōh
škōhīh

تنگ نظر kūtak bīn

تنگی tangīh
vitangīh

تن نخستین asarak karpak

تنور tanūr
tūn
barēǰ
brēǰ
brēzan

تنوع yutarīh

تنومند	tanōmand
تنومندی	tanōmandīh
تنه	stūnak
تنه درخت	dārbun
	mātakvar
تنها	tanīhā
	ētōm
	ēvāč
	ēvakānak (یگانه)
	ēvaktāk (یکتا)
	ēvtāk
	tak
	tanē
تنها بودگی	ēvakānīh
تنهاگذاشتگی	hilišnīh
تنهاگذاشتن	hilišn
تنهائی	ēvakānīh
	viyāpānīh
تنی	tanīk
	tankartīh
	tanīkartīk
تنیدن	tanūtan
تو (ضمیر شخصی)	tō
تو (به‌تو، تورا)	u-t
تو (داخل)	nendar
تواضع	ērmēnišnīh
توافق	āšt
	āštīh
	brātarōtīh
	patvast axvīh
	hūmānīh
توالد	zāk
	zākīh
	zāyišn
توأم	pat aknēn
	gumē
توأماً	aknēn
توأمان	patyuxtak
توأم بودگی	patišīh
توأم بودن	hamīkīh
توان	tuwān
توانا	tuwānāk
	tuwānīk
	patūk
	pātiyāvand
	pātaxšā
	kartakār
	kart kār
	pātixšāy
	ōjōmand
	ōžōmand
	apazār
	sēzdēn

šāyēn
dastwar
kāmkār
šāyēndak
andar tuwān

توانا بودن
ayyārītan
šāyastan

توانا در سخن گفتن
gōwišnōmand

توانای کل
hamāk afzār

توانا گردانیدن
pātixšāyēnītan

توانایی
tuwānīh
tuwānīkīh
tavīh
amāvandīh
apazār
attōkīh
pātixšāhīh
pātixšāyīh
ōžōmandīh
sizd
sēzd
šāyēndakīh
nērōk
ōǰ
dast
tuxšn
zōhr
zōr
zūr

توانستن
tuwānistan
astēnītan
šāyastan
šāyistan
šāyītan

توانگر
tuwāngar

توانگری
tuwāngarīh
tuwānkarīh
tuwānakīh
garōmandīh
čašmakīh
čašmīh

توبه
garzišn
patēt
puhl
puhr

توبه‌ای
patētīk

توبه در برابر مردم
tōǰišn

توبه‌کار
garzišnīk

توبه‌کنندگی
apaxšīh

توبه‌کننده
patētīk

توبه ناکردلی
anapaxšāvandīh

توبه ناکردن
apatētīkīh

توبه ناکرده
anapaxšāvand

توپ
gōy

توت‌بن (درخت توت)	tūt bun
توجه	mēnišn
	mārišn
	nikās
	nikāsdārīh
	nikēžišn
	nikīrišn
	niyōxšišn
	niyōxšītārīh
	uskār
توجه به امورمادی	gētīh nikīrišnīh
توجه به جهان مادی	gētīh kārīh
توجه به زمان حاضر	ōvām mēnišnīh
توجه کردن	mēnītan
	nikīristan
	nikīrītan
	niyōxšišnīh
	niyōxšītan
توجهی	nikīrišnīk
توجه کننده	niyōxšītār
توجیه	uzvārišn
توجیه کردن	vičārtan
توچاپ (نام خاص)	tučāp
توده	kōt
	kūt
	gund
	srēšak
	srēšōtak
توده سنگ	šītē
توده مردم	amarakān
	pātarm
	pātram
	sartak
تور (نام خاص)	tūr
	tōǰ
تورات	tōrāt
توران	tūrān
توران شهر (کشور توران)	tūr šatr
تورانی	tūr
تورج (نام خاص)	tōǰ
	tūǰ
تور شهر (شهر)	tūr šatr
تورك (نام‌خاص)	tūrak
تور ماهیگیری	dām
توره (شغال)	tōrak
توزش	tūzišn
توزین	tarāzēnītārīh
توس (نام خاص)	tūs
توس شهر (شهر)	tūs šatr
توسر (نام خاص) = تنسر	tōsar

توسعه frāyōmandīh
franāmišn
frāy dātārīh
vaxšārišn
sahmānak
rōwākīh
rawākēnītārīh

توسعه دهنده vaxšēnītār

توسعه یافتن rōδītan
rōyītan

توشک dušak

توشه tūšak
tōšak

توصیفی vīmandīk

توضیح čim
čimgān
vičārišn
vičārīh
nikēž
nikēžišn
zand

توضیح دادن nikēžītan
nikēxtan
vičārēnītan
vičīrēnītan
paitākēnītan

توقف mānišn

توقف کردن ēstātan
mānistan
mānītan
pātan

توکل vitvarīh
bāristānīh

تولد zāyišn
apusīh
tuxmakīh

تولد نشده anazāt

توله سگ tūrūk
tūrnak

تولید zāk
āpurišn

تولید شده zāyišnīk

تولیدکننده āpurāk

تولید مجدد frāšm

توماسپ = تهماسپ (نام خاص) tūmāsp

تون (آتش خانه) tūn

توهین duškām kartārīh
must

توهین کردن patyārēnītan
tarvēnītan
vizāstan

توهین کننده tarvēnišn
tarvēnītār

ته — tah
tay
tēh
bun
kūn
sarīnak
nišīn

ته‌آب — frōtāpīk

ته‌تیر — druvāsp

تهدید — patēst
patist

تهدیدآمیز — patēstīk

تهدید کردن — patēstan

تهدیدی — patēstīk

تهم — tahm
taxm
tahmak

تهماسب (نام خاص) — tūmāsp

تهماسپان (نام خاندانی) — tahmāspān

تهمت — spazgīh

تهمت زن — spazg

تهمورث (نام خاص) — tahmūrit
taxmūrit
tahmūrap
taxmūrap

تهی — tuhīk
tahīk
tihīk
hanǰaft

تهی بودگی — tuhīkīh

تهی‌دست — abavandak
driɣōš (درویش)

تهیه — sāxtārīh
pasāčišn

تهیه شده — pasiǰak
pasičak

تهیه کردن — pasāxtan
rāyēnītan
ārāstan
vīrāstan
mārzatan

تهییج — hangēž

تهییج شدن — hangēžīhītan

تیر (تنهٔ درخت) — dār
fras
frasp

تیر (سلاح) — tigr
tīr
pēkān
sar
vindak
dūzēnak

تیر (ماه) — tīr

تیرانداختن
vēstan
vistan
vištan
zam-

تیرانداز
vēstār
vindak

تیراندازی
kamānvarīh

تیراندازی کردن
vēstan

تیرحمال (برای نگاهداشتن سقف یا دیوار)
fras
frasp

تیردان
kantigr

تیررس
tigrayāp

تیرماه
tīr māh

تیرماهی (منسوب به تیرماه)
tīr māhak

تیره
tērak
tārīk
nēm tansrak
hōšēnāk (دودآلود)

تیرهٔ البرز (قلهٔ البرز)
tīrak i harburz
tērak i alburz

تیره رنگ
dafr

تیره روز
vat baxt

تیرهٔ کوه
tīrak
tērak

تیری که برای پوشش بام بکارمیرود
parvār

تیز
tēz
tēž
tigr
tīr
tēx
tēxak
tund
burāk

تیزبین
hamāk doisr

تیزبینی
bēvar čašmīh

تیزدندان
tēz dandān

تیز رفتار
frāxv raftār

تیز سوز
tēz sōčāk

تیزهوشی
dānāk hōšīh
dānāk ōšīh
frāxv hōšīh
dūr hūvīrīh (تیز هوشی بسیار)

تیزی
tēzīh
tēh

تیسفون (شهر)
tīsifon

تیشتر (نام ایزد وستاره)
tištar

تیشه
tīšak

تیغ (خار)
kimār

تیغ
tēγ
tēx
tēh
tīk

تیغ سرتراشی ustarak
awistarak

تیغه tēhak
tēγ

تیمار tēmār
tīmār

تیول āzātīh

تیهو tihūk

تیهوی سپید دم tihūk i spēt dumbak
spēt dumbak

تیهوی سرخ پر tīhūk i sūr parrak

ث

ثابت	stēnīk
	avartišnīk
	drang
ثابت شده	xvastuhīt
ثابت قدم	astovān
	astuvān
	avartāk
	hangōmand
	xōrtāk
ثانوی	ditīkar
ثبات	amōšišnīh
	amūtakīh
	asačišnīh
	astišnīh
	avartišn
	avartišnīh
	ēstišnīh
	ōstakīh
	ōstīkānīh
	awistwārīh
	rōčvart (بی‌ثبات)
ثبات قدم	zangīh
ثبات قدم مرد	mart astišnīh
ثبوت	daxšakīh
ثروت	hastak
	hīr
	hēr
	hērīh
	išt
	rēxn
	čašmakīh
	hangatīh

	grāmak
	xvāstak
	xvāstakīh
	tuwānīkīh
	tuwāngarīh
ثروتمند	hast hēr
	tuwān hēr
	hangat
	ātāv
	tuwānīk
	tuwānkar
	afzārōmand
	vas xvāstak
	vas afzār
	xvayāpak
ثروتمندی	ātāvīh
	vas xvāstakīh
ثریا	parvīč
ثمر	mēvak
ثمربخش	hūdahak
	hūdahāk
ثمربخشی	hūdāhakīh
ثمره	hačišik
ثناگفتن	āfrīnītan
ثناگویی	āfrīn gōvišnīh
ثنویت	dōīh
	dōkānakīh
ثواب	kirpak
(نیت کار ثواب داشتن)	kirpak mēnišnīh
ثوابت	rōšnān
ثواب کار	kirpakar
	kirpakgar
	kirpakkar
	kirpakōmand
	hūvaršt varzītār
ثواب کاری	kirpakīh
	kirpakgarīh
	kirpakkarīh
	kirpak varzītārīh
ثوابگر	kirpakgar
ثواب گفتار نیک	huxt
ثواب همانند داشتن	hāvand kirpakīh
ثوابی که از کار نیک حاصل شود	hūvaršt

ج

جا — gēvāk
giyāk
ǰīvāk
viyāk
gāh
gās
aspanǰ
bunak
taxt
stān
mān
katak
mānīh
nisastak
uišastak
čār
dān

جابجاشدگی — apparīh

جابجا شده — appār

جابجا کردن — ōgārtan

جا دادن — avistātan

جادو — yātūk

جادوانه — yātūkīhā

جادوگر — yātūk
kēt
kundāk

جادوگرانه — yātūkīhā

جادوگری — yātūkīh
parīkīh
kētīkīh
kundākīh

جادوئی — yātūkīh

جاده — rās
vitarak

	vitar vitarg vitark srat sratak
جادهٔ باریک	vitarg
جادهٔ کوفته شده	xvast
جاذبه	āhanǰak
جاروب	gēvāk rōp gyāk rōp
جاری	rōwāk tačan tačak tazāk
جاری بودگی	tačišnīh
جاری ساختن	rōwākēnītan
جاری شدگی	taxtišnīh tazišnīh
جاری شدن	tačītan tazītan tāxtan taxtan sačītan fravītan rēxtan
جاری شدن آب	tačišn
جاری شدن بسوی پائین	nidvārišn
جاری گرداندن	fravēnītan tačēnītan tāzēnītan
جاب	afd awd
جالب بودن	awdīh
جام	ǰām ǰāmak yām yāmak paygāl
جاماسپ (نام خاص)	ǰāmāsp
جام‌ساز	paygāl-gar
جامعه زرتشتی	mazdayastān
جامعیت	hangartīkih
جامه	yāmak brāhm brāhmak ǰāmak patmōčan patmōk varr vastar vistarg vrahmak
جامهٔ تن	tanǰāmak

جان	ǰān gān gyān uštān vaxš
جاندار	ǰān dārišn ǰānvar ǰānavar ǰānōmand uštānōmand vaxšōmand gyānwar
جاندار میرا (کیومرث)	gayōmart
جانداری	uštānīh
جانداشتگی	ǰānīh
جان رفتگی	ǰān bē šavišnīh
جانسپار	ǰān apaspār gyān apaspār
جانسپارانه	ǰān apaspāragīhā
جان کندن	kanišn i ǰān gyān kantan
جانمند	ǰānōmand
جان نگهدار	ǰānīk dāštār
جانور	ǰānvar ǰānavar gyānwar
جانی (تبه‌کار)	mar riftak riptak
جانی (مربوط به‌جان)	ǰānīk gyānik
جاودان خدایی	anōšak xvatāyīh
جاوید خسرو (نام خاص)	anōš husrav
جاودانه	yāvētak akanārak zamānīhā
جاودانی	yāvētānak asar dagr pattāy
جاودانی بودن	hamāyīkīh hamākīhā ēstišn
جاودانیان	yāvētānakān
جا ومسکن‌دادن بکسی	spanǰānakīh
جاوید	yāvēt
جاویدان	yāvēt ǰāvītān yāvētān anōš hamāyik
جاویدان بودن روان	anōš ruwānīh
جاهل	adān vat xrat
جاهلانه	adānīhā

جای آب	āpdān
جای آرامش	pasišn
جای اسب	aspastān
جای اسناد ونوشته‌ها	dīwān
جای اقامت	māništ
جای امن	ōstak
جای اندیشهٔ نیک	hūmat gās
جای برسم	barsamdān
جای بستن گاوان	gōband
جای پادیاب	pātyāp dān
جای پرستش	kartak mān
جای حفر شده	kānakīh
جای خواب	vistarak
جای دادن	mānēnītan nišāntan
جای دادن درچیزی	nikandan
جای‌دار	giyākōmand kumand
جای‌داری	giyākōmandīh
جای دروغ	drūǰōk tmān
جای رامش	rāmišn mānišn
جای روح	ǰānakān
جایز	rawāk
جای شتران	ōštaristān
جای فدیه	myazd-gās
جای فرهنگ وآموزش	frahangistān
جای قانونی	dātīhā gās
جای کردارنیک	hūvaršt gās
جای گاو و گوسفند	pahastān
جایگاه	hadiš ēstišn pāyakīh
جایگاه خوش	mustāpāt
جایگاه ستارگان	starpāyak
جای گرفتن	masēnītan
جای گزیدن	māndan
جای گله و رمه	pahast
جای گود وعمیق	vīm
جای گیری	mānēnišn
جای متروك	viškar
جای مجزا	gōšak
جای مخصوص	dātīhā gās
جای مردان فرهمند دربهشت	farraxvān gās
جای مستحکم	āvahan darpust gās
جایمندی	giyākōmandīh
جای مینویان	mēnōk gēvākīh
جای نشست	gēvāk i nišast

جای نشستن nišast
nišēm
āšyān

جای نگهداری چارپایان اهلی gōband

جای نگهداری نوشته‌ها (دیوان) dipīwān

جای وسیع mēdān

جای وقفی dātgās

جای‌ها gēvākīhā

جای هیزم ēsmdān
ēzmdān

جایی که بمهمان می‌دهند aspanǰ

جایی که چیزی درآن نهاده شده nipast

جبار garānmān
sāstār

جباری sāstārīh

جبال بارز (محل) barzān

جبر stahmakīh
baxš rawišnīh (جبر آسمانی)

جبران čārak
tōǰišn
tāvān
tūzišn

جبران شدگی tōǰišnōmandīh

جبران کردن tōǰītan

جبران گناه کردن puhlēnītan
puhlistan

جبری (مقدر، بایسته) apāyastak

جبری (ستمگرانه) stahmak
stahmbak

جد niyāk
čardār (برای موجودات اهریمنی)

جدا yutāk
yut
yut kust
vičārak

جدا از yut
yut-ič hač
parōn

جدا از مذهب yut framān

جدا بستری yut vastarīh

جدا بودگی yutīh

جداتر yuttar

جداجدا yut yut

جدادینی yut ristakīh

جدا شدن vičīhistan
vičīhītan

جداکردگی vičīhišnīh

جدا کردن yutākēnītan
visastan
visāndan
vičārtan
vičītan
vēxtan

جدا کیش (کسی که کیش دیگری دارد) yut kēš

جداگوهر yut gōhr

جدال hamēstārīh
stēžak
kōxšišn
kuxšišn

جدانهادی (کسی که سرشت دیگری دارد)
yut nihātakīh

جدایی yutākīh
anahamīh
vičār
viškinišn
vičārišn
vičārtakīh
vičīhītakīh
vičīhišnīh
visānišn
visānišnīh

جد وجهد rāy

جدول نجومی zīč

جده niyāki

جدهٔ مادری mātišt

جَدی vahīk

جدی garmōk
xōrtāk
saxt

جدی‌تر xrōčditom

جرأت کردن ayyārītan

جراحت āzār
gazišn
rēš
rēškēnīh
vixrūnīh

جراحی karēnišn
karēnišnīh

جرقهٔ آتش xvar
xvarg

جرم bazakīh

جرم کردن (سبب جرم شدن) āstārēnītan

جریان rēčišn
rēčišnīh
rōwišnīh
rōwākīh
taxtišnīh
tačišn
tazišn
tazišnīh

جریان آب āp-tačan

جریان داشتن āšixtan

جریان شدید آب nihvārišn

جریان هستی bavišn ravišnīh

جریحه‌دار کردن bēšēnītan

جریمه tāvān

جُز yut

جزر دریا ōkār

جزیره gazīrak

جزیه gazītak

جسارت tarmēnišnīh

جستجو ǰōyišn
vičōdišn
vičustārīh

جستجو کردن ǰōyišnīh
viǰustan
vičustan
viǰuyīhītan
tūxtan
zādītan
zastan

جستجو کننده vičustār
xvāstār

جَستن ǰahītan
ǰastan
ōǰītan

جست وخیز ǰahišn

جسته ǰastak

جسد kālpat
nasā
nasāk
nasāy
ristak

جسد بیجان murtak
rist

جسم kālpat
karp

جسماً astōmandīhā

جسمانی astōmand
tankart
tankartīk
tankartīhā (بطور جسمانی)

جسمانی بودن tankartīh
tankartakīh

جسمانیت astōmandīh

جسم داشتگی astōmandīh

جسم مرده karp
ristak
nasā
nasāk
nasāy

جسمی tanīk

جسمیت tanōmandīh

جسیم tanōmand
pat tanōmand

جشن sūr
yasn

bazm
ǰašn
xvaran

جشن خرداد harvdāt sūr

جشن عروسی vayōtakān

جشن مذهبی sūr

جشن مهرگان mitragān

جشنی که برای تقدیس هوم گرفته می‌شود hōm sūr

جعبه kipōt
kiwōt
tapangōk

جعبهٔ جای دارو dārūk dān

جعفر (ابومنصور خلیفه) ǰāfar

جعفری (گل همیشه بهار) hamē vahār

جعل guhvart
guh gartak

جغد vahūman mur
puš
būf

جفت dōān
dōkān
dōkānak
dvāt
yuxt
yuxtak

جفت (زن وشوهر) mutfan

جفت شدن ǰuftan

جفت‌شدن (زن‌وشوهر) mutfan kartan

جفت گردیدن masēnītan

جفت گیری ǰuftan
māyūt
marzišn

جفت گیری کردن ǰuftan

جگر ǰagar
ǰigar
sušīk

جگر سفید suš
sušak

جلادادن mālītan

جلادهندگی mālītārīh

جلال aparīh
burzēnākīh
buržākīh
buržišnōmandīh
škōd
škōdišn
škōh
hūškōhīh
varč
varǰ
xvarr
xvarrah

جلسه hanǰaman

جلگه	gawr
	vēs
جلو	pēš
	nazd
	handēmān
جلوبری	frāč barišnīh
جلوتر	frāčtar
	pēštar
	pēštar
جلوترین	frāčtōm
جلو جستن	fraǰastan
جلو دویدن	patrōtan
جلو راندن	nayītan
جلورفتن	frāčītan
	frāč raftan
	frāč franāftan
	frāč rasītan
	frāč tačītan (بجلو روان‌شدن)
جلو رونده	frāč tačak
جلوگیری	apāč astišnīh
	pahrēč
جلوگیری کردن	pahrēxtan
	patīrānēnītan
	patērānītan
جلوی کسی آوردن	āšēhītan
جلیل	barēn
	buržišnōmand
	burzōk
جم	yim
	yam
	ǰam
جماع	hamgomēčišnīh
جماعت	vālan
جمال	hūčihrīh
جمجمه	mastarg
	mastōrg
جم درخشان	yimšēt
جمشید	yimšēt
	ǰamšēt
	yim
	yam
	ǰam
جمشیدی	yamīkīh
جمع آوری	harōpišn
	hamdahišnīh
جمع شدن	girt āmatan
جمع شده (تودهٔ مجتمع)	srēšōtak
جمع کردن	apākēnītan
	hamdātan
	hambārišn
	hanbārišn
	hambārītan
	handōxtan
	girt kartan
	sārēnītan
	vāčīnītan (دانه جمع کردن)

جمعیت
amarakān
ram
anbūh
vālan

جمک (نام خاص)
ǰamak

جمکرت (پناهگاه جمشید در برابر زمستان بسیار سرد)
yamkart
yamikart
ǰamkart

جمله
sahmān
vāčak
vāžak

جملهٔ غلط
vāčak zaspān

جمه (نام خواهر جمشید)
yimak

جنایت
riftakīh

جنباکی
ǰumbākīh

جنبان
ǰumbišnīk
vizandak

جنباندن
čandēnītan
ǰandīnēnītan
ǰandēnītan
frāč šānītan
ǰumbēnēnītan
ǰundēnēnītan

جنبانده شدن
ǰumbīhastan

جنباننده
ǰumbāk

جنبش
ǰumbišn
čandišn
ǰumbākīh
ēvarz
vāz

جنبش ستارگان
yumbišnīh

جنبندگی
ǰumbākīh

جنبیدن
larzītan
candītan
ǰandēnītan
ǰandītan
ǰumbītan
ǰunvītan
ǰumbīhastan

جندی‌شاپور (شهر)
vandōi-šāhpuhr

جنس
sardak
saredak
sartak
advēnak
daxšak

جنس انسان
martōm čihrak
martōmīh

جنگ
ǰang
razm
pātrazm
napart
nipart
artīk

artgarīh
artīkgarīh
artīkkarīh
artīk kunišnīh
hamēstārīh
hamrānīh
kār
kārān
kārēčār
kāričār
kōšītārīh
kōšišn
kōšišnīh
kōxšišn
kōxšītārīh
kūšišn
kuxšišn

جنگاور razmīk
gund
kōxšišnōmand

جنگاوری artēštārīh
artīk kunišnīh
hunar

جنگ تن بتن ham kōxšišn
ham nipartīh
ham rānīh

جنگجو artištār
artēštār
gurt
ratēštār
razmīk
ēraxtār

جنگجوئی artīkarīh
artīkkarīh
artīkgarīh

جنگل razūr
razvar
van
vēšak
vīšak
dašt

جنگلی vēšakīk

جنگنامه kārnāmak

جنگندگی ratēštārīh

جنگنده kōxšāk
kōxšītār
ēraxtār

جنگ وستیز ham nipartīh

جنگی kārīk
kōxšāk
kōxšišnīk
ēraxtār

جنگیدن kōxšītan
purītan
purtan
ayōǰītan
ēraxtan
stēžītan

جنوب rapiswin
rapitwin

جنوبی rapitfak
rapitwintar

جنین daštak
gawr
zahak

جنین‌افگن (امری که موجب سقط جنین شود)
tačišnōmand

جنین سقط شده nasā

جنین سقط‌شدهٔ اهریمن višūtak

جو vāi
andar vāy

جو yav
ǰav
šē

جواب pasaxv
patvāč
patvāčak
patvāčišn
patvāčīk

جواب دادن pasaxvēnītan
pasaxv guftan
patvāč guftan

جواب دادن (اهریمنی) dūyītan

جوال gawāl
ǰuwāl

جوان yuvān
ǰuvān
purnāy
rahīk
taranak
tarūk
tarūg
gōšn
gušn

جوان بالغ masātar

جوانترین kēhist
zahāk

جوانمرد rāt
arvand

جوانمردی rātīh
āzāt martīh
arvandīh

جوان نابالغ apurnāy

جوانه درخت spīk
kūyak (کوک در اصفهانی)

جوانه زدن spīz-

جوانه‌زنی spīzišn

جواهرنشان gōhrīk
pistak

جوانی ǰuvānīh
yuvānīh
purnāyīh
gušnīh
rahīkīh
rasīkīh

جوانی که هنوز موی بررویش نروئیده	rētak
جوبار (محلی درکرمان)	ǰubār
جوباره (محله اصفهان)	gōbār
جوجه	kark karg murvīčak
جوجه‌تیغی	zūzak žūzak xūgarak xūkarak
جوجه مرغ	murvīčak
جود	rātīh
جو دوسر	šak
جور (شهرگور)	artaxšēr xvarrah
جور	must
جوز (گوز، گردو)	gōz
جوزهندی	gōz i hindūk
جوشان	ǰōšān
جوشاندن	xšartēnītan ayārtēnītan
جوشانده شده	xšartēnītak
جوشیدن	ayārtītan
جوشیده	xšartēnītak
جوکوب	yavāzan yavāzam
جولاهه	ǰūlāhak
جوهر	gōhr māṭak uruspar
جوهر اصلی	ham bunīh
جوهردار	pat gōhr
جوهر ذاتی	ham bunīh
جوهر هستی	stīh
جوی آب	ǰōy yōy ǰōb katas rag xān
جویدگی	ǰōyišn
جویدن	ǰōyītan ǰūtan
جویده سخن گفتن	žūtan ǰōyītan dandītan
جوی سراشیب	nikun āb
جویش	ǰōyišn
جویشی	ǰōyišnīh
جوین	ǰawēn
جهان	ahu axv axvān

gēhān
gētīh
gētīk
hām kišvar
ras (چرخ فلک)
spāš
stī (جهان هستی)
stīh ~
gētīhīhā (بطریق این جهانی)

جهان‌آرا gētāh ārāy

جهان اهریمنی tamīkān

جهان بد dušaxv

جهان پیرای gēhān vīrāy

جهان خاکی axv i astōmand
ōrōn (در این جهان خاکی)

جهاندار gēhān-dār

جهان صغیر gēhān i kōtak

جهان قلمرو اهریمن asar tārīkīh

جهان مادی axv i astōmand
gētāh

جهان مینوی šahr i mēnōk

جهانی axvīk
axvānīk
gēhānīk
gētīkīk
gētāīk (این جهانی)
gētāhīk (این جهانی)

جهانی (عمومی) amarakānīk

جهانیان gēhānīgān

جهت ārak
dašn
kust
rōn
ōrōn
ōrōn (بطرف)
rāy (بجهت)

جهت شمالی apāxtarōn

جهت مخالف tarist

جهد کننده niyāw
niyāp

جهرم (شهر) zarham

جهش ǰahišn
vāz

جهل adānakīh
dušākāsīh
dušdānākīh

جهنده šapāk

جهنم dušaxv

جهنمی ērāxt
ērāxtak

جهود yahūt

جهیدن ǰahītan
ǰastan
šaspītan

جهیده ǰastak
ǰastīhā (بطور جهیده)

جهیز dahīč
kāwēn

جی (شهر اصفهان دردوران کهن) gai

چ

چابک	čāpuk āsān pāy vartak
چابکانه	zēnāvandīhā
چابک رفتار	čāpuk sačišn
چابکی	čāpukīh
چادر	čātur
چادر (خیمه)	viyān
چارپا	čahār pāδ čahār pāy čārpāy
چارپادار	čahār pāy dār
چارپای اهلی	gāw
چارپای کوچک اهلی	gōspand
چارك (چهاریک)	čatrušvātak
چاره	čār čārak darmān darmānīh
چاره‌بینی	čārak vēnīh
چاره پذیر	čārīk
چاره داشتن	frāxv čārīh
چاره‌کرداری	čārak kartārīh
چاره‌کردن	čārak kartan
چاره‌کنان	čārak kunišnīhā
چاره‌گرانه	čārak kunišnīhā
چاره‌گری	čārak garīh

چاره‌مندانه — čārōmandīhā

چاره‌مندی — čārōmandīh

چاشت — čāšt

چاشته (غذا) — čāštak

چاشنی (ادویه‌ای که به غذا می‌زنند) — čāšnīk

چاق — farpīh
 frapīh

چاق (درمورد حیوان) — pīh

چاقو — kārt

چاقوساز — čilānkar

چاك — unān
 unak

چاکر — čakar
 ērmān
 rasīk
 rahīk (رهی)

چاکرزن (زن غیر اصلی) — čakar zan

چالاك — šēpāk
 gubrāk

چالاکی — tuxšākīh
 tuxšišn

چالاکی کردن — tuxšākēnītan

چاله — čāh
 maγ

چانه — zanak

چاه — čāh
 xān
 xānak

چاه آب — āp xānīk
 āpān xān
 xānīk

چاهی — čāhīk

چپ — hōi
 hōy
 hōyak
 hōyak (طرف چپ)

چخشنوش (نام خاص) — čaxšnūš
 čixšnūš
 čašnīš

چرا (چریدن) — čarak

چرا — čē
 čē rāy
 čim

چراغ — čarāγ
 cirāγ

چراگاه — čarak
 gāvyōt
 gōyot
 vāsān
 vāstar
 vāstr
 apaxvar
 pat xvar
 pur vāstarīh (پرچراگاهی)

چراگاه وسیع — frahē-gōyot
 frāxv gōyot

frāy gōyot (دارنده چراگاههای فراخ)

چرب carp
rōγnīk

چرب‌آوازی carp ēvāčīh

چرب زبانی čarp zuwānīh
zuwānīh

چرب‌مند čarpīhōmand
čarpišnōmand

چربی čarpīh
pīh
pihv
pim

چربی‌دار čarpišnōmand
čarpīhōmand

چربی‌وخونی که‌از جسد مرده بیرون می‌آید čarpišn

چرخ čaxr
vartēn
ras

چرخ (فلک) ras

چرخ آبکشی ازچاه gartānak
gartīnāk

چرخاندن gartānistan
gartānītan
vāštan

چرخانیده vartānītak

چرخ زدن tanišn
tanītan

چرخش gartišn

چرخشت karxōš

چرخه čaxrak

چرخیدن gartītan
vartītan
vaštan

چرس mang

چرك mūzg
rīm

چركين čirkēn
āhīt

چرم čarm

چرم بز saxtak

چرمسازی pōstkarīh

چرم میش mēš-sar
mēš-sār

چرمين čarmēn

چسب dōs

چسبناك dōsēn
dūsin

چسبیده به‌هم hambast
hamkust

چست gubrāk

چشائی čaxšākīh

چشش čaxšišn

چشم čašm
dōisr

چشم (برای موجودات اهریمنی)	aš
چشم (بروی چشم، فرمانبردارانه)	čašmīhā
چشم بادامگون	čašm i vātām advēn
چشم بد	vat nigarītārīh
چشم برهم زدن	mēčītan
چشم بمال دیگری دارنده	nikērāy
چشم تنگی	duš-čašmīh
چشم دل	dōisr
چشم دل (دارای چشم دل)	hamāk dōisr
چشم دید	čašm dīt
چشم ذهن	vohuman čašm
چشمك	mēčišn
	čašm mēčišn
چشمك (نام خاص)	čišmak
چشمك زدن (مژه‌برهم‌زدن)	mēčītan
چشم کوچك	čašmak
چشم گاه	čašmgāh
چشمه	āpān xān
	āpxvar (آبخور)
	čāh
	čašmak
	xān
	xānak
	xānīk
	zahāpak
	zrēh
چشمهٔ آب	āp xān
	āp xānīk
چشمه‌ای	xānīk
چشیدن	čašītan
	mičētan
	mizītan
چشیدن غذائی که درتشریفات مذهبی آماده‌می‌شود	čāšnīk
چطور	čēgōn
	čigōn
چقدر	čand
	hand
چکاد (نوك، قله)	čakāt
چکامه	čikāmak
چکاندن آب	pašančītan
چکاوك	čakā
	čakōk
چکر زن (زن غیراصلی)	čakar zan
	zan i čagar
چکش	čakōč
	kōpēn
	kūtīnak
چکش آهنگران	patak
چکه	srīšk
	šāmak
چکیدن آب	pašang

چگونگی	čēgōnīh čēih
چگونه	čigōn
چلچله	parastūk
چلنگر	čilānkar
چلیپاوار	targōn
چماق	vazr varz gat gad
چماق‌دار	gatvar
چماق‌زنی	gat zanišnīh
چم‌چیزی‌را خوب‌دردست داشتن	hūčamakīh
چمش	čamišn
چمن	marv murv
چمنزار	vāstr vāstar
چمیدن	čamītan ham čamišnīh (باهم چمیدن)
چنار (درخت)	činār
چنان	ētōn ō(h)
چنان‌تر	ētōn-tar
چنان چون	ōɣōn čēgōn
چنان شدن	ētōnīhītan
چنان کردن	ētōnīhītan ōɣōnīhītan
چنانی	ētōnīh
چنانیدن	ōɣōnīhītan
چنبربازی(نوعی‌بازی‌است)	čambar vāčīk
چند	and hand čand ēv-čand (یک‌چند)
چندان	čandān čand-hān
چندانکه	čand
چندش	čandišn
چندش آوردن	candēnītan
چندی	čandīh ē-čand ēv-čand
چندین	čandtōm ēv-čand
چنگ (آلت موسیقی)	čang kennār
چنگ نواز	čang srāy vin srāy kennār srāy

چلین	ētōn ōγōn ō(h)
چنین تر	ētōn-tar
چنین وچنان	vahmān
چنینی	ētōnīh
چوب	čōp dār graw (عصا)
چوب بقم	dār parniyān
چوب بازی	dār vāčīk
چوبدست	čōp
چوبدست پیشوایان مذهبی برای تنبیه بدنی گناهکاران	srōšōčaranām
چوبدست کوچک	čōpīčak
چوبدست موبدان	mārγan
چوبدستی که با آن حیوانات مضر را می کشند	xrafstargan
چوبدستی که باآن مارراا می کشند	mārgan
چوب سوزاندنی	ēsm ēzm
چوبهٔ تیر	tīr čōpak
چوبهٔ دار	dār
چوب هو کرت (نام چوب خوشبوئی است)	hūkart
چوب هو گون (نام چوبی است خوشبو)	hūgōn
چوبی	dārēn
چوبی دارای پنج گره که در مراسم تغسیل بکار می رود	grēh
چوپان	šapān šupān
چوگان	čōpakān čōpīgān
چوگان باز ماهر	čōpakān hūšnās
چول (شهر)	čōl
چول خاقان (نام خاص)	čōl xākān
چون	čēgōn ka
چون ایشان	ka-šān
چونشان	ka-šān
چه	čē kad katār
چهار	čahār
چهار بار تکرار شده (سرود)	časrūšāmrūt časrūšāmrūtīk čatrūšāmrūt
چهاربوخت (نام خاص)	čahār buxt
چهارپای	čahār pāδ cahār pāy čahārvāk čārvāk

čahār zang

چهارپایان — čahār pāyān

چهارپای اهلی — pah
pasē
pasvīk

چهارتا — čahārīn

چهارده — čahār dah

چهاردهم — čahār dahōm

چهار راه — rāsān hamrasišnīh

چهارسو — čahār sūk

چهارشنبه — čahār šumbat

چهارصد — čahār sat

چهارگوش — čahār gōš
čahār gōšak
čahār sūk
čatrang

چهارگوشه — čahār gōšak

چهارگوشی — čahār gōšīh

چهارم — čahārōm

چهارماهه — čahār māhak

چهاریک — čahār ēvak
čatrušvātak

چهر — čitr
čihr

چهرآزاد (نام خاص) — čihr āzāt

چهره — čihr
čihrak
rōδ
rōy

چه کسی — katāmčč
katām

چهل (عدد) — čahal
čahil
čihil

چه‌وقت — kaδ

چیتردات نسک (یکی ازنسک‌های اوستا)
čitrdāt mātīgān

چیچست (دریاچه) — čēčist

چیدن — čēnišn
čīnītan
čītan

چیده — čītak

چیده شده برروی‌هم — čītāk

چیر — čēr

چیرگی — apar ōžīh
čīrīh

چیره — čīr
čēr
apar ōž

چیره شدن — čērīhastan

چیری — čērīh
čīrīh

چیز	čīš
چیزها	čīšān
چیزی	čīš-ič
چیزی که به‌پارسایان دهند	ahrav-dāt
چیستان (معما)	kirtak
چین (سرزمین)	čīn čīnastān sīn dēh
چینستان	čīnastān
چینش	čenišn čīnišn
چیننده	-čīn
چینوت پل	čandvar čyān vitarg čin vitarg čīnvar čīnēvar čīnvat pōhl čīnvad pōhl
چینه	čīnak
چینی	čīnīk
چینیان	sīnīgān

ح

حاجب handēmāngar

حاجب دربار darīk pat
dar handarzpat

حاجت niyāz
niyāzak
must

حاجتمند niyāzān
mustōmand

حاسدانه arišk kāmakīhā

حاشا nakīrāyīh

حاشاکننده nakīrāy

حاشیه karānak
kustakīh
parrak

حاصل bar

حاصل جمع mar
tahēkār

حاصل‌خیزی دادن vālišn dahišnīh

حاصل دادن vinārtan

حاصل شده vinārtak
xvatēnītak

حاصل کردن vindātan
vindītan

حاضر handēmān

حافظ nikās dāštār

حافظ جان ǰānīk dāštār

حافظه wyāt
ayyāt

	awyātakīh
	ayāt
	hōš
	hērōk
	kīrūk
	kīrūkīh
	daxšak
	mānak
	vīr
	varm
حافظه‌داری	vīrōmandīh
حافظه داشتن	matakīh
حاکم	framātār
	framān pat
	marzpān
	šatr-dār
	rāyēnāk
حاکمیت	dātwarīh
حالا	nūn
	ōknū
حالت	astišn
	astišnīh
	ragīh
	ǰatak
حامل	burtār
	dāštār
حامل پیام آسمانی	mānsr-bar
	mānsrōbar
حامل کلام مقدس بودن	mānsr-barīh
	vaxš burtārīh
حامله	pusōmand
	tan burtār
	zahakōmand
حامله بودن (برای موجودات اهریمنی)	hunušakēnītan
حامی	panāh
	panāhk
	pānak
	pāspān
	pāspānēnītār
	pātār
حاوی	ōbarišn
حائض	xūnōmand
	daštānōmand
حبوب	zurtāk
	ǰurtāk
	ǰurtāi
	yurtāk
حتمی	ēvarīk
حتی	-č
	-ič
حتی اندکی	ham bun-ič
حتی برای	pat-ič
حتی چیزی	čiš-ič

حتی یکی	ēvak-ič
حجاب	partak
حجب	nihān xēmīh
حجم	tan
حد (اندازه)	andāčak sāmānak patmānak
حد (مرز)	kanār karān kiš sahmān sāmān sāmānak vīmand
حداقل	kamist kasist nītōm
حداقل بودگی	kamistīh
حداکثر	vēšist frahist čandtōm
حداکثر بودن	vēšastīh
حدامکان (به‌حدامکان)	tuwān sāmānīhā
حدتوانائی (تاحدتوانائی)	tuwān sāmānīhā
حد فاصل	miyānak miyānǰak miyānčik
حدود	kustakīhā
حد وسط	mayānak
حذر کردن	dāštan
حذف کردن	rānēnītan
حرارت	bānūy garmīh
حرامزاده	rōspīk zātak
حرص	āz āzvarīh ruzdīh apatmān dārišnīh
حرص مال‌اندوزی	xvāstak kāmakīh
حرف	vāč vaxš
حرف زدن	guftan dūyītan vāčišnīh
حرف‌زدن (اهریمنی)	drāyītan
حرف زشت	duš gōwišn
حرف زیاد وبیهوده نزدن	pāt uzvānīh
حرف شنو	niyōxšītār
حرف شنوی	saxvan niγōšišnīh
حرکت	rōwišn rōwišnīh rawišn

حرکت
rawišnīh
ēvarz
čandišn
ǰumbišn
tačišn
tazišn
vāz
vihēčak
vihērišn
nisuwārišn (حرکت بسوی پائین)
vihēčakīk (قابل حرکت)

حرکت دادن
ǰandīnēnītan
ǰumbēnītan
rāδēnītan
rāyēnītan
vihēčēnītan
tāzēnītan
vēxtan
ǰandēnītan (بحرکت آوردن)
rāntan (بحرکت آوردن)

حرکت دائم
hamē rawišnīhā

حرکت سپاه
spāh rawišn

حرکت ستارگان
vihēč
yumbišnīh

حرکت کردنی
ǰumbišnīk
vihērišnīk

حرکت دایم زمان
hamē hamē rawišnīh

حرکت کردن
ēvarzītan
franāftan
ǰandēnītan
ǰandītan
ǰumbītan
ǰunvītan
rōwtan
tačītan
vazītan
vihēč-
vihēr-
vihēz- (حرکت کردن به پیش)

حرکت ناگهانی وخودبخودی
xvēš rawišnīh

حرکتی
vihēčakīk

حرمت
āzarm
āzarmišn
burz
burž
buržākīh

حرم سرا
šapistān

حرم سرائی
šapistānīk

حریر منقش
parnīkān

حریص
āzvar
ruzd
ruzdak
āz-kāmak
varanīk

حریف	hamēmāl
	hamēstār
حس	bōy
	bōδ
	sōhišn
حساب	āmār
	hamār
	hamārišn
	mar
	marak
	mārišn
	ōšmār
	ōšmārak
	āmārišnīh
	tōgīh
	hangārak
حساب‌دار	āmārēnītār
	amargar
	āmārgar
	amarōmand
	mardār
حساب کردن	āmārēnitan
	hamārēnītan
	ōšmurtan
	ōšmārtan
	andāxtan
	angāštan
حسابی	āmārīk
حسادت	araškīh
	duš-čašmīh
	varanīkīh
حساس	nāzūk
	snahišnīk
	sōhišnīk
	mārāk
	snahōmand
حساسیت	snahišn
	snahōmandīh
حس باصره	vēnišnīh
حس چشیدن	čaxšākīh
حس خرد	xrat afzār
حسد	arišk kāmakīh
	ariškīh
	mūlīt
	varan
	kēn
حسد ورزیدن	kēnēnītan
حس شدنی	sōhišnīk
حس فضیلت	hunar afzār
حس کردن	mārtan
حس کردنی	snahišnīk
حسن عقیدت (ازروی حسن عقیدت)	taftīk mēnišnīhā
حسن نیت داشتن	bavandak mēnītan

حسود ariškkāmak
ariškan
ariškēn
čašm arišk
duš-čašm
kēnīk
varanīk

حسودانه duš čašmihā

حسود طبعی arišk gōhrīh

حشره karm
vātak (نوعی حشره)

حشره زیانکار xrafstar

حشیش mang

حصار fravand
parvand
parvast
parkān

حصار کوتاه parčīn

حصول āyaftīh
ayāpakīh
vindišn

حصه nēmak

حضور būtakīh
handēmānīh
pēšgās
pēšīh
parvān (درحضور)

حضور ذهن axvīkīh

حضیض (نجوم) šēp

حضیض کامل (نجوم) šēpān šēp

حفار kantār

حفاظت کردن hanbāsītan

حفر کردن kandan
kantan
kandītan

حفره gawr
gōr
maγ
sūlāk

حفظ (نگاهداری) yatārīh

حفظ varm
ošmurišn (از حفظ داشتن)
ošmurtan (از حفظ گفتن)

حفظ کردن nikās dāštan

حفظ کردن varm kartan (ازحفظ کردن)

حقارت xvārīh

حق حیات zīvišnōmandīh

حق زندگی zīvišnōmandīh

حق شناس spās-dār
spās šnās

حق شناسی pās-dārīh
spās-dārīh

حق ناشناس anaspās

حقیر شمردن	tarmēnītan
	tarvēnītan
حقیر کردن	tar kartan
حقیر مایه	nizār patmān
حقیقت	rāst
	rāstīh
	vāvar
حقیقت گوئی	rāst gōwišnīh
حقیقی	ēvar
حکم	framān
	framāyišn (فرمان)
	čāštak (رأی قضائی)
	vičar
حکم دهنده	vičīrgar
حکمرانی	framānīh
حکمرانی باقدرت	tuwān pātixšāhīh
حکمرانی ستمگرانه	duš pātixšāyīh
حکمرانی کردن	rāyēnītan
حکم قضائی	dātōbarīh
	vičīr
حکم کردن	framūtan
	vičīrēnītan
	brēhēnītan
حکومت	šahr
حکومت جابرانه	stahmīh
حکومت کردن	vinārtan
حکومت مطلقه	hamāk kāmak
حکیم	dānāk
حل شدن	vitāzīhistan
حلقه	čambar
حلقهٔ آرایش سر	čambar
حلقه زدن (مار)	nihaxtan
حل کنندهٔ مسائل	frašn vičār
حل کنندهٔ معما	frašn vičār
حلوا (نوعی حلوا)	čarp afrōšak
حماقت	halakīh
	dušākāsīh
حمام	garmāpak
حمایت	pānāk
	pānākīh
	panāhīh
	darpuštīh
	puštīh
	pās
	pāspānīh
	parvarišn
	parvartārīh
	pātārīh
	srāyišn
	srāyišnīh
	zēnhār

bē sardārīh
pahrēč kārīh

حمایت دایم — hamēšak pāspānīh

حمایت کردن — hanbāsītan
pānakīh kartan
pāspānēnītan
pātan
pahrēxtan

حمایت کننده — pān
pahrēxtār

حمل — barišn
nayišnīh
vāčišn

حمل کردن — bār burtan
nayītan
vāčītan

حمل کردنی — bē barišn

حمل کنندگان جسد مرده — murt-kaš
nasā-kaš

حمله — duwārišnīh
tak
ēwgat
ēbgāt
hēnīh
handāčišn
handāčišnīk

حمله اهریمن — ēwgatīkīh
ēvgatīh

حمله باسب — asp-tāk

حمله کردن — apar duwāristan
dwārītan
tak kartan apar
patrōtan
vizūtan
ham duwāristan (باهم حمله کردن)

حملهٔ گروهی — ham dwārišnīh

حمله و تجاوز اهریمن — ēwgat

حنظل — kavast
kavastīk

حوا (نخستین زنی که آفریده شد) — mašyānē
mahrānē
mihryānīh
māšyōi
mihriyānē
mitryānē
malhiyānāi
mahliyānāh

حواس پرتی — bōδ vartišnīh

حوت — māhīk

حوصله — nixšadišnīh

حوض — var
šātūrvān

حومه — kust
parvār

حیا nang
حیات gān
gyān
astišn
حیاط کاخ aspānvar
حیران شدن startan
حیرت startakīh
stūwīh
vitīmuštīh
حیرت‌انگیز škaft
škuft
حیرانی startakīh
حیره (سرزمین) hērat
حیض daštān
حیوان ǰānvar
حیوان آبی اساطیری vās i pančāsatvarām
vās i pančāsatvarān
حیوان اهریمنی که دارای سه دهان است sē zafr
(نوعی حیوان اهریمنی) mačāh
mačāi
حیوان اهریمنی که دارای سه کله است sē kamār
حیوان اهلی gōspand i katakīk
حیوان پنجه‌دار panǰ angurak
حیوان خانگی gōspand i katakīk
حیوان خرد موذی xrafstar
حیوان کوه‌تاز (نوعی از حیوانات وحشی) kōftač
حیوان ماده denūtak
حیوان نقب‌زن sūrākīk
حیوان وحشی dat
daitīk
حیوانی که در زیر زمین زندگی می‌کند unīk
حیوانی که ماده می‌طلبد vartak
حیوانی که نر می‌طلبد vartak

خ

خاتمه	hanǰāmīh
خار	xār kimār
خارپشت	xār pušt xūkar xūkarak xūgarak zūzak žūzak
خارج	bē bē-rōn
خارج از دین	adēn
خارج از کشور	bē kišvar
خارج از کشور بودن	uzdahīkīh
خارج شدن	uzēnīhītan fraǰastan tačītan
خارج کردن	uzītan bērōnēnītan ōgārtan
خارجه	bē kišvar
خارجی	uzdahīk uzdēhīk bērōnīk kārān
خارجی بودگی	anērānīh
خارجی‌ترین	bētōm
خاردار	xārōmand

خار شتر zāz

خاستن xēzistan
āxēzistan
ul āmatan
ustan (برخاستن)
āxistan (برخاستن)
āxēzistan (برخاستن)
apar āxistan (برخاستن)
rist vīrāyih (برخاستن مردگان درقیامت)

خاشاك بچشم داشتن kāh-rīzakīh

خاص nāmčištīk
ēvāzīk

خاصیت yatak
ǰatak
gatišn
yatišn

خاصیت طبیعی ristak
rastak

خاطر dīl
varōm

خاطر آوردگی ayāsišnīh (بخاطرآوردگی)
patisāy (بخاطر)

خاطره awyāt

خاقان xākān

خاقان ترك tūrak xākān

خاك gil
xāk

خاك افتادن (بخاك افتادن) šastan

خاك انداز bēl

خاك سپردن مرده nasāy nikānīh

خاكستر xākistar
āturistar
āturastar
var
kūtak

خاكستری āturastarēn

خاكستری رنگ āturasturgōn
hērakgōn

خاكی gilēn
zamīkīk
zamīkēn

خاكی وآبی gilāpīk

خالدار parš

خالص apēčak

خالصانه apēčakīhā

خالق dātār
dadv
day
dahīk
dē
brēhēnītār
tāšītār

خالق سود sūt tāšītār

خالق مواشی	gōspand tāšītār
خالی	tuhīk tahīk tihīk hanǰaft
خالی از سکنه	apēmartōm
خالی بودن	tuhīkīh
خالی کردن	pardāxtan unānītan apasārtan
خام	xām
خاموش	hāmōš xāmōš
خاموش شدن	zruftan azruftan
خاموش شدن آتش	murtan
خامه	xāmak
خاندان پیروز (منسوب به)	pērōčān pērōzān
خاندان مهراسپند (منسوب به)	mahraspandān
خانم	nārīk nāīrīk
خانمان	xānmān
خان ومان	mān
خان ومان محقر	xvār mān
خان ومان خوب داشتن	hū-mānišnīh
خانگی	katakīk katīk ḿānīk nmānāy
خانواده	dūtak dūtak-mān mān nāf napat rasīk ham-zahāk (همخانواده)
خانه	xānak xān xōn āwarišn sarāy srād mān mānak mānd mānišn nišēmak katak kartak dar āwahan

خانه‌افروز katak afrōč

خانه‌ای که اطراف آن باز باشد parvār

خانه‌پا mān-pān

خانه پرآسایش rāmišn mānišn

خانه خدا katak xvatāy
katak xvatāy mart
mān mānpat
mānpat
mānpān

خانه‌دار mānpān

خانه‌داری katak bānūkīh

خانهٔ دجله (سرچشمهٔ دجله) digramān

خانه‌شاگرد rētak

خانه‌نشین māništak

خانهٔ متروك viškar

خاوران xvarbarān
xvarōwarān

خایه gund
hāyīk
xāyak
xāyīk

خایه‌دیس (تخم‌مرغی‌شکل) hāyīk-dēs

خایه‌شکل xāyak dēs

خبر daxšak
nivēdišn
nivēdēnišn
sraw

خبر خوب nivēd
nivēt

خبر خوش nivēk

خبردادن nivēdītan
nivēdišnīh
srawēnītan
čihēnītan

خبردار azd

خبردار کردن azd kartan

خبر کردن nivēkēnītan

خبره sūt šnās

خبیث (صفتی‌است برای اهریمن) gannāk

خجاره (اندك) xoǰārak

خجل šarmakēn

خجل شدن šars-

خجلت šarm
šarmkanīh
nang
pafšār
pafšērišnīh
nizburtīh
dušarm
pat avistaxvīh

خجلت زدگی pafšērišn

خجلت کشیدن xvistan

خدا	xvatāy
	yazatān
	yazdān
	ōrmazd
	ōhrmazd
	ahurāymazd
	bag
	baγ
	bak
	gēhān dār
خدابیامرز	farraxv ǰān
	hūfravart
	hūfravat
خداشناسی	yazdān šnāsīh
خدانشناسی	yazdān anašnāsīh
خداوند	apargar
	baγ
خداوندگار	ōi baγ
	xvatāt
خداوندگار عهد وپیمان	mitr
	mihr
خدای	xvatāy
خدای ارجمند	baγ varǰāvand
خدای خیر	spannāk mēnōk
خدای زروانیان	zurvān i akanārak
خدای‌دینی (اعتقاد به‌خدا)	xvatāy dēnīh
خدای زمانه	zaruvān
	zarvān
	zurvān
خدای سپهر	spihr xvatāy
خدای عزوجل	baγ varǰāvand
خدای غیر ایرانی (دیو)	dēv
خدایگان	baγān
	baγānyān
	ahu
	axv
خدایگان زمان	ōvām xvatāy
خدایمند(دارای‌صاحب‌وسرور)	xvatāyōmand
خداینامه	xvatāyīh nāmak
خدایوار	xvatāyvār
خدایی	baγānīk
	baγīk
	xvatāyīh
	xvatātīh
	yazatīh
	ōhrmazdīh
خدایی که فرمانروایی درازدارد	dērang xvatāy
خدمت	parastak
	parastakīh
	paristakīh
	paristišn

parastišn
parastišnih

خدمتکار kartespās

خدمتکار زن kanīsak
kanēčak

خدمت کردن parastan
parastātan
paristātan
paristītan
parastītan
parvārtan
fravārtan

خدمت کننده parastišnkar

خدمتگزار parastak
pēškār
paristak

خدمتگزار زن paıistār

خر xar

خراب anāwišnīk
vartak
vinastak
avērak
tapāh

خراب شدن tapāhīhastan
tapāhītan

خراب شدنی višūpišnīk

خراب شده anāft
uzruftak
mūtak

خرابکاری murnǰēnītārīh

خراب کردن anāwīhītan
anāftan
apasēnītan
apasīhēnītan
apasīhītan
apasīhistan
mrnǰēnītan
nasānēnītan
nasēnītan
nasītan
ōbaxtan
ōsēnītan
ōšītan
tapāhēnītan
vimuštan
vināstan
vištan

خراب کردگی apasīhēnišnīh
apasīhišnīh

خراب کنندگی nasēnišnīh

خراب کننده mūtak
škand
vināstār

خراب کنندهٔ جهان axvān marnǰēnītār
gēhān marnǰēnītār

خراب نشدنی anasēnišn
asāvan
asēǰ

خرابی anāβišnīkīh
anāpīh
apasēnišn
apasīhēnišn
apasīhišn
ēvār
fšanǰišn
nasānišnīh
nasēnišn
nāsišn
ōšišn
patvēšak
sēǰ
tapāhīh
uš
višōpišn
viyāw
vizūtakīh

خراج sāi
sāk
harg
xarāč

خراسان xvarāsān

خراسانی xvarāsānīk
xurāsānīk

خراش دهنده darītār

خراشنده fariš

خراشیدن randītan

خرامان راه‌رفتن čamišn

خرامیدن āxrāmītan
franāftan
franāmītan

خربوزه xarbūzak

خرپای (نوع جانورانی که‌پایشان‌مانندخراست)
xar pāy

خرج uzēnak
ōzīnak
uzēn

خرجین bāryāmak

خرچنگ karčang

خُرد xvart
xōrt
gišnak

خِرد xrat

خردادماه harvdāt
hordat
xurdat

خرد اکتسابی gōšānsrūt xrat
gōšasrūt xrat

خرداد امشاسپند harvdāt
hordat
xvardat
xurdat

خردادماه	harvadat māh
خرد برهمه‌چیز آگاه	hamāk xrat
خرد بگوش شنیده شده	gōšānsrūt xrat
خرد برتر	pēš xrat
خرد برترداشتن	pēš xratīh
خردعالی	pēšx rat (دارای خردعالی)
خرد مقدس	afzōnīk xrat
خُرد بودگی	xōrtakīh
	kamistīh
خِرد پریشان	xrat start
خرد خواستاری	xrat xvāstārīh
خرد دوستی	xrat dōšakīh
خرد ذاتی	āsn xrat
خرد ذاتی داشتن	āsn xratīh
خردسال	xortak
خرد شدگی	škanišn
خرد شدن	frakastan
خُرد شونده	škanāk
خِردکردار	xrat kartār
خُردکردگی	hunišnīh
خردکردن	hunītan
	kōftan
	kōpēnītan
	sūdan
	sūtan
	škastan
	xvastan
	pālūtan
	pālāyītan
	afšārtan
خردکردن بافشار	hunišn
خردکردن وافشردن گیاه	palāyist
خُردکنندگی	škastārīh
خردکننده	škanāk
	škastār
خردکلی	hūdahakīh
خردگی	xvartakīh
خرد مقدس	afzōnīk-xrat
خرد مینوی	mēnōk xrat
خردمند	xratōmand
	hūxrat
	pur xrat
	frazānak
	frārōn dānāk
	mēnišn ayāftak
	pur-šnāsak
خردمندانه	frazānakīhā
خردمند دوران کهن	pōryōtkēš
خردمندی	hūxratīh
	pur xratīh
	frazānakīh

خرده (بندگاه‌دست‌وپای‌ستور)	xurtak
خرده	xōrtak xvartak karačāk
خرده نگری	xortak nikīrišnīh
خردی	xratīk xratīh
خرس	xirs
خرس مهتر (دب‌اکبر)	haptōkring haftōirang
خرسند	xvarsand xōrsand xōnsand xvansand māhmān
خرسندانه	xōrsandīhā
خرسندی	xvarsandīh xōrsandīh xvansandīh xōnsandīh
خر سه‌پا (خر اساطیری)	xar i sē pay
خرفستر زن (حشره‌کش)	xrafstar-gan
خرفستری	xrafstarīk
خرگاه شاهی	mašk aparzēn
خرگوش	xargōš
خرگوش صحرائی	sahūg
خرم	xurram hūrām hūram hurram šāt
خرما	armāv hormāk xormāk xarmāv xurmāk
خرمابن	mōg
خرمگس	kurk magas magas kāsakēn
خرمن‌کوب گاوی	šān-gāv
خرمی	hūramīh hurramīh hūrāmīh xurramīh xurramakīh
خرمی بهشتی	hūrām
خروج	uzēnak
خر وحشی	gūr
خروس	xrōh xrōs kark

parōkdarš
parōdarš
murv parōdarš

خروج ازکشور — uzdēhīkīh

خروش — xrōsišn

خروشاندن — xrōšēnītan

خروشیدن — xrōsītan
xrōstan

خروهگ (سنگ مرجان) — sag xrūhak

خُره — xvarr
xvarrah
farrah
farnah

خره کیان — xvarrah i kayān
kayān farrah

خره‌مند — xvarrahōmand
xvarrōmand

خریدار — xarītār

خریدن — xarītan
xrītan

خز — xaz

خزانه‌دار — ganǰwar
gāspat

خزانه‌داری — ganǰwarīh
gāspatīh

خزندهٔ زبان‌آور (نوعی خزنده) — udarāi

خزیدن — xazītan

خسارت — vizāyih
vizāyišn
vizand

خسارت‌آورنده — vizandkār
vizandgar

خسبیدن — xuspītan
xvafsītan

خست — panīh
pēnīh
pinīh
panēnītārīh
āz

خستار (پایمال شده) — xvastār

خستگی — ranǰ
māndagīh
stōwīh

خستن — xvastan

خستو (معترف) — xvastūk
astovān
xastuvān

خسته — ranǰak
xast
māndak

خسته بودن — māntan

خسته شدن	ranǰīhastan
خسته کردن	ranǰēnītan
	ranǰak kartan
	raxtan
خسته کننده	xastār
خسرو (نام خاص)	husraw
	husrōk
	xōsrōi
	husrō
خسروان	husrōgān
خسروموست آباد(شهر)	xōsrō i mustāpāt
خسروی	husrawīh
خسوف	māh tamīg
خسیس	pen
	panīk
خشت	xišt
خشک	hušk
	xušk
خشکاندن	xusēnītan
	hōšēnītān
	husānītan
	havāsēnītan
خشکانیده شده	xušēnīt
	xōšēnīt
خشکسالی	tang āpīh
	xuškīh
خشک شدگی	hōšišn
خشک شدن	hōšītan
خشک شده	havāsītak
خشک کردن	havāsītan
	xūšītan
خشک نشدن	ahōšišn
خشکی	huškīh
	xuškīh
	pačišn
خشکیدگی	pačišn
خشکیدن	xusītan
	xōšītan
	husēnītan
خشم	hēšm
	hišm
	xēšm
	xišm
	xāšm
	ēšm
	dēpahr
	xrōstakīh
	hēšm kāmakīhā (از روی خشم)
خشم اندیشانه	hēšm manīhā
خشم کامانه	hēšm kāmakīhā
خشمگین	hēšmakan
	hēšman

	hišman hēšmun hišmgēn xēšmēn xišmgēn xišmgan ēšmun āhīt āzārtār dēpastēn handrūtak
خشمگین شدن	āšōftan
خشمگینانه	hišm kāmakīhā
خشمگینی	āhītīh ēšmunīh hēšmīh xašmēnīh hišmanīh xišmanīh hišmīh hēšmanīh stahmīh
خشمناک	xišman
خشمناکی	hēšmanīh
خشمی	hēšmīh
خشن	sturg staft dužvār
خشن (انسان خشن)	vat zahrak
خشنواز (نام خاص)	xašnavāz
خشنود	xšnōmand šnāyēnīt māhmān
خشنود ساختن	xšnūtan
خشنودن	xšnūtan
خشنودی	šnāyišn šnāyēnītārīh
خشنومن (دعا)	xšnuman
خشونت	društīh xrūkīh tundīh sizd sturgīh duškām kartārīh
خصلت	xēm mēnišn hōk yatišn gatišn ragīh
خصلت زن بودن	nāirīkīh
خصوصیت	čēgōnīh daxšak daxšakīh
خصومت‌آمیز	hambasānīk

خط	kiš
خطا	māndak
	frōt mānd
خطاکار	apand
خطاکاری	apandīh
خطر	bīm
	vitang
	vitangīh
	šēǰ
خطرناك	purmarg
	sēǰōmand
	sēžōmand
خطیب	hanǰamanīk
خفاش	šapāk parr
	šawāk
خفتان سر و گردن	grikaft
خفتگی	xuftakīh
	xvaftakīh
خفتن	xuftan
	xuspītan
	xvaftan
	xvāpītan
خفته	xvaftak
خفگی	xafakīh
خفه	xafak
خلاء بین دنیای هرمزد واهریمن	tuhīkīh
خلاص	vičārišn
خلاص شده	rastak
خلاصه	hangartīk
	hangartīkīh
	hangirt
	hangirtīh
	hangirtīk
خلاصه کردن	hangartēnītan
	kāstan
خلاف (عمل خلاف)	mēt kunišnīh
خلاف شرع	adātastān
خلاف قانون	adātastān
خلال دندان	dandān frašn
	dandān fariš
خلف	nāf
	ōbātak
	zayāk
	zāyak
خلع سلاح	nihāt snēhīh
	zat afzārīh
خُلق	hōk
خَلق	zāyišn
	tāšišn
	bē dahišnīh
	āpurišn
خلقت	dahišn
	dātārīh
	tāšišnīh
	dāmak

خلقت اولیه	bundahišnīh
	bunēdātih
خلقت مخلوق	dām dahišnīh
خلق کردن	brēhēnītan
	tāšītan
	tāštan
خلق کردگی	dahišnīh
	āpurišnīh
خلق کلی	hamāk dahišnīh
خلق نشده	adātak
ُخلق نیک	vahuman mēnišn
ُخم	xumb
	xumbak
خماهن	xvan āsēn
	xvēn āhēn
	xvēn āsēn
خمسه مسترقه	panǰak
	panǰak i vēh
	duzītak
خم شدگی	franāmišn
خم شدن	nyāītan
	anāmītan (بجلو خم شدن)
خمیدگی	namāč
	ōnāmišn
خمیدگی طاق	frakāvan
خمیدن	anāmītan
	franāftan
خمیدن برای ستایش	niyāyišnēnītan
خمره	xumb
	xumbak
خمره جای استخوان مردگان	astōdān
خمیده	xvahl
	xvihl
خنثی	xanzak
خنجر	aštar
	čilān
خندیدن	xandan
	xandītan
خنده	xandak
خنک	xunak
	hunak
خنیا	huniyāk
خنیاگر	huniyākar
خنیاگری	xunyāgīh
خواب	xvāp
	xvāb
	xvamn
	xvamr
	xvarm
	xumr
خوابآلوده	xuspēn
خواب غیرعادی	būšāsp
	būšiyāsp
خوابگزار	xumr-vičār
	xvamn vičār
خوابیدن	xvaftan

	xvāpītan
	xuftan
	xvafsītan
	xuspītan
	būšāsp kartan
خوابیده	xuspēn
	xvaftak
خواجه	mīrak
خوار	xvār
	tar
خوار (محلی دراصفهان)	xvār
خواربار	xvārbār
	xvār ut bār
خواربار مصرف کردن	xvārbārīh
خوارزم (سرزمین)	xvārazm
	xvārizm
خوارشمردن	tarmēnītan
خوارگونه	xvārgōn
خواری	xvārīh
	tarīh
خواست	xvāst
	kām
	kāmak
	kāmakīh
خواستار	xvāstār
	kāmakōmand
	niyāzān
خواستارانه	kāmakōmandīhā
خواستار بودگی	xvādišnīh
خواستار مرگ	ōš xvāstār
	sēǰ xvāstār
خواستار نابودی وتخریب	sēǰ xvāstār
خواستارمند	xvāstārōmand
خواستارمندی	xvāstārōmandīh
خواستاری	xvāstārīh
	xvādišn
	kāmišn
	xvāyišnīh
	xvāhišnīh
خواستگاری کردن	pat zanīh xvāstan
خواستگی	xvāstakīh
	kāmīh
خواستن	xvāstan
	kāmastan
	kāmistan
	kāmītan
	apāyistan
خواسته (میل)	ārzōk
	išt
	vixāzišn
	niyāz
خواسته (مال ودارائی)	xvāstak
	hēr
	hīr
	išt
خواسته‌کامگی (میل ثروت)	xvāstak kāmakīh

خواسته‌مند (مال‌دار) xvāstakōmand

خوان (سفره) xān
xvān

خواندن xvāntan
xvāndan
srāyītan
zabāyītan
zabāyišn
pat pursītan

خواندن بصدای آهسته dranǰēnišn

خواندن دعا vāč guftan
nīrangīh

خواندن سرود مذهبی بصدای بلند frāč srāyišnīh

خواندن مکرر دعا dranǰītan

خواندن یسنا yazišn gōwišn

خوانده شدن xvānīhastan

خوانش xvānišn

خواننده xvāntār

خوانندهٔ گاثاها srūtār

خواهان xvāstār

خواهان (مدعی‌علیه) pasēmār

خواهان بودگی (مدعی‌علیه‌بودن) pasēmārīh

خواهر xvāhar

خواهر ناتنی ham mātak

خواهش xvādišn
xvāhišn
xvāyišn
xvāišn
xvāsišn
xvāstārīh

خواهش زیاده از حد frēhbūt xvāhišnīh
tuwān xvāhišnīh

خواهشمند xvādišnōmand

خواهشمندانه xvādišnīhā

خواهش نفسانی kām

خواهشی xvādišnīh
xvāhišnīh
xvāyišnīh
xvādišnīk

خواهندگی zāyākīh

خواهنده xvāstār
xvāhān

خوب hū
hūp
xūp
xūb
xvap
xūpīhā (بخوبی)
hūīk
vēh
vēhīk
naxšak
nīk

nēvāk
nēvakēn
nēvakōk
frārōn

خوب آفریده — hū-āfrīt

خوب آموخته — hū-āmōxt

خوب اسب (دارای اسب خوب) — hūvāsp

خوب اسب (نام خاص) — hūvāsp

خوب انجام شده — xūp kart

خوب‌اندیش — hūmēnītār
hūmēnišn
vēh mēnišnīk

خوب بالنده — hūvaxš

خوب آمرزیداری — hu āmurzītārīh

خوب بررسی شده — hūgōšitak

خوب‌برگزارکردن‌جشن‌مذهبی — frāč yaštārīh

خوب‌برگزارکردن‌مراسم‌یسنا — frāč yazišnīh

خوب پخته شده — hūpuxt

خوب تزیین شده — hū-afrang

خوب تشخیص داده شده — hū-vičīrišnīk

خوب تعلیم شده — hū-āmōxt

خوب چرخانده‌شده (صفت گرز) — huvaxm

خوب چشمی (خوش‌نیتی) — hu-čašmīh
drust čašmīh

خوب چهری — hūčihrīh

خوب حمایت کردن — hūpāyītan

خوب دین — hū dēn
xūp dēn

خوب‌دینی (متدین‌بودن‌بدین زرتشتی) — hūdēnīh

خوب رسته — hūrōyišn
hūrōst
hūrūst
hūrūstak
arust

خوب‌رمگی (دارای‌رمه‌خوب‌بودن) — hūramakīh

خوب رمه — hūramak
hupāh

خوبرو — hūčihr
naxšak

خوب روانی — hūruwānīh

خوبروی‌گر (مشاطه) — hūčihrgar

خوبرویی — hūčihrīh

خوب روییده — hūvaxš

خوب‌زیستن‌درطول‌سال — sālān hūmānišnīh

خوب زیستی — hūzīvišnīh
hūziyišnīh

خوب ساخته شده — hūkart

خوب ستوده شده — hū-āfrīt

خوب سخن (کسی که خوب‌سخن‌میگوید) — frāxv gōwišn

خوب سرشتی — hūxēmīh

خوب شنیده شده — hūgōšītak

خوب فرجام — xvap frajām

خوب فکر کردن — bavandak mēnītan
huskārtan

خوب فهمیده شده — hūgōšītak

خوب کرداری — hūkartārīh
vēh kartārīh

خوب کنش — hūkunišn
hūkunišnīk

خوب کوش — huāyōǰišn

خوب گرای — hūgrāy

خوب گزیده شده — hūvičīrišnīk

خوب گفتار — huxt gōftār
xūp gōwišn

خوب گفتاری — xūp dranǰišnīh
huxt gōwišnīh

خوب گو — xūp gōwišn

خوب گواریده شده — hūgukārt

خوب مطلق — visp vēh

خوب منش — frārōn mēnišn
hūmēnišn

خوب منشی — hūmānīh
hūmēnišnīh

خوب نبودن — avēhīh

خوب نژاد — hūtōhmīk
hūtōxmak
hūzahāk

خوب نژادی — hūtōhmīh

خوب نگاهداری کردن — hūdāštan

خوب نهاد — hūnihātīk

خوب‌نیا (اصیل) — hūniyāk

خوب نیت — frārōn mēnišn

خوبی — xūpīh
xvapīh
xūbīh
hūīh
nēvakīh
vēhīh

خوب یابنده — hū ayāpak

خوبی محض — apēčak vēhīh

خود — xvēš
xvat
xvēštan
grēv
grīv
xvēšēnītan (بخود اختصاص دادن)
xvēšēnišn (بخود خاص کردن)
xvatāt (به‌خود متکی)

خود (کلاه‌خود) — sārvār

خودآفریده — xvadāt

خود بخود	gōhrīhā
خودبین	apar mēnišn
خودپسند	apartan
خودپسندی	apartanīh tarmānīh
خودخواه	xvat dōšak
خودخواهی	xvat dōšakīh xvat dōšīh
خودخور	gilak ōpār
خود داده	xvadāt
خوددار	parhēxtār patīrān nikīrāy
خودارانه	pahrēxtakīhā
خودداری	pahrēč pahrēčišn pahrēxtakīh spōžišn vēčišn
خودداری کردن	pahrēxtan parhēxtan spōxtan pātan
خودداری کننده	pahrēxtār spōčkār
خود دوست	xvat dōšak
خوددوستی	xvat dōšakīh xvat dōšīh
خودرا بخواب زدن	būšiyāsp varzītan
خودراتسلیم خواب کردن	būšiyāsp varzītan
خود را وادار کردن	vixāzītan
خودرأی	apāč sar hamāk kāmak
خودرأیی	xvēš xratīh xvēš kāmakīh
خود روشن (بخودی خود روشن :	xvārōšn xvat rōšn
خودستا	huzvān drāyēnītār
خودسر	axvēš-kār duš-framān apāč sar vastār must aparmānd
خودسری	duš-framānīh vastārīh xvēš kāmakīh tarmānīh apāč sarīh
خودسوزی (بخودی خود روشن بودن آتش)	xvat sōčišnīh
خودکار	xvēškārak
خودکاری	xvēškārīh

خودکام varanīk

خودکامانه aniyōšakīhā

خودکامگی varanīkīh
xvēš kāmakīh

خودنما apartan

خودنمایی bōšīh

خودی xvatīh
xvatīk

خودی‌ها (نزدیکان) xvatān

خور (نام روز) xvar

خوراك xvārišn
xvarišnīh
xvar
pihn
āš

خوراك خوب vēh xvar

خوراك مخلوط وچاشنی‌دار āmēč

خوراك وغذایی که‌تقدیم‌فروروهامیشود xurun

خوراکی xvar
xvārgōn

خوراندن xvārēnītan

خور چشم (نام‌خاص) xvar-čašm

خورچهر (نام‌پسرزرتشت‌است) hvaršēt čihr

خورداری (خورندگی) xvārtārīh

خوردروش (نام دیو) xur druš

خوردگی xvarišnīh

خوردن xvartan
xvārītan
xvārtan
ǰūtan
ǰōyišn
žūtan
gōvārītan
xvārēn (قابل خوردن)
xvarišnīk (قابل خوردن)

خوردن بحد اعتدال patmān xvārišnīh

خوردنی xvartīk
xvartār
xvārēn

خورسند xvarsand
honsand

خورسندی xvarsandīh
honsandīh

خورش xvārišn
žūyišn

خورش بد duš-xvarišn

خورش مینوی mēnōk xvarišn

خورشی xvarišnīh

خورشید hvarxšēt
hvaršēt
xvarxšēt
xvaršēt

خور xvar
āftāp
mitr
ōš

خورشید بالا xvaršēt bālād
hvarxšēt bālāy

خورشیدپایه (مسیرخورشید، جایگاه‌خورشید)
hvarxšēt pāyak
xvaršēt pāyak

خورشید پیدایی (طلوع خورشید)
hvarxšēt pētākīh

خورشید تاریک (کسوف) mitr i tamīk

خورشید روی hvarxšēt nikīrišn

خورشیدنگرش (چیزی را برای تطهیر در معرض خورشید گذاشتن) hvarxšēt nikīrišn
xvaršēt nikīrišn

خورشید نگرشی xvaršēt nikīrišnīh

خورشیدوار درخشیدن hvarxšēt pētākīh

خورشیدی xvaršētīk

خورندگی xvārtārīh

خورنده xvartār

خورنده٭ آب ǰūtār
āp-xvar

خورنده٭ خورش‌مینوی mēnōg xvarišn

خورنده٭ گله وشکایت gilak ōpār

خورروران (مغرب) xvarwarān
xvarōwarān
xvarbarān

خوره (خره، فره) xvarrah
farrah
farnah

خوره رودبار (رود) xvarē rōtbār

خوره‌فیروز (نام خاص) xvarrah pērōč

خوره‌مندی (فرهمندی) xvarrahōmandīh

خوزستان xūǰistān
xūzistān

خوش xvaš
šāt
urvāxt
hūp
huniyāk

خوش آب hū-āp

خوش آرزو (نام خاص) xvaš ārzūk

خوش‌آفرین (یکی از القاب شاهان ساسانی) hū-āfrīt

خوش‌آمد گفتن burzītan

خوش‌آمد گویی čarp zuwānīh
handēmānīh

خوش‌آمدگی pasandišn

خوش‌آمدن sahistan

خوش‌آواز huēvāč

خوش‌آوازه husraw

خوش‌آیند dōšak
xvandrāi
šīrēnak

خوش‌آیندی dōšakīh

خوش‌اندام hūkarp
hūrōyišn

خوش اندیشه vēh mēnišn

خوشبخت hūbaxt
ǰahišn ayyār
farraxv
nivāxtak
ayāpak
frāxv

خوشبخت زاییده شده farraxv zāt
farrax zāt

خوشبخت کردن urvāxmēnītan

خوشبختی farraxvīh
frāxvīh
kāmak ravākīh
nēvakīh
nivāxtakīh
rāmišn
ǰahišn ayyārīh
urvāxmanīh
xūbīh
xvārakīh
xvārīh
frāxv čārīh
yān
xvahrīh
āsānīh
āpātīh
nihātakīh
hangatīh
išt
drōt

خوش بدن hū-karp

خوش برش hū-tāšīt

خوشبو hūbōy
hūbōyišn
pur bōy
vahugōn

خوش بودگی ramīh

خوش بودن rāmistan

خوشبویی hūbōyīh
hūbōyišn

خوش‌بین bāristān

خوش‌بینی bāristānīh
hūtaštak

خوش تراش hū-tāšīt

خوش ترکیب vimēhgēn

خوش‌چاره (کسی که چاره‌ووسیله‌دارد) hūčārak

خوش چشم hūčašm

خوش چشمی hūčašmīh

خوش چهرگی hūčihrīh

خوش چهره hūčihrak

خوش حاصل hūdahak
hūdahāk

خوش حافظه hūvīr

خوش زبانی čarp ēvāčīkīh

خوشحال xōrsand
xvarsand
hušnūt
xurram
xunak
hūrām
rām
xvārak

خوشحال کردن urvāzēnītan
urvāxmanēnītan

خوشحال کننده rāmēnītār

خوشحالی rāmišn
urvāzēnišn
xōrsandīh
xōrsandīhā (به‌خوشحالی)
xvarsandīh
urvāzišn
xurramakīh
xvārakīh

خوش خدمتی frēčpānīh

خوش خلق hū-xēm

خوش خلقی dōšakīh
hū-xēmīh

خوش‌خیم hū-xēm

خوش دست hū dast

خوش رفتار hūkunišn

خوش رفتاری hūkunišnīh
kartārīh
nivāzišn
nivāxtakīh
vahuman dārīh

خوش‌رفتاری کردن hūdāštan
hūgarāzītan

خوشرنگ hūgōn
vahugōn

خوش ساخت hūkart
hūtaštak
hūtāšīt

خوش سخن huēvāč

خوش سرشت hū-xēm

خوش سرنوشتی ǰahišn ayyārīh

خوش سگال hūsikāl
hūsigāl
huskār

خوش سگالش hūsikālišn

خوش سگالیدن hūsikālītan
huskārītan
huskārtan

خوش شیر hūpēm

خوش طعم	pat mēčak
خوش عاقبت	xvap frajām
خوش فکر	huskār hūmēnišn
خوش فکری	hūmānīh hūmēnišnīh
خوش فهم	hū-ayāpak
خوش قالب	hūtaštak
خوش قامت	hūčihr hūčihrak hūkarp hūrōst hūrustak hūtan
خوش قیافه	hūčihr
خوش کامه	hūkāmak
خوش کردن	rāmēnītan
خوش گذرانی	spaxr
خوش گفتار	hūgōwišn
خوش گفتاری	hūgōwišnīh
خوشگل	hū-tāšīt
خوشگوار	hūgukār hūgukārt
خوشمزگی	hūmēčakīh
خوشمزه	čarp
خوش منظر	huōrōn
خوش مهر	hū-mitr
خوش مهری	hū-mitrīh
خوش نام	hūnāmīk husraw
خوش نامی	husrawīh vēh nāmīkīh
خوش نظر	hūčašm
خوش نظری	hūčašmīh
خوش‌نما	huōrōn
خوشنود	hušnūt xvašnūt xvašnūtak hušnūtak honsand
خوشنود کردن	šnāyēnītan
خوشنودی	hušnūtīh xvašnūtakīh xvašnūtīh honsandīh ostōfrīt sahišn šnūmak šnūman šnūmakān hūpasandakīh

خوش نهاد hūnihātīk

خوش نیت vēh mēnišn
hūkāmak
hūčašm

خوش نیتی hūmānīh
hūčašmīh

خوشوقت hūrām

خوشه xūšak
hōšak

خوش هضم hūgukār

خوشی xvašīh
šātīh
šātānīkīh
rāmišn
huniyākīh
hūrāmīh
dōšārm
drustīh
kātak
āsānīh
nāzišn
rāmēnišn
rāmēnītārīh
šīrēnīh
šnāyēnišn
urvāhmanīh
urvāxmanīh
urvāzišn
xvāhragīh
xvāhrīh
šētāy
āsānīhā (بخوشی)
xvārīhā (بخوشی)

خوشی آور rāmišn dāt

خوشی دادن rāmēnītan

خوشیدن hōšītan

خوشیدن (خشکیدن) xūšītan

خوشی دهنده rāmēnītār

خوشی کردن urvāzistan

خوك hūk
xūk

خوك وحشی (گراز) virāz

خومبیکان xumbīkān

خون xōn
xūn

خون‌آلوده xūnōmand

خون حیض daxšak

خونخوار xrvīk

خونریزی xōn rēčišnīh

خونمند xūnōmand

خونیرس (کشور میانی در هفت کشور) xvanīras

خونین vixrūn

خوی — hōk, xōk, hēm, xēm, čihr, mēnišn, ragīh, brēh, brahm, brahmak

خوی (عرق بدن) — xvēy, xvid

خوید (نمناک، تروتازه) — xvēt

خویش — xvēš

خویشاوند — xvēš, xvēšāvand, ham patvand, ham tōhmak

خویشاونداری — xvēšāvand-dārīh

خویشاوند محرم — nabānazdišt

خویشاوند نزدیک — nabānazdišt, xvatān, nazdīk patvand

خویشاوند همخون — nabānazdišt

خویشاوندی — xvēšīh

خویش‌تر (نزدیک‌تر - متعلق‌تر) — xvēštar

خویشتن — xvēštan

خویشتن شناسی — xvēštan šnāsīh

خویش دین (همدین) — xvēš dēn

خویش روشی (حرکت خودبخود) — xvēš rawišnīh

خویشکار (وظیفه‌شناس) — xvēškār, xvēškārak

خویشکاری (وظیفه‌شناسی) — xvēškārīh

خویش کامگی — xvēš kāmakīh

خویش و پیوند — patvand

خویشیدن (ازآن خود کردن) — xvēšēnītan, xvēšīhītan

خویشی — xvēšīh, xvēšīk

خویشی (قوم‌وخویشی) — ham-patvandīh

خوی‌گر شدن — čihrēnītan

خوی‌گرفته — čihrēnītār

خوی وسرشت خوب زنانه — vēh mātakīh

خوی وخیم کامل — vīrāst xēmīh

خویی — xēmīh

خیابان (کوی) — kōy, srat

خیار — xuyār

خیانت — drōnīh, marīh

خیرخواه — hax

خیره سر	duš framān tarmēnišn
خیرگی	duš-čašmīh
خیری زرد (گل)	xērīk i zart
خیری سرخ (گل)	xērīk i suxr
خیزران	nai nay naδ
خیزش	āxēzišn
خیزیدن	xēzistan
خیس	tar tarīhā
خیسیدن	xvistan
خیلی بزرگ	hāvand mas
خیلی کوتاه	kūtakič kūt
خیم	xēm hēm
خیم‌دار	dārāk xēm
خیم‌ویراستن (پیراستن خلق)	xēm vīrāstan
خیمه (شادروان)	šātūrvān viyān
خیمه شاهی	kai gāh mašk aparzēn
خیمی	xēmīh
خیو	xayūk
خیون (توم هون)	xyōn

د

داخل — andar
dar
nendar
niyandar (در داخل)

داخل شدن — andar matan
andar šutan

دادآراستار — dāt ārāstār

دادار — dātār

دادارانه — dātārīhā

دادار گیهان — dātār gēhān

دادار هرمزد — dātār ōrmazd

داداری — dātārīh

داد اورمزدی — ohrmazd dātīh

دادخواه — vičīr xvāstār

داد زدن — drāyītan

دادستان — dātastān
dātistān

دادستان دینی(نام کتاب) — dātastān i dēnīk

دادستانی — dātastānīk

دادفرخ (نام خاص) — dāt farruxv

دادکردن — dāt varzītan

دادگاه — xvāristān

دادگر — dātgōw
dātkar

دادگرانه — dātīhā

دادگویی — dāt gōwīh

دادن — dātan
arzānīh kartan

دادن بیکدیگر ham-dahišnīh

دادور dātōbar
dātwar
dātōwar

داد ورزیدن dāt varzītan

دادوری dātōbarīh
dātwarīh

داده dātak

داده خدایان bagān dāt

داده شدن dahīhastan

دار (درخت) dāru

دار (چوبهٔ‌دار) dāru

دارآویختگی (بدارآویختگی) dār kartīh

دارا (دارنده) dārāk

دارا (داریوش) dārāy

دارابگرد (شهر) dārāp kart

داراشاه dārāy šāh

دارای دست dastōmand

دارایی hēr
hīr
hērīh
xvāstak
xvāstakīh
hastak
āvartāk
grāmak
rēxn
kūt
xvēšīh

دارایی بدست‌آمده āvartāk

داربازی (نوعی بازی است) dār vāčik

داربن (تنه درخت) dār bun

دارپرنیان (چوب بقم) dār parniyān

دارش (داشتگی) dārišn

دارندگی dāštārīh

دارنده dārandak
dārnāk (مالک)
dāštār
burtār

دارو dārū
dārūk
darmān

داروآمیزی dārūk āmēzišnīh

دارودان dārūk dān

داروی خرسندی (نام رساله‌ای است)
dārūk i xōrsandīh

داروی ضد زهر pāt-zahr

داروی‌نشاسته (مرقوی است که‌ازنشاسته‌می‌گیرند)
dārū i nišāstak

داریوش سوم dārāy
dārāy i dārāyān

داریوش‌شاه dārāy šāh

داس dās
kūtīnak

داستان dāstān
dātastān
dātistān
mātīkān

داشتاری (دارندگی) dāštārīh

داغ dāγ
dāk
garmōk
drōšom

داغ کردن drōšītan
dazišn

داغ کردن پوست با آهن dazišn

داغ‌ودرفش (داغی‌است که‌بربدن‌نهند) drōš

داغ ودرفش کردن drōšītan

دافع spōzāk

دالان هشت‌ضلعی haštīh (هشتی)

دالمن (عقاب) dālman
tālman

دام dām
talak
nivandak
šnor
čīnak

داماد dāmāt

دامادی dāmātīh

دام‌پروری dām parvartārīh

دام خوب (مخلوق‌خوب) hūdām

دامدات‌نسک(بخشی‌ازاوستا) dāmdāt nask

دام‌دهشی (آفرینش‌مخلوق) dām dahišnīh

دان (دانه) dān

دان (پسوند مکان) -dān

دانا dānāk
frazānak
pur-šnāsak
frahangīk
pat xrat

دانا به‌امور خوب frārōn dānāk

داناکردن dānākēnītan

داناگوی dānāk gowišn

دانامند dānākōmand

داناهوشی dānāk hōšīh
dānāk ōšīh

دانایانه dānākīhā
dānišnīhā
frazānakīhā

دانای بدآموز apārōn dānāk

دانای بدکار apārōn dānāk

دانای بدیها duš-dānāk

دانای پرهیز کار — frārōn dānāk

دانای خوب — frārōn dānāk

دانای کل — visp dānāk

دانایی — dānākīh
dānēnišn
dānišnīh
šnāsakīh
šnāsīh
ākāsīh
azd
frazānakīh
frahang
frahangīkīh
xrat
hang
zandīh

دانایی بد — duš-dānākīh

دانایی خوب — hū-zandīh
hū-frazānakīh

دانایی سلطان — xvatāy frazānakīh

دانایی قاطع وبی‌چون‌وچرا — ačār dānišnīh

دانایی کامل — visp ākāsīh
spur ākāsīhā

دانائی کل — visp ākāsīh

دانائی کلی — visp dānākīh

دانستن — dānistan
dānīhītan
šāyistan
šāyītan

دانش — dānišn
dānēnišn
hūdānākīh
šnāsakīh

دانشانه — dānišnīhā

دانش جهانی — visp dānākīh

دانش خوب — hūzandīh

دانش شناسی — dānišn šnāsīh

دانش کامه (مایل به دانش‌اندوزی) — dānišn kāmak

دانشمند — dānāk
dānišnōmand
hūdānāk
vīrōmand

دانش‌وفرهنگ سودمند که‌موجب‌فزونی گردد — afzōn-frahang

دانشی — dānišnīk

دانگ — dāng

دانه کش (صفت‌موراست) — dānak kaš

دانه — dān
dānak
tōhmak
ǰurtāk
ǰurtāi

yurtāk
zurtāk
čīnak
čihr

دانهٔ برنج virinǰ

داور dātgōw
ēmār vičārtār
bē vičītār

داوران dātakān

داوری dast
dastwarīh
handāzišn

داوری دروغ drōɣ dātwarīh

داوطلب xvāstārōmand

دایره fravand
čambar
kēš

دایره‌ای‌که‌برای‌اجرای‌اعمال‌مذهبی کشیده‌می‌شود kēšā

دایره زدن čambar vāčīk

دایره وار vart

دایگی dāyakānīh
dāyakīh

دایگی کردن dāyakānēnītan

دائم hamāyīk
hamēšak
hamvār
pattān

دائماً bāstān
hamēšakīhā
hakarč

دائمی hamahīh

دایه dāyak

دباغی pōst-karīh

دب اکبر haftōirang
haftōiring
haftōrang
haptōkring

دبران (ستاره) dubarān

دبیر dipīvar
dipīr
dapīr
nipēsā

دبیرستان dipīristān

دبیری dipīrīh
dapīrīh

دجله arvand rōt
diglat
digtal
diglit

دختر dōxt
dūxt
duxtar
dūšīčak
dōšīčak
kanēčak

kanēnak
kanīč
kanīk
čarātīk (دوشیزه)

دختران — kanēčagān

دختراندام (اندام دخترانه) — kanīk karp

دختر اهریمن — ǰah
ǰēh

دختر بد وزشت — duš kanīk

دختر بد وهوسناك — duškāmīk

دختر بشوی دادن — pat zanīh dātan

دختر بودن — duxtarīh

دختر جوان — čarātīk

دخترك — kanēčak

دختری — duxtarīh

دختری که نام ونسل پدر نگاه‌دارد — ēnokēn

دخمه — daxmak
grīstak

دد — dat
daitik

در (درون) — andar

در (حرف اضافه) — pat
pa

در (درخانه) — dvār
dar

دراج (نوعی دراج) — pōr
kapk anǰīr

دراز — dirāz
drāž
dirang
dērang
dagr
dagrand
dēr
buland
drahnā

درازا — dirangīh
drahnā
drahnāδ
dranāy

درازدستی (درازبازوئی) — dirang bāzāyīh

دراز زندگی — dēr zīvišn

دراز کشیدن — nisītan
niyastan
šastan
nipāstan
nipastan
sayastan
xvaftan

دراز کشیده — nipēm

درازی — dērangīh

درازی بازو (مقیاس) — bāzē
aāzai

درازی پنج تا ده انگشت (مقیاس) — dišt

درای (زنگ) — darāy
drāy

دراینده (کسی که بلند حرف میزند) — drāyēnītār

دراینسوی — ōrōn

دراییدن (بلندوبیهوده حرف زدن) — drāyītan

درباره — rāδ
rāy

درباری — darīk

درباریان — vāspuhrakān

دربان — darpān

دربانسردار (رئیس دربانان) — darpān sardār

دربد (وزیر دربار) — darīk pat

دربدر — viyāpānīk

دربردارنده — hangirtīk
-dān

دربرداشتن — parvastan

دربند — darband

دربند (اسیر) — griftār

درپیش — parvān

درپی — padē

درجا — pat gyāk

درجه — pāδ
pāy
pāʒak
pāyak
pāyakīh
rōčan

درجه‌ای — pāyīk

درجه‌ای از قوس — lipīh
sus
suš

درجه بدرجه — pāyīkīhā

درجهٔ هومت (اندیشه نیک) — hūmat pāyak

درجه ومقام موبد — magōpatīh

درجه ومقام موبدان موبدی — magōpatān magōpatīh

درخت — draxt
dār
dāru
van

درخت اساطیری بسیارتخمه — van i vas tuxmak

درخت انار — anār
urvar

درخت بید — vīt
vēt

درخت پسته — van i gurgānīk

درخت تاغ gaz

درخت تر وتازه van i hū-āp

درخت توت tūt bun

درخت توز tōz

درخت خدنگ tōz

درخت خرما kūyak
mug
mōg

درخت کوچک gyāh

درخت گز gaz

درخت مو tāk

درخت نسترن nastarvan

درخت نورس nihāl

درختی dārēn

درخشان barāzišk
brāzišnīk
brāziyāk
brāzēnītār
bām
bāmīk
arus
čašmak
čašmakān
nisāk
rāyōmand
rōšn
rōšnīhā
rōšnīk
rōčāk
šēt
tāpāk
tāpīk
vaxšēndak
vaxšandak
vaxšāk
vaxšak
virōčak
farraxv
frāšm
pērōk
mīnāk

درخشش vaxš
vaxšišn
vaxšišnīh
tēγ
tapišn
hūš
ūš

درخشش خدایی varčak

درخشندگی barāziškīh
brāzišn
brāh
brah
brīh
brēhīh
frōk
xurg
hūš

درخشندگی rōšnīh
sahīkīh
spēk
spēzišn
spīzišn
farraxvīh
vaxšišnīh

درخشندگی پرشکوه burz brāhīh

درخشندگی‌خورشیدوار hvarxšēt pētākīh

درخشنده rōčanāk
vaxšāk
vaxšak
spīk
nisāk

درخشنده موی šēt vars

درخشیدن drafšītan
brāzīhītan
brāzītan
frōkīhastan
spiz-
tāftan
vaxšītan

درخواست xvāhišn
xvāstārōmandīh
zādišnīh
žah-

درخواست کردن zādītan
zastan
zāyistan

درخور apāyast
pasačak
šāyandak
niyāpak
niyāp
drust

درخور بودگی niyāpakīh
pasačakīh

درخور بودن šāyistan

درد āk
dart
pažm
ranǰ
bēšišn
rēš
arg
rēštakīh

دردآور dartkar

دردآوردن dartēnītan

دردزدا dart zatār

دردمند dartak
bēšīt
dartōmand

دردناك rēš
rēšak
rēškēn
rēšgōn
rēškōn
āzārak

دردناك كردن	rēšītan
دردناکی	rēšgōnīh rēškēnīh
درِ دوزخ	arezūr
دردی	dartīh
درز	darz
درزی (خیاط)	darzīk
درست	drudist druyist drist drust drustīhā hanǰār raǰistak vičurt
درست‌اندام	druvist annām
درست‌اندیش	rāst mēnišn
درستبد (پزشك)	drustpat
درست‌چشمی (نظرخوب)	drust čašmīh
درست روشی	drust rawišnīh
درست سرشت	drudist gōhr
درست شدگی	passāčišn passāxtakīh
درست شده	passačak passāxt passāxtak
درست کار	drudist kārīgar raǰistak
درست کردن	passāxtan vīrāstan
درست کننده	passāxtār
درست نژاد	drudist gōhr
درست گوهر	drudist gōhr
د ستی	ahrāôīh ahrāyīh ahravīh drudistīh drustīh frārōnīh raǰistakīh vičurtīh
درسوی دیگر	parōn
درشت	društ dužvār
درشت‌آواز	društ ēvāč
درشت‌آوازانه	društ ēvāčīhā
درشتی	društīh stawrīh masā
درصورتیکه	kā
درغام (شهر)	darγām
درغان (شهر)	darγān
درفش	drafš
درفشان (لرزان)	drafšnīk

درفش خونین xvardrōš
xrudrafš (دارای درفش خونین)
xurdruš ~
xrvidrōš ~
xrudrōš ~

درفش‌دار drafšdār

درك bōy
bōδ
ayāpākīh
mēnišnīh
ōšīh

درك شدنی sōhišnīk

درك كردن hōšītan
mārtan
mēnītan

درك كننده mārak

درگام (شهر) dargām

درگاه dar
dargāh
dargās

درگذشت bē vitīrišnīh
vitarg
viturt
vitart

درگذشتگان murtān

درگذشتگی bē vitīrišnīh

درگذشتن (مردن) murtan
frōt murtan
vitartan
vitārtan
vitaštan
vitāštan
vitirtan
viturtan
vitārišn
pat baxt šutan

درگذشتنی ōšōmand

درگذشته murtak
murt
ristak
vitart
bē vitart
vitīrān
vitartak
satōš (تازه درگذشته)
uzīt

درم drahm
diram

درمان darmān
bēšāzēnišnīh
bēšāzišnīh
darmānišnīh

درمانانه darmānīhā

درمان بخش bēšāz

درمان‌پذیرانه	čārōmandīhā
درماندگی	višaδak
درمانده	apar māndak
	frōtmānd
	afkār
درمانده کردن	must kunišnīh
درمان سودمند	nirmat darmān
درمان کردگی	darmānišnīh
درمانگری	darmānīh
درمنه (گیاه)	drimak
	dramanak
درنده	darītār
	drītār
درنگ	dirang
	dērang
درنگی	dirangīh
درنگذشته	abē vitart
دروازه	dar
	vitar
	darband
درواسپ (ایزد)	drvāsp
درود	drōt
	drōtīh
	drūt
درو کردن علوفه	vāstr dravišnīh
درودگر	dōrgar
	drōtgar
	durgar
درودگری	dōrgarīh
درودن	drūtan
دروغ	drōg
	drōγ
	drōv
	drō
	drōš
	drōž
	davan
	drōžan
	drōzanīh
	drōžanīh
	drūžīh
	mēt
	mitōxt
	mitōxtīh
	zōr
	drūǰanīhā (بدروغ)
دروغ‌اندیش	mitōxt mēnišn
دروغ بودگی	drūǰīh
دروغ دادوری	drōγ dātwārīh
دروغزن	drōγzan
	drōzan
	drōžan
	drūǰan

دروغ زنی	drōžanīh
	drōzanīh
دروغ کار	drōžankar
دروغ گفتار	drōγ gōftār
دروغ گفتن	drōzan kartan
	drōžītan
	drūǰītan
	druxtan
دروغ گمانی	drōǰ gumānīkīh
دروغگو	drōγ gōwišn
	drōγ gōftār
	anāst gōwišn
	drōγzan
	mitrōzan
	zūrōmand
دروغ گوینده بهایزدمهر	mitr drūǰ
	mitrān drūǰ
	mitrō drūǰ
دروغگویی	drōγ gōwišnīh
	druǰišnīh
	druxtārīh
	mēt gōwišnīh
	mitūxt
	zūr mitūxtīh
دروغ گویی بهایزدمهر	mitr drūǰīh
دروغ منش	davan mēnišn
	mitōxt mēnišn
دروغی	drōgīh
	drōγīh
	drūǰanīh
	mitūxtīk
دروغیدن	drōžītan
	drōǰītan
درو کردن	drūtan
دروگر	yōdrūn
درون (نان مقدس)	drōn
درون زیبا (دارای)	huparrōn
دروند	dravand
دروند زاده	druvand zātak
دروندی	dravandīh
درواسکان (سوجوداهریمنی)	druvāsakān
درویش	driγōš
	driyōš
	drigūš
درویشی	driyōšīh
دره	darrak
	rōtstāk
	gawr
	vīm
درهم	pariš
	dar-ham
دِرهم	drahm
	draxm

درهم‌آمیخته	gumēčak
درهم بودگی و اختلاط	gumēkīh
درهم فرورفته	ham vašt
دری (درباری)	darīk
دریا	drayāp drayā zrāh zrēh var
دریابار	drayā bār
دریاچه	var zrēh
دریاچه اسواست	asvāst
دریاچهٔ اورویس	urvēs var
دریاچه چچست	čēčist var i čēčast
دریاچهٔ زره	kayānsē
دریاچهٔ سوبر	sūbar
دریاچهٔ سودبهر	sūt bahr
دریاچه شیراب	širāp
دریاچه کیانسه	kayānsē kānsēh
دریاچه هامون	kayānsē(h)
دریافت	ayāpak ayāpakīh
دریافتن	griftan
دریانوردی	drayā varzīh
دریا ورزی (دریانوردی)	drayā varzīh
دریای پوتیک	puitīk
دریای چیچست (دریاچه رضائیه)	čēčast
دریای سیاه	siyāv bun xašēn
دریای فراخکرت	frāxv kart zrēh i frāxvkart
دریچه	rōčan rōzan
دریدار	dritār
دریدگی	drinišn
دریدن	darītan darrītan dritan vikāftan
دزد	dūzd dūžd dūzt dūž dūz dūzēn appurtār apurtār apparag gadaγ

hazar
hazal
truftār
rās-dār

دزدانه — hazaragēn

دزد حرفه‌ای — dūz i dūzēn

دزدگونه — dūzēn

دزدوار — hazarvārak

دزدی — apar
appar
aparīh
apparīh
appurišn
āpurišn
duztīh
dūzīh
dūžīh

دزدیدگی — triftakīh

دزدیدن — dūzītan
duztītan
appurtan
āpurtan
truftan
truftēnītan
rōpūtan

دزدیده — dūžītak
dūzītak
traft
taruftak
truftak

دزدیده شده — appār

دِژ — dēz
diz
dēž
var
āwahan
drupušt
drupuštīh
karīta
karītāk

دژآبه (بی‌آبرو) — dušāpak

دژ برساخته جمشید در زیرزمین — ǰamkart
ǰamkart var

دژآگاه (کسی که معلومات بد دارد) — dušākās

دژپادشاه (فرمانروای ستمگر) — duš pātaxšāh
duš pātixšā

دژ پادشاهی — duš pātaxšāhīh

دژچشمی — duš dōisrīh

دُژچهر (بدسرشت) — duš-čihr

دُژچهری — duš-čihrīh

دژ خدایی (فرمانروائی بد) — duš-xvatāyīh

دژخیم — duš-xēm

دژفرمان (نافرمان) — duš framān

دژ فرمانی	duš framānīh
دژ کام (بدخواه)	duš-kām
دژ کامگی	duš-kāmakīh
دژ کام کرداری	duš-kām kartārīh
دژ کردار (بدکردار)	dūš-kartār
دژ کرداری	duš-kartārīh
دژ کنش (بدکنش)	duš-kunišn
دژ گویی (زشت گویی)	duš-gōwīh
دژ مزگی (بدمزگی)	duš-mičakīh
دژ منش (بداندیش)	duš-mēnišn
دژ نوشت (مرکز اسناد دولتی)	dēž nipišt
	karīta nipist
دست	dast
	gav (اهریمنی)
دست (لباس)	dast
	dastak
	vastarg dastag
دست (برای موجودات اهریمنی)	gavē
	gav
دست آس (آسیای دستی)	āsyāy pat dast
دست آموز	dastāmōk
دست آوردگی	apar burtārīh
	handōčišn
	handōzišn
دست آوردن (بدست آوردن)	ayāpēnītan
	ayāftan
	handōxtan
	tūxtan
	vindātan
	vindītan
	ayāpāk (بدست آورنده)
	tūxtār
دست افزار	dast-afzār
دستان (نام خاص)	dastān
دست بسینه	ērkaš
دست بلند شده	ūstān dast
دست چپ	hōy
دست دار	dastōmand
دست راست	dašn
دسترنج	dast-ranǰ
دست زدن (لمس کردن)	ayinaftan
دست ساز	dast varz
دست فروش دوره گرد	kārdāk
دستکاری	dast-kārīh
دستکرت (شهر)	dastkart
دستکرد (ساختهٔ دست)	dastkart
دستکش	apadast
دست کشیدن (منصرف شدن)	apar ōstātan
	apāč ēstātan
دستگرد (ملک)	dastkart
	dast kirt

دست گسترده	ustān dast
دستگیر	dastgīr
دستگیر فقرا	driγōš dāyakānēnītār
دستگیره	dastak
دستمند (دست‌دار)	dastōmand
دستور	dastōwar dastwar
دستوردادن	handarzēnītan nikēžītan avdištan
دستورزبان	awiyākaran
دستور وپیشوای دیوپرستان	dēv dastwar
دستورز	dast varz
دستوری	dastwarīh
دسته	dastak grōh gāl gund (دستهٔ سپاه) ratak ramak vāf
دسته (صنف، رسته)	rastak ristak pēšak
دسته (دست گیره)	dastak
دسته (برای موجودات اهریمنی)	gundak
دسته‌پرهای بالای سر پرنده	kōfak
دسته‌جمعی	ham-spāhīh
دسته‌جمعی رفتن	ham-spāh rawišnīh
دسته‌گل	gul-dastak
دستهٔ مردان	vīr ramak
دستیار	dastyār
دستیاری	dastyārīh dastwarīh adiyārīh
دُش (بد)	duš
دش‌آگاه (دارندهٔ آگاهی‌های بد)	dušākās
دش آگاهی	dušākāsīh
دش‌آموخته (بدآموخته)	dušāmōxt
دش‌آموز	dušāmōz
دش‌آوازی	duš ēvāčīh duš ēvāzīh
دش‌پیوند (دارای خویشان بد)	duš patvand
دشت	dašt rāγ gawr hāmōn viškar
دشت آسوریان	dašt i sūrīk mānišn
دشتان (حائض)	daštān daštānōmand xūnōmand

دشتانستان (جای‌ویژه‌زن‌حائض)	daštānistān
دشتانمند (حائض)	daštānōmand
دشت تازیان	dašt i tāzīkān
دشتی	daštīk
دش خدای (فرمانروای بد)	duš-xvatāy
دشخوار (دشوار)	dušxvār
دش شرمی (بی‌شرمی)	dušarmīh
دش گذر (گذرگاه سخت)	duš-vitarg
دشمزه (بدمزه)	duš-mičak
دشمن	dušman dušmēn hambatīk hambasān hamēstār maškar hamēmāl patyār patiyārak patyārak pityārak
دشمنانه	hamēstārīhā
دشمن‌دار	hamēstārōmand patyārakōmand
دشمن دین	dēn hamēstār
دشمن‌زن (کشندهٔ دشمن)	dušman zatār
دش منشی	duš mēnišnīh
دشمن‌کش	dušman zatār
دشمن نیکی	vēh dušman
دشمنی	dušmanīh dušmēnīh dušmanātīh dušmēnātīh gaštīh hamēmālīh hamēstārīh hamēstārišn kēn kēnīh kēnvarīh kōxšākīh pityārakīh patyārakīh
دشمنی بسیار	vas dušmanīh
دشمنی به‌امور نیک	vēh dušmanīh
دشمنی کردن	patyārēnītan
دشمنی کننده	patyārakēnītār
دشنام	dušnām vat vāčak
دشنام دادن	bēštan
دش‌نگری (بدنگری)	duš nikīrīh
دشنه	dašnak

دش نهاد (بدنهاد)	duš nihātīk
دشوار	dušvār
	dušxvār
	dužvār
دشواری	dušvārīh
	dušxvārīh
دعا	āfrīn
	azbāy
	azbāyišn
	namāč
	niγāyišn
	nērang
	xšnuman
	xvānišn
	yaštārīh
	zabāyišn
	zādišnīh
دعاخواندن	āfrīnītan
	yaštan
	vāč dāštan
	vāč griftan
	ušmurtan (دردل دعاخواندن)
دعاخواندن پیش‌ازغذاخوردن	vāč kartan
دعا خوانی	vāč gīrišnīh
دعاکردن	niyāyišnēnītan
	yaštan
	zabāyītan
دعاکننده	xvāntār
دعاواورادراخوب‌خواندن	frārōn nīrangīh
دعای خیر	āfrīkānīh
	āfrīngān
	drōt
	drūt
دعای مخصوص آفرینگان	āfrīngān
دعای معروف اهونور	yaθā ahu vairyō
دعای مؤثر	tuwān xvāhišnīh
دعوا	ayōzišn
	patkārīt
دعواکردن	patkārtan
	kōxšītan
دعواکننده	patkārdār
دعوای دادگستری	patkār
دعوای قضائی	patkār
دعوت	nivēd
	nivēdēnišn
	nivēdišnīh
	nivētvarīh
دعوت‌کردن	nivēdēnītan
	nivēdītan
	nivēhēnītan
دعوت‌کننده	nivētvar
دغدو (مادر زرتشت)	dugtav
	duγtūy

دفاع	darpuštīh
	drupuštīh
	panāhīh
	pānākīh
	pāspānīh
دفاع حقوقی	pasēmārīh
دفاع کننده	patēmār
دفتر	daftar
	diftar
دفتر حساب	daftar
دفتر خرج	uzdāt nāmak
دفتر خروجی	uzdāt nāmak
دفتر صدور	uzdāt nāmak
دفرگاو (نام خاص)	dafr-gāv
دفع	vānišn
دفعةً	aknēn
دفع شده	spōxtak
دفع فضولات بدن کردن	kār vičārtan
دفع کردن	vičārtan
	xangēnītan
دفع کردنی	ōγārišnōmand
دفع کننده	spōzāk
	spōzkār
	spōžāk
	spōž
دفعه	bār
	bārak
	jāvar
	yāvar
	kart
	gart
	mārīk
	pardak
	partak
	rīn
	vīn
دفن کردن	nikānēnītan
	nikānītan
	nikān kartan
دفع کننده جسدمرده	nasā nikān
دقت	nēzumānīh
	nēzumānīhā (بدقت)
	pat nikērišn (بدقت)
دقت کامل	bavandak mēnišn
دقیق	nēzumān
	hūniyōxš
	druyist
	nikīrāy
	nikīrītār
دگردیسی	vartišn
دگرگون شدگی	yuttarīh
دگرگون شدنی	vartišnīk

دگرگونه	yuttar
دگرگونی	vartišn
	yutīh
دگل کشتی	frasp
دل	dil
دلاور	gort
دلاورانه	tagīhā
دلاور برجسته	pēš nēvak
دلاوری	gadvarīh
دلپری	handarōtakīh
دلپسند	nāzīk
دلتنگ	handarōtak
	dušxvār
دلتنگی	dušrāmīh
	vitangīhā (به دلتنگی)
دلجویی	šnūman
دلخواهانه	kāmakīhā
	kāmakōmandīhā
	kāmīhā
دلداری	dilīh
دلدردی (دلسوزی)	dil dartīh
دلسنگی	xrūkīh
دل سوزه	dil sōčak
دل سوزی	dil sōčak
	dil dartīh
دلو	dōl
	dūl
	dūlak
	dōrak
	hēčak
دلواپس	handrūtak
دلواپسی	hangrūtak
دلو چرمین	hēčak
دلیر	dilir
	dilēr
	dilītar
	amāvand
	martāčōk
	marčāpuk
	ham martāčōk
	nīv
	nēv
	nēvkār
	nipartak
	tagīk
	takīk
	tax$_m$
	mart mēnišn
	vīr
دلیرانه	amāvandīhā
	dilīrīhā
	tagīhā

دلیری	dilīh
	gušnīh
	arvandīh
	martāčōkīh
	ham martāčōkīh
	marčāpukīh
	martānakīh
	tagīh
	takīkīh
	nēvīh
	mas martīh
	mart mēnišnīh
دلیل	bahānak
دلیل‌دار	čīmīh
دلیل درست	rāst čīm
دلیل راست	rāst čīm
دَم	dam
	dafišn
	vāy
	vāt
	vaxš
	vāyišn
	vēn
دم آهنگری	damēnak
دماوند (کوه)	damāvand
	dumbāvand
	dubāvand
	danbāvand
دُمب	dumb
	dumbak
	dūm
دُمبک	dumbalak
دُمبک‌نواز	dumbalak srāy
دم‌دار	dumbōmand
	pat dumb
دمرو	nipēm
دَمش	damišn
دم کج	kul dumb
دم کوتاه	kūk dumb
دم و بازدم	vēn āwarišn barišn
دمه	damak
دمه باد	vāt damak
دمیدن	damītan
	daftan
	pazdītan
	nivāzītan
دمیدن درچیزی	nivāzītan
دمینه (دم‌آهنگری)	damēnak
دنبال	pay
	pāδ
	pāy
	padē (بدنبال)

دنبال کردن	apākēnītan
دنبال کننده	štāftār
دنباله	aparvārak
دنبک	dumbalak
دنبه	dumbak
دندان	dandān
دنیا	gēhān gētīh gētāh rōčkār
دنیای تاریکی	tam axvān
دنیای زمینی	nazdīk axvān
دنیای غیرمادی	mēnōgān
دنیای مادی	gētīh
دنیای محسوس	gētīh
دنیای مینوی	mēnōk mēnōkān axvān
دنیایی	axvānīk
دنیوی	gētāhīk gētīkīk gētīhīk gēhānīk
دو (عدد)	dō
دوآبدان (برج دلو)	dō-āpdān
دوا دادن	bēšāzīh bēšāzēnīh bēšāzišnīh
دوازده	davāzdah dvāzdah
دوازدهم	dvāzdahom
دوال	dawāl
دوام	ēstišnīh hamākīhā ēstišn pātārīh patūkīh pattāyišn asačišnīh patvastārīh vazdvarīh
دوام‌آوردن	patūtan
دوام داشتن	pattūtan patāyistan
دوام‌یافتن	pāyītan
دوام یافتگی	pattōkīh
دوان	davān duvān tačāk pōyišnīk
دواندن	dwārēnītan tačēnītan

دوبار — dōbār, dō tāk, dō rīn, dōkānīk

دوبارتکرارشده (سرود مذهبی) — bīšāmrūtīk

دوباره (باز) — apāč, bēt, bit, dit-ič

دوباره پرسیدن — apāč pursītan

دوبدو — dōgānīk

دوبرابر — dō čandān, dōkānīk

دوپا — dōpāδ, dupāδ, dō zang, dōpāy

دوپایان — dōpāδān, dōpāyān, dō-patištān

دوپیکر (برج جوزا) — dō patkar

دوتا — dōrīn, dōtāk, dōvān, dvāt

دوتائی — dōvān

دوتکه — dō kāft

دوجهان — axvān

دوجهانی — dō axvānīk

دوچاری (مواجهه) — dōčārīh

دوچندان — dō čandān

دوختن — dūxtan, dōxtan

دوخته — handōxt

دود — dūt

دودآلوده — hōšēnāk

دو دفعه — dō rīn

دو دل بودن — gumānītan

دودمان — dūtak-mān, dūtak, hanbātak, tōhmak, nāf, napat, gōhr, čihrak

دوده — dūtak

دودیگر — ditīkar

دور — dēr, dūr, ēvārak, rahīk, parōn

دُور (پیرامون)	girtak pērāmōn pargavār
دورآوازه	dūrāsraw frāč nāmīk
دور از	tar
دوراسرو (نام خاص)	dūrāsraw
دورافتاده	ēvārak
دورامید (کسی که امیدهای دوردارد)	dūr ōmēt
دوران	zamān
دوران	gartišn
دوران حمله اهریمنی	awigatīh
دور انداختن	afgantan
دوراندیشی	pēš xratīh
دوربودگی ازبیماری ومرگ	dūr-ōšīh
دوربین (دوربیننده)	dūr vēnišn
دور چیزی‌راگرفتن	pēčītan xanǰistan
دوردارنده بیماری ومرگ	dūrōš
دور داشتن	vēxtan spōxtan spōz dāštan
دُور زننده	vaštār
دور شدن	rēčītan sačītan
دورشدن ازچیزی (اهریمنی)	patītan
دورشهری (غریب)	dūr šatrīk
دورکرانه	dūr karānak
دورکردن	bē kartan vitartan apāč tarvēnišnīh ōγārišnōmand (قابل دورکردن)
دورکردنی	ōγārišnōmand
دورگذر	dūr vitarg
دورگرداندن	vitārēnītan
دورنامیک (نام خاص = مشهور)	dūr nāmīk
درنتیجه	ham bunič
دورنگر	dūr nikērišn
دورنگرش	dūr nikērišn
دور نگشته	avartāk
دورو	dō saxvan
دوروشسپ (نام خاص)	durušasp
دوره	dōrak nisang
دوره‌ای	āvāmīk
دوره حیض	daštān māh
دورهم جمع‌شدن	hanǰamanīkīh
دورهوشی (تیزهوشی)	dūr hūvīrīh
دورهٔ هزارساله	hazārak hazangrōkzam

دوری (ظرف)	duwrak
دوری	dūrīh vartišn vaštārīh vištārīh
دوریاب (ازدوریابنده)	dūr ayāp
دوری ازنفس پرستی	varan vaštārīh
دوزخ	dušaxv duš hūmat
دوزخی	dušaxvīk tam arzānīk
دوزخی بودن	dušaxvīkīh
دوساله	dō sālak
دوست	dōst hax hūmitr brātak ham brāt ham brātak yār adiyār ērmān franāftār hambāɣ ham rās
دوست‌آزار	ham brāt bēš
دوستانه	ayyārīhā
دوستدار	dōšītār
دوستدار روان	ruwān dōst
دوستدارکار ثواب	kirpak dōst
دوست داشتن	dōšītan kāmistan vandītan
دوست داشتن روان	ruwān dōstīh
دوست داشتنی	hūdōšak
دوست داشتهٔ دیوان	dēvān dōšīt
دوست مینویان	mēnōk dōst
دوست نیکی وخوبی	vēh dōst
دوستی	dōstīh dōšārm dōšārmīh dōšišn dōšišnīh ham āxakīh ham dōšišnīh brātīh ham brātīh hūmitrīh mitr mitr-kārīh ayyārōmandīh nazdīk mānīh
دوستی بد	vat dōšārmīh
دوسخن (ریاکار)	dō-saxvan

دوسر	dō kamār
دوش (دبشب)	dōš
دوش (کتف)	dōš suft suftak
دوشبه	dō šapak
دوشش (عمل دوشیدن)	dōšišn
دوشک (بستر)	dušak
دوشقه	dō-kāft
دوشنده	dōsītār
دوشیدن	dūšītan dōsītan dōšītan dōxtan dūxtan
دوشیزگی	dōšīčakīh
دوشیزه	dūšīčak dōšīčak kanēčak kanēnak kanīč kanīk ašikand čarātīk
دوغ	māst zatak
دوغدویه (مادر زرتشت)	duγtūy dugtav
دوقلو	pat-yuxtak
دوك	dōk
دوکوهان (شتر)	dō-kōfān
دوگانگی	dōkānakīh
دوگانه	dōgānak dōkānīk dōkānak
دولابچه	hambārak
دولچه (دلو کوچک)	dūlak
دولک (مقیاس حجم)	dūlak
دوم	dowom dutīkar ditīkar ditom
دوماهه	dō-māhak
دومین	dōvēn dōomēn dōtōm
دوندگی	rēčišn tačišnīh vāzišn
دونده	tāčān tačāk tazāk tāxtār
دوها (عدد)	dōvān
دویدگی	tazišnīh

دویدن	davistan
	davītan
	duwāristan
	dwāristan
	dwārītan
	dwārišnīh (دویدگی)
	dwārišn (دَوش)
	duwān (درحال دویدن)
	tāxtan
	taxtan
	pōy-
	vāzītan
دویدن اسب	padak
دویدن باهم	ham duwāristan
دوئی	dōīh
ده	dah
	rōstāk
	rōtstāk
دَه	dah
دهان	dahān
	zafr
دهاك کرت (شهر)	dahāk kart
دهان‌دار	dahānōmand
دهانهٔ اسب	patisār
دهانه رحم	kūtakīhā dahān
دهانه زهدان	kūtakīhā dahān
دهبد	dahyūpat
	dēhpat
	dēhyōpat
دهبدی	dahyūpatīh
دهستان (شهری در گرگان)	dahistān
	dahā dēh
دهستانیان (مردم سرزمین دهستان)	dahākān
دهش	dahišn
دهش در راه خدا	hūdahišn
دهش مستمر	hēt dahišnīh
دهشمند	dahišnōmand
دهشی	dahišnīk
دهشیار (نام خاص)	dahišn adiyār
دهقان	dēhīkān
	dēhkān
	dahgān
	dahyūkān
	fšag
	kār varzītār
	varz kartār
	vāstryōš
دهقانی	dēhūkānīh
	vāstryōšīh
	vāstrēnišn
دهکده	vis
دهکده‌ای	dēhīk
	vīsīk
دَه‌لا	dah-rīn
دهلیز	dahlīč
	dahlīz

دَهم (نام فرشته)	dahm
دَهُم	dahom
دهمین ماه سال	day dadv
دهندهٔ آبادانی ونعمت	frēh dātār
دهندهٔ افزونی و بزرگی	dātār vālišn
دهندهٔ حکم قضائی	vičīrtār
دهندهٔ خوشبختی وفراوانی	frāxvīh dātār
دهندهٔ مخلوق خوب	hūdahak hūdahāk
ده‌هزار	bēvar
ده هزار چشم (دارای)	bēvar čašm
ده‌یک	dah ēvak
دیبا	dēpāk
دی بآذر (نام روزهشتم هرماه)	dadv i ātur dadv pat ātur
دی بدین (نام روزبیست‌وسوم)	dadv i dēn
دی بمهر (نام روز پانزدهم)	rōč i dadv dadv pat mitr
دید	dīt dītišn nikās
دیدار	dītār ham-rasišnīh
دیدار کردن	ham-rasītan
دیداری	sahīk
دید باطن	dōisr
دیدن	dītan nikīrītan nišītan
دیدنی	sahīk vēnafdāk vēnaft vēnāk vēnišnīk
دیده	vēn
دیده شدن	vēnīhastan
دیده نشده	avēnāk
دیر	dēr dagr
دیر آیش (دیرآمدگی)	dēr āyišn
دیر ازخواب برخاستن	būšiyāsp varzītan
دیر بکام(دیرزمان آرزوشده)	dēr pat kāmak
دیر پایا	dēr pattāy dagr pattāy dērang dirang
دیرجانی	dēr ǰānīh
دیررس	dēr rasišn
دیر رسی	dēr rasišnīh

دیرزمان	dēr zamān dagr zamān
دیر زندگانی	dēr ǰānīh
دیرزی	dēr zīvišn dagr zīvišn
دیر زیندگی	dēr zīvišnīh
دیرزیوش	dagr zīvišn
دیر کننده	dēr āyišn
دیر ماندگی	dēr mānišnīh
دیر مانی	dēr mānišnīh
دیروز	dīg dīk
دیر یزشی (دعای طولانی)	dēr yazišnīh
دیگ	dīg tīg dēg dēk
دیگ آهنی	āsēnēn dēg
دیگر	an han hān anyā ēnyā apārīk ič dit ditīkar yut yutar
دیگران	apārīkān
دیگربار	bit bēt
دیگری	an han hān
دیگری‌نیز	dit-ič an-ič
دیگری‌هم	an-ič
دیلمان (ناحیه)	dēlamān
دی‌ماه	māh i dadv dadv māh
دین	dēn
دین‌آگاهی (علم دین)	dēn ākāsīh dēn ākāsīhišnīh
دین آموخته	dēn āmōxt
دینار	dēnār
دین باطل	dēn adātīh
دین بنده	dēn bandak
دین‌به	dēn i vēh
دین پذیرفتار	dēn patīriftār
دین پذیری	dēn patīrišnīh
دین پرستی	dēn yazišnīh

دیردار	āstavān dēn burtār
دین‌داری	āstavānīh
دین‌داران	dēn dārān
دین داشتگی	dēnīh
دین دانایی	dēn dānākīh
دین دوستی	dēn dōstīh
دین روایی (رواج دین)	dēn rōwākīh
دین زرتشتی	mazdayastīh mazdayasnīh dēn i vēh
دین‌سرداری (پیشوایی‌دین)	dēn sardārīh
دینکرت	dēnkart
دین‌نمودار (متظاهر به‌دین‌داری)	dēn nimūtār
دین‌نموداری (تظاهر به‌دین)	dēn nimūtārīh
دینی	dēnīk
دینیار (نام‌خاص)	dēn-ayyār
دیو	dēv
دیو آز و خست	āz
دیوآفریده	dēvān-dāt
دیوار	dēvār dīvār parčīn parkān pargān parisp frasp bār (بارو)
دیو ارزور	arzūr
دیواسپنجروش	spanǰaruš
دیواغاش	ēγāš dēv
دیوان (دبیرخانه)	dipīwān dēvān
دیوان	dēvān dīvān māzanīkān
دیواندر (ایندرا)	andar
دیوان دروغ	drūǰān
دیو اندیشهٔ بد	akōman dušmat
دیوانگی	halakīh viyāpānīh
دیوانه	dēvānak halak viyāpān dōš
دیوانه شدن	viyāpīhistan
دیوانه‌وار	halakīhā
دیو اوتک	utak dēv
دیوبادهای تند	čašmak
دیو بچه	hunušak
دیو بدگونی	spazg dēv
دیو بوتینی (نام دیوی است)	but dēv

دیوپرست	dēv yazak dēv izak dēv yasn kayak druvand
دیوپرستان	dēv yasnān
دیوپرستی	dēv izakīh dēv yazakīh dēv yasnīh dēvēsnīh
دیو پلیدی و ناپاکی	nas dēv
دیو پیمان شکنی	arš
دیو تخریب	astōvidāt
دیو تشنگی	tišn drūǰ
دیو تنگدستی	niyāz dēv
دیو توریز	tawrīz tōrīz
دیو حسادت	arš
دیو خشکسالی	tišn apōš
دیو خشم	hišm xēšm
دیو خفگی	xafak dēv
دیو خویی	frēh dēvānīh
دیو داده	dēvān dāt
دیو دروغ	dēv drūǰ anāst dēv
دیو دروغ‌گوئی	mitōxt dēv
دیو دوست	dēv ayyās
دیودوستی (دیوپرستی)	dēv kāmakīh
دیو رشک وحسد	arašk dēv
دیو رعد	aspanǰarōš
دیو زمین‌لرزه	čašmak
دیو سخن‌چینی	spazg dēv
دیوسیرت	drvand
دیو سیرتی	drvandīh
دیوشکلی	dēv karpīh
دیو فریب	frēftār dēv
دیوکامانه	dēv kāmakīhā
دیوکامگی	dēv kāmakīh
دیو مازندران	mazan
دیو مازندر	māzandar
دیو مازینیک	māzīnīk
دیو ناحیهٔ مازن	māzanīk
دیو مرگ	astvihāt astvidāt

دیو ناپاکی	nasūš
دیو ناراستی	anāst dēv
دیو نیاز	niyāz dēv
دیوی	dēvīk dēvīh
دیویار	dēv ayyār
دیویسنی (دیوپرستی)	dēv yasnīh
ده	rōstāk rōtstāk dēh āvahan
ده (متعلق به ده یاقبیله بودن)	vīsīh
دیهی	vīsīk

ذ

ذات	gōhr gōhrak xvatīh
ذاتاً	čihrīhā
ذاتی	āsn āsnītak āsnūtak čihrēnītīhā čihrīh čihrīk gōhrīk xvatīk
ذخیره	bun ganǰ handōxt
ذخیره کردن	handōxtan
ذراع	arišn nay frārāst
ذغال سوزان	xvarg
ذوب	vitāzišn
ذوب شدن	vitāzīhistan
ذوب کردن	vitāzēnītan vitāxtan
ذوب کننده	tačišnōmand
ذیحساب	amargar āmārgar
ذیل	aparvārak

ر

را rā
rāδ
rāy

رابطه (میانجی) pašn
pašt

رابطه نامشروع بازنان apārōn marzišnīh

راحت hanbār
frāxv
āsān

راحتی frāxvīh
āsānīh
hanbārīh
xvārakīh
xvārīh
vētvarīh

راد rāt

رادکردار rātīh kartār

رادمنشانه rāt mēnišnīhā

رادی rātīh

رادی کردن rātēnītan

راز rāz
nihuftārīh
nihumb
vitīmās

رازآمیز vitīmāsik

راز بردن rāz burtan

راز دار ōstīk

راز دارانه ōstīkīhā
vistāxvīhā

راز سپردن rāz burtan

راز گفتن	rāz burtan
راز نهفتاری	rāz nihuftārīh
رازی (سری)	rāzīk
راس	sar bašn bālēn
راسپی (موبدمعاون درمراسم مذهبی)	rāspīk
راست	rāst drust durust drudist hanǰār raǰistak vāvarīkān dašn (طرف راست)
راست اندیشه	rāst mēnišn
راست ودرست کردن	rāžēnītan
راسته	rastak
راست راهی	rāst rāsīh
راست زی	rāst zīvišn
راست شاپور (شهر)	rāst šāhpuhr
راست شده	stēγ
راستکاری	raǰistakīh
راستکردار	rāst kunišn
راست گفتاری	arišuxt gowišnīh
راستگو	rāst gōwišn rāst gōftār
راستگویی	rāst gōwišnīh rāstīh gōwišnīh
راست منش	rāst mēnišn
راستی	drudistīh rāstīh rāstīhā (براستی) ēvarīhā (براستی)
راس شاپور (شهر)	rās i šāpuhr
راسو	rasūk raswuk
راضی	xōnsand xvansand xōrsand xvarsand hūšnōsr ōšnūtak xšnōmand hušnūt hušnūtak xvašnūt vitvar māhmān
راضی ازخویش	xvēš ōšnūtak
راضی ساختن	xšnūtan
راغ	rāγ
رافضی	yut ristak
راك (نام خاص)	rāk

راکد	stadak
	ēstātak
	armēšt
	hamist
رام	rām
	parvastak
رامستن	rāmistan
رامش	rāmišn
	rāmēnišn
	pat rāmišn (به رامش)
	hūrāmīh
رامش بخشی	rāmēnītārīh
رامش دادن	rāmēnītan
رامش‌دار	rāmišnōmand
رام شده	frahaxt
رامش دهنده	rāmēnītār
	rāmišn dātār
	rāmišn dāt
	rāmišn adiyār
رامش کنندگی	rāmēnītārīh
رامشگر	huniyākar
رامشمند	rāmišnōmand
رامش یافتن	rāmīhastan
رامش یافته	rāmēnīt
رامشهر (لقب گشتاسپ)	rām-šatr
رامشی	rāmišnīh
	rāmišnīk
رام کردن	rāmēnītan
رام نشده	aramak
رام وه (ایزدهوا)	rām i vēh
رامهرمزد (شهر)	rām ōhrmazd
رامیار (نام خاص)	rāmyār
ران	rān
	srīnak
	haxt
	patištān
ران بان (سلاح حافظ ران)	rān-pān
ران بند	rān-pān
	rān vartīn
راندن	rāntan
	rānēnītan
	raftēnītan
	spōxtan
	nītan
	rāyēnītan
	vāzītan
راندن ارابه	āyoxtan
رانده شده	spōxtak
راننده	artēštār
	āyōxtār
	vāzēnītār

	rānēnītār
	rāyēnītār
راوی	ōšmurtār
راه	rās
	rāh
	pand
	rastak
	sratak
	vitar
	vitarak
	vitarg
راه آب	āp-tačan
	pand āpānīk
راه اسب	asprās
راه‌افتادگی	kār raftārīh
راه انداختن	rōwākēnītan
راه باریک	pand
راهبری	vāzišn
راه‌دار	rās-dār
	vitarakōmand (دارای راه)
راه رفتن	tačītan
	škravītan (بد راه رفتن)
	škarvītan (بد راه‌رفتن)
راهزن	gadaγ
	gadōk
	hazar
	hazarg
	hazarag
	hazal
	hazarkārak
	rās-dār
راهزنی	rās-dārīh
راه مشروع وقانونی	dāt rās
راهنما	rās nimāy
	pēšār
	parvānak
راهنمایی	nimūtārīh
	čāšišn
	rās nimāyīh
	parvānakīh
	sōbārišn
راهنمایی کردن	ānīhītan
	nayītan
	handarzēnītan
	franāftan
راهی	rāsīh
رأی	dātastān
	dātistānīh
	čāštak
	čāštakīh
	vičīr
	saxvan
رای (عقل)	rāδ
رای (فروغ)	rāi
رایج بودگی	rawākīh

رای دادن	čāštan vičirēnītan
رای دهنده	vičīrtār
رایزن	handarzpat
رایزن دربار	dar andarzpat
رایزنی دربار	dar andarzpatīh
رای قضائی	dātastān dātistān vičīrīh vičīr vičīrkart
(صدوررای‌قضائی)	dātastānōmandīh
رایومند (درخشان)	rāyōmand
رباخوار	vaxšgar
ربع	čatrušvātak
ربودگی	rōp triftakīh
ربودن	rōpūtan
رتبه	pāyak
رحم	apaxšāyandīh apaxšišn apaxšāyišnkārīh apoxšāyišn xvāwarīh hū aparīh
رحم (بچه‌دان)	pusdān gawr kūtak burtār
رحیم	āmurzītār apaxšāyišnkār apaxšāyišngar apaxšūtār xvāpar xvāwar hū apar
رحیمانه	apaxšāyišnkārīhā
رخ (مهره شترنج)	raxv
رختخواب	bālišn gās
رخج (شهر)	raxvat
رخسار	gōnak
رختشوی	gāzar
رختشویی	gāzarīh
رخنه‌ای	unīk
رخوت (شهر رخج)	raxvat
رد (انکار)	nikērāyīh
رد (پیشوای مذهبی)	rat
رد بزرگ	ratwōk barzīt
ردپیکار (پیشوایی که‌درموردنزاع‌رسیدگی‌می‌کند)	patkār rat
ردکننده	patērāngar
ردمند (دارای‌پیشوا)	ratōmand
ردمندی (پیشواداری)	ratōmandīh
رده	ratak
ردی	ratīh

رز (تاکستان، باغ) — raz

رازق — parvarāk

رزم — pātrazm
razm

رزم‌آور — artēštār

رزم‌آوری — artēštārīh
ratēštārīh

رزمگاه — razm-gās

رزمی — razmīk

رزین (سخت، محکم) — razēn

رسالت — baɣdēspānīh

رساله — mātīkān
matiyān
mātagdān
nāmak
nipīk
nipistak
nipištak
nipišt

رسالهٔ چهرداد (چیترداد نسک)
čitrdāt mātīgān

رساندن — ānītan
rasēnītan

رساندن میوه — pazāftan

رستاخیز — ristāxēz
ristāxēzišnīh
āxēzišn
fraškart
frāškart
frāškart kartārīh
tan i pasēn
tan pasēn

رستاخیز کردن — ristāxēzēnītan

رستاخیز کننده — rist ārāstār
rist vīrāstār
pašom kunišn

رستار (رها شده، نجات‌یافته) — rastār

رستار کردن (نجات‌دادن) — rastār kartan

رستاق — rōtastāk

رستگار — rastār
buxt

رستگارانه — bōžākīhā

رستگار شدن — bōǰītan
bōžītan
buxtan
buxtītan

رستگار شده — buxtak

رستگار شده بوسیله ایزد هوا — vāy buxt

رستگارشده بوسیله هفت امشاسپند — haftān buxt

رستگار کردن — bōžīhītan
bōžēnītan
buxtan

رستگار کننده	bōžāk
	buxtār
رستگاری	rastārīh
	bōžākīh
	bōžišn
	buxtakīh
	buxtārīh
	buxtisn
	buxtiśnīh
	sūtakīh
رستگاری روان	ruwān buxtārīh
رستم (نام‌خاص)	rōstahm
	rotastahmak
	rotastahm
رستم‌فرخ‌زاد	rotastahm farraxv zāt
رستن	rastan
	buxtan
رُستن	rostan
	rustan
رستنی	ārōyišnik
رسته	rastak
رُسته	rust
رسش	rasišn
رسم	advēn
	advēnak
	nihātak
	rastak
	rastakīh
	dastwarīh
رسم مذهبی	nirang
رسن	rasan
رسن بازی	rasan vāčik
رسوا	rusvāk
	dusāpak
	dusrav
	dusravēnitak
	dušnām
رسوا کردن	dusravēnitan
رسوایانه	rusvākīhā
رسوایی	rusvākīh
	dusravīh
	dusāpakīh
رسول	baydēspān
رسیدگی (پختگی، رشد)	pazāmēnītārih
	pazāmišn
	pazmāyišn
	pažāwišn
رسیدگی (آمدن)	rasišnīh
رسیدگی کردن	vičustan
رسیدن	āmatan
	matan
	āvarītan

āyišnīh
ayīnaftan
āyišn
rasišn
awyastan

رسیدن (میوه) — rasītan
puxtan
pazāmītan
pazzāmītan

رسیده — rasīt

رسیده (میوه) — puxtak

رسیده شدن — pazāmišn
pazzāmišn

رسیده کردن — pazāmēnītan
pazzāmēnītan

رشتن — tatan

رشته — rēštak
rištak
rāk (نسج)

رشد — pazmāyišn
vālišn
vaxš
vaxšākīh
vaxšēnišn
vaxšēnišnīh
viyāstakīh

رشد دادگی — vaxšēnītārīh

رشد دادن — pazāmēnītan
pazzāmēnītan

رشد دهنده — vaxštōmand

رشد زیاد — mas arōyišn

رشد کردن — anbūsītan
anbūsīhītan
vālītan
viškītan

رشک — arišk
arašk
duš-čašmīh
varan
mūlīt

رشک چشمی — čašm ariškīh

رشک داشتن — araškīh

رشک کامانه — arišk kāmakīhā

رشک کامگی — arišk kāmakīh
arašk kāmakīh

رشک گوهری — arišk gōhrīh

رشکمند — ariškan

رشکمندی — ariškīh

رشکین — ariškan
ariškēn
čašm arišk

رشن (ایزد سنجندهٔ اعمال انسان) — rašn

رشن چین (نام خاص) — rašn čin

رش گلوتک (نام خاص) — rēš galūtak

رشوه — pārak
grahmak

رشوه ستانی — pārak stānīh
pārak stānišnīh

رضایت — xōnsandīh
xōrsandīh
honsandīh
xvansandīh
xvarsandīh
hušnūtīh
farraxvīh
nimēž
sahišn
šnūman
šnūmak
šnōhr
ostōfrīt
vitvarīh

رضایت خاطر — huniyākīh
hupasandakīh

رطوبت — nam
namb
xvētīh
parvār

رعد — grīnāk
vīr
γarrānāk
dravānk
γarrānitan (غریدن رعد)

رعیت — ōstīkān
pātarm
pātram

رفاقت — brātīh
hamāxakīh
ham-brātīh
ham-ayyārīh
ham-dōšišnīh
ham-damūnīh
ayyārōmandīh
āyōjišn

رفاه — drūt
patēxvīh
hangirtīh

رفتار — raftār
rawišn
barišn
varišn

رفتار باشتاب — nidvārišn

رفتار خوب — nēvak barišnīh
nēvak rawišnīh
vahuman dārīh
nivāxtakīh

رفتار معتدل patmān kārīh
patmān kunišnīh

رفتاری rawišnīh

رفتگی rawišnīkīh
rōwišnīkīh
šavišn

رفتن raftan
rōwtan
šutan
vitartan
rēčītan
dwāristan
dwārītan
dwārišn
vāzītan
franāftan
nīdvārišn
šavišn
raftēnītan (سبب رفتن شدن)

رفتن باجبار akām tačišnīh

رفتن باشتاب patrōtan

رفتن دسته‌جمعی ham-spāh rawišnīh

رفته šutak

رفعت burzēnišn
apar ōžīh

رفع کردن ōgārtan

رفیع apar ōž

رفیق hamāhl
ham barišn
ham bālišn
hambāz
hanbāz
hūmitr
ham bāy
ayyārōmand
yār
ham ayyār
ham brāt
ham brātak

رفیق‌آزار ham brāt bēš

رفیق سفره ham-xurun

رقابت hamēstārīh
hamēmālīh
pityārakīh

رقابت کردن hamēstārēnītan
patyārakēnītan
patyārēnītan

رقیب hamēstār
patyārakēnītār
pityār
pityārak
hamēmāl
hamāhl
hambatīk

hambitīk
brātarōt
avīkān
ēwgat
ēbgat

رقیبانه hamēstārīhā

رکود armēštīh

رگ rag
paδ
pay

رمک‌گاو (نام خاص) ramak gāv

رمه pah
pasvīk
ram
ramak

رمه‌ای ramīk

رمه‌دار fšag
gōspandōmand
gōspand varzītār
fšōnēnītār
ramakōmand
hūramak (دارای رمهٔ خوب)
hūramakōmand ~

رمه‌داری gōspandōmandīh

رمه سردار ramak sardār

رمهٔ گوسفندان gōspandān ramak

رمه‌مند (رمه‌دار) ramakōmand

رمیده spōxtak

رنج ranǰ
anākīh
arg
āzār
āzarm
āzārišn
bēš
bēšišn
bēšītārīh
vēšišn
dart
gazand
vizand
rēš
sēž
pažm
pazd
pim
bār
vizāyīh
vizāyišn
abēšt (رهاشده از رنج وآزار)
ranǰ spōz (تحمل کنندهٔ رنج)

رنجاندن ranǰēnītan
rānēnītan

رنجبر ranǰwar
bēš burtār

رنج بردن	bēšītan
رنج بسیار	vas anākīh
رنج تحمل کردن	bēš burtan
رنج خور	gilak ōpār
رنج دادن	āzārītan
	bēšēnītan
	ayārtēnītan
	āzartan
	āzārtan
	bištan
رنج داشتگی	ranǰ dāštārīh
رنج‌دهنده	dartēnītār
	bēšēnītār
	bēš burtār
	dartkar
رنج زداینده	bēš tarvēnītār
رنج سپوز (برطرف کنندهٔ رنج)	ranǰ spōz
رنجش	adōšišnīh
رنج کلی	harvisp anākīh
رنجگی	ranǰakīh
رنج و آزار دیوان	dēvān bēš
رنجور	ranǰwar
	bēšōmand
	bēšt
	bēšīt
	bēš zat
	dartak
	dartōmand
	dušrām
	dušrāmišn
	rēšak
	darham
رنجورانه	ranǰakihā
رنجور بودگی	ranǰ-dāštārīh
رنجور شدگی	ranǰakīh
رنجور شدن	ranǰīhastan
رنجور شده	ranjak
رنجور کردن	bēšītan
	bēštan
	ranǰak kartan
	ranǰēnītan
	rēšītan
	raxtan
رنجور کنندگی	bēšītārīh
رنجور کننده	bēšītār
رنجوری	duš-rāmīh
	rēšgōnīh
	mustgarīh
رنجه	ranǰak
رنجه شدن	ranǰīhastan
رنجی	ranǰīk

رندیدن	randītan
رنگ	rang gōn gōnak gōnak gōnak (برنگ‌های‌مختلف)
رنگ آمیزی کردن	pēsītan
رنگ پوست	gōn
رنگ بور	bōr
رنگ تیره	dafr
رنگ سرخ مایل به‌قهوه‌ای	bōr
رنگ کردن	raštan ruštan
رنگین کمان	sanvar
رو (زبر)	azapar
روا	rawāk rōwāk
روابودگی	rawākīh
رواج	rawākēnītārīh viškītakīh
رواج دادن	rōwākēnītan rawākēnītan
رواج دهندگی	rōwāk dahišnīh
رواج دهنده	rōwāk dahišn
رواج کلام مقدس	mānsr hamāk rawišn
رواج نداشتن	arowākīh
رواق	dahlīč dahlīz
رواکردن	rōwākēnītan
روان (روح)	ruwān uštān hūruwānīh (نجات روان)
	ruwānīkān (روان‌های درگذشتگان) anōšak ruwān (دارای‌روان‌جاویدان)
روان (رونده)	rawān
روان (جاری)	tačan tazāk tačāk hūtak
روانان (نام خاندانی)	rvānān
روان‌بان	ruwān pānak
روان‌برگشته (گمراه‌روان)	vartak ruwān
روان دوست	ruwān dōst mitrō ruwān
روان دوستی	ruwān dōstīh
روانشاد (مرحوم)	hūfravart
روان شدن	tačītan tazītan tāxtan taxtan

روان شونده	frāč tačak
روان کردن	tačānītan tačēnītan
روان گاو	gōšurvan
روانه	visiy (گسیل) visē
روانه کردن	rōwākēnītan vāyēnītan visē kartan visiy kartan zam-
روانی (روحی)	ruwānīh ruwānīk
روایی	rawākīh rōwākīh
روب (روبیدن)	rōp
روباه	rōpās rōpāh
روبرو بودن	handēmānīh
روت (عریان)	rūtak
روت کردن (پرکندن مرغ)	rūtan
روح	gyān ǰān ruwān vaxš uštān
روحانی (روحی)	vaxšīk
روحانی (پیشوای دین)	dēn dastwar ērpat asrōk mānsrbar
روحانی دروغی	ahramōk ahramōg
روحانی زاده	ērpat zātak
روحانی زرتشتی	dastwar
روحانی مبتدی	nōk zōt
روحانی مسیحی	kalīsāīk
روح داشتگی	uštānīh
روح مخلوقات	mēnōk dāmak
روح نخستین	fravahr fravart
روح نگاهبان	fravart
روحی	ruwānīh gyānīk mēnišnīk
روحیه	mēnišn
رود	rōt zarēh
رود ابایک	abāyak
رود ارنگ	arang
رود اروند	arvand rōt digtal diglat

رود اوداك	ōdāk
رود اوشان (جیحون)	ōšān
رودبار	rōtbār danb
رود بلخ	baxl rōt
رود تورت	turt rōt
رود تورمت	turmat rōt
رود جیحون	ōšān
رود چیترومیهن	čitrōmēhan
رود خانشیر	xānšēr
رودخانه	rōt-xānak
رود خجند	xuǰand rōt čaxšarīt čašrīt
رود خوره	xvarē rōt
رود خوریگ	xūrīg rōt
رود دائیتی	dāiti vēh dāiti
رود درغم	dargām rōt
رود درگام	dargām rōt
رود دجله	arvand rōt digtal diglit diglat
رود راوك	rāwak
رود زاب	zahāp
رود زند	zand rōt
رود زیشمند	zišmand rōt
رود سند	mitrān rōt hindūkān rōt
رود شید	šēt rōt
رود فرات	frāt rōt
رود قابل کشتی‌رانی	nāvtāk hū-nāvtāk
رودك	rōtak
رود کوچک	katas rōtak
رود مسرقان	masrakān
رود موکرستان	mukristān rōt
رود نایوتاك	rōt i nāyōtāk
رود نیو (درمصر)	niv
رود واتینا	vātainā
روده	rōtīk rōt
رود هندوان	hindūkān rōt
رودها	rōtīkān
رود هیرمند	hētōmand rōt
رودی	rōtīk

روورك (نوعی گیاه طبی است) rūrak

روز rōč
(نیمه‌اول‌روزازسپیده‌دم تانیمروز) hāvan gās

روزانه rōčkārīk
rōčvārak

روزاول پنجوه ahuvēt gās

روز بیست ودوم‌ماه vāt

روز بیست وهشتم ماه zāmyāt

روز بیست وهفتم هرماه asmān

روز پسین pasēn

روزپنجم ازخمسه مسترقه vahištōišt gās

روز پنجم ماه spandarmat

روز دوازدهم هرماه māh

روز دوم ازخمسه مسترقه uštavēt gās

روز سوم ازخمسه مسترقه spantōmēn gās

روز شمار amār
hamār

روزگار rōčkār
gēhān

روزگاری rōčkārīk

روزگاسانی ahuvēt gās

روزمره rōčkārīk
rōčvārak

روزن čašmak
rōčan
rōzan

روز نوزدهم ازهرماه fravartīn

روزنه rōčānak

روز وشبان rōč šapān

روزه rōčak

روزها rōčān

روزهای خمسه مسترقه gāsān

روزهجدهم از هرماه rašn

روزی (خوراك روزانه) nān
patrōč
rōčīh

روزی دادن parvarītan

رؤسای دین patān i dēn

روسپی ǰēh
ǰah
ǰahi
ǰahīk
rūspīk

روسپی‌زاده rōspīk zātak

روسپیگری rūspīkīh
ǰahīk-kārīh

روستا rōstāk
rōtastāk
rōtstāk
āvahan

dastkart
vis
šōisr

روستائی dēhīk
dahyūkān
kārān

روش rawišn
rōwišn
rōwišnīh
ētōnīh
brahmak
gōn
gōnak
hangōšītak
mang
rastak
rastakīh
ristak

hamē rawišnīhā (به‌روش دائمی)

روش پنهانی nihān rawišn
nihān rawišnīh

روش پیوسته patvand rawišnīh

روش تقدیر brēh rawišnīh

روش ثابت stēnīk rawišnīh

روش درست drust rawišnīh

روش غیر منقطع patvand rawišnīh

روشن rōšn
rōšnāk
rōšnak
virōčak
šēt
pērōk
rōčāk

روشنان (ستارگان ثابت) rōšnān

روشنانه vēnāfdākīhā
rōšnīk
rōšnīhā (بروشنی)
rōčanāk
sōčāk
vaxšak
vaxšāk
bāmīk
afrōz
brahm

روشنایی brāh
brah
brēh
brāzišn
pātrōč
patrōg
frōk

روشنایی بی‌پایان anaγra-rōšnīh
asar rōšnīh

روشنایی جاویدان asar rōšnih

روشنایی خورشید xvaršēt rōšnīh

روشنایی کل harvisp rōšnīh

روشن بودگی	vēnākīh
روشن بینی	rōšn vēnākīh
روشن چشم (نام خاص)	rōšn čašm
روشن شدن	vaxšītan
روشن طبیعی	xvārōšn
روشن‌فکر	frāxv mēnišn
روشن‌فکری	rōšn mēnišnīh hōšīh
روشن کردن	afrōxtan afrōčēnītan āsiftan rōšnēnītan rōčēnītan vazēnītan
روشن کننده	afrōz
روشن کننده خانه	katak afrōč
روشنگر	rōšnkar
روشن‌گردانیدگی	rōčēnītārīh
روشن گری	rōčēnītārīh
روشن گویی	rōšn gōwišnīh
روشن منشی	rōšn mēnišnīh
روشنی	rōšnīh bānūy xvar frōk brēh

روشنی بخش	xurag baxtār
روشنی دهندگی	xurag baxtārīh
روشی	rawišnīh rōwišnīh rōwišnīkīh
روغن	rōγn rōkan rōvan rōvn
روغن‌اندود	rōγn handūtak
روغن خوراکی	rōγn xvartīk
روغن‌دار	rōγnōmand
روغن زیتون	rōγn i zaytān
روغنی	rōγnīk
روفتن	ruftan rōtan
روگردان نشده	avartāk
روم	hrōm
رومی	hrōmāyik hrōmāy hrōmāk hrōmīk rōmīk
رومیان	hrōmāyān
روناس	rōδēn rōyan

روندگی rōwišn

روندگی کار kār raftārīh

روندگی دائم hamāk rawišnīh

رونده rawāk
raftār
matār
tačāk
āyōxtār

رونویس pačēn

رویِ apar
hačapar

روی rōδ
rōy

روی (فلز) rōδ
rōy

رؤیا xumr
xvamr

رؤیای بد būšāsp
xaxštōmand

رویاندگی vaxšēnītārīh

رویاننده vālišn dātār
vaxštōmand

رویانیدن rōdēnītan
vaxšēnītan

رؤیت sahišn

رویدادن ōftātan
ōpastan
ētōnīhītan

رویش rēδišn
rōyišn
ārōvišn
xaxšišn

رویشمند ārōyišnōmand

رویشمند (نام کوه) kōf i rōyišnōmand

رویندگی rōδišn
rōyišn

رویندهٔ ذاتی āsn rōy

رویی (روئین) rōδēn

رویدگی rōδišn
vālišn

رویدن rōδītan
rōvīhītan
rostan
rustan
vaxšītan

رویدنی ārōyišnīk

رویده rust

روئین rōδēn
rōyēn

رویهم چیده hamvašt

رها rastār

رها شدن bōǰītan
rastan

رها شده rastak
buxt
buxtak
hilišnīk
sišd

رهاکردن hištad
vitaštan
vitāštan
višātan
vizārtan

رهام (نام خاص) rahām

رهاکننده hištār
bōžāk

رهاننده sōšyāns (سوشیانت)
sōkšyāns

رهایش hilišn

رهایی rastārīh
hilišn
hilišnīh
bōžišn
bōžākīh
buxtakīh
buxtārīh
buxtišn
buxtišnīh

رهبر pēšōpāy
pēšār
rāyēnītār
sardār

رهبری nayišnīh
pēšōpāyīh
rāδēnišn
rāδēnītārīh
rāyēnītārīh
nimūtārīh

رهبری شده rāδēnišnīk

رهبری کردن nayītan
nītan
rāyēnītan
nikēžītan

رهبری کننده rāδēnītār
rāyēnītār

رهرویی که باینسو وآنسو متمایل‌شود škarvan

رهنما rās nimūtār

رهی (بنده) rahīk

ری (شهر) ray
rey
rāg
raγ

ریاست sardārīh
patīh
ratīh
pēšgāsīh
pēšōpāyīh

ریاست خانواده	mān patih
ریاست قانونی	dātīhā sardārih
ریاکار	dō saxvan
ریحان	sparam sparγam
ریختگی	rēčišnīh rēxtakīh
ریختن	rēxtan rēčītan āšixtan patrōtan afšāntan tāxtan vēxtan
ریختنی	rēčišnīk
ریخته	rēxtak
ریدك (غلام بچه)	rētak
ریدن	rītan
ریزش	rēčišn rēzišn
ریزش کردنی	rēčišnīk
ریزندهٔ آب	āp-rēč
ریزه کاه	kāh rīzak
ریسمان	rasan rištak
	arvis arvēs šnor
ریسیدن	tatan
ریش (مو)	rīš rēš
ریش (مجروح)	rēš rēšak
ریشخند	apasōs riyahrīh
ریشخند شده	apasōsbar
ریشخند کننده	afsōsgar apasōsgar
ریش کردن	rēšēnītan rēšītan
ریش کنندگی	rēšītārīh
ریش کننده	rēšītār
ریشگون	rēšgōn rēškōn
ریشگونی	rēšgōnīh
ریش ناکننده	arēšītār
ریشه	rēšak
ریشه‌ای	bunīk

ریگک	rīk rēg
ریم (چرك ، جراحت)	rīm mūzg
ریمنی	rīmanīh
ریواس	rēpās rēwās
ریومهران (نام خاندانی)	rēv mitrān
ریوند (نام کوهی است)	rēvand
ریه	suš sušak
ریه‌ای	sušīk
رئیس	pat rat sālār aparak framātār framānpat kamārīk pēšgās patīhak sardār vinārtār
رئیس‌الوزراء	handarz pat
رئیس‌پزشکان	drust pat
رئیس خانواده	mērak mīrak mān pat katak xvatāy mānpat nar vispat
رئیس خزانه	handarz pat
رئیس دادوران	dātwarān dātwar
رئیس دارائی	handarz pat
رئیس دبیران	dipīrān i mahist
رئیس دربانان	darpān sardār
رئیس دفتر شاهی	dipīrān i mahist
رئیس دهکده	vispat
رئیس سران وبزرگان	sar xvatāy
رئیس شهر یا ناحیه	zand pat
رئیس قبیله وطایفه	zandpat
رئیس ناحیه	kustak pat
رئیس یهودان ایرانی	rēšgalūtak

ز

زاده شده	zāt
زاده نشده	arōyišnīk
زار	zariyōmand
زارپیمان (سست‌پیمان)	zār patmān
زارع	fšag varzītār varzīgar varzvar vāstryōš varz kartār
زاری	zārīk brāmak mōyak mūyak mōdak čihišn
زئیریچ (نام دیو)	zairič
زاب	zahāp
زابل (شهر)	zāvul
زابلستان	zāvalistān
زادان	zātān
زادسپرم (نام خاص)	zātisparham
زادن	zātan zahītan
زاده	zātak zahāk
زادهٔ انسان	martōm zātak
زاده اهریمن	hunušak
زاده شدگان	zātān

	garzišn
زایچه گرفتن	handāxtan
	zamān handāxtan
زایچه گیر	handāxtār
زاید	aparrēxt
	parrēčišn
زاید بودن	parēxtan
	parrēxtan
زایش	zāyišn
زایش بسیار	frāy zāyišnīh
زایش خوب	hūzāyišnīh
زایشمند (متولد)	zāyišnōmand
زایشی	zāyišnīh
زایل کننده	škand
زایمان راحت	hūzāyišnīh
زاینده	ziyāk
	zahāk
	zāyišnīk
زائو	apus
زاییدن	zātan
	zahītan
زاییدن موجود اهریمنی	višūtan
زاییده شده	zātak
زاییده نشده	azāt
زبار (نام کوهی‌است در ری)	zabār
زباله	kūtak
	šēvan
	zādišnīh
	šēvan ut mōyak
زاری کردن	garzītan
	zāditan
	hangrāyītan
	čihītan
زاغ (کلاغ زاغی)	zaγ
	kāskēnak
زاغی	zaγīk
زالو	zalūk
	dēvōk
	dēvak
	dēvak i andar āp
زامیاد (نام روز بیست وهشتم‌ماه)	zāmdāt
	zāmyāt (ایزد زمین)
زانو	zānūk
	dānūk
	jānūk
	šnūk
	ušnūk
زانیه	jēh
زاو (نام خاص)	uzāv

زاهد	ahrav
	ahrāyīhōmand
	ašōk
زاياننده	zāyēnītār
زايچه	zāyīč
	zāyīčak
	zēč
زبان	huzvān
	uzvān
	zufān
	zuwān
زبان‌آوری	huzvānīkīh
زبان بستگی	agōvākīh
زبان‌دار	uzvānōmand
زبان‌دراز	drāyēnītār
	huzvān drānā
زبان فارسی	pārsīk
زبانمند (زبان‌دار)	uzvānōmand
زبانهٔ آتش	xvarg
	xvaraγ
	vaxš
	vazišn
زبانی	huzvānīh
	zuwānīh
زبری	društīh
زبرین	aparak
زبل	zibāl
زجر	āzār
زجر دادن	ayārtītan
زجر دهنده	apāč drītār
	drītār
زحل	kayvān
	kēvān
زحمت	bār
	āzār
	škaftīh
	škaft (پرزحمت)
زحمت‌کش	ranǰwar
زخم	zaxm
	rēš
	rēštakīh
	xvar
	xvarak
	dartmāl
زخم‌دار بودن	rēšgōnīh
زخمی کردن	darītan
زدگی	zatakīh
	žatārīh
زدن	zatan
	žatan

ōžatan
ōzatan
ōǰatan
kōstan
kōftan
kōpēnītan

زدنی zanišnīh

زد وخورد ham-zanišnīh
snēh

زد وخورد کردن vānītan

زدودگی awistarišn

زدودن uzdātan
awistartan

زده zatak

زده شده zat

زر zarr
zar

زراپت (نام جا) zarāpat

زرآگین zarāgēn
zarēn pēsīt
zarrēn pēsīt
zarōmand

زراعت kišt
kišn
kašišn
kišvičār
ǰurtāk kartārīh
varzāk
vāstryōšīh
vāstrēnišn
varz ut kišn

زراعت بد duš-varzīh

زراعت کردن kāštan
kištan
vāstārēnītan
fšōnēnītan
vīrāstan

زراعتی varzišnīk

زرافه(شترگاوپلنگ) uštur gāv palang

زراندود zarāsuftak
zarāšūft
zarrēn pēsīt

زرتشت (نام خاص) zartuhšt
zartuxšt
zartušt
zartuštān (از خاندان زرتشت)

زرتشت سپیتمان zartuxšt i spitāmān

زرتشتی (مزداپرست) vēh-dēn
hū-dēn
xūp dēn
mazdayasn
mazdayast
mazdēsn
māzdēsn

mazdēst
ahūrāymazd-yaz

زرتشتیان vēh-dēnān

زرتشتی‌بودن vēh dēnīh
kustak barišnīh (کستی‌برکمرداشتن)

زرد zart
zard

زردآلو zartālūk

زر دار zarōmand

زرد چوبه zart čōpak

زرد رنگ zargōn

زرد رنگی zargōnīh

زرد زانو zart ušnūk

زرد شدگی zartīh

زرد گوش zart gōš

زرد موی zart mōy

زردهٔ تخم‌مرغ zartak

زردی zartīh

زرساز zarāgēn patkar

زرگر zargar
zarkar
zarrikar
zarāgēn patkar

زرگری zargarīh
zarkarīh

زرگون zargōn
zarāgēn

زرگونی zargōnīh

زرمان (پیری) zarmān

زرمند (زردار) zarōmand

زرمند (رود) zarrōmand

زرنج (شهری‌درسیستان) zrang

زرنجیان zrangakān

زرنگ asūtak
šēpāk
tuxšāk
tuxšēnītār
vartak

زرنگ (شهری در سیستان) zrang

زرنگار zarēn pēsīt
zarrēn pēsīt

زرنگی tuxšākīh
tuxšīh
tuxšišn

زروان zurvān
zaruvān
zarvān

زروان بیکرانه zurvān i akanārak

زروانداد (نام‌خاص) zarvāndāt

زروان کرانه‌مند
zurvān i kanārakōmand

زروانی (معتقد به‌خدای زروان) zurvānīk

زرومند (دریاچه) zarōmand

زره zarēh
zrēh
gurtīh
grīvpān
garīvpān

زره‌پوش zrēh patmōxt

زره کیانسه (دریاچه) kayānsē(h)

زره نگاهبان سینه‌و گردن grīvpān

زری (پارچه) dēpāk

زریچ (دیو) zarič
zērič

زریر (نام‌خاص، برادر گشتاسپ‌شاه) zarēr

زریران (منسوب‌به زریر) zarērān

زریستن (نام خاص) zarristan

زریمند (زار، پریشان) zariyōmand

زرین zarēn
zarrēn
zarōmand
zargōn
zarāgēn
zarmayo

زرین‌رنگ zarrēn gōn

زرین سُم zarāsuftak

زرین شاخ zarrēn srūk

زرین گون zarrēn gōn

زریون zarrēn gōn
zaryōn
zarāgēn

زشت zišt
zēšt
duš-čihr
duš
gast
zištīhā (بزشتی)

زشت پیکر duš karp

زشت ترین vattom

زشت کار doškār

زشت کردار anākīh kartār

زشت گفتار duš gōwišn
duš-huxt

زشت گو duš saxvan

زشت گوئی duš saxvanih

زشتی zištīh
duš-čihrīh

زعفران kurkum

زمان zamān
zamun
žamān
ǰamān
damānak
damān
zim
rōčkār
awām
āvām
ōvām
gās
gāh
brin (قسمتی از زمان)
ǰāvar

زمان ازلی akanārak zamānak

زمال اندك tak zamān

زمان بزمان zamānak zamān

زمان بهیزکی zamun vēhīčakīk

زمان بیکرانه zurvān i akanārak
akanārak zamānak

زمان تمام harvisp zamān

زمان دراز dirang zamān
dērang zamān

زمان دور bētōm zamān

زمان طولانی dērang zamān

زمان‌کرانه‌دار zurvān i kanārakōmand
zamān i dērang xvatāy
zamān i karānakōmand

زمان کرداری žamān kartārīh

زمان کلی harvisp zamān

زمان کوتاه tak zamān

زمان گذشته dēr zamān

زمانگی zamānakīlı

زمان‌محدود zurvān i kanārakōmand
zamān brin spihr
zamān i dērang xvatāy
zamān i kanārakōmand
zurvān dērang xvatāy

زمانمند (زمان‌دار) zamānōmand

زمانه zamānak
žamānak
damānak
zurvān

زمانی zamānīh
žamānīh
žamānīk
zamānīk
āvāmīk
ōvāmīh
ōvāmīk

زمب (لوعی بازی است) zamb

زمرد uzumburt
uzmuburt

زمزمه dranǰēnišn
dranǰišnīh
vāč
vāǰ

زمزمه کردن dranǰēnītan
dranǰišn
vāč griftan

زمستان zamistān
damistān
zam
zim
sarmāk

زمستانی damistānīk
zamistānīk

زمین zamīk
žamīk
zām
damīk
būm
aršašvang (فرشتهٔ نگهبان زمین)

زمین افتادن šastan

زمین بایر akišt
nē kišt

زمین برجسته vaxš

زمین پرسنگ و کلوخ kapārak

زمین پیمایی (مساحت کردن‌زمین)
zamīk patmānīh

زمین‌چهره (گونه‌ای از ستارگان)
damīk čihrak
zamīk čihrak

زمین زراعتی varz būm

زمین کشت‌شده kišvičār

زمین‌لرزه būm čantak
vizandak

زمین لم‌یزروع akišt

زمین مزروع kišnzār
kišvičār
marz
rōstāk

زمین نکشته akišt

زمینه ōstām

زمینه‌دار ōstīkān

زمینی zamīkēn
zamīkih

زمینی که درپائین رود قراردارد frōt āpik

زن (زننده) zan
žan
γan

زن zan
žan
zahānak
ziyāk
ziyānak
nārīk
nāirīk
azātān (زنی که دیرآبستن‌میشود)
azātān (زن نزائیده)
āzāt (زن مستعد برای بارداری)

زناشوئی nāirīkīh

زناشوئی غیرقانونی ham bavišnīh

زن اصلی zan i pātixšāyīhā

زناکاری ǰēh marzīh

زناکردن marzītan

زنان mātakān

زن بارگی zan kāmakīh
nāirīk kāmakīh
ǰēh marzīh

زن باره ǰēh marz

زن بدکاره ǰah
ǰahi
ǰēh
ǰahīk

rōspīk
rūspīk

زن بزرگ‌زاده bānūk

زنبور vapz

زنبور عسل magas angapēn
magas i angupēn

زنبق čambak

زن بودن mātakīh
zanīh
žanīh

زنجبیل sangipēl

زن جوان ziyānak

زنجیر zanǰīr
fšag

زنجیربازی (نوعی‌بازی‌است) zanǰīr vāčik

زن حائض zan i daštān
daštānīk
daštānōmand
čihrōmand
daxšakōmand
vartak

زنخ zanak

زن خدمتکار zan i kārān

زن خوب	vēh mātak
زن خوب بودن	vēh mātakīh
زند	zand
زندآموز	zand čāšītār
زندان	zindān zēndān
زندان اشکان (شهر)	zindān i aškān
زندانبان	zindān-pān zēndān-pān
زندانی	zindānīk zēndānīk vartak
زندقه	zandīkīh
زندگان	hastān
زندگی	ahu axv zindakīh zīvandakīh zīvišn zīyišn zīvišnīh zīvišnōmandīh
زندگی بارامش	rāmišn mānišnīh
زندگی بد	duš rawišnīh duš zīvišnīh
زندگی بکام	kāmak mānišn
زندگی بی‌سامان	duš zīvišnīh
زندگی پرفعالیت	tēž zīvišnīh
زندگی خوب	hū-zīvišnīh vēh zīvišnīh hūmānišnīh frāxv zīvišn
زندگی دراز	vēš zīvišnīh dēr mānišnīh dēr ǰānīh dagr-zīvišn (دارای زندگی‌دراز)
زندگی کردن	zīstan zīvistan zīvastan
زندگی مشترك	hambūtīh
زندگی مشترك داشتن	hambūtan
زنده	zindak zīvandak zīvandag zīvīk zīvišnōmand ǰānōmand ǰānavar uštānmand uštānōmand

زنده بودگی zindakīh
zīvišnōmandīh
uštānīh

زنده بودن zīvastan
zīvistan

زنده جاویدان hamē zīvandak

زنده دل čāpuk

زنده ساختن مرده hangēžēnītan

زنده کنندگی zīvēnītārīh

زنده کننده zīvēnītār
zindakkar

زنده گرداندن zīvēnītan

زنده نبودگی azīvandakīh

زندی zandīh
zandīk

زندیق zandīk

زن زشت‌روی duš kanīk

زن سبک jēh

زنش zanišn
žanišn
ǰanišn
ōžanišn

زنشمند (ویرانگر) zanišnōmand

زنشی zanišnīh
γanišnīh

زنک ziyānak

زن کامگی zan kāmakīh
nāirīk kāmakīh

زن کامه mātak kāmak

زنگ darāy
drāy

زنگاری kāskēnēn

زنگ زدن drāhītan

زنگ‌نوازی zang vāčīk

زنگی (سیاه‌پوست) zangīk

زن مستعد برای بارداری āzāt

زن نخستین (حوا) mašyānag
mašāna
mašān

زنندگی zatārīh

زننده zan
zatār
žatār
awzatār
kōšītār

زننده' درد dart zatār

زننده' دیوان dēvān zatār

زنهار zēnhār
zīnhār

زن هفت‌ماهه آبستن haft māhak
haft māhīk

زنی — zanīh
žanīh
mātakīh

زنی‌گاو (نام خاص) — zēnigāv

زو (نام خاص) — ōzav
ūzav
ūzāv

زواره (نام خاص) — uzvārak

زوال — sēžišn
kahvanīh

زوت (یکی از پیشوایان مذهبی در مراسم دینی) — zōt

زوج — dvāt

زوجین — mutfan

زود — zūt
tēz
tēž
has
raγ
šapīk

زود رنج — nāzūk

زود زود — nōk nōk

زودگذر — sačišnīk
vitarišnīk
hūrawānak

زودی — zūtīh

زور — zōr
zūr
zōhr
stahm
stahmakīh
must

زورق (سا کو) — makūk

زورکی — stahmak

زورگو — must aparmānd

زورمند — amāvand
ōzōmand
ōžōmand
zōrōmand
zōrīkōmand
frāy nērōk
pat nērōk
stawr
sūr
tak
takīk

زورمندانه — zōrōmandīhā
stawrīhā

زورمندتر — pat zōrtar

زورمندی — zōrōmandīh
ōžōmandīh
ōǰōmandīh
ōzōmandīh
mēh ōžīh
ōžīh

زوری zōrīk

زوشک (نام خاص زن) zūšak

زوئیش (نام خاص) zōiš

زهار zahār

زهد ahrāδīh
ahrāyih
ahrāyīh kartārīh
ahravīh

زهدان kūtak

زهد ورزیدن ahrāyīhēnītan
ahrāyēnītan
ahrāyīh franāmišnīh(تمایل به‌زهد)

زهر zahr
viš

زهرآگین višōmand
zahrōmand

زهرآلود višōmand

زهرآمیز višgumēxt

زهردار zahrōmand
višapāk
višakīk

زهرساز zahr kartar

زهرمند višgumēxt
zahrōmand

زهره zahrak
zahr pōšišn (کیسه صفرا)

زه‌کمان zēh
zīh

زیاد afzōn
afzōnīk
vas
vasyār
vaspur
vēš
vasīhā (بطور زیاد)
vēšīkān
vēšīhā (به‌تعداد زیاد)
frāy
frēh
amar
mārīk
čand
čandān
čand-hān
frahist

زیاد ترین frēhist
vēšist

زیادتی afzāyišn
afzōnīh
frēhīh
frahistīh
frēhistīh
vēšišn

زیاد کردن afzāyītan
afzōtan
vēšišn

زیاده‌رو	frāybūt
زیاده‌روی	frēhbūt frēhbūtīh frāybūtīh apahrēčišnīh
زیان	ziyān ziyāk vizand vizāyīh vizāyišn vizūtakīh astānak kāhišn
زیان آور	frašēw mūtak vizāyišnīk ziyān āwarišn
زیان رساندن	zīnītan zīnēnītan vizāyastan
زیان رسانندگان	zīnētārān
زیان رساننده	vizūtār
زیانکار	ziyānkār ziyānkārīk mūtak
زیانکاری	ziyānkārīh
زیان کردگی	ziyānīh
زیانمند	ziyānōmand
زیانمندانه	ziyānmandīhā
زیانمندی	ziyānmandīh
زیانی	ziyānīh
زیبا	afrank hūčihr hūčihrak hūkarp hūrōyišn hūrōst hūrūst hūrūstak hūtāšīt huzīrišnīk arus naxšak nēvak nēvakōk sahist xūp xūpsār xvaš bāmīk barāzišk
زیبا دوستی	vēh dōstīh
زیبا ساختن	vīrāstan
زیباگرداندن	pēsītan pērāstan vāxtan

زیبائی	bahr
	brāh
	brah
	barāziškīh
	hūčihrīh
	nēvakīh
	xvašīh
	sahīkīh
زیبائی اندام	tan bahr
	tan brēh
زیتون	zait
زیج	zīč
	zēč
	zīk
	zāyič
زیر	adar
	azēr
	ēr
	frō
	frōt
	fru
	hačadar
	ni
	nisy
	nitūm
	pāyēn
	tay
زیرا	čē
زیراکه	kū
زیر بغل	kaš
	kašak
	ērkaš
زیر بودن	frōtīh
زیر پای	hačadar pāδ
زیر پیراهنی	taškanak
زیر تر	ērtar
زیر دست	pāyēnak
زیر دستان	hačiš kasān
زیر دست نواز	hačiš kasān dāštār
زیر رفتن	frōtīhītan
زیرك	zīrak
زیرین	pāyēnak
زیست	zīvišn
زیستگی	zīvišnīh
زیستن	zīstan
	zīvastan
	zīvistan
	mānistan
زیستن (با هم)	ham bavēnītan
	ham būtan
زیستی	zīvišnīh
زیشك (نام خاص)	zīšak

zišmand rōt — زیشمند رود (درسغد)

zēn — زین اسب
kōfak

zēn afzār — زین افزار (سلاح جنگ)

zēnāvand — زیناوند (بیداردل، مسلح)

zēnāvandēnītan — زیناوند کردن (مسلح کردن)

zēnāvandīh — زیناوندی (مسلح بودگی)

zēn vāčīk — زین‌بازی (تمرین‌بکاربردن‌سلاح)

pērāyak — زینت
pērāyišn
pēsišn
vīrāyišn
harvisp pēsīt (آراسته بزینت‌های‌گوناگون)

azrāyītan — زینت دادن

pēsīt — زینت شده
pēsītak
pistak
pasiǰak
pasičak

vīrāyišnīh — زینت کردگی

pēsītan — زینت کردن

zaini gāv — زئینی‌گاو (نام خاص)

ژ

ژاژ خاییدن
zāz drāyītan

ژاژ درایيدن
zāz drāyītan

ژرف
zōfāk
zūfāk
zofr
zufr

ژرفا
zarfāk
zofrāy
zōfāyīk
zafākīh
zōfāk
zūfāk
zūfāy
žūfāk
žufr
žufrāk

ژرف پایگی
zufr pāyīh

ژرف پایه
zufr pāyak

ژرف پایی
zufr pāyīh

ژنده
zand

ژنده پیل
zand pīl
zanda pīl

ژوژه (خارپشت)
žūzak
zūzak

س

ساتراپ
šatrdār
šahrap
šasap
šasapīkān (منسوب به‌ساتراپ)

ساحر
kundāk

ساحره
parīk

ساحری
kētīkīh

ساحل
kanār
kanārak
danb
bār
drayā bār (دریابار)

ساعت
kartakīh
pasāčišn

ساختمان
diz
dēs
dēstak
dēsišnīh

ساختن
sāxtan
pasāxtan
passāxtan
dēsītan
dištan
mārzatan
vīrāstan
frakandan

ساختن خاکریز یا بنا
dēzītan

ساخته
sāxtak
pasaxtak
passāxtak

ساخته جمشید	Jamkart
ساختهٔ دست	dast-kart
	dastvarz
ساخته شدگی	sāčišn
ساخته شده	passāxt
	passačak
	tāšīt
	kartak
	distak
ساخته شده از زر	zarrēn kart
ساخته شده از برنج	brinǰēn
ساخته شده ازسنگ لاجورد	kāskēnēn
ساخته شده از قلعی	arzīzēn
ساخته مینویان	mēnōkān tāšīt
سادگی	afrēftārīh
ساده	narm
	ērmānak
ساده ترین	xvārtom
سار	sār
	āsēn sār (نوعی سار است)
سارق	dūzt
	dūz
	dūž
	dūzd
ساروج	čārūk
	dūsīn
	gač
ساروج شده	gač kart
ساروج کردن	dūsīnītan
ساروج گران	čārūkarān
ساروجی	čārūkēn
	gačēn
	dōsēn
ساروجین	čārūkēn
سازش	pasāčišn
	sāčišn
	sāxtārīh
سازشی	sāčišnīk
سازگار	sāčišnīk
	pasāxt
	čāpuk sačišn
سازگار بودن	hūsačītan
سازگاری	hūsāčakīh
	sāxtārīh
سازندگانه	passāxtīhā
سازندگی	sāxtārīh
سازنده	dēsāk
	passāxtār
	tāšītār
ساس	sās
ساسان	sāsān
ساسانیان	sāsānān
	sāsāniyān

ساعت	zamān hāsr
ساعد	aršnēz aršnēzak
ساعی	xōrtāk xvēš-kār tuxšāk
ساعی بودن	tuxšākēnītan
ساق	sāg
ساق پا	paitištān patištān pāy zang dō zang (دارای دو ساق‌پا)
ساقه	sāg
ساقه درخت	van
ساقه نی	nāy bun
ساکت	agōyāk tōšīt tušn tušt
ساکن	māhmān māništak
ساکنان سرزمین ماد	mādīgān
ساکنان عمان	mēčīnīkān
ساکن شده	nišānītak
سال	sāl zim sāl drahnā (طول یکسال)
سالار	sālār
سالاری	sālārīh
سالان	sālān
سالانه	sālvār
سال بهیزکی	vihēčakīk
سالخوردگی	zarmān
سالخورده	pīr
سال‌دار	sālvār
سال‌داری	sālakīh
سال شمار	sālmar
سال شمسی	ōšmurtīk
سالگی	sālakīh sālīh
سالم	drudist druyist drust durust avīmār abēš tan-drust druvist annām
سالمار	sāl-mar
سالنما	zīk

ساله	sālak
سالی	sālīh
سالیان	sālān
سالیانه	sālvār
سام (نام خاص)	sām
سامان	sahmān sāmānak sāmān rāyēnišn vinārišn nihišn nihātak rāyišn
سامان دادن	vinārtan rāyēnīt kartan
سامان داده شده	vinārtak
سامان‌دهندهٔ همه‌چیز	hamāk rāyēnītār
سامان‌مند	sāmānōmand
سان (مانند)	sān
سان (رژه)	ēvarz
ساو (باج)	sāy sāk
ساوول (نام دیوی است)	sāvul
سایبان	āsāyak
سایش یافته	afsūt
سایه	asāyā asāyak sāyak
سایه‌دار	asāyak
ساییدن	sāyītan sūtan sūdan
ساییده شده	afsūt
ساییده شده در هاون	hūt
سبب	vahān vahānīk vihān vihānak ǰatak rād (بسبب) rāy
سبد	kavātak
سبز (تر وتازه)	tar
سبز (رنگ)	sapz zargōn zarrγōn zarmayo (سبزرنگ)
سبز رنگ	zaryōn
سبزرنگی	zargōnīh
سبزه	murv ārōyišnīk

سبزی zarrγōnīh
سبزی خوردنی tarak
kākīčak (نوعی سبزی)

سبقت frāčīh
frāčtarīh
pēšīh

سبقت خوب hūpēšīh

سبقت یافتن frāčītan

سبک sapuk
spuk
xvār

سبکانه sapukīhā

سبکی spukīh
xvārīh

سپارنده apaspār
apaspārtār

سپاس spās
šnūmak
šnōhr
šnāyišn
šnūmakān
xšnāyišn
āzātīh

سپاسدار hūspās
spāsōmand
spāsdār

سپاس داشتن spās dāštan
spās hangārtan
šnāyītan

سپاس شناس spās šnās

سپاسگزار burt šnōhr
hūspās
āzātīh-kar

سپاسگزار بودن āzātīh dāštan

سپاسگزاری āzātīh kartārīh
hūspāsīh
āzātīh guftan

سپاس گفتن āzātīh guftan
āzātīh kartan
āzātīh dāštan

سپاسگویی spās gōwišnīh

سپاسمند spāsōmand

سپاه gundak
gund
hēn
laškar
spāh

سپاهان (اصفهان) spāhān

سپاهبدان سپاهبد spāhpatān spāhpat

سپاهی artēštār

سپاهی خوب (دارنده) hu-artēštār

سپاهیگری laškarīkīh

سپر spar
makind

سپر بازی spar vāčīk

سپرغم (ریحان) sparam
sparham
sparγam

سپرغم خسروی (شاه‌اسپرم) husraw sparγam

سپردگی apaspārišnīh

سپردن apaspārtan
dātan
spartan
spurtan
spurtītan
vispurtan
gumārtan
ōspurtan (ره سپردن)

سپرده (ودیعه) ōstān

سپرده شده apaspārak

سپرز spul
spurz
sparz
spihr

سپرم (اسپرغم ، ریحان) sparam
sparham
sparγam

سپرنک (نام خاص) sparnak

سپری ōspūrīk

سپری شدگی sačišn

سپری شدن sačītan
uzītan

سپس pas

سپنج aspanǰ

سپنجروش (نام دیو) spenǰruš

سپند (دانه) spand

سپندارمذ spandarmat
spendarmat
spendmat

سپند مینو spannāk mēnōk
spēnāk mēnōk
mēnōk spend
spantōmēn

سپوختن spōxtan
aspōxtan

سپوخته spōxtak

سپهبد spāhpat

سپهبدی spāhpatīh

سپهر spahr
spihr

سپهری spihrīh

سپهر آمیزنده spihr i gumēčišnīk

سپهر اختران spihr i axtarān

سپهر برین spihr i hačapar spihr

سپهر ناآمیخته spihr i agumēčišnīh

سپهسالار spāh sālār
spāh sardār

سپیتام	spītām
سپیتمان (نام نیای زرتشت)	spītāmān
سپیتور (نام خاص)	spītur
سپید	spēt
سپیدار	spēt dār
سپید با (غذا)	spēt-pāk
	spēt-vāk
سپید جامه	spēt vistarg
سپید چشم (دارای چشم روشن)	spēt dōisr
سپیده دم	bām
	hūš
	hūšbām
سپید رود	spēt rōt
ستاده	stadak
	stēndak
ستاده پایی (ثبات قدم)	stēnīk zangīh
ستاده‌پستان (دارای سینه برجسته)	stadak pistān
ستارگان آب‌چهره	āp-čihrān
ستارگان برج خوشه	brātarān
ستارگان ثابت	rōšnān
ستارگان گوسفندچهره	gōspandān čihrak
ستارگان نوع زمین	zamīk sratakān
ستاره	stār
	star
	stārak
	apāxtar
ستاره آب چهره	āp-čihrak
ستاره‌ای	axtarīk
ستاره‌ای درمنطقةالبروج	bašn
ستاره بشن	bašn
ستاره بهرام	bahrām
ستاره پایه	stār-pāyak
ستارهٔ پروین	parvēč
ستاره پیش پرویز	pēš parvēč
ستاره ترهک	tarahak
ستاره تریشک	trišak
ستاره ثابت	axtar
	aviyāwānīk
ستاره ستوش	satvēš
	satavayēs
ستاره ستویس	satavayēs
ستارهٔ شعرای یمانی	tīr
ستاره شمار	star ōšmur
	star ōšmār
	axtar-mār
ستاره شناس	axtarāmār
	axtarmār
	kandāk
ستاره شناسی	axtar āmārīh
(علم احکام نجوم)	star gōwišnīh
ستارهٔ قطبی	mēx i gās
ستارهٔ کیوان	kaivān
ستارهٔ مریخ	bahrām
ستارهٔ مشتری	ōhrmazd

ستاره نشان
star pēsīt
star pēsītak

ستارهٔ هرمزد (مشتری)
stārak ōhrmazd

ستاندن
statan
stānītan

ستانش
stānišn

ستایش
stāyišn
šnāyišn
šnāyēnišn
šnāyēnītārīh
parastišn
parastišnīh
azbāy
azbāyišn
zabāyišn
ustōfrīt
yasn
yast
yašt
yazakīh
niyāyišn
niyāyišn
namāč
drūt
izišn
xšnāyišn

ستایش خوب
hūyazakīh

ستایش شده
stūtak
yazītak
šnāyēnīt

ستایش کردن
ēzītan
izītan
yaštan
zabāyītan
stūtan
parastan
parastātan
parastītan
namāč burtan
vandītan

ستایش کردنی
stāyišnīk

ستایشگری
ēzišngarīh

ستایش هوم
hōm stāyišnīh

ستایشی
stāyišnīh
stāyišnīk

ستایندگی
stāyītārīh

ستاینده
stāyītār
šnāyēnītār
parastišnkar
parast

ستایيدن
stāyītan
šnāyītan

ستبر
stapr
stawr

ستبرانه stawrīhā

ستبری stawrīh

ستدن statan

ستردگی ōstārišn

ستردن awistartan

سترده ōstartak
ōsturtak

سترگ sturg
amāvand
taxm

سترگی sturgīh

سترون starvan

ستم stahm
stahmb

ستمکاری stahmbakīh

ستم کردن hēčītan

ستمگر garānmān
stambak
sāstār
xrvīk

ستمگری stambakīh

ستم ناعادلانه duš stahmak

ستمی stahmakīh
stahmīh

ستوت‌یشت (یکی از نسک‌های اوستا) stōt yasn
stōt yast

ستودن stūtan
stāyītan

ستودنی stāyišnīk

ستوده stūtak

ستور stōr
čahār-pāy

ستوربان stōrpān

ستورگاه stōrgās

ستوش (ستاره) satvēš
satavayēs

ستون stūn

ستون لشکر stūnak
kāravān

ستوه staw
stōw

بستوه آوردن stōwēnītan

ستوهی stawīh
stōwīh
stūwīh

ستیز kōšītārīh

ستیزگی stahmbakīh

ستیزه stēžak
stēzak

ستیزه کردن stēžītan
kōšītan

ستیزیدن stēžītan

ستیغ	stīk
ستیغ کوه	tēx
سجستان	sagastān sakistān
سچیدرم (نام خاص)	sačidarm
سحر	kundākīh parīkīh
سحرگاه	uš hūš hušbām ušahin-gās stārak apētāk gās
سخت	saxt razēn društ dušvār garān staft drang škaftak
سخت‌تر	xrōčditom
سخت کوش	hūtuxšāk hūtuxš huāyōǰišn
سخت کوشی	hūtuxšīh
سختی	dušvārīh
سختگیر	dušdār
سخت گیری	stahmbakīh stambakīh
سختن	saxtan
سختی	saxtīh sangīh sturgīh
سختی (رنج)	tangīh vēšišn bēš garānīh vōīk snāh šikiftīh mustgarīh
سخن	saxvan gōwišn guftār guftārīh ēvāz mārīk sraw srūw vaxš vāč
سخنان زشت گفتن	duš gōwīh duš gōwišnīh
سخنان گفتنی	saxvanān vāǰišnīh
سخن باندازه	patmān saxvan

سخن بد	duš gōwišn duš-huxt
سخن به‌موقع گفتن	hangāmīk saxvanīh
سخن پراکندن	srawēnītan
سخن‌چین	spazg
سخن چینی	spazgīh
سخن خوب	vēh gōwišn
سخندان	gōwišnōmand
سخن دروغ	mitūxt
سخنرانی کردن	saxvanītan
سخن زشت گوئی	duš ēvāčīh
سخن شنوی	saxvan nigōšišnīh saxvan niɣōšišnīh
سخن گفتن	saxvanītan vāxtan vāčišnīh vāčītan
سخن گفتن بافریاد	dandītan
سخن گفتن درجمع	hanǰamanēnītan
سخن گفتن دیوانه‌وار	dandītan
سخنگو	gōftār guftār gōwāk
سخنگو با صدای بلند	drāyēnītār
سخن‌گو درانجمن	hanǰamanīk
سخن گو درهنگام غذاخوردن	drāyān ǰawišn
سخنگوئی	gōwišnīh vāčišnīh saxvan gōwišnīh
سخن‌گوئی شرم‌انگیز	dušarm gōwišnīh
سخن گوئی بطور متعادل	patmān gōwišnīh
سخن متعادل	patmān gōwišn
سخن مدلل	patmān saxvan
سخن ناراست	mitōxt mitūxt
سخن نیوشی	saxvan niɣōšišnīh
سخی	xvāpar xvāwar
سد	darband
سداب	sutāp
سدره	šapīk
سر	sar
سر (برای موجودات اهریمنی)	kamār kamālik kamārīk
سر (برای موجودات ایزدی)	vaɣdān vaɣtān bašn čagāt

سِر	rāz
	nihuftārīh
سرِ آب	āpsār
سر آب بودگی	āpsārīk
سرا	sarāy
	srāy
سرازیری	šīp
	šēp
سراسر	sar-ā-sar
	turist
سراشیب	frōt āhang
	frōt dārišn
سراشیبی	nišīp
	nišēpīk
	vīm
سرانجام	awdom
	pasič
سرای	sarāy
	srād
سرای بلند	frāč aškōp
سرایش	srāyišn
	dranǰišnīh
	drānāk
سرایش گاثاها	gāsān srāyišnīh
سرایشی	srāyišnīh
سراینده	srāy
سرای نیایش	garōtmān
سراییدن	srāyītan
سرب	sarp
	srup
سرباز	gund
	laškarīk
	artištār
سرباز پیاده	padātak
	payātak
	payk
سربازی	laškarīkīh
سربند اسب	grīkaft
سر بهگریبان	andarōtak
سربی	sarpēn
	srūpēn
سرپایین	frōt āhang
سرپزشک	drustpat
سرپیچی کردن	spōxtan
سرپیچی کننده	spōzkār
سرتاسر	sar-ā-sar
	turist
سر تیر	paikān
	pēkān
سرچشمه	āpān nāf
	āpsār

bun
bun čašmak
bun xān
bun xānak
xānak
xānīk

سرچشمه‌ای xānīk

سرچشمه دجله digramān

سرحد kustakīh
marz
nīmvand
sahmān
vīmand

سرحددار marzpān

سرحدی vīmandīk

سرخ sūr
suxr

سرخ‌بال (صفت تیهو است) sūr parrak

سرخ پر sūr parrak

سُر خوردن rānak būtan
grātan

سرخ شدن tāftan

سرخ‌شدن آتش taftan

سرخ شده brištak

سرخ کردن brištan
taftan
tāftan

سرخ مایل به‌قهوه‌ای bōr

سرد sart
sartīk
afsart
hunak
xunak

سردار sālār
sardār

سردار (دارای سر) sarōmand

سردار رمه (سگ‌نگهبان رمه) ramak sardār

سردار سپاه spāh sardār

سردار کشور dēh sardār

سردار میرآخوران āxvarpatān sardār

سرداری sardārīh
sālārīh

سرداری دیوان dēvān sardārīh

سرداری کامل bavandak sardārīh

سرداری کردن sardārēnītan

سرداری منش نیک vohuman patīh

سردسته rat

سردسیر sartsēr

سرد شدگی afsārišn

سردی sarmāk
sartīh

سررسیدن	frāč rasītan
سرزدن	apar āmatan
سرزدن جوانه	spīzišn
سرزنش کردن	nikōhītan
سرزمین	būm damīk zamīk kišvar
سرزمین آریائیان	ērān aryastān
سرزمین اولیه آریائیان	ērān vēǰ
سرزمین توران	tūrān
سرزمین سکائیان	sakistān
سرزمین‌ها	kišvarīhā
سرزنده بودن	čāpukīh zēnāvandīh
سرزنش	āvēnišn ērang
سرزنش کردن	nikōhītan nikōēnītan āvēnītan
سرسبزی	xvētīh
سرسختی	stahmbakīh stambakīh
سرشار	āpaxš patēxv
سرشار از دوستی	pur dušārmīhā
سرشار از نعمت وفراوانی	pur patēxv
سرشار کردن	patēxvēnītan
سرشاری	hanbārīh ōpārīh patēxvīh purīh pur rawišnīh
سرشب	hūfrāšmōkdāt
سرشت	čihr gōhr hēm xēm nihāt nihātak brēh xōk
سرشت‌پذیری	čihrēnītakīh
سرشتن	srištan
سرشتی	xēmīh
سرشک	srišk
سرشناسان	pētākān
سرعت	arvandīh tundīh zūtīh tēzīh ōštāp

ōštāpišn
sapūkīhā (به‌سرعت)
tagīhā (به‌سرعت)

سرفه
tūsak

سرقت شده
dūžītak

سرکردهٔ دیوان
kamārīk

سرکش
apāč sar
patrān
tar

سرکشی
apāč sarīh
garōmandīh

سرکه
sarkāw
sik

سرگردان
viyāpān
ačārak
viyāpānīk
duwārišnīk

سرگردان‌بودن
vaštan
duwāristan (برای‌موجودات‌اهریمنی)

سرگشته
aparās

سرگین
sargīn
sargīnak
sargūn

سرگین غلطان
guh gartak
guh-vart

pāzūk
pazūk

سرما
sarmāk

سرماخوردگی
sart ōstišnīh

سرمک (گیاه)
sarmak

سرنای بزرگ
mār

سرنگون
sar-nikun
sarkun
apāč-kun
nikan
nikun-sār
nigōsār
niγansār
tanāvak?

سرنوشت
bagōbaxt
bagōk baxt
baγobaxt
baγbaxtīh
bahr
baxš
baxšēnišn
brēh
brēhēnišn
handāčišn
apāyēt būtan
pat apāyastīh
rōčīh
rōčkār
brēhīh (تحت‌تأثیر سرنوشت بودن)
vēčak

سرنیزه — tēy

سرو (درخت) — sarv

سرواك (جا.) — sarwāk

سرو بر (= شاخدار، نام غولی است) — srūbar

سرود — srōt
gās
drānāk
nivāk

سرود خوان — srūtār

سرود خوانی — srāyišn

سرود گاثاها — gās
gāh
gātāk
gāsān (سرودهای گاثاها)

سرودگی — srāyišnīh

سرودن — srūtan

سرودن سرود مذهبی بصدای بلند — frāč srāyišnīh

سرودن به‌صدای ملایم — dranǰēnišn

سرودی که یکبار خوانده می‌شود — ēvāmrutīk

سرور — ahu
ahurāy
axv
bag
bak
bayān
xvatāy
pat
patīhak
rat
kamāīrk
mērak
mātakvar
xvatāyōmand (دارای صاحب و سرور)

سرور بزرگ — burž xvatāy

سرور وبزرگ خانه — mān mānpat
mīrak
katak xvatāy

سرور داشتن — axvōmandīh

سرور دانا — ahurāy-mazd

سرور روستا — šōisr pat

سرور کائنات — visp xvatāy

سرور کل — visp xvatāy

سروری — axvīh
sardārīh
bē sardārīh
masīh
pēšōpāyīh
patīh
sarīh
ratīh
sardārīh
xvatāyīh

سروری خانه	mān patīh
سروری کردن	sardārēnītan
سروری واقتدار شخصی	xvēš patīh
سروری وپیشوایی مذهبی	ratōmandīh
سروش (ایزد)	srōš
سرو شاورز (نام‌یکی‌از پیشوایان مراسم یسنا)	srōšāvarz
سروش پناه	srōš pānak
سروش پرهیزگار	srōš ahrāy
سروشی	srōšīk
سروشیار	srōš-yār
سرو یال نمودن	bōšīh
سره	apēčak
سری	sarīh
سری (رازآمیز)	rāzīk
سریت (نام‌شخصی‌است ازخاندان‌سام)	srīt
سریر	parvān gās
سریع	artāk
	hūtak
	tund
	takīk
	tāzīk
	tēz
	tēž
	šapīk
	šēpāk
	zibāl
سریع الجریان	garān tačišn
سرین	kūn
	sarīnak
	srīnak
سزا	sačāk
	sazāk
سزاوار	sačākvār
	sazākvar
	pasačak
سزاوار بودن	sačītan
	sačistan
	hūsāčakīh
سزاوار ستایش	niyāyišnōmand
سزاوار ستایش بودن	niyāyišnōmandīh
سزاوار سرزنش	āvēnišnīk
سزاوار گرداندن	sačēnītan
سزاوار گوش دادن	niyōxšišnōmand
سزاوار مرگ	margarzān
سزاوار مرگ بودن	margarzānīh
سزاواری	sačišn
	sačišnīh
	sazišnīh
	pasačakīh
	šāyakīkīh

سزای کار بد	pātafrās
سزایی	sazākīh
سزیدن	sačistan
	sačītan
سست	sust
	šast
	sūtak
	akōšītār
	ašgahān
	dāramak
سستی	akārīh
	armēštīh
	mōšīh
	sustīh
سطل	dūlak
	dōrak
سعادت	šētāy
	urvāhmanīh
	urvāxman
	urvāxmanīh
	urvāzēnišn
	urvāzišn
	patēxvīh
	xvahrīh
	šnāyēnišn
سعادت‌آمیز	xvārīhōmand
سعادت ابدی	bōžišn
سعادت تن	tan pērōčkarīh
سعادت جاودانی	hū-axvīh
سعادت کامل	pur urvāhm
سعادتمند	xvāpar
	urvāxt
	hūrām
سعادتمند گرداندن	urvāxmanēnītan
سعی کردن	kōšītan
سعید	hūmorvāk
سغد (سرزمین)	sugut
سغدستان	sugutistān
سفارت	fristakīh
	fristišnīk
	baγdēspānīh
سفارت صلح	āštak-fristišnīk
سفارش	apaspārišn
سفارشی	apaspārišnīh
سفال	kalūk
	kapārak
سفال‌پز	yāmīk paz
سفال‌سازی	kurvārgarīh
سفالگر	dūsingar
	yāmīk paz
سفالی	gilēn
	dōsēn

سفالینه kalūk
kapārak

سفت کردن dranǰēnītan

سفتن sōftan
suftan

سفر rāh
rās

سفر کردن franāftan
ēvarzītan

سفر کنندهٔ دائمی dēh vaštār

سفره xān
xvān
stafr

سفره چرمی maškīčak

سفید spēt
spētak
arus

سفید چشم (دارای چشم روشن) spēt čašm

سفیددم (تیهوی سفیددم) spēt dumbak

سفیدگاو (نام خاص) spēt gāv

سفید موی spēt mōy

سفیده spētak

سفیده صبح nišāmīh

سفیدی spētīh

سفیر pētāmbar

سقف aškōp
aškow
bān
dār
frakāvan
dār apar dāštār (دارندهٔ سقف و خانهٔ محقر)

سقف بلند frāč aškōp

سقف زدن aškowēnītan

سکانشاه sakān šāh

سکایی sak

سکستان sakistān

سکوت abē-gowišnīh
agōwākīh

سکون ēstišn

سکونت طویل dēr mānišnīh

سکه dāng
stēr
pārak

سگ sag
sak
rōkanīk (نوعی سگ است)
tarunak ~

سگ آبی bafrak i āpīk
bawrak
sag i āpīk
ōdar

سگال sikāl

سگیدن uskārītan
uskārtan
hūsikālītan (خوب سگالیدن)

سگ پاسبان vis hōrv
viš haurv

سگ چهارچشم čahār cašm

سگ خانگی viš haurv
viš hōrv
vis hōrv

سگ خونخوار vohunazg

سگستان (سیستان) sagastān

سگ شکاری vohunazg

سگ کوچک tūrūk

سگ گله pasuš harv
pasuš hōrv

سگ مگس kurk magas

سگ خانه mān-pān

سگ ولگرد vohunazg

سلاح snēh
zāy
zēn
zarēh
snāh
aštar
awzār
afzār
afčār
pōlāt
škaft zēn (دارای سلاح‌موحش)
xrvidrōš ~
xvardrōš ~
zēnvān (نگاه‌دارندهٔ سلاح)

سلاح تیز tīk

سلاح خوب hūzēn

سلاح‌داری zēnōmandīh
snahīh

سلاحی که گردن‌را می‌پوشاند grīkaft

سلام drōt
drōtīh
niyāyišn
franāmišn

سلامت drustīh
tan-drustīh
drōt

سلامت مداوم drust rawišnīh

سلام کردن franāftan

سلامتی drudistīh
drustīh
tan-drustīh
drōt
bēšāz

سلامتی یافتن	bēšāzēnītan
سلسله جبال	tīrak
سلسله‌جبال البرز	tīrak i harburz
سلسلهٔ غیر منقطع	patisār
سلطان بد	duš pātaxšāh dušxvatāy
سلطان جهانی	hamxvatāy
سلطانی	baγānīk
سلطنت	pātaxšāyīh šatryārīh xvatāyīh
سلطنت بد	duš pātaxšāhīh duš xvatāyīh
سلطنت جاویدان	anōšak xvatāyīh
سلطنت سلطان واحد	ēv-xvatāyīh
سلطنت منش نیک	vohuman xvatāyīh
سلم (نام خاص)	salm sarm
سلوک	varišn barišn
سلوک خوب	nēvak barišnīh
سلوکوس (نام خاص)	salōk
سلیقه	mičak mizak
سُم	sumb kafšak
سمب	sumb
سمبران (جا)	sambarān
سمت چپ	hōy
سمت راست	dašnak
سم‌دار	sumbōmand
سمرقند	samarkand
سمن (گل)	saman
سمن سفید	saman i spēt
سمن زرد	saman i zart
سمور	samōr simōr
سمور آبی	udrak
سمور سیاه	siyā samōr
سن	dāt dātak āvām žamān žamānak
سن بلوغ	masātōrīh
سنبله	xūšak
سنبیدن	sumbītan
سنت	aparmānd apar rawišnīh
سنت دیرین	darg apar rawišnīh

سنت کهن	dēr apar rawišnīh
سنجاب	sančāp
سنجد (میوه)	sančit
سنج نوازی	zil vāčīk
سنجیدگی	tarāzēnītārīh
سنجیدن	saxtan tarāzēnītan
سَند	pašn nāmak
سِند	sind sind būm
سندان	patak
سند رسمی	gatak
سن رشد	rahīkīh
سنگ	sang sag sak sēg
سنگ آهکی	aržan
سنگ پشت	kašawak kašūk
سنگ خارا	dāl
سنگ ریگی	aržan
سنگسار	sangsār
سنگستان	sangsār
سنگ قیمتی	gōhr
سنگ لاجورد (گوهر)	kāskēn kāsakēn
سنگلاخ	sangsār
سنگ مانند	sangēn
سنگ مرجان	sag xrūhak
سنگی	sangīh sagēn
سنگی که در مراسم برشنوم بر آن نشینند	maγ
سنگ یمانی	karkēhan
سنگین	sangēn garān girān mas
سنگینی	sangīh garānīh
سوء ظن داشتن	gumānītan
سواحل جنوبی خلیج فارس	arvastān
سوار	asuwār burtār
سوار کاران	puštaspān
سواره	asp bārak
سواره نظام	puštaspān
سواری	asuwārīh
سؤال	frašn pursišn pursišnīh pursītārīh

سؤال کردن	frāč pursītan
	pursītan
	zastan
	zāyistan
سؤال کننده	pursītār
سؤال وجواب	guft pasaxv
سؤال وجواب کردن	hampursakīh
سوای اینکه	bē-kā
سوته گری	sūtēkarīh
سوختگی	dazišn
سوختگی پوست	dāk
سوختن	sūxtan
	sōxtan
	sōčīhastan
	vaxšītan
سوختن جسد	nasāpāk
سوختن خود بخود	xvat sōčišnīh
سوخته	sōčak
سوخته شدن	sōčīhastan
سود	sūt
	sōk
	vaxš
	āyaft
	ayāft
	hūdahakīh
	vindišnīh

	xvābarīh
	kār
	buland sūt (دارای سود زیاد)
سودابه (نام خاص)	sūtāpak
	sūtāpīh
سودآور	sūt dahišn
سودبخش	xvāwrīr
سودبر	bahrmand
	sūtbar
سود بردن	sūtēnītan
سودبری	bahrōmandīh
	bahrvarīh
سود بزرگ	mas sūtīh
سود جاویدانی	hamēšak sūtīh
سود خواستار	sūt xvāstār
سودخواستاری	sūt xvāstārīh
سود خواه	sūt xvāstār
سود دادن	sūtēnītan
سود دار	sūtak
	sūtbar
سود دائم	hamēšak sūtīh
سود ده	sūt dahišn
سود دهندگی	sōk dātārīh
	sūtārīh
	bahrakvarīh

سود دهنده sūtēnītār

سود سرشار anizār vindišnīh

سود شناس sūt šnās

سودمند sūtōmand
sūtak
sūtīk
sut apkār
mirmatōmand
burtār
xvābar
xvābarīk
xvāwargar

سودمندان sūtmandān

سودمندانه sūtmandīhā
sūtōmandīhā

سودمندتر kārtar

سودمندی sūtakīh
sūtīh
sūtōmandīh

سودن sūtan
sūdan

سوده sūtak

سودی sūtīh

سودیابی nirmat vindišnīh

سور sūr
bazm
xvaran
myazd (سور ومهمانی دینی)

سوراخ sulāk
sūrāx
sūrāk
čašmak
grīstak
maγ
maγuk
unak
unān
višātakīh

سوراخ جانوران زیانکار grīstak

سوراخ‌دار sūrākōmand

سوراخ‌زی (حیوان) unak māništ

سوراخ کردن sōftan
suftan
sumbītan
dūxtan
gawrīh (عمل سوراخ کردن)

سوراخ‌گوش lān

سوراخ هواکش damig

سوراخی sūrākīk
sūlākīk

سور پیرایی sūr vīrāyīh

سورستان (سرزمین) dašt i sūrīk mānišn
āsūristān

sūrak būm

سورستانی
sūrīk

سورگاه (محل مهمانی)
myazd gās

سوریا (سرزمین)
āsūristān

سوریانی
sūrīk

سوز
sōč
sōž

سوزا
sōčāk
sōžāk

سوزان
sōčak
sōzāk
sōzišnīk
taft
tāftak
taftīk
tāpāk
tapāk
xvarak
vaxšīk
vaxšak
vaxšāk
vaxšēndak

سوزاندن
dazītan
sōčēnītan
tāftan
vaxšākēnītan

سوزاندن مرده
nasāpāk

سوزاننده
sōčāk
sōzāk
sōžāk

سوزایی
sōčāīh

سوزش
sōzišn
sōčišn
sōzišnīk (قابل سوزش)

سوزشی
sōzišnīk

سوزن
sūčan
sūzan

سوزندگی
sōčāīh
tāpišn

سوزندگی بوسیله آتش
ātur sōč

سوسک سرگین غلتان
pāzūk
pazūk i guh-vart

سوسمار
farxav
karbāš
karbiš
karpak
karbunak
karpunak

سوسن
sūsan

سوسنبر
sīsīmbar

سوشیانت
sōkšyāns
sōkšyānš
sōšāns

sōšyāns
gēhān vīrāy

سوشیانس (نگ. سوشیانت) sōšyāns

سوفسطا sōfistāk

سوفسطایی sōfistākīh

سوق دادن hāčītan

سوك sōk
sūk

سوك گاو (نام خاص) sōk gāv

سوگند sōkand

سوگند خوردن sōkand xvartan

سوگواری کردن xrōsītan

سوم sitīkar
sēyom

سوه (نام یکی از هفت کشور) savah

سوی sōk
sūk
rōn
kust
kustak
bē ō
nēmak
ārak

سوی بالا ul

سوی پایین frōt
ni-

سوء ظن drōǰ gumānākīh

سوئی گاو (نام خاص) sui gāv

سه (عدد) sē
si

سه بار sē rīn
sē vīn

سه پا sē pāy

سه پره (تیر) sē parrak

سه پوزه sē zafr

سه تخمه sē tuxmak

سه دیگر sitīkar

سه سر sē kamār

سه‌شب نخستین پس ازمرگ stōš
sitōš

سه شبه sē šapak

سه کله sē kamār

سه گانه sē gānak

سهل انگارانه axvēškārīhā

سهل الهضم hūgukārt

سهم sahm
sam
baǰišn
bak
baxtārīh
dāsr

	ǰatak ǰāt yāt
سهم‌الارث	yāt
سهمگین	sahmgēn sahmgan sahmgūn sahmakan sahmēn
سهمگینی	sahmgēnīh
سهمیدن (ترسیدن)	āsamītan
سهولت	āsānīh
سهی	sahīk sahist
سی (عدد)	sīh
سیاره	gad gadōk
سیاره‌ای	apāxtarīk gadōkīh
سیاگاو (نام خاص)	siyā-gāv
سیال	šusr
سی‌ام	sīhōm
سیامک	siyāmak
سیاوش	siyāvaxš
سیاوشان (نام خاندانی)	siyāvaxšān
سیاه	siyā siyāh siyāk siyāvah dafr
سیاه پوست	zangīk
سیاه مو	siyā-mōy
سیاهی	siyāīh
سیاهی چشم	siyāhak
سیب	sēp
سیخ کباب	sūlāčak vartānak
سیخی که باآن آتش‌را زیرورومیکنند	āturstar
سیر (اشباع شده)	sēr sagr hamburt
سیر (واحد وزن)	stēr
سیر (گیاه خوراکی)	sīr
سیرت	brahm
سیر کردن	patēxvēnītan
سیر منشی	patēxv mēnišnīh
سیر نزولی	ōpastīh
سور نشدنی	anhanbār
سیری	sērīh sagrīh patēxvīh

سیزده sēzdah
سیزدهم sēzdahom
سیستان sagastān
سیستانیان zrangakān
سیسمبر (گیاه خوشبو) sīsīmbar
سیصد sē sat
سیل nihvārišn
سیلاب āptačan
سیم (نقره) sīm
sēm
asēm
āsīm
سیما gōnak
سیمرا (عربستان جنوبی) simrā

سیمرغ sēn murv
sēn
سیم گر (نقره کار) āsīmkar
سیملان (شهر) simlān
سیمین sīmēn
āsīmēn
سینجپیک (نام خاص) sinǰēpīk
سینه sēnak
sin
kaš
kašak
سینه برجسته (دارای پستان برجسته) frāč pistān
stīk pistān
سینه بند pistān pān
pat sēn
سینی xvān

ش

ش (ضمیرمتصل سوم‌شخص مفرد) -š
-iš

شاپور (نام‌خاص) šāhpuhr
šāpuhr

شاپوراردشیران (نام خاص)
šāpuhr i artaxšērān

شاپوران (نام خاندانی) šāhpuhrān

شاخ srū
srūw
srūb
sūk
srūk
srūg

شاخ (شاخه) šāk

شاخدار srūbar
srūwar
sūkōmand

شاخه azg
dēšak
šāk
tāk
spēk (ترکه)
rēšak

شاخه و میوه bun ut bar

شاخهٔ باریک spēk

شاخهٔ درخت azg

شاخهٔ نرم narm tāk

شاخی srūwēn
srūbēn

شاد šāt
hūrām
xurram

urvāxt
xōnsand
xvansand
xvašnūt
xvaš
xvārak
xunak

شادانی šātānīkih

شاد بودن rāmistan

شادروان (خیمه) šātūrvān

شاد شدن šātīhastan

شادفرخ خسرو (نام خاص)
šāt farraxv xōsrōi

شاد کردن urvāhmēnītan
urvāxmēnītan
urvāzēnītan

شادمان hūram
hurram
pat rāmišn

شادمانی šātānīkīh
spaxr

شاد منش (شاد اندیش) šāt mēnišn

شادی šātīh
hūrāmīh
hūramīh
hurramīh
xurramakīh
xurramīh
huniyākīh
xvašnūtīh
xvašīh
xōnsandīh
xvansandīh
rāmēnītārīh
urvāxman
urvāhman
urvāxmanīh
urvāzēnišn
šētāy
sūr
nāzišn
xvārīh
xvāhrīh
xvārakīh

شادی‌آور rāmišnīk

شادی بخش rāmišn adiyār

شادی کردن urvāzistan

شارع عام vitīr

شاش pēšārvār
pēškār
mēšak
mēzišn
mutrišn

شاش گاو gōmēz

شاشی	mēzišnīk
شاشیدگی	mēzišnīh
شاشیدن	čamītan (چامیدن)
	mēzišn
	pēšārvār kartan
	mēzītan
	gōmēzītan
	mutrišn
شاکر	spāsdār
شاکی	pēšēmār
شاکی بودن	pēšēmārīh
شاگرد	ašākirt
	ašākart
	ašāgird
	hašākirt
	hāvišt
	čāšītār
	hamōxtār
	āmōxtār
	āmōxtak
	zand čāšītār
شاگردان من	manīkān
شاگردی	hāvištīh
شالوده	nišāyišn
شام	šām
شامل	fravast
	fravastak
	fravatāk
	hangirtīk
	hangartīk
شامل بودن	fravastan
	parvastan
شامه	ham bōdišn
شان (ضمیرمتصل سوم شخص جمع)	-šān
شانزده	šānzdah
	šāzdah
شانس	ǰāyišn
شانه (دوش)	suftak
	suft
	šānak
	dōš
شانه (برای مو)	šānak
شانه	šānak (چنگال کشاورزی)
شاه	šāh
	šah
	xšāh
	pātixšāy
	pātixšāh
	pātšā
	baγ
	baγān
	bag
	kai

	xvatāy dahyūpat dēhyūpat šahridār šatrdār
شاه اسپرغم	šāsparham
شاه‌اسپرم (گیاه)	husraw sparγam šāh sparham šāsparham
شاه بزرگ	burž xvatāy
شاه بلوط	šāh balūt
شاه بودگی	šāhīkīkīh šāhīkīk
شاه خوب	hūxvatāy
شاه خیونان	xyōnān-šā
شاهد	gōwāk (گواه) gukāy
شاهدانه	šāhdānak šādānak šan
شاهدانه‌ای	šānēn
شاهدانه‌نیشابوری	šāhdānak i nēšāpūrīk
شاهد دروغین	zūr gukāy
شاهزادگی	vāspuhrakānīh
شاهزاده	bētaxš bītaxš vāspuhr vāspuhrak vis vispuhr
شاهزاده‌ای	vāspuhrakānīk
شاه سرزمینها	dēhān dēhyūpat
شاه سکستان	sakān šāh
شاه سیستان	sakān šāh
شاه شاهان	šāhān šāh
شاه کابل	tāb
شاه کشور	dēh dēhyūpat
شاهگان	šāhakān šāyakān
شاهنامه	xvatāyīh nāmak
شاهنشاه	šāhānšāh
شاهنشاهی	šāhān šāhīh ēv xvatāyīh
شاه نشین	šātūrvān
شاهوار	šāhvār xvatāyvār
شاه هفت کشور	haft kišvar xvatāy
شاه هونان	xyōnān-šā
شاهی	šāhīh šatryārīh

شاهی	šāhakān (منسوب به شاه)
	šāhīkān
	šāyakān
	šāhīkīk
شاهین	sēn
	sēn murv
	varīšak
شاید	šāyēt
شاید !	ō(h)
شایستگان	arzānīkān
شایستگی	šāyakīkīh
	šāyandakīh
	arzānīkīh
	niyāwākīh
	niyāpakīh
	sačišnīh
	sazišnīh
	pasačakīhā (بشایستگی)
شایستن	šāyītan
	šāyastan
	šāyistan
شایسته	apāyastak
	arzānīk
	frārōn
	niyāw
	niyāp
	niyāpak
	pasačak
	pasačāk
	sazāk
	sahīk
	sačākvār
	sačišnīk
	šāyandak
شایسته بودن	apāyastan
	hūsačītan
	sačistān
	sačītan
شایسته تعظیم	niyāyišnōmand
شایسته گرداندن	sačēnītan
شایسته نبودن	ašāyītan
شایع	rawāk
	zandak
شایع شدن در خارج	uzvāhistan
شایع شده	uzvāhīk
شایع کردگی	rawākēnītārīh
شایع کردن	franāmītan
	rawākēnītan
	rōwākēnītan
شایع کردن گناه وناپاکی	āstārītan
شایعه	srōt
شایگان	šāyakān
	šāhakān

شایندگی šāyandakīh
šāyēndakīh

شاینده šāyandak

شاییدن šāyitan

شب šap
ēvārak
šapān (شب ها)

شبان (چوپان) šapān
šupān
fšag
gōspand varzītār
hūramak
pasuš harv

شبانروز rōč šapān
šapān rōč
rōčak šapān

شبانگاه šapān gās

شبانی gōspandōmandīh
gōspand varzītārīh

شباهت hūmānākīh
hamānākīh
mānākīh
hamgōnīh
hāvandīh
hangōšītak
ēv kartakīh

شب پره šapāk parr
šawāk

شب زنده‌دار ōšōmand

شبستان šapistān

شبستانی šapistānīk

شبق šapak

شب کلاه rasat
kulāfak

شب کور (خفاش) šawāk

شبکیه چشم tētak
tītak

شبنم nazm

شبنم یخ‌زده pazd

شبه (شب) šapak

شبی šapak

شبیخون šapīxōn

شبیخونی šapīxōnīh

شبه hūmānāk
mān
mānāk
mānišnīk
mānākāi
hamgōnak
hamāl
hamōk
hamtāk
hamsartak
hamānak

	hāvand
	handāčak
	hamētōn
	hamangušītak
شبیه بودن	māntan
	māndan
	mānistan
	mānītan
شبیه سازنده	parčītišnkār
شپش	spiš
	spuš
شتاب	ōštāp
	ōštāpišn
	tak
	nisuwārišn
	duwārišnīk
شتاب کردن	ōštāftan
	davītan
	davistan
	andāxtan
	handāxtan
شتابگر	ōštāpgar
شتابیدن	nisuwārišn
شتافتن	ōštāftan
	fraǰastan
شتر	uštur
	uštar
	ōštar
شترستان	uštarastān
	uštaristān
شترگاوپلنگ (زرافه)	uštur gāv palang
شطرنج	čatrang
شطرنج بازی کردن	čatrang kartan
شجاع	gurt
	kārīk
	dilēr
	nēv
	tak
	vīr
	nipartak
	nēvkār
	marčāpuk
	martāčōk
	martānak
	mart mēnišn
شجاعت	tagīh
	tag̣dilīh
	nēvīh
	gadvarīh
	martānakīh
	marčāpukīh
	mart mēnišnīh
شجره‌نامه	tuxmak sraw
شخص	kas
	tan
	grēv

شخصاً
xvēšīhā
pat xvēšīh
tanīhā

شخصیت
mēnišn
mēnišnōmand (دارای شخصیت)

شخم
kašišn

شدت
tundīh
saxtīh
stahm
sizd
sēzd
snāh
zūr
zōr

شدگی
bavišn

شدن
gaštan
vaštan
šutan

شده
šutak

شدید
xružd
mazan
stahm
stambak
stahmak
stahmbak
škaftak

شراب
maδ
may
has
dārūk
raz
dārū i nišāstak (عرق نشاسته)

شرابی
maδīh

شرارت
anākīh
anākēnīh
bēšīh
dravandīh
dušīh
vixrūnīh
vināstārīh
vatīh
riftakīh
kēn
kastārīh
kāstārīh

شراره
xurg
xurag

شرافت
garāmīh
pahlomīh

شرافت تن
ērtanīh

شربت
šapyār
xvārišn

شربت شب‌یار
šapyār

شرح
dōkān
gōkān

mātikān
mātiyān
zand
saxvan
guftārīh

شرح دادن — paytākēnītan
guftan

شرح دادن امور دینی — nikēxtan

شرح واقعه — dāstān

شرط — grōkān

شرعاً — dastwarīhā

شرفیاب شدگی — handēmāngarīh

شرفیاب کردن — handēmāngarīh

شرفیابی — handēmānīh

شرق — hūšastar
ūšastar
ōšastar
xvarāsān

شرکت — patvast ovišīh
hamkārīh

شرم — šarm
nang

شرمسار — rusvāk

شرمسارانه — rusvākīhā

شرمساری — dušarm
anērmēnišnīh
rusvākīh
āstānak
nizburtīh
pafšērišn
pafšērišnīh
pafšār

شرمگاه (قسمت میان بدن) — šarmgāh

شرمگین — šarmakēn

شرمگین شدن — šars-

شرمگینی — šarmkanīh

شروع — fratōmīh
patisār
frahistīh
frakān

شروع شدن (درمورد باران) — griftan

شروع کار — kār raftārīh

شروع کردن — frakānēnītan
sārēnītan
frāč šutan
nivinn-

شروع کننده — sarōmand

شره — āz

شریر — anāk kartār
anāk
dušak
ōpastān

	vixrūn
	riftak
	vatak
	duš-čašm
شریف	arvand
	ērīk
	asnōtak
	āzāt
	āzātak
	āznāwar
	hūzāt
	hūzahāk
	pahlom
	aparmānīk
	mas mēnišn
	vāspuhrak
	girān tuxmak
شریک	hambāz
	hanbāz
	hambāγ
	hambāy
	hanbag
	hamkār
	xōrtāk
شریک ملک	hambāy
شستشو	frāč šōyišnīh
	pātyāpīh
	šōy
	šōyišn
شستشو کردن	āsnītan
شستن	šōstan
	šustan
	yōšdāsrēnītan (تطهیر)
شستنی	šōīk
شسته	šust
شُش	suš
	sušīk
	sušak
شِش	šaš
ششصد	šaš sat
ششم	šašom
شصت (عدد)	šast
	sašt
شعاع	tēx
شعر	patmān saxvan
	vičast
شعله	bānūy
	tāpišn
	vaxš
	xvaraγ
شعله آتش	vazišn
شعله‌ور	sōčāk
	sōžāk
	tēz sōčāk
	xvarak

شعله‌ورشدن vaxšēnītan
vaxšītan

شعله‌ورکردن vaxšēnītan
vaxšākēnītan

شعله‌وری vaxšišnīh

شعور bōδ
bōy
varōm
axv
uzvārišn

شغال šaγāl
uškāl
tūrak
tōrak

شغل pēšak
kār

شغل امین خزانه gāspatīh

شغل مشروع hūtuxšākīh

شغل و کار زوت (پیشوای مذهبی) zōtīh

شغل و کارهاونان (پیشوای‌مذهبی) hāvanānīh

شفا bēšāzēnišnīh

شفا دادن bēšāzēnītan
bēšāzītan

شفا دهندگی bēšāzēnīh
vētvarīh

شفا دهنده bēšāzēnītār

شفاف sahīk

شفای رنج bēš bēšāzišnīh

شفتالو šaft
šaftālūk

شفتینه (نوعی شیرینی) šiftēnak

شقایق ālālak

شک gumān
gumānīh
gumānīkīh
šak

شکار naxčīr

شکاری (مرغ) škarak

شکاف unak
unān

شکافتن drītan

شکاف خورده škastak

شکاف دادن unānītan

شکافی unīk

شکایت dranǰišn
garzišn
gilak
must

شکایت لفظی pēšīmārīh

شکایت کننده garzītār

شک داشتگی	gumāngarīh
شکر	šakar šikar
شکر	āzātīh
شکرگزاری	niyāyišn niyāyišnīh
شکرگزاری کردن	āzātīh kartan
شکست	stōwīh zatārīh
شکست خوردگی	zat afzārīh
شکست خوردن	stōw būtan staw kartan
شکست دادن	stōw kartan stōwēnītan nikūnītan
شکست دهندگی	škastārīh
شکست دهنده	škastār
شکست دهندهٔ دشمن	dušman zatār
شکستگی	škastakīh
شکستن	škastan frakastan fragastan frasinn-
شکستن پیمان	drūǰišn mitr drūǰīh mitrān drūǰīh
شکستنی	škanāk
شکسته	škastak
شکسته شدگی	škanišn
شکسته شدن	škīhītan
شکست یافتن	škuftan
شکفتگی	viškōw viškōftakīh
شکفتن	škōftan viškaftan viškuftan
شکفته	škōftak
شک کردن	gumānītan
شکل	advēnak dēs dēsak karp kālpat brahm brēh ǰatak yatak
شکل انسانی داشتن	martōm karpīh
شکل برجسته (دارای)	pēš karp
شکل‌پذیر شدن	dēsīhastan
شکل پذیری	dēsišnīh

شکل دادن dēsītan
tāšītan
čihrēnītan

شکل داشتگی karpīh

شکل دهنده dēsāk
tāšītār

شکل دیو داشتن dēv karpīh

شکل ظاهر čihrak
nikās

شکل مار داشتن mār karpīh

شکل مشخص brīn karp

شکل ناپذیری adēsišnīh

شکل واضح (دارای) pēš karp

شکل یافته dēstak

شکم aškamb
aškom
aškomb
marš
gawr
grap
kumīk
kōmīk
uruspar
zahār
mūlān (برای موجود اهریمنی)

شکمبه aškombak
aškambak
rōt
rōtīk

شکنجه škanǰak
škēnǰak
pazd
pažm

شکنجه دادن rēšēnītan

شکنش škanišn

شکننده škanāk
škand

شکوفه škōfak

شکوفهٔ درخت kupal

شکوفه کردن viškaftan
vaxšītan
vaxšišn

شکوه škōh
škōd
škōdišn
farnah
farrah
xvarrah
xvarr
xvarrahōmandīh
varč
varǰ
varčōmandīh
awrang

afzār
brēh
burz
buržišnōmandīh
čašmīh
patrōg
pātrōč

شکوه (شکایت) garzišn
gilak
nāl
hamdranǰišn
lāf
must

شکوه الهی rāy

شکوه داشتگی škōhīh

شکوه کنان garzān
nālān

شکوه کننده mustōmand

شکوه کردن garzītan
girzītan

شکوه کیانی kayān xvarrah

شکوه گر garzišnīk
garzītār

شکوهمند hūškōh
xvārīhōmand
xvarrahōmand
varǰāvand
vas afzār

شکوهمندانه farrahōmandīhā
čašmakīhā
awrangīkīhā
varčāvandīhā

شکوهمندی afzārīh
tuwān afzārīh
hūškōhīh
farrahōmandīh

شکیبا dēr vistāxv
škēpāk
vixšayišnīk

شکیبائی burtīh
vixšayišnīh
škēpākīh

شکیبائی کردن bār burtan

شکیل vimēhgēn

شگرف awd

شگفت awd
škaft
škift
škuft

شگفت آمیز vitīmāsīk

شگفت انگیز varčēn
varčāvand
awd
sahēn

شگفت زده vitīmušt

شگفتی
afd
awd
awdīh
šikiftīh
škaftīh
škuftīh
varč
vitīmās
vitīmāsīh
vitīmuštīh

شُل کردن
viyōz-

شلاق
tāzānak

شلوار
šarvār
rān vartīn

شما
šmāh
ašmāh

شمار
āmārišnīh
hamār
sāg
mar
marak
mārīk
hangārak
ōšmār
āmār

شمار بسیار
vas marak

شمارش
hamārišn
mārišn
marōmandīh
ōšmurišn
āmārišnīh

شمارنده
ōšmurtār
āmārēnītār

شماره
mar
marak
sāg
ōšmārak

شمارها
marakīhā

شماری
hamārīh
āmārīk
hamārīh

شمال
apāxtar

شمالی
apāxtarīk

شمیران (جا)
šambarān

شمردن
āmārēnītan
hamārēnītan
āmārtan
ōšmārītan
ōšmārtan
ōšmurtan
ušmurtan

شمردنی
ōšmurtīk

شمسی
xvaršētīk

شمشاد
šamšār
šimšār

شمشیر
šamšēr
šafšēr
šufšēr
snēh
tēγ
kārt

شمشیر ساز
čilānkar

شمول
fravastakīh
parvand

شن
rīk
rēg

شنا
šnāč

شنبه
šunbat

شناختاری
šnāxtārīh

شناخت خواص اشیاء
čihr šnāsīh

شناختگی
šnāsakīh

شناختن
šnāxtan
šnāsītan
uzvārtan

شناختنی
šnāsīk

شناسا
šnāsak
ākās

شناساندن
čihēnītan

شناسائی
šnāsakīh
šnāsīh
šnāxtārīh
dānišnīh
dānišn

شناسائی قاطع
ačār dānišnīh

شناسنده
šnāsak

شناسی
šnāsīh
šnāsīk

شناسیدن
šnāsītan

شناکردن
šnāčītan
šnāpītan

شناگری
šnāyasnīkīh

شنبلید
šambalītak

شنفتن
šnaftan

شنوا
āšnavāk
niγōkšītār
niγōšāk
niγōxšāk
niγōxšītār

شنوایی
šnavišn
āšnavākīh
nigōšišn
niγōkšītārīh
niyōšišn
āšnāvakīh
ašnavišn

شنوش
āšnavišn
šnavišn

شنوندگی	niyōxšišn šnavišn
شنونده	niyōšītār niyōxšāk
شنیدن	āšnavišn āšnūtan ašnūtan ōšnūtan šnaftan niγōkšītan niγōšītan niγōxšītan niyōšītan ašnaw (بشنو)
شنیده شده	sraw srūw
شو (برو)	šav
شوخی	kātak
شور	sōr
شورا	anǰaman hanǰaman
شورای بزرگ	hamāk hanǰamanakīh
شوربا (نوعی شوربا)	spēt-pāk
شورچشمی	sūr čašmīh
شوره	sōrak
شورهزار	sōrak
شورهٔ سر	spuš
شوری	sūrīh
شوش (شهر)	šūš šūs
شوشتر (شهر)	šustar šōstar
شوهر	šōy šōd gātār mērak mīrak mānpāt
شوهردار	šōyēnīk šōymand šōdōmand
شوهردوست	šōy dōst
شوهری	šōyīh
شوی	šōy mērak mīrak
شوی دادن	pat zanīh dātan
شویش (شستشو)	šōyišn
شویمند (شوهردار)	šōdōmand
شوی ویرایی (پرستاری از شوهر)	šōy vīrāyīh
شه	šah
شهادت	gōwākīh

شهادت دادن	gukāyitan
شهادت دروغ	zūr gukāyih
شهر	šatr
	šatristān
	šahristān
	šōisr
	kant
	dēh
	rōtstāk
	rōstāk
	zand
شهرپ (ساتراپ)	šahrap
شهرت	ēvāč
	ēvāz
	ēvāčīkīh
	husrawīh
	nām
	nāmakīh
	nāmīkīh
	frāč nāmīh
	nang
	čašmakāsīh
	vāng
شهرت بد	asrāyišnīh
	dusrawīh
شهرت نیک یافتن	husruwēnītan
شهر توس	tūs šatr
شهرت یافتن	sruwēnītan
شهرت یافته	sraw
شهر ری	raγ
شهر زوری	šahr-zūrīk
شهرستان	šahristān
	šatrastān
	šatristān
	šōisr
	nasang
شهرستان گور اردشیرخوره	gōr artaxšēr xvarrah
شهر گنجه	ganǰak
شهرگور	artaxšēr xvarrah
شهری	šatrīk
	šahrīk
	dēhīk
شهریار	šahryār
	šahridār
	šatriyār
	šatryār
	xšatrdār
	šatrdār
شهریاری	šatryārīh
	šahryārīh
	dahyūpatīh
	šahridārīh

شهریور	šatravar
	šatrēvar
	šahrēvar
	xšatrēvar
شهریورماه	šahrēvar māh
شهمردان (نام خاص)	šahmartān
شهوت	varan
شهوت پرست	varanīk
شهوت پرستانه	āzvarīhā
شهوت پرستی	tan kāmakīh
	varanīh
	varanīkīh
	varan kāmakīh
	āz kāmakīh
شهوت‌رانی	kāmak vičārišnīh
شیار	kēš
	kiš
شیب	šīp
	šēp
شیپور (سرنا)	mār
	gāv dumb
شیپور زنی	mār vāčīk
شید (درخشان)	šēt
شیده (نام خاص)	šētak
شیر (خوراکی)	šīr
	dōš
	dūγ
	pēm
	ǰīv
شیر (حیوان)	šēr
	šagr
شیر از پستان بیرون‌آوردن	dōxtan
شیرافروشه (غذا)	šīrfrōšak
شیر تقدیس شده	ǰīv
شیرخواری	pēm xvārišnīh
شیر خوب (دارای)	hū-pēm
شیر دادن	dūšītan
	pēmēnītan
شیردار	šīrōmand
شیر دال (حیوان افسانه‌ای)	baškuč
شیردوش	dōsītār
شیر دوشیدن	dōšītan
	dūxtan
شیرده	dēnūtak
شیردهنده	dāyakānēnītār (دایه)
شیر گشسپ (نام‌خاص)	šēr-gušasp
شیره کشی (عصاره کشی)	hunišnīh
شیره کشیدن	hunītan
شیرهٔ گیاه	āp i tan tuxmak
	tan tuxmak
شیرهٔ هوم (دارنده)	hōmīkān

شیرین šīrēn
šīrēnak

شیرین‌ترین xvālist

شیرینی šīrēnīh
xvar
xvārak
xvar i lōzēnak (شیرینی لوزینه)
čarp angust (نوعی شیرینی است)
šakarīzeh (نوعی شیرینی است)

شیزی (منسوب به‌شهر شیز) šēčīkān

شیشک (نوعی آلت موسیقی) šīšak

شیشه āpakēnak
šīšak
ǰām
gēn

شیشه‌ای āpakēnakēn

شیشه شکم‌دار بزرگ karāveh

شیشیندخت (نام خاص ، زن یزدگرد پسر شاپور)
šīšin-duxt

شیطان صفت druǰastak

شیطان صفتی dēv kāmakīh

شیطنت bēšīh
vatīh

شیفتن šīftan

شیفته viyāpān

شیفته پریان شدن pariy kāmakīh

شیوا šēpāk

شیوا زبان šēpāk huzvān

شیوع rōwākīh
frāč vistarišnīh
rawākēnītārīh

شیوع دادگی rōwāk dahišnīh

شیوع مرگ ومیر pur-margīh

شیون šēvan
šēvan ut mōyak (شیون ومویه)
barm

شیون‌کنان garzān

شیون‌گر barmvand

شیون‌گری mōyak kunišnīh

شیء čiš

ص

صاحب رمه	gōspand rat
صاحب شدن	xvēšēhītan ō xvēš kartan
صاحب خانه	mānpat
صادق	ristak
صاعقه	virōzāk vīr
صاف	hamōg narm rōšn
صاف شده	pālūtak
صاف‌شده بوسیله‌مردی‌پارسا	dahmān pālūt
صاف کردن	pālūtan narm kartan
	pālāyišn
عمل صاف کردن	palāyist
صاف کننده	pālāk pālāy
صالح	ahrāyīhōmand
صامت	agōyāk
صانع تن	tan-kartār
صبح	bām bāmak bāmdāt uš ušbām
صبحانه	čāšt
صبحگاه	ušbām ōš ōšbām

صبر	burtīh
	bāristānīh
	pattōkīh
	nixšadišnīh
	škēpākīh
صبر کردن	mānītan
	māntan
صبور	pattōk
	nixšadišnīk
	bāristān
	škēpāk
صحبت	pursakīh
	dranǰišn
	dranǰišnīh
صحبت بد	duš hampursakīh
	duš huxt
صحبت کردن	dranǰītan
	ham pursītan
صحت	vičurtīh
صحیح	drust
	druyist
	raǰistak
	vičurt
	xūp
صخره	vēm
صد	sat
صدا	āvāz
	āvāzak
	ēvāč
	ēvāz
	vāng
	patān
صدا دادن	drāhītan
صدا کردن	xvāntan
	xvāndan
	xvānišn
صدای بال بهم‌زدن	šipāk
صدای بلند	drāyišn
	društ ēvāč
	borz vāng
	borzīhā (بصدای بلند)
صدای درشت	duš-ēvāzīh
صدای زیر	tēz
صدراعظم	handarz pat
صد ساله	satōk-zīm
صدقه	ašōk-dāt
	ahrav-dāt
صدمه	zanišn
	vizand
	vizāyīh
	vizāyišn
	vizūtakīh
	kust
	xvarak
صدمه دیده	xrōstak

صدمه رساننده	ziyānkār
	tarvēnišn
صدمه زدن	zanēnītan
	xrōsītan
	vizūtan
	vizāyastan
	tarvēnītan
صراط	srat
صرفه جو	hēr pānak
	handōčišnīk
صرفه جویی	handōčišn
	handōzišn
	handōčišnīh
صرفنظر کردن	vixšay-
صرفنظر کردنی	hilišnīk
صریح	dōkānīk
	gōvičār
	rōšnāk
صعود	ahrāmišn
	ul āmatan
صف	rastak
	ratak
صفای خاطر	hū-axvīh
صفای خاطر داشتن	hū-axvēnītan
صفت‌ممیزه (دارای~)	daxšakōmandīk
صفرا	viš
صفه	šātūrvān
	bālēn gās
صلاحیت‌دار	frasāxt
صلح بخشنده	āštīh dātār
صلح وصفا	mitr
صمغ	zatak
	zatūk
صمیمانه	ēvakānakīhā
	mēnišnīkīhā
	vistāxvīhā
	xvēšīhā
صمیمی	ēvakānak
	mēnišnīk
	ōstowār
	vistāxv
	xvatīk
	xvēšīhā (صمیمانه)
صمیمیت	ēvakānakīh
	ēvakānak mēnišn
	nazdīh
	nazdīk mānīh
	vistāxvīh
	xvatīh
	adruǰišnīh
صندل	čandal
صندوق	tapangōk
صنعت	kērōk
صنعتگر	afzārōmand
	pēšak kār

	hūtōxš
	hūtuxš
	hūtuxšāk
صنعتگر نقره‌ساز	āsīmkar
صنعتگری	hūtuxšīh
	hūtuxšākīh
صوت خوب	huniyāk
صورت	čihr
	čitr
	karp
	rōδ
	rōy
صورت پذیرفتن	čihrēnītan
صورت فلکی	axtar
صورت فلکی خرس مهتر	haftōirang
صورت فلکی شیر	šagr
صورت نخستین	čitr
صیاد طیور	talak čīn
صیقل	mālišn
صیقل دادن	mālītan
صیقل دهنده	mālītār

ض

ضایع	tapāh
ضایع کردن	tapāhēnītan
ضایع کننده	tapāhēnītār
ضحاك	až i dahāk az i dahāk dahāk bēvar asp
ضحاکی	až i dahākīk
ضخامت	zahyīh
ضخیم	stapr stawr
ضد	hamēstār hambasānīk patyār patiyārak paitiyārak patyārak pityārak patīrak ēstišnīk
ضد چیزی رفتار کردن	spōxtan
ضد دینی	vidēnīk
ضد دیو	yut dēv
ضد وجدان اخلاقی	vidēnīk
ضدیت	patiyārakīh patyārakīh paitiyārakīh patyārakōmandīh pityārakōmandīh paitiyār kārīh gaštīh hamēmālīh

hamēstārīh
hamēstārišn
ham patkārišnīh

ضدیت کردن patyārēnītan
patyārakēnītan
hamēstārēnītan

ضدیت کننده patyārakēnītār

ضربه kust
zanišn
žanišn
snāh

ضربه زدن pat kōftan

ضرر ziyān
ziyāk

ضرر رساندن bēšēnītan

ضروری ačār
avičīrišnīk

ضعف nizārīh
nizōrīh
mūtakīh
āstānak
sustīh
sapūkīh
hiyandakīh
apātiyāvandīh

ضعیف nazār
nizār
sapūk
sust
tunuk
mūtak
dāramak
axvāstār
apātixšāy
vistār
kam zōr

ضعیف شدن mōšitan
nizārīhastan

ضعیف کردن nizārēnītan
nazārtan
nizārtan
akārēnītan
vīmārēnītan

ضعیف کننده mūtak kartār

ضمیمه aparvārak

ط

طاس تخته‌نرد	gartānak
طاعون	margīh
طاق	frakāvan gumbat dār سقف
طاق بلند	frāč aškōp
طاووس	fraš murv
طایفه	zand
طبع	nihātak čihr čihrak gōhr gōhrak hēm xēm
طبعاً	čihrīhā
طبع آبی (دارای)	āp-čihrak
طبع پذیر	čihrēnītak čihrēnītār
طبع پذیرانه	čihrēnītīhā
طبع پذیرفتن (خویگر شدن)	čihrēnītan
طبع متضاد (دارای طبع متضاد)	yut gōhr
طبع‌وخوی‌تاریک(دارای طبع‌تاریک)	tam axv
طبعی	čihrīh čihrīk
طبیعی	gōhrīk čihrīk
طبقه اجتماعی	pēšak
طبقه بندی	ōšmurišn

طالع	zāyičak
طالع دیدن	handāxtan
طالع گرفتن	zamān handāxtan
طبقه طبقه چیده شده	čītāk
طحال	sparz spurz spul spihr
طراح	handāxtār
طرح ریز	handāxtār
طرح‌ریزی کردن	handāxtan
طرد	spōžišn
طرد کننده	spōž spōz-kār
طرز	gōnak handāčak rawišn ristak
طرز رفتار	rawišn varišn
طرز فکر	mēnišn
طرز فکر خوب	hūmat
طرف	ō rōn rān ōrōn sōk sūk ālak sraxtak kanār kust kustak kustakīh nēmak kustak kustak (ازهر طرف)
طرف چپ	hōy
طرفدار	grāy
طرفدار کرپها بودن	karapīh
طرف راست	dašn
طرف عقب	parōn
طریق	advēn gōn gōnak ristak šōn
طریق دیگر	yuttar
طریقه	āyēnak advēnak brahm hangōšītak
طعم	mačak mēčak

	mizak
	mīž
	čaxšišn
طعم‌دار	mičakōmand
طعم‌داری	mičak dārīh
طعم شیرین (دارای ~)	šīrēnak
طغیان آب	āpaxšīkīh
طفل	kōtak
	rētak
طفل تازه متولد شده	nōk-zāt
طلا	zarr
طلاق	hilišn
طلاق‌نامه	hilišn nāmak
طلایی	zarēn
	zarrēn
	zarōmand
	zargōn
طلب	xvāhišn
	vāčāfrāh
طلب کننده	xvāntār
طلبگی	hāvištīh
طلبهٔ علوم دینی	hāvišt
طلبیدن	xvāndan
	xvāntan
	xvāstan
طلوع	ōš
طلوع خورشید	xvarāsān
	hūvaxš
	hvarxšēt pētākīh
	frašm
طمع	āzvarīh
طناب	rasan
	rištak
طسوج (نام شهر)	tawwak
طور دیگر	ēnyā
	yuttar
طوری که	yat
طوس (نام خاص)	tūs
طوفان	snōdān
	damak
	vāt damak
	vāt
طول	drahnā
	drahnād
	dranāy
	dirangīh
	dērangīh
طول ماه	māh drahnā
طول مدت	drang

طول همانند (دارای ~) hamōk drahnād

طول یک ذراع arišn kaft

طومار fravartak

طویل darg
dagr
dagrand
dirāz

طویله stōr gās

طهارت pākīh
pākīzakīh

طی کردن spurtan

ظ

ظالم mar
mustgar
sāstār
vixrūn
xrvīk
stambak

ظاهر paitāk
pētāk
vēnafdāk
dēsak
dītār

ظاهر خوب (دارای ~) hu-ōrōn
pat frāčīh (در ظاهر)

ظاهر شدن pētākīhastan
sahistan

ظاهر کردن paitākēnītan
pētākēnītan

ظاهر کننده دین din nimūtār

ظرف dēg
dīg
patiš-xvār
tišt
duwrak
yāmak

ظرف آب āp-dān

ظرف آب‌خوری takōk

ظرف آتش duwrak

ظرف شیرمقدس درمراسم‌یسنا patvāsak

ظرف سفالین dūsīn
kapārak
kapārīh
xumb
yāmak

ظرف غذا astak

ظرفی که‌در آن چیزهای خشک ریزند huškwar

ظرفی که در آن خودرا شستشو کنند āp-zan

ظرفیت zahyīh

ظرفی که در آن گومیز ریزند gōmēz-dān

ظرفی که در آن هوم پالایند hōmān pālāy

ظریف nāzik
nēzumān
dāramak
darmak
tunuk
xvaš
čāpuk
bārīk

ظلم must
apēmust (بی‌ظلم)
mustgarīh
stambakīh
vixrūnīh
xrūkīh
drōɤ adātastānīh

ظلم کردن hēčītan

ظن gumān
gumānīkīh

ظن بد drōǰ gumānākīh

ظن دروغ drōǰ gumānākīh

ظنین gumān-gar

ظهر nēm-rōč
rapiswin
rapitwin
rapīh
nēm-rōč gās

ظهور pētākīh
paitākīh
daxšakīh

ظهور دین din nimūtārīh

ع

عادت hōk
nihātak
rastak
ristak
rastakīh

عادت کردن āmōxtan

عادت ماهانه زنان daštān

عادل drudist
rāst
raǰistak

عادلانه dātīhā

عادلانه رفتار کردن dātīhā varzītan

عادی naxēžīk
šōnik

عارضه gatišn

عاشق apatmān varanīk
niyāzān
viyāpān
viyāwān

عاشقانه dōšārmīhā

عاشق پریان شدن parīk kāmakīh

عاصی framān spōz

عاطل afkār
akār

عاطل بودن akārīh

عاقبت بخیری nēvak fraǰāmīh

عاقل pat xrat
pur xrat
xratōmand
frazānak

dānākōmand
hūdānāk
hūxrat
hōšiyār
ōšīdār
xratīk

عاقلانه dānākīhā
hōšiyārīhā

عاقل گرداندن xratēnītan

عالم hūdānāk

عالم بودن به‌همه‌چیز harvisp ākāsīh

عالم به‌کل اسرار harvisp ākās

عالم مثالی mēnōg
mēnōk
mēnōkān axvān

عالم مینوی mēnōg
mēnōk
mēnōkān axvān

عالی apar
aparak
pahrōm
pahlōm
barēn
frāčtōm
bālistīk
ōǰak
ōǰōmand
ōžōmand
arzōmand
burzāk
buržišnīk

عالی ترین pahrōm
masist

عالی‌ترین مخلوق pahrōm dāt

عالیرتبه aparkār

عالیقدر pēš arǰ

عالی مقام aparkār

عالی همت vandgar

عامل kartār
kunāk
kart kār
kunišngar
kunišnkar
varzītār

عاملان kartārān

عاملانه (از روی عمل) kunišnīhā

عامل بودگی varzītārīh

عامل دولت kār framān (کارفرما)

عامل کار خیر hūvaršt varzītār

عامل کلی harvisp kartār

عاید گرداندن vindēnītan

عایدی	vindišn vindišnīh handōxt bāž
عایدی کم نشدنی	anizār vindišnīh
عبادت	šnūman šnūmanīh šnāyēnītārīh niyāyišn stāyišn stāyītārīh
عبادت کردن	šnāyēnītan niyāyišnēnītan stāyītan
عبور	vitārišn vitīrišnīh vazvar (قابل عبور)
عبور کردن	vitartan vitaštan vitāštan vitīrītan hūvitargīh (دارای معبر خوب بودن) vitargīh (دارای معبر بودن)
عُجب	apar-mēnišnīh
عجله	ōštāp ōštāpišn
عجله کردن	ōštāftan
عجله کننده	ōštāpgar
عجوزهٔ زشت	duš-kanīk
عجیب	afd škift
عدالت	dātastān dātastānōmandīh miyānčakīh miyānǰakīh
عداوت	dušmēnātīh
عدس	vēnōk vinūk mišūk mičūk
عدل	dāt dātak dātwarīh raǰistakīh rāst dātastān rāstīh
عدل ورزیدن	dāt varzītan
عدم	nēstīh
عدم آبادانی ونعمت	duš patēxvīh
عدم آسایش	axvārīh
عدم استعداد	akārīh
عدم احترام	hišt škōhīh
عدم ارتباط	anbasānīh

عدم اعتقاد بروز شمار	anamārīh
عدم اعتقاد به‌دین	anastuvānīh
عدم‌اعتقاد‌به‌عالم‌مثالی	mēnōk avirravišnīh
عدم‌اعتقاد به‌مینو	amēnōg virravišnīh
عدم‌اعتقاد به‌وجود روان	aruwānīh
عدم اعتقاد به‌هستی	anahast-mēnišnīh
عدم اعتماد	avistāxvīh gumānīh gumānīkīh
عدم اغتشاش	amūtakīh
عدم اغفال	adruǰišnīh
عدم اکتساب	avindišnīh
عدم امکان	atuwānīkīh
عدم پیروزی	apērōčgarīh
عدم پیشرفت	arowākīh
عدم پیوستگی	apattokīh
عدم تأخر	apasīh
عدم تجسم	atanīh
عدم تربیت	afrahaxtīh
عدم تردید	ēvarīh
عدم ترکیب	adēsišnīh
عدم تشخیص	avičārtārīh avičīrišnīh
عدم تقدم	apēšīh

عدم تمایز	avičīrišnīh
عدم تناقض	ananbasānīh
عدم تنبه	anapaxšāvandīh
عدم توانایی	apatūtakīh
عدم توسعه ونمو	arōyišn
عدم حصول	anayāpakīh avindišnīh
عدم خوشبختی	axvārīh
عدم درك	anayāpakīh avindišnīh
عدم رضایت	anaxōnsandīh
عدم شایستگی	akārīh
عدم صمیمیت	avistāxvīh
عدم عفو	anapaxšišnkārīh
عدم علت غائی	anahandāčišn
عدم فساد	asōhišn
عدم فضیلت	apahrōmīh
عدم فعالیت	akārīh armēštīh
عدم گردش	avartišn
عدم مخالفت	apatyārīh
عدم مقصود	apēhangīh
عدم موافقت	yut dātastānīh asāčišnīh

	asāxtārīh
	anāštīh
عدم نظم و ترتیب	duš-rāyēnītārīh
عدم واقعیت	nēstīh
عدم وجود	nēstīh
	anastakīh
	anahastīh
عدم وضوح	apaitākīh
	apētākīh
عذاب	škanǰak
	škēnǰak
عذاب الهی	puhl
عذر خواستن	apaxšītan
عذرگناه خواستن	patētīkīh
عرب	arab
	tāzīk
	tāčīk
	tāǰīk
عربستان	dašt i tāzīkān
عربستان جنوبی	simrā
عرب‌ها	tāzīkān
عرش	taxt
عرش اعلی	garasmān
عرض (پهنا)	pahanāy
	pahnād
	pahnāy
	panād
	vēhmīh
عرضحال	dōšišn
عرضه	nimāyišn
	nikēž
	nikēžišn
عرضه کردن	nimūtan
عرضه کننده	nimūtār
عرق (خوی)	xvid
	xvēy
عرق کردن	xvistan
عرق که از نشاسته سازند	dārū i nišāstak
عروسان	viyūtakān
عروسی	dāmātīh
	vayōtakān
	viyūtakān
	zanīh
عریان	brahnak
	vrahn
	lūtak
	rūtak
عریض	pahan
	pahnāk
	vēhm
	višāt

عزا	sūk
عزادار	barmvand
	čihišnīk
عزت	garāmīkīh
عزم	nikēžišn
	vičārišnīh
عزم کردن	vičārtan
عزیز	dōst
	dōšak
	garāmīk
	franāft
عزیزترین	zōšist
عزیز دارنده	parvartār
عزیز داشتگی	garāmīkīh
عزیز داشتن	franāmītan
	garāmīkēnītan
	parvārītan
	parvarītan
	parvartan
	šnāsītan
	urvāzēnītan
عزیمت	bē vartišnīh
	bē vitīrišnīh
عسس	gezīr
عسل	angubīn
	angapin
عشق	dōšārm
	dušārm
	dōšārmīh
	dōšišn
	dōšišnīh
	dōšakīh
	kāmīh
عشق متقابل	hamdōšišnīh
عشق متقابل‌داشتن (همدیگر را دوست‌داشتن)	hamdōšītan
عشق مفرط	varan
عصا	čōp
	čōpak
	čōpīčak
	graw
عصاره کش	pālāk
	pālāy
عصاره کشی	hunišnīh
عصاره کشیدن	hunītan
عصب	pad
	pay
عصبانیت	hišmīh
	hēšmīh
عصبی	hišmgēn
	handrūtak
عصر	ēvārak gās
عصر (زمان)	āvām

عصری (زمانی)	āvāmīk
عضو	pēšak
عضو بدن	handām
	hannām
عضو حسی	snah
عضو خانواده	mānīk
عطا	baxšišn
	baxtišn
	drōn
عطارد	tīr
عطر	bōd
	bōy
	bōy vaǰarak
	hūbōyīh
عطرآگین	hūbōy
عطرآگین کردن	bōyēnītan
عطر نرگس	nargis bōy
عطسه	šnōsak
عظمت	afzārīh
	škōhīh
عظیم	vazurk
	vazurg
	māzandar
عفت	šarm
	hūšarmīh
عفن	dušgand
عفو	āmurzišn
	apōxšāyišn
عفو کردن	apoxšāyītan
عفونت	dušgandīh
عفو نکردن	anapaxšāyāvandīh
عقاب	dālman
	humāy
	sēn
	āluh
عقاب سیاه	dālman
	tālman
عقب	pas
	patsār
	pušt
	apāč
عقب افتادگی	pasīh
	pas bavišnīh
عقب راندگی	patīrak rasišnīh
عقب راندن	patērānēnītan
	purtan
	xangēnītan
	xanǰēnītan
عقب زدن	spōxtan
عقب زننده	spōxtār
عقب ماندگی	pasōpāyīh
عقب مانده	patīrān

عقب نشستن frōt vartītan

عقب نشینی frōt vaštakīh

عقبه nāf
napat
ōbātak

عقرب gaz-dum
gaž-dum
gāž-dumb
gaždam

عقل xrat
vīr
pur xratīh
dānākīh
hūdānākih
hōš
hōšiyārīh
rāδ
rāy
zandīh

عقل آشفته xrat start

عقل اکتسابی gōšānsrūt xrat
gōšasrūt xrat

عقل برتر hū-zandīh

عقل بزرگ hūdahakīh

عقل غریزی āsn xrat

عقل کل visp ākās

عقلی xratīh
xratīk

عقیده mēnišn
nikēžišn
virravišn
gravišn
čāšišn
čāštak
čāštakīh
saxvan
kēš
pand
taftīk mēnišnīhā (ازروی خلوص عقیده)

عقیده باطل yut dātastānīh
zandīkīh

عقیده دینی franāmišnīh

عقیم starvan

علاج čār
čārak
čārak garīh
dārūk
darmānišnīh
vičīr

علاج کردن vičīristan

علاج کردنی čārīk

علامت čihr
nišān
mārīk

علامت اولیه	pēš daxšakīh
علامت حیات	zīvand daxšak
علامت نجومی	handāčišnīk
علاوه بر	parōn
علائم هفت‌سیاره دروقوع یک‌امر	mārīk
علت	vahān vihān vihānak bihān bihānak bun čīm čīmgān rāy (به‌علت) patisāy (به‌علت)
علت‌العلل	bunīštak
علت وجودی	čīm
علت ومعلول	bun ut bar
علف	gyāh marv murv vāš
علف‌چر	čarak
علف‌چر خوب	čarak arzānīk
علف خشک	kāh
علف هرزه	zāz
علم	dānākīh hūdānākīh šnāsakīh frahang
علم به‌آینده	pas dānišnīh
علم‌دار	drafš-dār
علم دستورزبان	awiyākaran
علم لایتناهی خدائی	hamāk dānākīh
علمی که بوسیله مشابهت حاصل‌شود	hangōšitak dānišnīh
علوفه	vāsān
علوفه دادن	vāstārēnītan
علو	aparīh apartōmīh apartarīh apērakānīh tarīh frārōnīh masīh bālist burzēnišn pahlōmīh pahrōmīh
علو الهی	yazdān pahrōmīh
علو همت	ērmēnišnīh vandgarīh

علی‌الخصوص	nāmbarak
	nāmčišt
علیت	vahānkarīh
علیه	patīrak
علیه کسی بودن	patyārakēnītan
عمان	arvastān
عمداً	kāmakīhā
	kāmakōmandīhā
	mēnišnīhā
عمده	vaspuhr
عمدی	kāmakīk
عمر دراز	dēr zīvišnīh
	dīr zīvišnīh
عمق	gawrīh
	zufāy
	zahā
	zahyā
	zahyād
	zahīh
	zahyīh
	bun
	tēh
عمل	kār
	kart
	kirt
	kartak
	kirtak
	kartār
	kunišn
	kunišnīh
	varzišnīh
	varzīh
	varzītārīh
	afzārīh
عمل آمدن	pazāftan
عمل ادرار کردن	mīzišn
	mīzišnīh
عمل بد	vat kart
عمل پائین رفتن	ōgrāi
عمل خوب	hūkartārīh
	hūvaršt
	hūvarz
	nēvak kunišnīk
	hūīk-kār
	frēh hūvaršt
عمل کننده	kartār
	kunišngar
	kunišn varz
	varzītār
	vičār
عمل کننده بزهد وتقوی	ahrāyīh varzītār
عمل نکردن	akartārīh

عمله	kārīkar
عملی	kunišnīk
عمومی	amarakān amarakānīk
عمیق	nist zufr nāyōk
عمیق‌ترین	nist
عناصر اربعه	zahakān
عنبر	ambak ambar
عنصر	māt mātak mātaγ zahak
عنصر اولیه	mātak
عنکبوت	tanand kāk
عنین	hušk kun xušk kun
عوض شدگی	vartišnīh vihērišn
عوض شدن	vartītan vihēr- vaštan
عوض شدنی	rōč vart
عوض کردن	vartēnītan vartītan
عوض کننده	vartēnītār
عهد	mitr patmān paštak
عهد شکستن	drūǰītan druxtan
عهد شکن	riftak patmān mitrān drūǰ mitr drūǰ
عهدشکنی	mitrān drūǰīh mitr drūǰīh
عهد کردن	patistātan
عهد نامه	pātaxšēr
عهده دارانه	barišnīhā
عیار زده	apar gumēxt
عیاش	ǰahīk
عیاشی	ǰahīk kārīh ǰēh marzīh
عیالمند	nāirīkōmand (زن‌دار)
عیالوار	frazandōmand

عیب	āhōk
	āhūk
	apārōnīh
عیب جوئی	nikōhišn
عیب‌جوئی کردن	nikōhīdan
عیب‌دار	āhōkēnāk
	apēbūt
عیب‌داری	āhōkēnišn
عیب کردگی	āhōkēnītākīh
عیسوی	karsāīk
	karsākīk
	kalisāīk
عیسویت	kilisyākīh

غ

غار	grīstak
غارت	āpurišn appurišn apparīh appar apar rōp dahīk mrnǰēnišn
غارت کردن	āpurtan appurtan rōtan truftan truftēnītan mrnǰēnītan
غارت کننده	truftār
غارتگر	apārak apparag mrnǰēnītār
غاز	si
غافل	sūtak
غافلانه	ērangīhā
غافل کننده	viyāwānēnāk
غالب (بیشترین)	frahist
غالب (پیروز)	tarvēnišn
غایب	avēn avēnāft avēnāk avēnāftāk
غبار	vart gart maznāh

غذا xvārišn
xvartīk
xvārēn
xvārūm
čāštak
patēxv
pēhn
pihn
pihan
pihv
pih
pit
sūr
urvar
halām (نوعی غذاست)

غذا پیش‌آوردن parvārtan

غذاخوردن xvarišn
xvarišnīh

غذاخوردن باصدای بلند دهان drāyān žōyišnīh

غذادادن xvārēnītan
parvarītan
parvartan
parvārtan
vāsnītan
fšōnēnītan
parvarišn
parvārišn

غذا داده شده parvartak

غذادهنده parvartār
vāsnītār
dāyakānēnītār

غذادهندهٔ فقرا driγōš dāyakānēnītār

غذانخورده axvartār

غذای آسمانی mēnōk xvarišn
apar pēm

غذای اندك kūtak sūr

غذای بد duš-xvarišn

غذای روزانه rōčīk

غذای شب šām

غذای صبح sūr

غذای قربانی mēnōk myazd

غرب xvarōwarān

غربال کردن vēxtan

غربت uzdahīkīh

غرش γarrišn
γarrēnišn

غرش کردن γarrēnītan

غروب ēvārak

غروب خورشید advārak
xvarbarān
ēvārak gās

غروبگاه advārak
hūfrāšmōkdāt
šapāngās
ēvārak gās

غرور
apartanīh
awrāstakīh
girān mēnišnīh
tar
vāt
xvat dōšakīh

غریب
anšatrīk
dūr šatrīk
anōtak

غریب بودگی
uzdahīkīh

غریبه
yut gōhr

غریدن
γarrēnītan
γarrānītan

غریزی
āsn

غزال
āhūk

غسل تماس بامرده
baršnom

غسل دادنی
šōīk
ašōīk (غیرقابل غسل)

غصه
andāk
tēmār
dart
pazd
vitang
vitangīh

غصه‌دار
dartak
andākēn
andāgēn

غضب
hišm
hēšm
xēšm
dēpahr

غضبناك
ēšmun
hēšmakan
hēšman
hēšmun
xišmgēn
dēpastēn

غضبناکی
hēšmanīh
tundīh

غفلت
ērangīh
vistārīh
hilišn
sūtakīh
bē sūtakīh

غفلت شده
avičār

غفلت کردن
hištan
žūtan

غلاف
niyām

غلامبارگی
kun marzīh
apārōn marzišnīh

غلامباره
kun marz
mart vēpīk
viptak (طرف مفعول)
viptēnītak ~

غلام بچه	rētak
غلبه	tarvēnišnīh
	pātiyāvandīh
غلط	mēt
	vāhar
	zaspān
	zēpāk
غله	ǰurtāk
	ǰortāi
	ǰortāk
	yurtāk
	zurtāk
غله کاری	ǰurtāk kartārīh
غم	handōh
	tīmār
	tēmār
	zarīk
	čašāk
غم بهدل‌ریز	gilak ōpār
غمخواری	tīmār
غمگین	čihišnīk
	xrōstak
	duš rāmišn
	zarīkēn
	zarīkōmand
غمگین کردن	hēčītan
	čihītan
غمناك	handōhakēn
	zarīkēn
غنا	tuwānakīh
غنچه درآوردن	tandīh
غنی	ātāv
	hast hēr
	tuwān hēr
	vas afzār
	vas xvāstak
	čašmak
	xvayāpak
غور	ōšmurišn
غورت دادن	žūtārīh
غیر ارادی	ahōnsand
غیر از	yut
	yut hač
غیر اساسی	xvārmātak
غیر ایرانی	anērān
غیرحقیقی	anahast
غیر زرتشتی	kēšdār
غیر شهری	anšatrīk
غیر صمیمی	avistāxv
غیرعمد	ahōnsand
	ahōnsandīhā (بطور غیرعمد)
غیرقابل اجتناب	avičīrišnīk
غیرقابل برد	avinnišn

غیرقابل تخریب	anapasīnišn
غیرقابل حصول	anvindīt avindīt
غیرقابل دسترس	anvindīt avindīt avindišn avinnišn
غیرقابل رؤیت	avēnāk
غیرقابل غسل	ašōīk
غیرقابل فهم بودن	anayāpakīh
غیر قابل قبول	apatīraftak
غیر قابل گرفتن	agīrišnīk agriftār
غیر قانونی	apēdāt
غیر مادی	mēnōk mēnōyīk
غیر مجاز	apātixšāy
غیر مختص	axvēšīk
غیر مرئی (بطور غیر مرئی)	mēnōkīhā
غیر مستعد	apasačāk
غیر مسؤول	apursišnīk
غیر ممکن	atavānīk
غیر منطقی	apēsaxvan
غیر منقطع	pattān
غیر موجود	anahast avēn

ف

فاتح
pērōč
pērōz
pērōčgar
pātyāvand
van
vānītak
vānītār

فاتحانه
pērōčgarīhā

فاحشگی
rōspīkīh

فاحشه
jēh
jah
rōspīk

فارس
pārs

فارسی
pārsīk

فارسیان
pārsīkān

فاسد
anāk
anāpītān
darrāk
nasrušt
patrēt
pūt
rīman
sējōmand
sēž
gannāk
stak
vinast
vinastak

فاسد شدن
pūsītan
hārēftan
tapāhītan
tapāhīhastan

فاسد شدنی — sēǰōmand, sēžōmand

فاسد شده — pūsītak, pūtak, tapāh, uzruftak

فاسدکردن — marnǰēnītan, višōftan, kaftan

فاسدکننده — marnǰēnītār

فاسد نشدنی — asēž

فاصله — nišāmīh

فاصله‌دار — dūr, rahīk

فاصلهٔ دراز — dirang

فاضلاب — kahas

فاعل — kunāk

فاقد — apēbūt

فال — nišān

فال‌بینی کردن — zamān handāxtan

فالگیر — murvniš, marvnīš, kēt

فال نیک — hūmurvāk, murvāk

فالوده — pālūtak

فانی — sēǰōmand, vitarišnīk

فایده — sōk, sūt, sūtīh, sūtakīh, vaxš, xvābarīh

فتح — pērōčīh, pērōčgarīh, vanīh, vānišn, vānītakīh, vānītārīh

فتح کردن — vānītan

فتنه — vināstārīh

فتوی — čāštak, čāštakīh, dātōbarīh, dātwarīh, vičīr, vičīrīh

فتوی دهنده — vičīrtār

فجر — nišāmīh, frāšm

فحش — vat vāčak

فحشاء rūspīkīh

فحل آمدگی vartakīh

فحل آمده vartak

فخر بی‌جا bōšīh

فخیز (مهمیز) faxēz

فدایی ǰān apaspār

فدیه myazd
ustōfrīt
usōfrīt
yašt

فدیه ایزد خرداد harvdāt sūr

فدیه دهنده yaštār

فر farnah
farrah
xvarrah
xvarnah
xvarrahōmand (دارای فر ایزدی)

فربردار (پیشوای‌مذهبی‌درمراسم‌یسنا) frabartār

فرابستن parvastan

فرابسته parvast

فرا پرسیدن frāč pursītan

فراخ frāxv
fraxv

فراخ اندیشه frāxv mēnišn

فراخ چارگی frāxv čārīh

فراخ روی frāxv anīk

فراخ زندگی frāxv zīvišn

فراخکرت (دریایی است) frāxv kart

فراخ کردن frāxvēnītan
frāxvītan

فراخ کننده frāxvēnītār

فراخ منش frāxv mēnišn

فراخ هوشی frāxv hōšīh

فراخی frāxvīh
hanbārīh

فرادت خوره (نام خاص) frādat xvarrah

فرار varīk
virēk
virēkīh
bē vartišnīh

فرا رسیدن frāč rasītan

فرارکردن virēxtan

فراز afrāč

فرازآمدن frāč matan

فراز افراشتن frāč šānītan

فراز بانگی (بانگ بلند) frāč vāngīh

فراز بردن (پیش بردن) frāč burtan
frāčēnītan

فراز بری frāč barišnīh

فراز بودگی frāčīh

فراز پذیرفتن	frāč patīraftan
فراز پستان (دارای پستان‌برجسته)	frāč pistān
فرازتر	frāčtar
فرازتری	frāčtarīh
فرازترین	frāčtōm
فراز خواندن	frāč xvāntan
فراز رسیدن	frāč rasītan
فراز رفتن (پیش رفتن)	frāčītan frāč raftan
فراز شدن	frāč šutan
فراز کندگی	frāč kanišnīh
فراز گسترشی	frāč vistarišnīh
فراز نمودن	frāč nimūtan
فراز نویدی (اعلام)	frāč nivēdišnīh
فراز هشتن	frāč hištan
فراست	hōšiyārīh ōš ōšīh
فراشت (نام خاص)	frāšt
فراشکردی (مربوط به تجدید دنیا)	frāškartīk
فراگرفتن (یاد گرفتن)	āmōxtan ōmūxtan niyōšītan
فراگرفتن (احاطه کردن)	parvastan
فراگرفته شده (احاطه شده)	parvastak pēčītak
فراگیری	dānēnišn āmōxtišn
فرامندی (افزایش)	frāyōmandīh
فراموش	framōš
فراموش شده	framōšt anayāt
فراموشکار	anayāt
فراموش کردن	awyastan framōšītan az daxšak hištan
فراموشی	framōšītārīh framōštan
فراموشیدن	framōšītan
فرانک (نام خاص)	frānak
فراوان	afzōn frāxv frēh patēxv parōn vēšist
فراوانترین	frahist frēhist

فراوان کردن	frāxvītan fšōnēnītan patēxvēnītan
فراوانی	frāxvīh fšōnišn hangatīh patēxvīh purīh pur rawišnīh frahistīh frēhistīh frahīh afkārīhā (بفراوانی)
فراوخش‌ویندات(نام‌خاص)	frāvaxš vindāt frāhvaxš vindāt
فراه (شهر)	frāh
فراهم کردگی	apar burtārīh
فراهم کردن	ō ham kartan
فراهم کننده‌ٔ رنج	vēšišn ārāstār
فراهیم‌روان زوئیش (نام خاص)	frāhim rwān zōīš
فربه	farpīh frapīh
فرتخشت (نام خاص)	frataxšt
فرجام	frajām fražām
فرجاماندن	fražāmēnītan
فرجام کاری (رستاخیز)	fražām kārīh
فرجام کاری (کوشش برای رسیدن بفرجام)	fražām kārīh frajām kārīh
فرجام دادن	pat fražāmēnītan
فرجام ناپیدایی	avēnāk fražāmīh
فرجامی	frajāmīk
فرجامیدن	frajāmītan frajaftan
فرجامیده	frajaft
فرخ	farraxv
فرخزاد (نام خاص)	farraxv zāt
فرخ جان	farraxv jān
فرخدا	farnbay
فرخزادان (نام خاندانی)	farraxv zātān
فرخنده	farraxv hūbaxt
فرخی	farraxvīh
فردا	fratāk
فردتفش (کشور سوم از هفت کشور)	fradatafš fratatafš
فردی	ēvāzīk

فرزانگی	frazānakīh
	hūfrazānakīh
	hūxratīh
فرزانه	frazānak
	hūxrat
فرزانه سخن	frazānak saxvan
فرز دان (نام دریاچه‌ای است)	frazdān
فرزند	frazand
	fradand
	pusr
	pusar
	zahak
	zahāk
	zāk
	zātān
	zāyak
فرزند پاپک	pāpakān
فرزند خواستاری	pus xvāhišnīh
فرزند خوانده	patīruftak
فرزند خوب داشتگی	hūpusīh
فرزنددار	frazandōmand
	zahakōmand
فرزند داشتگی	apāk pusīh
فرزندزاده	napat
	napātak
	nawātak
فرزند شخص گمراه	druvand zātak
فرزند موجودات اهریمنی	hunušak
فرزندی	frazandīh
فرزیشت (نام خاص)	frazišt
فرزیشک (نام خاص)	frazīšak
فرزین (وزیر درشترلج)	fračīn
	frazēn
	frazīn
	aparzēn
فرسپ (نام خاص)	frasp
فرستادگی	fristakīh
	aštakīh
فرستادن	fristātan
	frēstītan
	fristītan
	zamēnītan
	visīy kartan
	vasi kartan
	visē kartan
	nisāi kartan
	nisāi-
فرستاده	fristak
	aštak
	pētāmbar
	parvānak
فرسنگ	frasang

فرسودگی دردناک	dartmāl
فرسوده	sūtak
فرش	vistarg namat
فرش (نام‌خاص)	fraš
فرشاورد (نام خاص)	frašāvart
فرشت (نام خاص)	frašt
فرشتگان	mēnōgān yazatān
فرشته	yazat fristak
فرشته آب وباران	artvisūr
فرشته اندیشه نیک	vahman
فرشته سلامتی	hurdat (خرداد)
فرشته عدالت	rašn
فرشته نگهبان	fravahr
فرشته نگهبان آب	āpān anāhīt artavīsūr ardavīsūr
فرشته نگهبان دارایی	aršašvang
فرشکرد (تجدید دنیا)	fraškart
فرشن (نام خاص)	frašn
فرشوشتر (نام خاص)	frašōštar
فرشید ورد (نام خاص)	frašētvart
فرصت	damān zamān vihānak bihānak yāvar
فرض کردن	hangārtan
فرغانه	frakān
فرق (مباینت)	apēvināxtārīh
فرق سر	bālēn
فرق گذاشتن	vičēnītan vičītan
فرقه	ristak
فر کیانی	kayān xvarrah
فر گرد	fragart frakart
فرگوزک (نام خاص)	fragūzak
فرمان	framān parvānak vičīr
فرمان ُبد (فرمانده، رئیس)	framān pat
فرمانبردار	framān burtār burt framān framāngar

framān niyōxš
hūframān
huniyōxš
niɣōxšītār
niɣōkšītār
niɣōxšāk
niɣōšāk
srōšīk
tarsakāy
ēvakānak
xvatāyōmand

فرمانبردارانه
čašmīhā
tarsakāsīhā

فرمانبرداری
framān burtārīh
hūframānīh
niɣōkšītārīh
nigōšišn
niyōšišn
niyōxšītārīh
srōšīkīh
tarsakāsīh

فرمانبرداری نکردن
aniɣōxšītan

فرمان‌بردن
niɣōkšītan
niɣōšītan
niyōšītan

فرمان‌به‌تأخیرانداختن
framān bē spōxtan

فرمان پذیرفتن
framān patigraftan

فرمان تجسم‌یافته
tan framān

فرمان دادن
framān dātan

فرماندار
šahrap
šasap
kustīg pān

فرماندار ناحیه
kustīg pān

فرمانده
framātār
sardār

فرمانده ارتش
artištārān sardār

فرمانده ارتش ایران
ērān spāhpat

فرمانده کل سپاهیان
spāhpatān spāhpat

فرمان دهنده
brīnkar

فرماندهی
framānīh

فرمانروا
pātaxšā
pātixšāh
pātixšāy
pātšā
šatrdār
šatryār
xvatāy
sāstār
rāyēnāk
dēhpat
marzpān
kāmkār
kay
tāb

فرمانرواگردانیدن pātixšāyēnītan

فرمانروای ابدی dagr xvatāy

فرمانروای بد duš pātaxšāh
duš pātixšā
duš xvatāy
akāmak xvatāy

فرمانروای بی‌اراده akāmak xvatāy

فرمانروای خوب hūpātaxšāy
hūxvatāy

فرمانروای خودکام kāmak xvatāy

فرمانروای شهر šōisr-pat

فرمانروای قسمتی ازکشور kartak xvatāy

فرمانروای کشور šōisr-pat

فرمانروای کل sar xvatāy

فرمانروای مستبد sāstār

فرمانروای مستقل kāmak xvatāy
xvatāy kāmak

فرمانروای ناحیه kustak pat
kustīg pān

فرمانروای ناحیهٔ کرم karm xvatāy

فرمانروایی xvatāyīh

فرمانروایی‌اندیشه‌نیک vohuman xvatāyīh

فرمانروایی با استبداد sāstārīh

فرمانروایی بد duš pātaxšāhīh
duš rāyēnītārīh
duš xvatāyīh
zēšt xvatāyīh

فرمانروایی بکام xvatāy kāmakīh

فرمانروایی پادشاه واحد ēv xvatāyīh

فرمانروایی خوب hūframānīh

فرمانروایی خودکامه kāmak xvatāyīh
kāmak pātixšāyīh

فرمانروایی درازمدت (دارای)
dirang xvatāy

فرمانروایی ستمگرانه duš-xvatāyīh

فرمانروایی کامل bavandak pātixšāhīh

فرمانروایی کردن rāyēnīhītan

فرمانروایی مستقل kāmak xvatāyīh

فرمانروایی مقتدرانه kāmak pātixšāyīh

فرمانروایی نیک hūpātixšāyīh

فرمان سپوختن (سرپیچی کردن‌ازفرمان)
framān spōxtan

فرمان صادر کردن avdištan

فرمانگر framāngar

فرمان نیوش framān niyōxš

فرمانی framānīh

فرمایش framāyišn

فرمودن framūtan
framātan

فرن (نام خاص) frēn

فرنبغ (نام‌آتشکده) farrobāg
farnbaγ

فرنجمشک parangmušk
farangmušk

فرنگیس (نام خاص) vispān fryā

فرو frō
fru
frōt

فرو افتاده xvastār

فروافتاده ماندن niyastan

فرواک (نام خاص) fravāk

فرواکین (نام‌خاص) fravākēn

فروانداختن nipastan
nikandan

فروبردگی frōt barišnīh

فروبردن spōxtan

فروبریدن frōt karēnītan

فرو بودگی frōt bavišnīh
frōtīh

فروتن adar tan
ērtan
ērmānak
ērmēnišn
nitvar

فروتنی adar mēnišnīh
ērmēnišnīh
ērtanīh

فروختن frōxtan

فرود frōt
frōt vartītan

فرودآمدن frōtīhastan
ōpastan
patkaftan
grātan
ōgrāi-

فرود آهنگ frōt āhang

فرودترین frōttom

فرور (مثال موجودات در عالم مینوی)
fravahr
fravart
fravaš
fravaxš
fravat
fravartēn (منسوب به‌فرور)

فروردگان fravartikān

فروردینگان fravartikān
fravartīgān

فروردین fravartēn

فروردین ماه	fravartēn fravartēn māh fravardīn
فرورفتگی	frōt dārišn
فروری	fravartīk
فرو ریختگی	nidvārišn
فرو ریختن	ōbaxšītan
فَروشی	fravahr fravart fravaš fravaxš
فروشی مقدس	artāy fravart
فروغ	frōk brēh rāi tēh patrōg pātrōč
فروغ بخش	xurag baxtār
فروغ بخشی	xurag baxtārīh
فروغ دادن	frōkīhastan
فروکشیدن	nihaxtan
فروکشیدن آب‌دریا (جزر)	ōgār
فروکندگی	frōt kanišnīh
فروگشتگی	frōt vaštakīh
فروماندن	nipāstan
فرومانده	frōtmānd
فرومایه	kast
فرو مردگی	frōt mīrišnīh
فرو مردن	frōt murtan
فروهر	fravahr fravaš fravat fravaxš artāy fravart hūfravart (دارای فرور خوب)
فروهر پاکان	artāfravart
فره	farrah xvarrah xvarr xvarrah
فره آب	āpān xvarrah
فره افزایی	farrah afzāyišnīh xvarrah afzāyišnīh
فره ایران	ērān farnah ērān farrah
فره ایزدی	xvarrah farrah
فره پیروز (نام خاص)	farrah pērōč

فرهخته frahaxtak

فره سروش (نام خاص) frēh srōš

فره کاستار (کاهندهٔ فره ایزدی)
xvarrah kāstār

فره کاستاری xvarrah kāstārīh

فره کیان xvarrah i kayān

فره گسیخته (کسی که‌فرایزدی ازاو گسیخته)
zat xvar
zat xvarrah

فره ماه (نام خاص) frēh māh

فرهمند farrahōmand
xvarrahōmand
xvarrōmand

فرهمندی xvarrahōmandīh
farrahōmandīh

فرهنگ frahang

فرهنگ اویم اوك (نام کتاب)
frahang i ōim ēvak

فرهنگ پهلوی (نام کتاب)
frahang i pahlavīk

فرهنگ خواستاری frahang xvāstārīh

فرهنگ دوستی frahang xvāstārīh

فرهنگستان (محل تعلیم و تربیت) frahangistān

فرهنگ کردن frahang kartan
frahanǰītan

فرهنگی frahangīk

فرهنگی بودن frahangīkīh

فرهنگی که موجب افزونی گردد
afzōn frahang

فرهیختن frahixtan

فرهیخته frahixtak

فریاد frayāt
friyāt
frahāt
vāng
xrōsišn
rāpak karīh

فریاد برای طلب یاری rāpak karīh

فریادرس matfrayāt
frayātītan (به‌فریاد رسیدن)

فریاد کردن friyātītan
vigārtan
gristan
vāng zatan
xrōstan
xrōsītan
brāmītan
drāyītan
dūyītan

فریاد کشیدن vigārtan
drāhītan

فریادیدن friyātītan

فریان (نام خاص) fryān

فریب frēp
frēv
druǰišn
druǰišnīh
mēt gōwišnīh
mitōxtīh
zūr mitōxtīh
viyāpānīh
viyāpāngarīh
viyāw
drōnīh
pačipākīh
pačipāy
drōš
drō
drūž
drūžīh
zōr
zūr

فریب آمیز viyāwānēnāk
pačipāk

فریب خوردگی frēftakīh
frēpišn
vidēftakīh

فریب خوردن frēpīhitan
viyāpīhistan

فریب خورده frēftak
vidēftak
viyāpān

فریب دادن vidēftan
viyiftan
viyāpānēnītan
viyāpānītan
drūǰītan
drōzan kartan

فریب دهندگی frēftārīh
viyāpānkarīh

فریب دهنده frēftār
vidēftār
viyāpānēnītār
viyāpāngar
viyāpānkar
viyāpānītār
viyāwānēnāk
druǰastak
drūǰan

فریبکار zūrōmand

فریبکارانه frēftārīhā
pačipāk
viyāpānēnītārīhā

فریبگر viyāpānīk

فریب نخورده aviyāwān
aviyāpān

فریبندگی	druxtārīh
فریبنده	zūrōmand viyāpānīk
فریدون شاه	frētōn
فریدون‌کرت (جا)	frētōn kart
فریفتار	frēftār
فریفتاری	frēftārīh
فریفتگی	frēftakīh
فریفتن	frēftan
فریفته	frēftak
فزاینده	afzōnītār
فزون‌بخشی	frāy dātārīh
فزون کردار	fšōš kartār
فزون کردن	fšōnēnišn
فزونگر	fšōnišnōmand
فزونی	fšōnišn
فزونیدار	fšōnēnītār
فزونیدن	fšōnēnītan
فساد	fšanǰišn nāsišn nasruštīh naštakīh niyārišn patvēšak tarmānīh tapāhīh gannākīh pōhišn pūtakīh sēǰ sēžišn vaštakīh vēšišn vinastīh
فساد اخلاقی	druvandīh
فساد که از وفور نعمت پدید آید	duš patēxvīh
فسانه	afsān
فسخ	ul varzišnīh
فشار	hunišn ōštāp
فشارآورنده	frāč rānēnītār
فشردگی	hunišnīh ōštāpišn
فشردن	afšārtan hunītan pālāyītan pālūtan xanǰēnītan xangēnītan
فشردن دست بهنگام پشیمانی از گناه	masītan
فشرده	tang

فشرده شده
maršt
pālūt
hūtak

فصاحت
gōwākīh
huzvānīkīh
viyāxanīh

فصل
zamān
damān
žamān
žamānak
žamānīh
gās

فصل (بخشی از کتاب)
dar (باب)
darak
fragart
frakart
hāt

فصیح
puxtak guftār
gōwāk
šēpāk
viyaxman

فضا
spāš
vāy
darvāy

فضای باز
višātakīh

فضای خالی
tuhīkīh

فضای خالی بین‌قلمرو اورمزد واهریمن
vāy

فضیلت
hunar
hunarīh
hunarāvandīh

فطری
xvat-gōhrīhā

فطری شده
čihrēnītak

فعال
patūk
kartār
kōxšišnīk
kārīk
varčān
xrušd

فعال نبودن
akartārīh

فعالیت
varzītārīh
xvēškārīh
kartārīh
pāy varzišn
zēnāvandīh

فعالیت بد
dušyāčakīh

فعالیت مینوی
mēnōk kartārīh

فقدان
apēbūtīh

فقر
anātāvīh
andak xvāstakīh
atuwāngarīh
driyōšīh
nēst čīšīh
škōh
škōd

škōhīh
niyāz
tangīh
vitangīh

فقری که مایه گناه می‌شود apāron škōhīh

فقط bē
ēvāč

فقیر atuwāngar
driγōš
drigūš
driyōš
mustōmand
niyāzōmand
niruzd
apē āstānak
astānakōmand
ōvēn

فک ērvārak
zanūk

فکر handēšišn
mēn
mēnišn
mānak
sikāl
uskār
uskārišn
varōm

فکر الهام شده āsnītak mēnišn

فکر انداختن (به) handēšēnītan

فکر بد duš-hūmat
dušmat

فکر بد داشتن anāk mēnišnīh

فکر بسیار خوب frāhūmat

فکر خشمگینانه hēšm manīhā

فکر خوب hūsikāl
hūsigāl
hūskārišn
hūsikālišn
vēh mēnišn
vohuman

فکر درخشان rōšn mēnišnīh

فکر عالی pahrōm mēnišnīh

فکر غلط dušmat

فکر کامل bavandak mēnišn

فکر کردن handēšītan
mēnītan
uskārtan
uskārītan
nikīrītan
ōšmurtan
handēšēnītan (بفکر واداشتن)

فکر کننده mēnītār

فکر نادرست mēt mēnišnīh

فکر نیکو	yān mēnišn
فکری	mēnišnīk
فکور	mēnītār nikīrītār mēnišn ayāftak
فکور بودن	mēnītārīh
فلاخن	kōpēn
فلان	vahmān
فلز	ayōkšust ayōxšust āsēn āhēn
فلز درخشان	xvan āhēn
فلزی	ayōkšustīk ayōkšustēn
فلک	spihr spahr spāš asmān andarvāy
فلک‌الافلاک	spihr i hačapar spihr
فلکی	spihrīk
فلوت زن	nāδ pazd
فنا پذیر	frasāvand sānišnōmand
فنا پذیری	frasāvandīh
فنا ناپذیر	asēǰ
فنا ناپذیری	asānišn asēǰišn
فنجان	tašt tišt ǰām dūlak
فندق	fundig
فوراً	andar zamān ham zamān has his
فوت	bē vitīrišnīh vitīrišnīh
فوراً	ham zamān
فوری	pat zamān raγ
فوقانی	aparak
فولاد	pōlāwt pōlāpat pōlāt
فولادی	pōlāwtēn

فهم
hōš
hōšīh
ōš
ōšīh
rāδ
rāy
šnāsakīh
kārākāsīh
ayāpak
ayāpakīh
ayāpākīh
hang
zand
uzvārišn

فهم خوب
hū ayāpakīh

فهمیدن
dānēnītan
dānīhītan
dānistan
griftan
hōšītan
mēnītan
šnāxtan
uzvārtan

فهیم
mēnišn ayāftak

فیروز (نام خاص)
pērōč
pērōz

فیروزآباد
gōr artašēr xvarrah
artaxšēr xvarrah

فیروزه
parēnak
pīrōzak
pīrōčak

فیزیک (علم)
čihr šnāsīh

فیزیک‌دان
gōhrak dānāk

فیل
pīl

فیلسوف
filōsōfā

فیلسوفی
xrat dōšakīh
filsōfāyīh

فیلیپ
filipōs

ق

قابل	šāyēndak
قابل آمیختن	gumēčišnīk
قابل اطمینان	ōstīkān
قابل بخش	bahrōmand
قابل بخشایش	apaxšāyišnīk
قابل بودن	tāyītan
قابل پسند	pasandišnīk
قابل پیرایش	pērāyišnīk
قابل تحسین	stāyišnīk
قابل توجه	mārāk mārišnōmand
قابل درک	mārāk mārišnōmand
قابل دیدن	dītišnīk
قابل رؤیت	dītišnīk
قابل ستایش	stāyišnīk
قابل سرزنش	āvēnišnīk
قابل کوشش	kōšišnīk
قابل گرفتن	grišnīk
قابل لمس	grišnīk
قابل محاسبه	ōšmurtīk
قابل یاری	frayātišnīk
قابلیت	šāyēndakīh
قاتل	mrnǰēnītār ōžatār margēnāk gannāk (صفت اهریمن)

قادر	tuwānāk tuwānīk pātixšāy attōk pattōk patūk andar tuwān
قادر بکار	kunišnōmand
قادر بودن	tuwānistan tāyītan
قادر کل	visp tuwān
قادر مطلق	visp tuwān harvisp kartār hamāk afzār
قاره	kišvar
قاره شمال شرقی زمین	vaurujaršt
قارهٔ شمال غربی زمین	vaurubaršt
قاشق	kafčak
قاصد	patγāk pēk
قاضی	patkār rat rat vičīrgar vičīrtār dātwar dastwar dādīk
قاضی‌القضات	kādīk
قاطر	astar
قاعدگی زن	vartakīh
قاعده	mang nihātak patmān rastak rastakīh
قاف	kāf
قافله	kārvān kāruwān
قاقم	kākūmak kākom
قاقم سفید	kākom i spēt
قالب	yatak
قالب‌ریزی کردن	karītan
قالب زدن	tāšītan
قالب زننده	tāšītār
قالب زنی	tāšišn
قالب ساز	brēhēnītār

قالی نفیس bōp
būp

قامت brēh

قانع کننده ōstavān

قانون dāt
dātak
dātastān
rastak
ristak
rastakīh
mang
dātastānōmand (مطابق باقانون)
dātastānōmandīh (مطابقت باقانون)

قانون (نوعی ساز) kannār

قانوناً dastwarīhā
dātīhā

قانون بد dušdātīh

قانون شکستن spōxtan

قانونگزار dāt ārāstār
dātīk

قانونگزار نخستین pēšdāt

قانونی dātastānīh
dātīk
dātīkān
dātastānōmand (دارای قدرت قانونی)

قاین kāyēn

قبا kapāh

قباد kavāt

قبادان kavātān

قبادی kavātīk

قبراق gubrāk

قبرستان daxmakistān

قبل pēš

قبلی nazdīkīh

قبول patīraftārīh

قبول دین dēn patīrišnīh

قبول شده patīruftak

قبول کردن patiraftan
patiγriftan

قبول کردنی virravišnīk

قبولی patīrišn
patīrišnīh
patīruftakīh

قبیله dūtakmān
zand
marinǰān (یک قبیلهٔ کرداست)

قتل kušišn
kušišnīh
kuštan
kuštār

mrnǰēnītārīh
murnǰēnītārīh
ōžatan
ōzatan

قتل عام zatārīh
zanišn
ǰanišn
apārōn zatārīh

قتل کردن mrnǰēnītan
kuštan
ōžatan

قحطی dušyārīh

šōyišn

قد andām
bašn (قد و بالا)

قدر martāčōkīh

قدرت zōr
tavīh
garōmandīh
ōž
ōz
patakīh
patūkīh
pātaxšāyīh
pātixšāhīh
patixšāyīh
tuwāngarīh
tuwānīh
tuwānīkīh
awzār
afzār
tuxšn
zāvar
pātixšāyōmand (دارای قدرت)

قدرت خداوندی parvartārīh

قدرت خلاقه āfrītārīh

قدرت دادن tuwānēnītan

قدرت داشتن tuwānistan

قدرت زیاد mas ōžīh

قدرت سحرآمیز nērōk

قدر شناختن šnāsītan

قدرت‌قانونی (دارندهٔ~) dātastānōmand

قدرت کامل visp tuwānīh
harvisp kartār (دارندهٔ قدرت کامل)

قدرت ماوراءالطبیعه‌ای varč kārīh

قدرت مطلق visp tuwānīh

قدرت معجزه‌آسا varč

قدرتمند pātixšāyōmand

قدرتمندانه pātiyāvandīhā

قدرت و استقامت شخصی xvēš ōǰ

قدرت هنری kīrūkīh

قدری	hambun
قدس	spanākīh
قدم	gām pāy pay padak
قدمت	kahwanīh
قدیمی	bāstān kahun kahwan
قدیمیان	pēšēnīkān
قرابت	brātarōtīh
قرابه (ظرف شیشه‌ای شکم‌دار)	karāveh
قرارداد	patmān pašn mitr
قراردادن	nihātan avistātan nisītan nišāstan
قراریافتگی	vinārišn
قراریافته	pattōk
قران‌بودن (در نجوم)	marzīhistan
قران‌شدن (در نجوم)	marzīhītan
قربانی	yazišn yaštārīh usōfrīt ustōfrīt myazd (غذای قربانی)
قربانی غیرمایع	mayazd myazd
قربانی کردن	izītan
قرض	awām ōwām
قرضی	ōwāmīh
قرقاول	čōr tatar
قرمز	suxr sūr
قِسم	gōn gōnak saredak sartak srātak šōn zan zanak
قسمت	bahr bahrak baǰišn

	bak
	baxšišn
	bōzišn
	nēmak
	ǰāt
	ǰatak
	tow
	sraxtak
	pārak
	pēšak
	vēčak
	kartak
قسمت اصلی یک درخت	mātakvar
قسمت بالای پا	frapād
قسمت جلوی پا	frapād
قسمت داخلی هرچیز	ōruswar
	ōruspar
قسمت شدن	baxšīhastan
قسمت کردن	baxšēnītan
	baxšītan
	franāftan
	viškītan
قسمت کردنی	bahrīk
	baxtārīk
	brīnōmand
قسمت کنندگی	baxtārīh
قصد	āhang
	kām
	kāmišn
	mēnišn
	handāčišn
قصد داشتن	grāyītan
قصد کردن	kāmistan
قصر	kušk
	darpās
	šāhīkān
قضا	brēhēnišn
	pat apāyastīh
قضات	kartārān
قضارا	apāyēt būtan rāδ
قضاوت	dātastān
	dātastānīh
	vičīnītārīh
	vičīr
	vičīrīh
	handāzišn
	āmār
قضاوت بحق	rāst dātastān
قضاوت رسمی وقانونی	dātistān

قضاوت کردن vičirēnitan
vičīristan
vičīrītan
handāxtan

قضای حاجت kār vičārtan

قطب mēx

قطره srišk
šāmak

قطع کردن brītan
karrēnītan

قطع کننده karrēnītār

قطعه kartak
pārak

قطعهٔ جداگانه yut kartak

قطع شده burrītak

قطعهٔ شعر vičast

قطعه قطعه kartak kartak

قطعه قطعه شدگی kartak kartakīh

قطعه قطعه کردن fragastan

قطعی brīn
brīnkar
brīnōmand
sarōmandīhā (بطور قطعی)
tāšt
tāštīk
vičār

قعر nītak
nītūm

قفسه سینه var

قفیز (واحدحجم وسطح) kafīz
kōfič
kōfiz

قلاب سنگ kōpēn

قلب dil

قلعه darpušt
drupušt
kalāt
āvahan
var
parvār
karīta
karītāk
fravand
parvand

قلعه دفاعی darpust gās
darpuštīh
drupuštīh

قلعه نظامی drupuštīh
darpuštīh

قلمی arzīzēn

قلمرو — šahr

قلم نی (خامه) — xāmak

قلوه — gurtak

قله — čakāt
čagāt
čikāt
sar
bālēn
tērak
bašn
kōf

قله کوه دائیتی — čakāt i dāitīk

قنات — kānakīh
katas
kahas
nikun āp

قناتی — katasīk

قوت روزانه — patrōč

قوت — nērōk
nērōkmandīh
ōǰ
ōžōmandīh
ōzōmandīh
pātyāvandīh
patakīh
takīkīh
sēzd
sizd
tuxšn
stawrīh
vazdvarīh
zāvar

قوت بدن — tan vazdvarīh

قوت بدنی — karp tuxšn
zōr

قوتی — nērōkīh

قوچ — rak
rāk
varān

قوچ جنگی — rāk
rak

قورباغه — vazaγ

قوزی — apāč kōfak
kōfīk

قوس وقزح — sanvar

قوش — čaxrvāk
čihrāp

قوطی — kiwōt

قول — mitr
pašt

pašn
patistāk

قومس (شهر) kūmis
kūmiš

قوم وخویش patvand
xvēšāvand

قوه‌ای zōrīk

قوهٔ بینائی vēnišn

قوهٔ جاذبه zōr i āhanǰāk

قوهٔ دافع zōr i spōzāk

قوهٔ رویائی (دارای قوهٔ نمو) vaxšōmand

قوه ماسکه zōr i gīrāk

قوه هاضمه zōr i guhārāk

قوی amāvand
drang
irapīh
gatvar
martāčōk
mazan
nērōkōmand
nēv
vas ōǰ
apar ōž
ōǰak
ōzōmand
ōǰōmand
ōžōmand
pat nērōk
pattōk
patūk
zōrīkōmand
pātyāvand
ranǰ spōz
razēn
saxt
stawr
ōstīkān
takīkōmand
tak
staft
sturg
sūr
škaft
škaftak

قوی بازو bāžāk ōǰ

قوی کردن patūtan

قهرمان hūvīr

قهستان kōhistān

قیامت ristāxēz
ristāxēzišnīh
tan i pasēn
tan pasēn
fraškart
fraškart kartārīh

قیامت برپا کردن — ristāxēzēnītan

قیامت کننده — pašom kunišn

قید (بند) — nivandak

قیصر — kēsar
kaysar

قیم — stūr
stōr
paṭēmār

قیمت — vahāk

قیموت — stūrīh

قیموت کسی را بعهده گرفتن
stūr rāyēnītārīh

ک

کابل	kāpul kāwul
کابلستان	kāpulistān
کابین	kāwēn
کات (نام خاص)	kāt
کات (روستا)	kāt dēh
کاتب	nipistār dipīr
کاتکان (آتشکده)	kātakān
کاخ	čār hadiš darpās šāhīkān srād
کاذب	drōzan
کار	kār kart kartak kunišnīh varzīk varzišn varzišnīh dātastān pēšak harg arg akārīhastan (ازکار افتادن) kār framūtan (بکار بردن) pat kār dāštan (بکار داشتن) pardāzišn (به کاری مشغول شدن)
کارآگاه (کاردان)	kārākās
کارآگاهی	kārākāsīh
کارآمد	kārīkōmand

کار اجباری	arg
کارانه	kārīhā
کار بافایده	čīmīh kunišnīh
کار بامعنی	čīmīh kunišnīh
کار بد	duš hūvaršt duš hvaršt vat kart
کار برجسته	frāxv kunišn
کار بزرگ	mahist kār mas kār mas kārīh vazurg kartārīh
کار بسیار خوب	frāhūvaršt
کار بهر (عایدی)	kār bahr
کار بی‌دقت	vistār kunišnīh
کار بی‌فایده	apēsūt kārīh
کار بی‌معنی	apēčīm kunišnīhā
کار بیهوده	apēčīm kunišnīhā
کار پرزحمت	varzāk
کار پرشکوه	varč kārīh
کار پرهیزکارانه	hūvaršt
کار ثواب	kār kirpak kirpakīk mēnōk kartārīh
کار خوب	hūīk-kār
کار خیرکردن	kirpak varzītārīh
کارد	kārt kart čilān
کار دایم	hamēšak kār
کار درخشان	rōšn kunišnīh
کار دست	dast kart
کاردستی	dast kārīh dast kīrūkīh kīrūk
کار دوست	kārān dōst
کار دیوانه‌وار	halak kārīh
کار راه‌انداز	kār ruwāk huāyōǰišn
کارزار	kārēčār kāričār
کار ساختمانی	varzvar
کار سخت	duš kār varzāk
کار شگفت	varč kārīh afd kartīh
کارشناس	kārākās sūt šnās sōbār
کارشناسی	kārākāsīh
کار عالی	frāxv kunišn

کارفرما kārframān

کار فرمودن kār framūtan

کار قضایی بزرگ mas dātastān

کارکردن kārēnītan
tuxšītan
varzītan

کارکرده kart kār

کارکرفه (کار ثواب) kār kirpak

کارکن kārīkēnītār

کارکنندگی varzītārīh

کارکننده kārīkar
kārīkēnītār
varzītār
varz kartār

کارگر kārīkar
mōzdwar
kartār
kārān

کارگران املاك شاه وبزرگان gāl

کارگزاردن kār vičārtan

کارگشا kār ruwāk

کار مستمر hamēšak kār

کارمند kārīkōmand
kārōmand

کارمندان دولتی kartārān

کارمند عالیرتبه قضائی dātkar
dātak

کارنامه (جنگ‌نامه) kārnāmak

کارنده kištār

کار ننگین‌کردن nang-garīh

کار نیکو nēvak kart

کاروان kāravān
kāruwān
kārvān

کاروانی kārvānīk
kāravānīk

کار ورز kunišn varz

کار ورزی kār varzišnīh

کار وداستان kār ut dātistān

کار ورزی kār varzišnīh

کار وکوشش انسانی martōm kārīh

کار ووظیفه شخصی xvēškārīh

کارها kunišnān

کار هنری varzvar
kīrūk

کار هیربد hērpatīh

کاری — kārīh, kārīk

کاری‌تر — kārtar

کاریز — katas

کاریزی — katasīk

کاری طبق نمونه انجام‌دادن — apar varzišnīh

کاری که از دست انسان برآید — martōm kārīh

کازرون (شهر) — kāzarōn

کاستار — kāstār

کاستاری — kāstārīh

کاستگی — kastagīh

کاستن — kastan, kāstan, narfsītan, nirfsītan

کاسته — kāstak

کاستی — kamistīh, kamīh

کاسک (نام رود) — kāsak

کاسنی — kāšnīk

کاسه — tišt

کاسه پشت — kāsūk, kašavak

کاسه چشم — čašmgāh

کاسیک (رود) — kāsīk

کاش — kāč

کاشت — kašišn, kišn

کاشتن — kārītan, nišāstan

کاشکی — kāč

کافر — dravand, druvand, nēst yazat hangār

کافور — kāpūr, kāfūr

کافی — vas

کاکل — kōfak

کاکیزه (نوعی سبزی) — kākīčak

کالبد — kālpat, karp

کالبد بیجان — nasā

کام — kām, kāmak

ō kāmak rasītan (به کام رسیدن)

کام انجام — kāmak hanǰām

کام انجامی — kāmak hanǰāmīh

کام برآوری — kāmak vičārišnīh

کامدین (نام خاص) — kāmdēn

کامروا	kām rawāk
	kāmak hanǰām
	kāmak rawāk
کامروا شدن	ō ham rasītan
کامرواکردن	kāmakēnītan
کامروایی	kāmak rawākīh
	kām rawākīh
	rawāk kāmakīh
	kāmak hanǰāmīh
کامستن (خواستن)	kāmastan
	kāmistan
کامش (تمایل)	kāmišn
کامش کاری (تعمد)	kāmišn kārīh
کامک (نوعی آش)	kāmak
کامکار	kāmkār
	kām kartār
کامکاری	kāmkārīh
کامکردار	kām kartār
کامک سود (نام خاص)	kāmak sūt
کامک وخشیشن (نام خاص)	kāmak vaxšišn
کامگزار	kāmak vitār
کامگزاردن	kāmak vičārtan
کامگزاری	kāmak vičārišnīh
کامگی	kāmakīh
	anāk kāmakīh (بدکامگی)

کامل	bavandak
	drust
	dōkān
	hangat
	hangart
	hangartīk
	huspūrīk
	ōspūr
	ōspūrīk
	spur
	spūrīk
	spūrrīk
	uspurr
	uspurrīk
	parōn
	pasaxtak
	pur patmānīhā
	pur
	vāspuhrak
	vaspur
	vāvarīkān
	sarōmandīhā (بطور کامل)
	uspurrīkīhā ~
	anuspurrīk (ناکامل)
کامل شدگی	passāčišn
	hangirtīh
کامل کردن	bavandakēnītan
	hanǰaftan
	spurrīhītan
	pardāxtan

کامل کنندگی	spurrīkgarih
کامل کننده	spurrgar vāspuhrakānītār
کاممند (مایل، مصمم)	kāmakōmand kāmōmand
کام مندی	kāmakōmandīh
کام و آرزوی خیر	hūmēnišnīk kāmak
کامه	kāmak
کامه‌خدای (فرمانروای مستقل)	kāmak xvatāy
کامی	kāmīh kāmīk
کامیاب	kām kartār
کامیدن	kāmītan
کان (معدن)	kān
کانال آب	kahas
کان کرفه	kān kirpak
کانون خانواده	dūtak
کاووس	kāus kayus kayōs kāyūs
کاووسان (نام خاندانی)	kāyōsān
کاووس کرت (شهر)	kāyōs kart
کاه	kāh giyākīčak
کاهانیدن (کاهش دادن)	kāhēnītan nirfsēnītan
کاه ریزه	kāh rīzak
کاهش	kāhišn kāstārīh narfsišn nirfsišn
کاهش ماه	narfsišn
کاهش یافتن ماه	narfsītan
کاهل	akartār avarzītār sūtak vistār
کاهلی	sūtakīh
کاهنده	kāhēnītār kastār kāstār
کاهنده خلقت	dahišn kāhēnāk
کاهیدن	kāhītan kastan kāstan
کبد	ǰigar
کبست	kavast kavastīk
کبک	kapk
کبوتر	kapōtar
کبود	kapōt
کُپه	kūt

کپی (بوزینه) kapīk

کتاب nipīk
nāmak
kurāsak
mātīkān
matiyān
mātagdān
nask
našk

کتاب آراء وعقاید شرعی dātastān i dēnīk

کتاب اندرز pand nāmak

کتابت dapīrīh
dipīrīh
nipīkīh
nipistan
nipištan
nipīkēnītan

کتاب جنگ kār-nāmak

کتاب حقوق dātastān nāmak

کتاب خوانی našk mārišnīh

کتاب رسمی تدوین کردن nipīkēnītan

کتاب مذهبی nask

کتاب مقدس mānsr
mānsrspand

کتاب‌مقدس‌را ازبر داشتن mānsrbarīh

کتان (نام خاص) kētān

کتایون (نام خاص) katāyun

کتف frēk
dōš

کثافت hēxar
hixr
guh
laǰan
rīm
pūtakīh
rīmanīh
rīmanīkīh

کثیف čirkēn
nasrušt
rīman
apāk
kast

کثیف بودگی hixrīh

کجا kū
kū gyāk

کج xvahl
xvihl
vaxr

کج اندیش duš mēnišn
duš hūmat

کج پا frāč dānūk

کجایی kūīh

کج دم kul dumb

کچل gar

کدام katām
katāmčē
katār
kē

کدام جا kū gyāk

کدامها katāmgān

کدامی katāmīh

کدام یک katām-ič-ē

کدبانو katak bānūk
mān mānpatīn
nārīk
bānūk

کدبانویی katak bānūkīh
bānūkīh

کدخدا (خانه‌خدا) katak xvatāy
mānpat nar

کدخدا زن katak xvatāy zan

کدخدا مرد katak xvatāy mart

کدخدائی katak xvatāyīh

کده katak

کده افروز katak afrōč

کذب drūǰīh

کر (نوعی ماهی) kar
kar māhīk

کر kar
karr

karak

کران karān
kanār

کرانمندانه kanārōmandīhā

کرانه kanārak
karān

کرانه مند kanārōmand
karānakōmand

کرانه‌مندی karānōmandīh
karānakōmandīh

کر بودن karīh

کرپوك (نوعی سوسمار) karpūk
karbōk

کرت (دفعه) kart
gart

کرت (قطعه) kartak

کرتارگاو (نام خاص) kartār gāv

کُرد kurt

کردار kart
kartār
kunišn
varzišnīh

کردار بد vat kart

کردار عالی frēh hūvaršt

کردار نهانی	nihān rawišnīh
کرداری	kartārīh
کردار نیکو	nēvak kunišnīk
کردانشاه	kurtānšā
کردگار	kart kār
کردگی	kartakīh
کردن	kartan kārēnītan nimūtan
کردنی	kunišnīk
کرده	kart kirt kartak kirtak
کرده (بخشی از کتاب)	kartak
کرده خوب	nēvak kart
کرده شدن	kirīhastan
کرده شده	passačak
کرده شرعی	dātīhā kart
کُردی	kurtīk
کرزم (نام خاص)	karazm
کرسیوز (نام خاص)	karsēvaz
کرشیپت (مرغی شکاری است)	karšipt
کرفس	karafs
کرفگی (کرفه‌ای)	kirpakīk
کرفه (ثواب)	kirpak
کرفه دوست	kirpak dōst
کرفه کار	kirpak-kar
کرفه گر	kirpakar kirpak-gar
کرفه گری	kirpakgarīh kirpakkarīh
کرفه مند	kirpakōmand
کرفه منشی	kirpak mēnišnīh
کرک (مرغ خانگی)	kark karg
کرکس	karkās dālman
کرکوی (شهر)	karkōi
کرم (ناحیه)	karm
کَرَم	rātīh savākīh
کِرم	karm karmak kirm
کرم ابریشم	kirm i aprēšam
کرمان (شهر)	karmān kirmān
کرمانشاهان	kirmānšahān
کرمانی	karmānīk kirmānīk
کرم درخت	dēvak

کرمک	karmak
کرند (اسب)	korind šēt
کره	rōɣn kār
کره اجسام آسمانی	pādak pāyak
کره اسب	kurrak vačak
کره پیرامون زمین	miharg
کره ماه	āyišm
کری	karīh
کریم	rātīh kartār hūrāt
کریه	zišt
کژدم	gazdum gaždum gaždam gāždumb
کس	kas
کسان	kasān
کسب اطلاع کردن	frāč pursītan
کسپ (رود)	kasp
کستی	kustīk parvand ēvyānghan
کستی بر کمر داشتگی	kustak barišnīh
کسر کردن	kāhītan
(بی کسری)	afrayūt
کسل	nišīp
کسوف	mitr i tamīk
کسی	kas-ē kēč
کسی که دارای چارپایان اهلی بسیار است	afzār gōspand
کش (زیر بغل)	kaš
کشان	kašān
کشاندن	kašēnītan
کشاورز	varzītār kār varzītār fšōnēnītār vāstaryōš
کشاورزی	varzītārīh kār varzišnīh varz varzišn vāstaryōšīh vāstryōšīh
کشاورزی بد	duš-varzīh
کشت	kišt kišn āpātānīh

کشتار kuštār
kušišn
kōšišnīh
kušišnīh
ōžanišn
ǰanišn
zanišn
zatārīh
žatārīh

کشتارکامگی (میل به کشتن) zatār kāmakīh
zatār kāmīh

کشتار متقابل ham zanišnīh

کشتار همگانی apārōn zatārīh

کشتزار kišnzār
kištzār
kišvičār

کشت کننده kištār

کشتن kuštan
marnǰēnītan
margēnītan
ōžatan
ōzatan
ōǰatan
zatan
žatan
vitārēnītan
apasahītan
apasēnītan

کِشتن kārītan
kāštan
kištan

کشت نشده anāpātān
avarzīt

کشت و ورز varz
kišn
varz ut kišn

کشت و ورز کردن varzītan

کشت و زرع kašišn
kišvičār
kištār
āpātānīh

کشت و زرع مستمر hamēšak-kār

کُشته شدگی zatakīh

کشته شده ōžanāk
zatak
zōr zat

کَشتی kaštīk
makūk

کُشتی (کمربند مقدس) kustīk
ēvyānghan

کشتی‌رانی (قابل ~) nāvtāk
nāyūtāk

کش رفتن dūzītan
duztītan

truftan
truftēnītan

کش رفته truftak

کشش tanišn

کشف (سنگ پشت) kāsūk
kašūk
kašavak

کشف رود kasaf rōt
kāsak rōt

کشک kašk

کشمش vaškal

کشمکش artīk
napart
artgarīh

کشمیر kašmīr

کشمیر اندرونی (ناحیه)
kašmīr i andarōnīk

کشندگی ōžanišn

کشنده jān hanj (بر کشندهٔ جان)

کشنده ōžanāk
ōžatār
awzatār
jān hanj
zan
zatār
žatār

mūtak
margōmand
margīh kartār

کشندهٔ درد dart zatār

کشنیز kišnīč

کشور kišvar
dēh
šahr
šatr

کشور آسمانی šahr i mēnōk

کشور پیرا (کسی که موجب ترقی کشور می‌شود)
kišvar vīrāy

کشور توران tūr šatr

کشور چین činastān
sīn dēh

کشور خیونان šahr i xiōnān

کشورها kišvarīhā

کشورهای غیرایرانی anērānistān

کشوری kišvarīk
dēhīk
dahīk
šahrīk

کشیدن kēšītan
kašītan
haxtan
nītan
tanītan

کشیدن (برکشیدن)	axtan
	hēxtan
	haxtan
	hīxtan
کشیدن (وزن کردن)	sanǰītan
کف (آب)	kaf
کفاره	tōǰišn
کفاره‌ای	tōǰišnīh
کفاره دادن	tōǰītan
	tūxtan
	puhlistan
	puhlēnītan
کفاره‌دار	tōǰišnōmand
کفاره داری	tōǰišnōmandīh
کفارهٔ گناه	tōzišn
	tūzišn
کفارهٔ گناه‌دادن	tōxtan
کفاش	kafškar
کفایت کردن	tāyītan
کف پا	haxa
کفتار	xaftār
	haftār
کفچه	kafčak
کف دست	must
کفش	kafš
	kafšak
	mōg
	mōk
	mūk
	mōčak
	mōzak
	nālin
	gīvak
کفشگر	kafškar
کفشیر (بوره)	bōrak
کفگیر	kafč
کفل	srīnak
	parīk
	haxt
کفهٔ ترازو	kustak
کَل	gar
کُل	har
	harvisp
	harvist
	hamāk
	hangirtīk
کلاً	pat ēv kartakīh
کلات	kalāt
	karīta
کلاته	kalāt
	karīta
	karītāk

کلاغ varāγ
varāk
varāg

کلاغ جاره kāskēnak

کلاغ زاغی kāskēnak
zaγ

کلام gōwišn

کلام آسمانی mānsr-spand

کلام ایزدی mānsr-spand

کلام خدایی vaxš
mānsrīkīh (ازبرداشتن کلام خدائی)
mānsr-bar (حامل کلام ایزدی)

کلام مقدس mānsr-spand
mānsr
mānsrīk

کلاه kulāf
rasat

کلاه خود targ
sārvār

کلاهک kulāfak

کلپاسه karbāš
karbunak

کل‌دم kul dumb

کلفتی zahyīh

کلک (آتشدان) kalak

کلمات جادویی nīrang

کلمه mārīk
vāč
vaxš
ēvāz

کلمه‌ای vāčīk

کلنگ (مرغ) kuling
kulang

کلوچه (شیرینی) kulāčak
čarp afrōšak
guč-afrōšak (افروشهٔ گردوئی)

کلوك (سفال) kalūk

کلی hamāyīk
hamākīhā (بطور کلی)
amarakānīhā ~
amarakān

کلیت hamākīh
hamāyīh
hamāīk
hamīh
hamistīh

کلید kilil

کلیسایی kalīsāīk
karsāīk
karsākīk
kilisyākīh

کلیمی yahūtīh
yahūt
ǰahūt

كليميان yahūtakān
yahūtān

كليه hamist
hām

كليه (گرده) gurtak

كم kam
kamīk
kēm
kīm
kōtak
nisang
handak
andak
kas
kast
tanuk
huzār
ōzārak
xoǰārak

كم ارزش duš arz

كمال apērakānīh
bavandakgarīh
bavandakīh
frahaxtīh
hangartīkīh
hangirtīh
spurrīk-garīh
spurrkarīh
uspurrīkīh
vāspuhrakānīh
hordat
hordāt

كمان kamān
sanvar
drōn

كمان بزرگ برای انداختن سنگ kaškančīr

كماندار kamāndār

كمانداری kamānvarīh

كم اهميت xvār mātak

كمبود kamīk

كمبودی kamīh

كم پشت tunuk

كمتر kamtar
kimtar
kastar

كمترين kasist
kahist
nītūm

كم چربی nizār čarpīh

كم خردی kam xratīh

كم دانش kam dānišn

كمر kamar
miyān

كمر بستن kustan

کمربند	kamar band
	kamar
	dawāl
	fravand
کمربند مقدس	parvand
	fravand
	kustīk
	ēvyānghan
کم رنجی	kam ranǰīh
کم روئی	ērmēnišnīh
	pat avistaxvīh
کم زور	kam zōr
	nizōr
کم زوری	kam zōrīh
کم عقل	kūtak xrat
کم غذا	kūtak sūr
کمک	friyāt
کمک دهنده	dastyār
کمک شده	friyāhit
کم کردن	nirfsītan
کم کننده	kāhēnītār
کمند	band
	kamand
کم نشدنی	anapasīnišn
	anizār
کمی (اندکی)	hambun
کمی (کم بودگی)	kamīh
	kasīh
	nirfsišn
کمیت	čandīh
کمی نیز	ham bunič
کنار	kanār
	bār
	pahlūk
کنار (آلت موسیقی)	kannār
کنار (درخت ومیوه)	kunār
کنار بودن	par būtan
کنارتر	kustaktar
کنار دریا	drayā bār
کنار رودخانه	danb
	rōt bār
کنار گذاشتن	rānēnītan
کنار گذاشته شده	nihātak
کنارنگان (ناحیه)	kunārankān
کناره	bār
	kanārak
	karān
	kustakīh
	vīmand
	danb
کناره‌دار	parčīnak
	parčīnōmand

کناره گیری	frōt vaštakīh
کناره گیری کردن	frōt vartītan
کناره مند	kanārakōmand kanārōmand
کناره مندی	kanārakōmandīh
کنام	grīstak girīstak
کنجد	kunčit
کند	spōzkār
کند ذهنی	pas dānišnīh
کندر	kundūr kundurg
کندگی	kanišnīh
کندن	kantan kandan kandītan kaftan rūtan (بَرکندن)
کنده	kandak
کَنش	kanišn
کُنش	kunišn
کنش خوب	vēh kunišn
کنش مند	kunišnōmand
کنش نادرست	mēt kunišnīh
کنش نیکو	yān kunišn
کَنشی	kanišnīh
کُنشی	kunišnīh
کنف	šan
کنفی	šānēn
کنگ دژ (نام محل)	kangdēz
کنندگی	varzītārīh
کَننده (حفار)	kantār jān hanj (کَنندهٔ جان)
کُننده	kartār kunāk kunišnkar varzītār
کنندهٔ کار	kunišn varz
کنون (اکنون)	nūn
کُنه	bunist
کنیز	kanīč
کنیزك	kanēčak kanīčak kanīsak
کواد (قباد، نام خاص)	kavāt
کوادان	kavātān
کوباندن	kōpēnītan
کوبه	kōpēn
کوبیدن	kōftan kustan sūtan

کوبین (چکش) kōpēn
کوت (توده‌ای از چیزی) kūt
کوتاه kōtāh
kōtak
kūk
kūtak
kūtak-ič kūt (بسیار کوتاه)
gišnak
کوتاه‌ترین kēhist
کوتاه دمب kūk dumb
کوتاه کردن nirfsītan
کوتاهی kastagīh
کوتوله vitistīk
کوته‌بین kōtak bīn
کوته بینی kōtak nikīrišnīh
xortak nikīrišnīh
کوته پایگی kōtak pāyakīh
کوته خرد kōtak xrat
کوته نظری kōtak nikīrišnīh
کوته نگری kōtak nikīrišnīh
کوتین (درختی است) kōtin
کوچ frāč fravāyišnīh
کوچک kūčak
kōtak
kōk
kūk
kūč
xōrt
xōrtak
xvartak
xvart
bačak
gišnak
taranak
kam
kēm
kīm
kas
nisang
ōzārak
کوچکتر kastar
kimtar
کوچکتران hačiš kasān
kēhān
کوچکترین kamist
kasist
kēhist
nītūm
کوچک دانگان kūtak dānagān
کوشک شده kāstak
کوچکی kasīh
xōrtakīh
xvartakīh
کوچه kōy
srat

کود	kūtak
	sargīn
کودک	vačak
	kōtak
	kūtak
	kavātak
	nōk zātak
	apurnāy
	apurnāyak
	apurnāyag
	apurnāyīk
	rasīk
کودک رز (انگور)	kūtak i raz
کودکی	kūtakīh
	arasīh
	apurnāyīh
کودکی که باید زاده شود	zāyišnīk
کودن	halak
	asištak
کور	kōr
	kūr
کوره‌پزی	kūrvārgarīh
کور چشم	kōr čašm
کور دل	kōr dil
کوره	brēǰ
	brēz
	brēzan
	tūn
کوره راه	vitarak
کوری	kōrīh
	kūrīh
	bastišn i čašm
کوزه سفالی	kapārīh
کوزه‌گر	yāmīk paz
	dūsīngar
کوژ پشت	apāč kōfak
	kōfīk
کوژ سینه	apāč kōfak
کوسه (ماهی)	kūsak
کوشا	kōšītār
	kōxšāk
	kōšišnīk
	tuxšāk
	asūtak
کوشایی	kōxšākīh
	tuxšākīh
	tuxšīh
	tuxšišn
	zēnāvandīh
کوشش	ayōzišn
	kartārīh
	kōšišn
	kōxšišn

	kuxšišn
	harg
	rāy
	tuxšākīh
	tuxšīh
	tuxšišn
	tuxšn
	xvēškārīh
کوشش بد	dušyāčakīh
کوشش خوب	hūyāčakīh
	hūtuxšīh
کوشش کردار	kōxšišn kartār
کوشش کردن	tuxšītan
	kōxšītan
	vixāzītan
کوشش کننده	kōšītār
	kōšišnīk
	kōxšišn kartār
کوششمند	kōxšišnōmand
کوششی	kōšišnīk
کوشک	kušk
	kōšk
کوشندگی	kōšītārīh
کوشنده	niyāw
	niyāp
	hūtuxš
	kōxšišn kartār
کوشیداری	kōxšītārīh
کوشیدن	kōxšītan
	kōšītan
	tuxšītan
	vixāzītan
	āyōǰītan
	ayōzītan
کوفتگی	xvar
کوفتن	kōftan
	kōpēnītan
	pat kōpītan
کوفته	patkōftak
کوفته شده	hūtak
	hūt
کوفه (شهر)	kūfah
کوله‌بار	puštak
کوله‌پشتی	puštak
کومک	adiyār
	adiyārīh
	apāstīh
	dastiyārīh
	dastyārīh
	dastwar
	frahāt
	frayātišn
	frayāt
	mat frayāt

	hayyārīh
	kōč
	puštēpān
	puštīh
	nīrmat
کومک آسمانی	apar apākīh
کومک بیکدیگر	ham ayyārīh
کومک خواستن	friyātītan
کومک دادن	pat čār dātan
کومک کار	ayyār
	hayyār
	frayātišnīk
کومک کردن	ayyārēnītan
	apākēnītan
	frayātītan
	adiyārēnītan
	adiyārītan
کومک مداوم	hamēšak apākīh
کون	kūn
کوند (نام دیوی است)	kund
کوه	kōf
	gar
	grīvak
	čikāt
کوه آسی‌مند	āsāyōmand
کوه اپرسن	aparsēn
کوه اریز	ēriz
کوه اسپروز	asparōč
کوه اسنوند	asnavand
کوه اسی	asay
کوهان شتر	kōfān
کوه اوسین	usin kōf
کوه اوسیندام	usindām
کوه اوش‌داشتار	ušdāštār
کوهبان	kōf dār
کوه بس شگفت	vas škuft
کوه پتشخوار	patišxvar kōf
	patišxvār-gar
	mahist andar xvārīh
کوه پنجستان	panǰistān
کوه پهرگر	pahrgar
کوه تاز	kōftač
کوه توس	tūs
کوه چیمکان	čimkān
کوه چین	kōf čīn
کوه دار	kōf dār
کوه دماوند	dumbāvand
	var i čahār gōšak

کوه رازک	rāzak
کوه روشن	rōšn kōf
کوه رویشمند	rōyišnōmand
کوهستان (نام محلی است)	kōhistān
کوهستانی	kōfīk garīk
کوه فرهمند	farrahōmand kōf xvarrahōmand kōf
کوه قاف	kōf kaf kōfak
کوه کوچک	kōfak
کوه کوئیگک‌راس	kōigrās
کوه گناباد	vināpat kōf
کوه مچن	mēčan
کوه مهست اندرخواری (کوه پتشخوار)	mahist andar xvārīh
کوه‌ها	kōfān kōfīhā
کوهی	kōfīk garīk
کوهیار	kōfdār
کوهی بودن	kōfīkīh
کوی	kōy kūy
کِه (کوچک)	kas
که (موصول)	kē kū
که (استفهام)	kē
کهان	kēhān
کهترین	kēhist
کهربا	kahrupāk kahrupāy
کهربای سیاه	šapak
کهکشان	rās i kāyōsān
کهن	kahun kahwan kaxvan kohun mastar
کهن بودگی	kahwanīh
کهنی	kahwanīh
کی (چه وقت)	kad
کی (عنوان پادشاهان کیانی)	kai
کی (چه کسی)	kē
کی اپیوه (نام خاص)	kay apīveh
کیارش (نام خاص)	kay āraš kay arš
کیان	kayān
کیان خره	xvarrah i kayān
کیانسه (دریاچه)	kayānsē(h)

کیان فره	kayān xvarrah
	kayān farrah
کی‌بهرام	kay vāhrām
کی بیارش (نام خاص)	kay byāraš
	kay byārš
کی‌پسین	kay pisin
	kay pasin
کی‌پشین (نام خاص)	kay pisin
کیخسرو (نام خاص)	kay husraw
	kay xusrō
کی‌خسروشاد (شهر)	kay xōsrōi šāt
کید (نام‌خاص)	kīt
کید هندی	kīt i hindūk
کیدها	kītān
کیسه	gawāl
	ǰuwāl
	hanbān
کیسه چرمی	hanbān
	hambān
کیسه صفرا	zahrak
	zahr pōšišn
کیش	kēš
کیش‌دار	kēšdār
	kēšvar
کیش‌داری	kēšvarīk
کیش دوران کهن داشتن	pōryōtkēšīh
کیف چرمی	patvāsak
کیفیت	čēgōnīh
	ētōnīh
	gatišn
	astišn
	astišnīh
کیقباد (نام خاص)	kay kavāt
کیک (جانور)	kayk
کیکاووس (نام خاص)	kay kāyūs
	kay kāyōs
	kay us
کی گشتاسپ (نام خاص)	kay vištāsp
کی لهراسپ (نام خاص)	kay luhrāsp
کین	kēn
کین داشتگی	kēnīh
کین داشتن	kēnītan
کین کشیدن	kēnēnītan
کین منش	kēn mēnišn
کینیدن	kēnītan
کینه	kēn
	hišm
	dušmēnātīh
کینه جو	kēnīk
	kēn mēnišn
کینه جویانه	hišm kāmakīhā

کینه جویی	duš mēnīh
کینه‌جوئی کردن	kēnēnītan
کینه‌دار	kēnīk
کینه نداشتن	akēnīh
کینه‌ور	kēnvar
کینه‌وری	kēnīh kēnvarīh akēnīh (بی‌کینی)
کیوان (زحل)	kaivān kēvān
کیوسک	kōšk
کیومرث (نام خاص)	gayōmart gayōkmart
کی‌ویشتاسپ (نام خاص)	kay vištāsp
کیی (کی بودگی)	kadīh

گ

gām i dō pāδ	گام دوپا (مقیاس طول)
gānak	گانه (پسوند شماره)
gāw	گاو
nāwak	گاو آهن
gāv i katakīk	گاو اهلی
gōband	گاوبند
gōčihr mār	گاو چهرمار (صورت فلکی)
gāv dumb	گاو دم
gāvars gāl	گاورس
gōstān	گاوستان
gāv sar	گاو سر
varzāk	گاو شخم‌زن
gāv i varzāk	گاو کشت و ورز

gāsān gātāk	گاثان (سرود های گاثا ها)
gāsānīk gāsān guft (عبارات سرود های گاثائی) gāsān srāyišnīh (سرایش گاثا ها)	گاثائی
hamharz	گارد شخصی
vartiyun	گاری
gāzar	گازر
gāzarīh	گازری
gazītan	گاز گرفتن
gām pāi pād padak	گام
vispurtan	گام برداشتن

گاو کوهی gavāzan
gāv i kōfīk

گاوماهی (نوعی ماهی) gāv māhīk

گاومیش gāv mēš

گاو نخستین آفریده gāv i ēv dāt
gāv i ēvak dāt

گاوی که مردم با آن به‌خونیرس مهاجرت کردند
srisōk
srišōk

گادن gātan

گاو نخستین gāv ēvak dāt

گاه (زمان) gāh
gās

گاه (جا) giyāk
gyāk

گاهانبار gāsānbār

گاهانبار اول mētōkzarm

گاهانبار پنجم mētyāirim gās

گاهانبار دوم mētyōkšam

گاهانبار سوم pētišhah

گاه بگاه zamānak zamān

گاه شمار sālmar

گاه شماری sālmar

گاه غروب‌آفتاب تا نیمه‌شب ēvsrūsrim
aiwisrūk srim

گاهواره gāhvārak

گاه‌ها gāsān

گاهی gāsīh

گاهی... گاهی hast ... hast

گجسته (ملعون) gujastak
gajastak
gijistak
gizāstak

گچ gač
dōs
dūs
dūsēn

گچ کاری شده gač kart

گچ کاری کردن dōsēnītan

گچی gačēn
dōsēn

گداختن vitāpītan
vitāxtan
vitāzēnītan

گداخته tāftak
vitāxt
vitāxtak

گداخته شدن vitāzīhistan

گدار آب āpān vitark

گدازاندن vitāzēnītan

گدازش	vitāzišn
گذار	vitār
گذاردن	hištan
	vizārtan
گذارش (عبور)	vitārišn
گذارنده	hištār
گذاشتن	nikandan
	nihātan
	nišāstan
گذاشته	nihāt
گذر	vičar
	vitār
	vitar
	vitīr
	vitarg
	vitark
	vitarak
گذر آب	āpān vitark
گذرا	sazišnīk
گذرا بودن	sazistan
گذران	sačišnīk
	vitarān
	vitīrān
گذران بودن	vitīrān būtan
گذراندن	vitārītan
گذراننده	vitārtār
گذرانیدن	vitārēnītan
گذرایی	sačišnīh
	sazišn
	vartišnīkīh
گذر چینوت	čyān vitarg
گذر زمین	žamīk vitarg
گذرگاه	vitarg
گذرگاه خوب داشتن	hūvitargīh
گذرگاه سخت	dušvitarg
گذرش	vitīrišn
	vitārišn
گذر صعب‌العبور	dušvitarg
گذرمند (دارای گذرگاه بسیار)	vitarakōmand
گذرندگی	vitārišnīh
	sazišn
گذشت (بخشایش)	apaxšāyišn
	apaxšāyišnkārīh (بخشایش)
	vixšayišnīh
گذشت (گذشتن)	vičar
گذشت کننده	vixšayišnīk
گذشتگی	sačišn
	vitartakīh
	afrāč sačišnīh (نگذشتگی)
	asačišnīh (ناگذشتگی)
گذشتن	sačītan
	šutan
	vitartan

vitārtan
vitaštan
vitīrītan
vitīrtan
uzītan
sazistan

گذشته vitart

گذشته (زمان گذشته) pār

گر (کچل) gar

گر (پسوند صفت فاعلی) -gar

گراز virāz
varāz

گرازان (نام خاندانی) varāzān

گرازه (نام خاص) varāzak

گرامی garāmīk
grāmīk
franāft

گرامی بودگی garāmīkīh
garāmīh

گرامی داشتن garāmīkēnītan
uzītan

گرامیک کرد (نام خاص) garāmīk kart

گران garān
girān

گران تازش garān tačišn

گران تخمه girān tuxmak

گرانقدر mas

گران گناه girān vinās
garān vinās

گران گناهی girān vināsīh

گران منشی girān mēnišnīh

گرانی garānīh

گرایستگی (تمایل) grāyastakīh

گرایشی grāyišnīh

گرایندن (متمایل کردن) grāyēnītan

گراییدن grāyītan

گربه gurbak

گربهٔ آبی udrak

گربه‌پای (جنسی از حیوانات) gurbak pāy

گرچه kaš

گِرد girt
vart

گَرد gart
vart
xāk

گُرد gort
gurt
varāz

گردآمدگی hanǰamanīh
hanǰamanīkīh
hanbārišn

گردآمدن girt āmatan

گردآمده hangat

گرد آوردگی harōpišnīh

گردآوردن hanbārtan
handōxtan
handāxtan
ō ham kartan
čītan
hangartēnītan
hamburtan

گرد آوری čīnišn
harōpišn

گرداب gartāp

گرداگرد dōrak

گردان vartēnāk

گرداندن gartānistan
gartānītan
vartānītan
vartēnītan

گرداننده vartēnītār

گردانه gartānak

گردانیده vartānītak

گردباد vāt girtak

گرد چیزی‌را فراگرفتن kustan

گردش gartišn
gašt
rawišn
vihēčak
vartišn

گردش جهان axvān vartišn

گرد شده (جمع شده) srēšōtak

گردش کننده vaštār

گردشی vartišnīk
abē vartišnīh (بی گردشی)

گردکردن girt kartan

گُرد مانند gurtvār

گردن gartan
grēv
grīv

گردن بند gartan band

گردن‌بند زرین (دارنده) zarrēn pusēn
zarmān mēnišn

گردنده vartēn
vaštār

گردنه gartanak
grīvak
tač

گردو (گوز، جوز) gōz
gūč
gūž

گُردوار gurtvār

گردونه ras
rah

ray
vartiyun
vartēn

گردونه‌ران vartēn-dār

گردوی تازه gōz i tarun

گرده girtak

گرده خمیر kurāčak

گرده نان kurāčak

گردهم آمده hamvašt

گردی gortīh
girtīh
gurtīh

گردیدن vartītan
gartītan
vaštan
gaštan

گردیده vartak

گرز vazr
varz
gat
gad

گرزدار gatvar

گرز زنی gat zanišnīh

گرزش (شکوه، توبه) garzišn

گرزمان (عرش اعلی) garasmān
garōtmān

گرزمانی garōtmānīk

گرزه garčak
garzak

گرزیدن (شکوه کردن، تائب شدن) garzītan
girzītan

گرسنگی gursagīh
gursakīh
gursnagīh
sūδ
suy
šuy
axvartārīh
šōyišn
asōhišn (بی گرسنگی)

گرسنه gursag
gursinak
gušnak
šōyišnōmand
sūtak
asūr

گرسنه نبودن asōhišn

گرسیوز (نام خاص) karsēvaz

گرشاسپ (نام خاص) karēšāsp
karšāsp
krīšāsp
karsāsp
sām

گرفتار	griftār
	grawik
	dast graw
گرفتار شده	grawik
گرفتاری	dastgrawīh
	grawīh
گرفتگی دل	andōh
گرفتن	griftan
	stātan
	stānītan
	grawītan
گرفتنی	gīrišnīk
	griftārōmand
گرفته	graw
گرفته شدن	girīhasṭan
گرفته شده	griftak
گرگ	gurg
گرگ آبی	gurg āpīk
گرگان (شهر)	gurgān
	vargān
گرگانی	gurgānīk
گرگرو (نوعی غله)	girgir
گرگ‌زده (کشته‌شده‌توسط گرگ)	gurg zat
گرگ مگس	kurk magas
گرم	garm
	garmōk
	taft
	tāftak
	tāpāk
	tapāk
	tāpīk
گرما	garmōk
	damak
	tap
	tāp
	tapišn
	tāpišn
گرمابه	āpzan
	garmāpak
گرمسیر	garmsēr
گرم شدگی	tapišn
	tapišnīh
گرم شدن	tāftan
	taftan
	tapītan
گرم شده	taftīk
گرمک (میوه)	garmak
گرم کردن	tāftan
گرمی	garmīh
گرو	graw
	grōkān
گروا	virravāk

گرواندن vāštan

گرواندن بەمذهب haxtan

گروتمان anagr i rōšn

گروتمانی (بهشتی) garōtmānīk

گروش virravišn
giravišn
gravišn

گروش بەدین نو hāčišn
hāzišn

گروشی virravišnīh
virravišnīk

گروگان graw
grōkān

گروگاندار grōkān-dār

گروکردن graw kartan

گروگرفتن graw kartan

گروندگان virravišnīkān

گرونده بەبدی dušīh virravēnītār

گروه grōh
gund
kōt
srēšak
gāl
ram

گروه دلیران vīr ramak

گرویدگی giravišn

گرویدن gravītan
virravistan

گرویدن بەدین راست vāvarīkānīhastan

گرویدن بەمذهب haxtan

گرویده virravāk
avirravišn (ناگرویده)

گرویی grawīh

گره band
grah
grēh
grih
grīs
pixak

گره (درزی) graw

گره چوب grah
pixak

گرهمک (نام خاص) grahmak

گریان gryān
barmān
barmvand
garzān
garzišnīk
čihišnīk

گریاندن gryēnītan

گریبان garīvpān
grīvpān

گریختگی virēkīh

گریختن virēxtan
vaxtan
rastan
duwāristan (اهریمنی)
patītan

گریخته ǰastak
rastār

گریز varīk
virēk
virēkīh
nidvār
nidwārišn
duwārišnīk

گریزان virēzān

گریستن gristan

گریوه (گردنه) grīvak
garīvak

گریه brāmak
mōyak
mūyak

گریه کردن gristan
čihītan

گریه و زاری šēvan ut mōyak
lāpak-garīh

گزا gažāk

گزار vičār

گزارش vičārišn
vizārišnīh

گزارش شترنج (نام کتاب)
vičārišn i čatrang

گزارش کار kār nāmak

گزارش گمان شکن (کتاب)
škand gumānīk vičār

گزارندگی (تبیین) vičārtārīh

گزارنده vičār
vičārtār

گزش gazišn

گزش کردار gazišn kartār

گزند vizand
vizēnd
gazand
vizāyišn
vizūtārīh
apē bēš (بی گزند)

گزند آور vizāyišnīk

گزند رسانندگی vizūtārīh

گزند رساندن vizūtan

گزند رساننده vizūtār

گزندکار vizandkār
vizandgar

گزند کردار vizand kartār

گزنده	gažāk gazūk gazišn kartār
گزیدار	vizītār
َگزیدگی	gazišn
ُگزیدگی	vičītārīh vēzišn vēčišn vičēn
َگزیدن	gazītan gažītan
ُگزیدن	vičītan
گزیده	vičītak vičīn
گزیده شدن	vičīhistan vičīhītan
گزیده‌وار	vičītārīhā
گزیر	vičār
گزین	vičīn
گزیننده	vičītār vizītār vičēnkar
گستاخ	vistāxv tarōmat
گستاخانه	vistāxvīhā
گستاخ بودن	tarmēnītan
گسترانیدن	bālēnītan nipāstan
گستردگی	vistarišnīh
گستردگی دست	ustān dastīh
گستردن	vistartan nipastan kašītan
گستردنی	vistarišnīk
گسترده	vistart vistarišnōmand
گسترده شدن	bālītan
گسترش	vistarišn frāxvīh
گسترش مند	vistarišnōmand
گسترشی	vistarišnīh vistarišnīk
گسستگی	visāndakīh visistakīh visustakīh visānišn visānišnīh
گسستن	visastan visistan vusastan visāndan
ُگسی (گسیل)	visiy vasi

گسیختگی	karrēnišn
گسیختن	visastan
	vusastan
گسی کردن	vasi kartan
	visiy kartan
گسیل	vasi
	visīy
	visē
	visīh
گسیل کردن	vasi kartan
	visē kartan
	visīy kartan
گشاد	višāt
	frāxv
گشاد اندیشه	frāxv mēnišn
گشاد چهره	frāxv anīk
گشاد دری (سخاوتمندی)	višāt darīh
گشاد کردن	frāxvēnītan
	frāxvītan
گشاد کننده	frāxvēnītār
گشادگی	višātakīh
	frāxvīh
گشادن	višātan
گشاده	višātak
	višāt
	ustīk
	frāxv
	sahmānak
گشاده جبین	frāxv anīk
گشاده روی	frāxv anīk
گشاده فکر	frāxv mēnišn
گشت	gašt
گشتاسپ (نام خاص)	vištāsp
	rāmšatr (لقب گشتاسپ)
گشتاسپی	vištāspīkīh
گشتگی	vartakīh
	vartišnīh
	vaštakīh
	vištakīh
	vištārīh
گشتن	vaštan
	vištan
	gaštan
	vartan
گشته	vašt
	vištak
	vartak
	vartēn
گشته روان	vartak ruwān
گشسب (اسب نر)	gušasp
گُشن	gōšn
	gōšnak
	gušn
گشن بودگی	gōšnīh

گشنسب (اسب نر) gušnasp
gušasp

گشن کردن (آبستن کردن) vušn kartan

گشنی gōšnīh
gušnīh

گشنیز gašnīč
gišnīz

گشودن višātan
apāč kartan
viyāftan (گشودن دهان)

گفتار guftār
gōwišn
gōwišnīk
gōvičār
saxvan
saxvanīhā
vāčak
vāčīk
huzvān

گفتار بد duš-huxt

گفتار بیهوده halak gōwišn

گفتار خجسته yān gōwišn

گفتار خوب huxt
vēh gōwišn
frāhuxt

گفتار راست arišuxt

گفتار صریح rōšn gowišnīh

گفتار عالی frēh huxt

گفتار قانع کننده ōstavān gowišnīh

گفت وشنود hampursakīh

گفتگو dranǰišn
vāčišn
frašn
hamgōwišnīh
guft pasaxv

گفتگو کردن dranǰītan
hampursītan

گفتگوی خوب xūp dranǰišnīh

گفتن gōftan
guftan
vāčītan
vāxtan
dranǰēnītan
dranǰītan
dūyītan
framūtan

گفتنی gōwišnīk

گفته شده vāxt

گفر گاو (نام خاص) gafr-gāv

گُل vart
gul

گِل — gil
lajan

گل آذریون — āturgōnak

گلابی — urmūt

گلخشان (نام خاندانی) — gulaxšān

گل خیری — xērīk

گل درخت خرما — kārtak

گلدسته — gul-dastak

گلرنگ — vālgōnak

گلزار — gulzār

گلستان — gulzār

گل سرخ — gul
vart

گل کاجیره — zartak

گل کافشه — zartak

گل کیتک — kētak

گلگون — bōrān

گلگونه — vālgōnak

گل مچورس — mēč vars

گلو — galūk
nāy

گل وآبی (خاکی وآبی = ذوحیاتین)
gilāpak

گَله — ram
ramak

pah
pasvīk

گِله — gilak
apēmust (بی گله)
garzišn
garzišnīh

گله‌پروری — vāstaryōšīh

گله چهارپایان اهلی — gōspandān ramak

گله خوب‌دارنده — hupāh

گَله‌دار — gōspand varzītār

گَله‌داری — gōspandōmandīh
gōspand varzīh
gōspand varzītārīh

گِله‌مند — garzišnīk
mustōmand

گله‌منشی (نارضایتی دائم) — gilak mēnišnīh

گل همیشه‌بهار — hamē vahār

گِلی — gilēn

گماردن — gumārtan
gumāštan

گمارده — gumārtak

گماریدن — gumārītan

گماشتن — gumāštan
gumārtan
gumārītan

گماشته	gumārtak
گمان	gumān
	apēgumānīh dātan (بی گمانی دادن)
گمان داشتگی	gumāngarīh
گمان دروغ	drōj gumānākīh
گمان کاری (تجربه)	gumān-kārīh
گمان کردن	gumānītan
	pat ēt dāštan
گمانگر	gumāngar
گمانگری	gumāngarīh
گمانمند (مشکوك)	gumānōmand
گمراه	apērās
	apand
	druvand
	durvand
	vidēftak
	viyāpān
	viyāpānēnītārīhā (گمراهانه)
گمراه روان	vartak ruwān
گمراه کردن	apērāsītan
	viyāpānītan
	viyāpānēnītan
	viyiftan
	marnjēnītan
گمراه کنندگی	apērāsēnītārīh
	viyāpānkarīh
	marnjēnītārīh
گمراه کننده	apērāsēnītār
	viyāpānēnītār
	viyāpānītār
	viyāpānkar
	viyāwānēnāk
	marnjēnītār
	ahramōg
گمراهی	apērāsēnītārīh
	apandīh
	druvandīh
	viyāpāngarīh
گناباد (شهر)	kanāvat
گناك مینوك (اهریمن)	gannāk mēnōk
	ganāk mēnōg
	ganāh mēnōk
گناه	vinās
	gunāk
	āstānak
	vačak
	bačak
	bazakīh
	dastak
	māndak
	āstār
	apārak
	apārōnīh
	xvar (نام درجه‌ای ازگناه)
	ōyrišt (درجه‌ای ازگناه)
	anērang (بی گناه)

گناه انحراف جنسی kun marzīh

گناه اوی‌ریشت (درجه‌ای از گناه) ōyrišt

گناه باصدا غذاخوردن drāyān ǰawišnīh

گناه با یک تای کفش راه رفتن
ēv mōk duwārišnīh

گناه بد غذاخوردن drāyān žōyišnīh

گناه‌برهنه‌راه‌رفتن brahnak duwārišnīh
višāt duwārišnīh

گناه بزرگ girān vināš

گناه بی‌کستی راه رفتن višāt duwārišnīh

گناه بی‌کفش راه‌رفتن višāt duwārišnīh

گناه تنافور (گناه نابخشودنی) tanāpuhr

گناه جدابستری (زنی که باشوی هم‌بسترنمی‌شود)
yut vastarīh

گناه حمل جسد مرده به‌تنهایی ēvak barīh

گناه‌دار vināsōmand

گناه سخن گفتن درحال غذاخوردن
drāyān ǰawišnīh

گناهکار vināskār
vināsišnkar
vačak-gar
bačak-gar
bačak-kar
bazak advēn
bazak āyēn

girān vināš
mar
anāpuhl
anāpuhlak
apārak
apārōn
dafr

گناهکارانه apārōnīhā

گناهکار مستحق مرگ margarzān
margarzānīk

گناهکاری ēmārōmandih
vināskārīh
vināsīh

گناهکاری بزرگ garān vināsīh

گناهکاری که باید تازیانه‌بخورد margarzān

گناه‌کردگی vināsīh
vināsišn

گناه‌کردن vināsītan
āstārītan
āstārēnītan (سبب گناه شدن)

گناه‌گران دارنده garān vināš

گناهمند (گناه‌دار) vināsōmand

گناه نابخشودنی tanāpuhr

گناهی vināsīh

گناهیدن vināsītan

گنبد gōnbat
gumbat

گنج ganǰ

گنجاندن fravastan

گنج شپیکان ganǰ i šēčīkān
ganǰ i šaspīkān
šapīkān

گنج شیزیکان ganǰ i šēčīkān

گنجشک vanǰišk
vinǰišk

گنجور ganǰwar

گنجوری ganǰwarīh

گنجیدن vanǰītan

گنجیده fravastak

گنجینه ganǰ
ganǰēnak
hambār

گَند gand
hēxar
hixr

گُند (سرباز، لشکر) gund

گندرو (نام دیو) gandarw

گندزدایی gand zanišn

گندم gandōm
ǰurtāk
zurtāk

گندم شکل gandom karp

گندنا (تره) gandanāk

گَنده (گندیده) gandak

گندی gandīh

گندیدگی gandakīh
gandīh
pašanǰišn

گندیدن gandītan

گندیده gandak
gannāk

گندی‌شاپور (شهر) vandōi-šāhpuhr

گُنگ gung

گنگ‌دز (نام محل) gang dēz

گنگی gungīh
agōvākīh

گوار (شهر) guwār

گوارا guhārāk

گوارش gukārišn

گوارنده guhārāk

گواریدن gukārtan
gukārītan
govārītan
gukārīhītan
agukārīt (ناگواریده)

گواه gowā
gowāk
gukāy
gukās

گواهانه gukāsihā

گواه دروغ zūr gukāy

گواهی gowākīh
gukāi
gukāsīh
gukāyīh

گواهی دادن gukāyītan

گواهی دروغ zōr gukāsīh
zūr gukāyīh

گواهیدن gukāyītan

گوبار (جوباره ازمحلات اصفهان) gōbār

گوپت (نام سرزمین) gōpat

گوپتشاه (نام خاص) gōkpat-šā

گوجه وحشی (گوجه کوهی) kuhōnz

گوچهر (ستاره) gōčihr

گود gawr
gōr
nist
nišīp
zōfāk
zofr
zofr pāyak
zufr
nāyōk

گود ـ čāh
maγ
maγuk
kandak (خندق)

گودرز (نام خاص) gōtarz
gōdarz

گودرزین (نام خاندانی) gōtarzēn

گود کندن frōt kanišnīh

گودی gawrīh
mēγ
tēh
zahā
zahyā
zahīh
zahyād
zahyīh
zufāk
zōfāk
zufāy
zofrāy
zufāyak
zufākīh
zofāyik
žufāk
žufrāk

گور gōr
gūr
ǰānakān
hazzān

گور خر gōr
gūr

گورستان daxmakistān

گورکن nasā nikān

گوز (جوز، گردو) gōz
gōž
gūč

گوزك (نام خاص) gūzak

گوزن gavāzan
pāzan

گوزینه (شیرینی که با گردو سازند) gōzēnak

گوساله gautar

گوسپند تاشیتار (ایزد مواشی)
gōspand tāšītār

گوسفند gōspand
mēš
pah
pāh

گوسفندتخمه (ازنژاد حیوانات اهلی)
gōspand tuxmak

گوسفند چهر (از نژاد چارپایان اهلی)
gōspand čihrak

گوسفند دار gōspandōmand

گوسفند داری gōspand varzīh
gōspand varzītārīh

گوسفند شاخدار جنگی takal

گوش (نام ایزد نگهبان چهارپایان) gōš

گوش (نام روز چهاردهم ازهرماه) gōš

گوشت gōšt

گوشتخوار karp xvār

گوشتخواری gōšt xvarišnīh

گوشت قربانی gōušōdahak

گوشتمند (دارای جسم گوشتی) gōštōmand

گوشت نمک‌سود xāmič

گوشتی gōštakīh
gōštēn

گوشتین gōštēn

گوش دادن gōšītan
niyōxšītan
niyōxšītan
ōšnūtan

گوش‌دار gōšōmand

گوش داشتن gōš apar dāštan

گوش دهنده niyōxšāk
niyōxšītār

گوش فرادادگی niyōxšišn
niyōxšišnīh

گوش کردن gōšītan
ōšnūtan

گوش کننده فرمان	framān niyōxš
گوشمند (گوش دار)	gōšōmand
گوشواره	gōšwār
گوشه	gōšak sūk
گوشه گیری	apāč āhangīh
گوشیدن (گوش دادن)	gōšītan
گوکرت (نام درخت)	gōkart
گوکرن (نام درخت اساطیری)	gōkaran
گوگرد	gōgart gōgirt gōkart
گوگردمند (دارای گوگرد)	gōkartōmand gōgirtōmand
گوگشسپ (نام خاص)	gōgošasp
گولار (نام ناحیه)	gulār
گول خوردگی	frēp frēpišn
گول خوردن	frēpīhītan
گول زدن	frēftan vidēftan druxtan drōzan kartan
گول زننده	frēftār vidēftār dafr
گول نزدگی	adruǰišnīh
گومیز	dast šōy
گومیزدان	gōmēz-dān
گون (قسم، رنگ)	gōn
گوناگون	gōnak gōnak pēšak pēšak
گونه	gōnak rōy
گوهر	gōhr mātak
گوهرآگین	gōhr pēsīt pēšīt pistak
گوهر آگین کردن	pēsītan
گوهر چارپایان (دارنده)	gōspandān čihrak
گوهردار (اصیل)	gōhrīk pat gōhr
گوهرشناس (شناسندهٔ گوهر اشیاء)	gōhrak dānāk
گوهرمند	gōhrōmand
گوهرنشان	gōhr pēsīt pēsīt

	pēsītak
	pistak
گوهر نشان کردن	pēsītan
گوهری	gōhrīh (اصیل بودگی)
	gōhrīk
	pat gōhrīk
	mātakīk
	matakīh
گوهری بودن	gōhrīkīh
گوی	gōy
	gōδ
گویا	gōwāk
گویا ! (انکار)	hangār
گویائی	gōwākīh
گوی چشم	xāyīk
گویش	gōwišn
گویشمند	gōwišnōmand
گوینده	gōftār
	guftār
گُه	guh
گُه آلود	guhvart
گُه گرد (آلوده به کثافت)	guhvart
گه گرد (سوسک سرگین غلطان)	guhgartak
گهنبار	gāsānbār
گهنبار اول	mētōkzarm
	mētyōkzarem
	mētōkzarmay
	maidyōkzarm
گهنبار پنجم	mētyārēm
	mētyār
	maidyāīrim
گهنبار چهارم	ayāsrim
گهنبار دوم	mētyōšēm
	mētōkšēm
گهنبار سوم	paitišā
گهنبار ششم	hamaspamaidayam
	hamaspasmēdēm
	hamaspatmētyaēm
گهواره	mātak
	gāhvārak
گی (شهر جی دراصفهان)	gai
گیاه	gyāh
	urvar
	rōδmān
	rōymān
	kākūrak (نوعی گیاه است)
گیاهان کوچک دانه	kūtak dānagān
گیاه اندامی	urvar karpih
گیاه بی‌ثمر	zāz

گیاه تنی	urvar karpīh
گیاه چهر	urvar čihrak
گیاه خوار	urvar xvārišn
گیاه خواری	urvar xvarišnīh
گیاه طبی (برای سقط جنین)	šēt
گیاه فشردنی برای شیره کشی	bačak
گیاه گوهری	urvar čihrīh
گیاومند (دارای گیاه)	giyāōmand
گیاه نژادی	urvar čihrīh
گیاه هوم	hōm
گیاهی نژاد	urvar čihrak
گیپکان (نام خاندانی)	gēpakān
گیتی	gētīh gētīk gētāh gētāīhā (گیتیانه)
گیتی آرا	gētāh āray
گیتی خرید (تشریفات مذهبی برای خرید آن دنیا)	dētik xrīt
گیتی کاری	gētīh kārīh
گیتی نگری	gētīh nikīrišnīh

گیج	star start stūw
گیج شدگی	stūwīh
گیج شدن	sturtan
گیج نبودگی	astartakīh
گیج وار	sturtakīhā
گیجی	startīh startakīh anašnāsīh
گیرا	gīrāk
گیرش	gīrišn
گیر کردن	girīhastan
گیرنده	griftār
گیزك (نام خاص)	gīzak
گیس	gēs
گیس داری	gēsvarīh
گیس کندن	mōdak mōyak
گیسو	gēs gēsūk
گیسودار	gēsvar
گیسوداری	gēsvarīh

گیسوری (گیسوداری)	gēsvarīh
گیلان (شهرستان)	gīlān varen
گیو (نام خاص)	gīv
(گیوگودرزان)	giv i gūtarzān vīv
گیوه	gīvak
گیهان	gēhān
گیهان کودك (جهان خرد)	gēhān i kōtak
گیهانیان	gēhānīgān

ل

lāpak-karīh

لاجوردی kāskēnēn
kāsakēnēn

لاران (لارستان) lārān

لارستان lārān

لازم ačārīk
apāyastak
apāyišnīh
apāyišnīk

لازم بودن apāyastan
šāyastan

لاشه پزی nasāy pačišnīh

لاشه‌خوار vahunazg
vohunazg

لاشه خواری nasāy ǰavišnīh

لاشیء ačīš

لئامت panīh
panēnītārīh

لئیم panīk

لا (لا) pardak
tōk
tōp
tōf

لااقل kamist

لابه lāf
rāpak
lāwak
lāpak

لابه کنان rāpak karīhā

لابه گر lāpak-kar

لابه گری rāpak karīh
lāpak-garīh

لاغر	bārīk
	nizār
لاغر شدن	nizārīhastan
لاغر کردن	nizārēnītan
لاغری	nizār čarpīh
لاف زن	huzvān drānā
	huzvān drāyēnītār
لاف زنی	apartanīh
لاك پشت	kāsūk
	kašūk
	kašavak
لال	gung
لال بودن	gungīh
لاله	ālālak
لانه	nišēmak
لانهایه	asahmān
	akarānak
	akanārak
لانه حیوانات	gristak
لانهٔ مرغ	nišēm
لاوجود	anahast
لاوجودی	anahastīh
	anastakīh
لاوه (لابه)	lāpak
	lāwak
لاینناهی	asar
	apat
	akanārakōmand
لایق	ātāv
	attōk
	apāyišnīk
لایق تمجید	buržišnīk
لایق زدن و ویران کردن	zanišnōmand
لایق شنیدن	niyōxšišnōmand
لایق گفتن	gōwišnīk
لایه	tōp
	tōf
لب	laf
	lap
لباس	yāmak
	ǰāmak
	kapāh
	tan ǰāmak
	pūšišn
	patmōč
	patmōk
	patmōčišn
	vastar
	vastarg
	vistarg
	varr
لباس پوشیدن	pōšītan
	patmōxtan

	vistartan
	andar kartan
	nihumbītan
لباس تنگ	mēxak
لباس گرم	garmānak
لباس مردانه	vīr vastarg
لبریز	aparrēxt
	āravēnāk
لبریز شدن	āšixtan
لبریز کردن	fravēnītan
لبریزی	nihvārišn
	tačišn
	tačišnīh
لبریزی آب	āpaxšīkīh
لبه	kanār
	parrak
	tēh
	nīš
لجاجت	vastārīh
لجباز	duš framān
	vastār
	stambak
لجبازی	duš framānīh
لجن	laǰan
لحاف	pūšišn

لحظه	nisang
	hāsr
لحن	vāčīk
لحن بلند	frāč vāngīh
لخت	lutak
	rūtak
لذت	huniyākīh
لذت بخش	urvāhman
	huniyāk
لرزان	drafšnīk
	vizandak
لرزاندن	larzēnītan
لرزش	čandišn
	šip
لرزیدن	larzītan
	čandītan
	drafšītan
لزوم	apāyast
	frēčvānīh
	frēčpānīh
لشکر	gund
	hēn
	laškar
لشکر کشی	spāh rawišn
لشکری	laškarīk
لشکریان	kārān

لشکری بودن	laškarīkīh
لطف	dōšārm yān
لطمه زدن	vizāstan
لطیف	narm nāzik taranak tarrōk tarun naxšak xvaš
لعنت	nifrīn nafrīn nafrītak gazišn duš saxvanīh
لعنت کردن	gazūtan
لعنت کنندگی	nifrīn kārīh
لعنت کننده	nifrīn kar
لعنتی	gaǰastak guǰastak nifrītak
لغت نامه	frahang
لغز	kirtak
لغزیدگی	škarvītakīh
لغزیدن	rānak būtan škarvītan rēčītan
لقاح	vēpīk
لکه‌دار	parš
لکنت	žūtan (بالکنت حرف‌زدن)
لکه	daxšak
لگد زدن	vispurtan
لگد کردن	ōspurtan
لگدکوب شده	xvastār
لگدکوبی	xvāhišn
لمس	gīrišn mālišn marz sōh sōhišnīh
لمس شدگی	sōhišnīh
لمس شده	maršt
لمس کردن	mālītan marzītan sōhistan sūtan patkōftan ayinaftan
لمس کردنی	mālišnīk gīrišnīk griftārōmand
لمس کنندگی	mālītārīh
لمس کننده	mālītār

لمیدن	nisītan
ُلنبر	parīk
لنگه	tāk
لواط	kun marzīh
لواط کردن	vihēpītan
لواط کننده	kun marz
لوت (برهنه)	lutak rūtak
لوت کردن	rūtan
لوث	nasruštīh āhōkēnišn
لوحه	taxtak
لوزینه (شیرینی بادامی)	lōzēnak
لوله آب	nāyčak
لهراسپ	kai luhrāsp luhrāsp lurāsp
لیاقت	ātāvīh attōkīh sazākīh šāyēndakīh arzānīkīh
لیزیدن	rēčītan
لیسیدن	listan lištan
لیف خرما	piš
لیوان	jāmak takōk
لیوان شیشه‌ای	yām

م

م (پسوند اعداد ترتیبی)	ōm
ما	amāh amāk amākān (ما ها، متعلقان ما)
مات شدن	startan
ماتم	sōk sūk
ماتم گرفتن	čihītan
ماد (سرزمین)	mād
مادامی که	ka
مادر	mātar māt mām burtār (کسی که درانتظار مادر شدن است)
مادر آبستن	burtār māt
مادر بزرگ	niyāki
مادری	mātarīh
مادگان	mātakān
مادگی	mātakīh
ماده	mātak mātaγ zahak gōhr gōhrak māt gōhrīhā (مادهٔ) astōmandīhā (مادهٔ)
ماده (مؤنث)	mātak denūtak
ماده اصلی	mātagdān

ماده اولیه mātak

ماده‌ای mātakīk

ماده بودن mātakīh

ماده کامه (متمایل به زنان) mātak kāmak

مادی astōmand
gētāhīk
gētāīk
tanikartīk
gētīhīhā (بطریق مادی)

مادی (منسوب به سرزمین ماد) mādīk

مادیان matyān
asp denūtak

مادی بودن astōmandīh
tan kartakīh

مادی مطلق harvisp astōmandīh

مادی‌ها (ساکنان ماد) mādīgān

مار mār
garčak
garzak
aži
až
āz
gaz
vark mār (نوعی مار)
mārāngāh (نوعی مار کوچک)
mārāngōš (نوعی مار کوچک)

مارا umān

ماراسپند (نام خاص، روز بیست ونهم ازهرماه)
māraspand

ماراسپندان (نام خاص) māraspandān

مار بازی mār vāčīk

ماربانک (نوعی مار زهردار) mār bānak

مار پردار mār pat parrag

مار تخمه až tuxmak

مار زن (مارکش) mār gan
mārɣan

مارشکلی mār karpīh

مارگرزه garzak

مارگرزهٔ کوچک kūk garzak

مارمولک farxav
karpak

مارندگ (نام خاص) mārēndag

مازندران tapristān
māzan
māzandar
māzandarān

مازندرانی māzanīk
māzīnak

مازندرانیان māzanīkān

ماست māst

ماست بریده māst zatak

ماش	māš
مأکول	xvartār
مال	hastak
	hēr
	hīr
	išt
	rēxn
	xvāstak
	āvartāk
مالاندن	masēnītan
مال بی‌اندازه داشتن	apatmān dārišnīh
مالدار	xvāstakōmand
	vas xvāstak
مالدار	afzārīh
	apatmān dārišnīh
مالش	mālišn
	mālišnīh
	marz
	marzišn
مالش دهندگی	mālītārīh
مالش دهنده	mālītār
مالشی	mālišnīk
مالک	dārnāk
	dāštār
مالک بودن	dāštan
مالکیت	xvēšīh
	xvēšēnītārīh
مال من	manīk
مال نگهدار	hēr pānak
مالیات	xarāč
مالیات سرانه	gazītak
مالیدن	handūtan
	mālītan
	muštan
	masītan
	sūtan
مالیده شده	maršt
مام (مادر)	mām
مأمور	gumārtak
	parvānak
	aparmān
مأمورانی که بمنزلهٔ چشم‌شاه هستند	čašmakān
مأمور دولتی	šatrīkān
مأمور کردن	gumārītan
مأموریت	fristakīh
	fristišnīk
	aštakīh
	parvānakīh
مأمون (خلیفه عباسی)	māmūn
مان (ضمیرمتصل اول شخص جمع)	-mān
مان (خان ومان)	mān

مان آتشان (آتشکده) mān i ātaxšān

مانا (شبیه) hūmānāk
mānāk

مانائی (شباهت) mānākīh

ماند (ناحیه) mānd

ماندگان (بقایا) māndakān

ماندگی mānīh
mānišnīh
māndakīh
māndagīh
masēnišn (منزل کردگی)

ماندن māntan
māndan
mānistan
mānītan
nisītan
pātan
patāyistan
apar pātan
pattūtan
ēstātan

مانده māndak
armēšt
stak

مانسرسپند (ایزد) mānsrspand

مانش mānišn
māništ

مانع spōz
spōž

مانع ایجاد کردن patērānēnītan

مانع شدن patērānītan
patērānēnītan

مانند hūmānāk
hamāl
mān
angušītak
čēgōn
ōγōn čēgōn
sān
has
his

مانند بودن māndan

مانوش (نام کوه) mānōš

مانوش (نام خاص) mānūš

مانوش خورشیدبینی (نام خاص)
mānūš i xvaršēt vēnīk

مانوش خورناك (نام خاص) mānūš xvarnāk

مانوش خورنر (نام خاص) mānūš xvarnar

مانوشک (نام خاص) mānūšak

مانوی zandīk

مانی (پیامبر) mānī

مانی (مانده بودگی) mānīh

مانی (خانگی) nmānāy

مانیت (نوعی گناه است) — mānīt

مانیدن (ماندن، مستقرشدن) — mānītan

ماوندداد (نام خاص) — māhvindāt

ماه (ایزد روز دوازدهم ازهرماه) — māh

ماه (نام خاص) — māh

ماه (نام روز دوازدهم ازهرماه) — māh

ماه (کره) — māh
āyišm

ماه (سی روز) — māh
māhakān (مدت یک‌ماه)

ماهانه — māhīk
māhīkān

ماه بنده (نام خاص) — māh bandak

ماه بوخت (نام خاص) — māh buxt

ماه پایه (نام طبقه‌ای‌ازآسمان) — māh pāyak

ماه تاریک — māh tamīg

ماه خسرو (نام خاص) — māh husraw

ماهداد (نام خاص) — māh dāt

ماهر — uzmūtak
hūšnās
hudast
vartak
hunarōmand
frasāxt
vijustār
varčān
afzārōmand
awzārōmand

ماهروی (برسمدان) — māhrōy
barsam-dān

ماه شب چهارده — purmāh

ماه گشسپ (نام خاص) — māh gōšasp

ماه نو — andar-māh

ماهه — māhak

ماهها — māhīkān
māhakān

ماه هرمز (نام خاص) — māh ōhrmazd

ماهی (منسوب به‌ماه) — māhik
māhīkān

ماهی (حیوان دریائی) — māhīk
araz (نوعی ماهی بزرگ)
pašmāčak (نوعی ماهی)
marzūkā (نوعی ماهی)
takē nērōk (نوعی ماهی بسیار تخم)

ماهی (برج حوت) — māhīk

ماهیار (نام خاص) — māh ayyār
māh adiyār

ماهیت — čīšīh

ماهی تابه — tāwak

ماهی خرد — māhīk xortak

ماهی کر (ماهی اساطیری است) — kar-māhīk

مایع داخل رحم	āp andar pusdān
مایع گرداندن	vitāxtan
مایل	grāy
	kāmakōmand
	xvāstār
	xvāstārōmand
مایل شدن (کفهٔ ترازو)	ōgrāi
مایه	bun
مایه هلاك	sēž
مباحثه	uskārišnīh
مباحثه کردن	uskārtan
مبادا	pargast
مبارزه طلبیدن (به مبارزه طلبیدن)	sārēnītan
مبارك	hūbaxt
	hūmorvāk
مباینت	apēvināxtārīh
مبتدی	sarōmand
مبدأ	bunist
	bunistak
	buništak
	bunyašt
	frakān
	kūīh
	dahišn
مبدأ اصلی	bunist
	bunistak
	buništak
مبدأ بودگی	frakānīh
مبدأ جهانی	frakān
مبدل شدن	vartītan
مُبلغ دینی	dēn burtār
مَبلغ	mar
	tāk
مبلغ کل	tāhēkar
مبنا	bunistak
	buništak
	bunyaštak
مبنای اولیه	bunistak
	buništak
مبهم	varōmand
مبهوت	mūtak
	stūw
	start
مبهوت شدن	startan
متأثر کردن	snahītan
متبحر	hūšnās
	kārākās
	frasāxt
متجاوز	vihēzak
متحد	hamahīk
	hamēn
	hamēnītak
	hambavišn

متحد
hamyuxt
baxtīk
ērmān

متحد شدن āyōǰītan
hambūtan
patvandītan

متحد کردن hamēnītan
patvastan

متحد کننده hamēnītār

متحرك ǰumbišnīk
ēvarzīk
vazišnīk

متحرك شدن ǰumbīhastan

متحمل burtār
pattōk
škēpāk
vixšayišnīk
bāristān

متحملانه barišnīhā

متحول vartišnīk

متحیر start
vitīmušt

متحیرانه startīhā

متخصص hūšnās
uzmūtak
frahaxtak
awzārōmand

متخصص فیزیک gōhrak dānāk

متخلق čihrēnītak

متداول zandak

متدین dēn burtār
āstavān
dēnīk
huspūrīk
kēšvar (متدین بدین غیر رسمی)

مترجم targamān
targumān

مترقی hūvaxš

متروك apar māndak
sišd

متساوی‌الطول hamōk drahnād

متشابه hangōšītak
hūmānāk

متشابهاً hangōšītakīhā

متشابه‌الوضع بودن ham brahmakīh

متشخص ōčīrišnīk

متشعشع brāzišnīk

متشکل کردن karītan

متصدی aparmān

متصل hamband
hamēn
hamēnītak

paivastak
patvastak
yumāk

متصل کردن — patvastan
apyōxtan
apiyuxtan

متضاد — hambasān
hanbasān
dušmānāk
hambasānīhā (بطور متضاد)

متضمن — fravand
fravast
fravastak
fravatāk
hangirtīk

متضمن بودن — fravastan

متطیر — marvnīš
murvandēš

متعادل — patmānīk
patmānīkīhā (بطور متعادل)

متعادل کردن — tarāzēnītan

متعالی — buržišnōmand
apargar
bālistīk

متعدد — vas
vēš
vēšīkān
mārīk
frēh
frāy

متعدد بودگی — vas marakīh

متعفن — gandak

متعلق — xvēš

متعلق بخود کردن — xvēšīhītan
xvēšēnītan
ō xvēš kartan

متعلق کردن — xvēšēnītan

متعلقان ما — amākān

متعهد — griftārōmand

متغیر — vartēnāk
vartišnīk
vihērišnīk

متفرع — fraǰastak

متفرق — pargandak
visāndak
zruftak
vičārak
pargandakīhā (بطور متفرق)

متفرق کردن — pargantan
paraganītan
pargandan
visāndan

متفق — hamahīk
hamyuxt

متفکر	handēšītār
متفکرانه	mēnišnīhā
متقارن	hamdamān aknēn (بطور متقارن)
متقلب	drōzan drōžankar drūǰan
متقی	frārōn frārōn kunišn raǰistak puhlīk
متکبر	apar mēnišn tar mēnišn tarīhōmand tarōmat vistāxv pātyāvand tar hāvand mas
متکبر بودن	tarmēnītan
متکلم	guftār
متلاشی شدن	frakastan
متمایل	grāy hūgrāy
متمایل بەبالا	ul āhang
متمایل بەدیوسرشتی	dēv kāmakīh
متمایل شدن	grāyītan
متمایل کردن	grāyēnītan
متمرد	patrān
متن	nask dīp (متن سند)
متناسب	patmānīk patmānīkīhā (بطور متناسب) šāyandak vēh patmān ham vīmand niyāpak
متناسب بودن	hūsačītan
متناقض	hambasān hambasānīhā (بطور متناقض) hanbasān patiyārak
متناوباً	ōvāmīhā
متن سند	dīp
متنبه	apaxš apaxšdār garzišnīk
متن غلط	vāčak zaspān
متنفر	kēnīk
متواضع	nitvar ērmānak

متوافق	pasačāk
متوجه	āšnavāk
	nikāsdār
	nikīrītār
متوسط	mayānak
متوسط‌القامه	bālāy miyānčīk
	mayānak bālāy
	mayānak bašn
متوسل شدن	vičīristan
متوکل	vitvar
	bāristān
متوك ماه (نام خاص)	mētōk māh
متولد	zāyišnōmand
متولد شده	zāyišnīk
متولد کردن	zahītan
متولد نشده	azātak
	arōyišnīk
متهم	hamēmāl
	pasēmār
متهم کردن	ēraxtan
	ērāxtan
	ērǰēnītan
	hanbasānēnītan
متهور	kārīk
متیقن	xvastūk
مثال موجودات درعالم مینوی	fravahr
مثمر	hūdāk
	varōmand
	xvāwargar
	xvāwrīr
مثنی	dōkānak
مجادله	patkārišn
	ham patkārišnīh
مجادله کردن	patkārtan
مجاز	pātaxšā
	pātixšāy
مجازات کردن	pātafrāsēnītan
مجازات کننده	pātafrāskar
مجاز بودگی	parvānakīh
مجامعت	hamvimēžišnīh
	marzišn
	marzišnīh
	māyūt
	māyišn
مجامعت کردن	kartan
مجاور	ham vīmand
	ham sāmān
مجبور بودگی	parēčvānīkīh
مجبور کردن	frēčvānēnītan
	kašēnītan
مجتمع	hangart
مجتمع کردن	hangartēnītan

مجتهد مذهبی vičīrtār

مجدد dit
dōkānak

مجدداً dōkānīhā

مجرای آب āpaxš
kānakīh
katas
kahas
mēγ

مجرب kart kār
ōzmūtak
vartak

مجروح āzārak
rēšak
rēšgōn
rēškōn
rēškēn
vixrūn
xast
xastak

مجروح بودگی rēštakīh

مجروح بودن pēšār būtan

مجروح کردن āzārītan
rēšēnītan
rēšītan
xastan

مجروح کنندگی rēšītārīh

مجروح کننده rēšītār
xastār

مجروح نساختن arēšītārīh

مجروح نشده ašikand

مجری rawāk

مُجری عدالت pātafrāskar

مجزا yutāk
yut yut

مجزا شدگی viškītakīh

مجزا کردن yutākēnītan
viškītan

مجسطی (رساله‌ای درعلم نجوم ازبطلمیوس)
magistīk

مجسم tankartīhā

مجسمه uzdēs
patkar

مجعد xvihl

مجلل burzāvand
burzēn
burzōk
buržāk
buržišnīk
hūškōh
rāyōmand
šāhvār
xvarīk

مجللانه burzāvandīhā

مجلل گرداندن burzēnītan

مجمع hanǰaman
ārasan

مجموع ham
hamīh
hamist
tāhēkar

مجموعه hanbār

مجموعهٔ قوانین قضائی dātistānīh

مجموعهٔ نوشته‌ها dēvān

مجموعه هشت تائی haštīh

مجنون dēvānak

مجوس magōg

مجهز kunišnōmand
pasačak

مجهز شده pasiǰak
pasačak

مجهز کردن pērāyēnītan

مچ دست aršnēz
aršnēzak

مچن (کوه) mēčan

محاسب āmārēnītār

محاسبه handāčīh
angārak
āmārišn

محاصره شده parvast

محاصره کردن parvastan

محاط parvast
parvastak

محافظ ban
pās
pāspān
pātār
pātyār
pānak kartār
grōkān dār
nikāstār

محافظت nikās dārišn
nikās dāštārīh
pānak kartārīh
xvāparīh

محافظ روان ruwān pānak

محافظت کردن pātan
pās dāštan
pahrēxtan
zēnēnītan
pāyītan
sardārēnītan
srāyēnītan

محافظت کننده pahrēxtār

محاکمه درداد گاه نداشتن apēšimārīh

محال nē šāyēn

محبت
dōstīh
dušārm
dōšakīh
ham brātīh
mitr kārīh
dil dartīh

محبت آمیز
pur dušārmīhā

محبوب
dōst
dōšīt
dōšītak
dōšak
franāft

محبوس
zindānīk
vartak

محتاج
niyāzān
niyāzāngar
niyāzīk
niyāzōmand
astānakōmand

محتاط
ōšīdār

محترم
āzarmīk
franāft
grāmīk
hū-āp
hūfravart
husraw
hūškōh
nāmīk
spand
šnāyēnīt
tarsākās
tarsakāy

محترمانه
tarsakāsīhā
dōšārmīhā

محترم بودن
āzarmīkīh

محترم دارنده بزرگتران
hačiš-masān tarsakāy

محترم داشتن
franāftan

محتوی
fravast
hangartīk
hangirtīk
ōbarišn

محتوی بودن
fravastan

محدود
brīn
brīnōmand
kanārakōmand
kanārōmand
sahmānōmand
sarōmand
sāmānōmand
sāmānak
vīmandōmand

محدودانه
kanārōmandīhā
sahmānīhā
sāmānīhā

محدود کردن — bastan

محدودیت — kanārakōmandīh
kanārōmandīh
sahmānōmandīh

محرك — ǰumbāk
rānēnītār
hangaxtār
hangēxtār

محرم — ōstīk

محرمانه — ōstīkīhā

محروم — apēbahr

محروم از سلطنت — apātixšāh

محروم کردن — apaxšāyītan
zīnītan
zīnēnītan

محرومیت — niyāz

محسوب داشتن — ōšmurtan

محسوس — snahišnīh

محسوسانه — snahišnīhā

محصور بودگی — parvandišn
vartakīh

محصور کردن — xanǰistan

محصول — mīvak
āpurišn
kartārīh

محصول برداشتن — drūtan

محصول خوب — xvāwrīr

محصول کم‌درخشکسالی(بدسالی) — dušyārīh

محفوظ درسینه — varm

محقر — xvār

محقق — ačār
ēvar
ēvarīk
tāšt
tāštīk

محقق (تحقیق کننده) — vičustār
viǰustār

محققاً — pat nāmčišt

محققانه — ēvarīhā

محکم — astītak
bāristān
drang
drupušt
ōst
ōstīk
ōstīkān
razēn
ristak
staft
saxt
xružd
awistwār

محکم شدن	griftan
محکم کردن	pašēnītan patūtan ristakēnītan
محکمه	xvāristān
محکوم	ērāxt
محکوم بمرگ	margarzān purtak sar
محکوم شده	ērāxtak
محکوم کردن	ērāxtan
محکوم نشده	anēraxt
محل آموزش تعلیمات دینی	rāz-gās
محل توقف	māništ
محل سور ومهمانی	myazd gās
محل مستحکم	āvahan
محل نشستن	āšyān
محله	bar nēmak vālan zand
محلهای	zandīk
محنت	ūzmāyišn
محوطه	bar parkān parvast parvand
محوطهٔ برج و بارودار	fravār
محوطهٔ کاخ	aspānvar
محوطه محصور	var
محو نشدنی	anapasīnišn
محیط	girtak
محیط زیبا	hutarist
مخالف	hambasān hambasānīk hamēstār patīrak patīrak ēstišnīk adātastān patyār patiyārak paitiyārak patyārak pityārak pityār patyārakēnītār hamēstārōmand (دارای مخالف ورقیب) yut kust (درجهت مخالف) apatiyārak (بی مخالف)
مخالف العقیده	yut dātastān
مخالفان	hamēstārān
مخالف بینی	yut vēnišnīh
مخالفت	hamēstārīh hamēstārišn

patist
patīrakīh
patkār
patyārakīh
patyārakōmandīh
paitiyārakīh
pityārakīh
pityārakīk
pityārakōmandīh
apāč dārišnīh
apatyārakīhā (بی مخالفت)
apatyārakīh (بی مخالفتی)

مخالفت بادین زرتشتی karapīh

مخالفت باعقاید دین رسمی yut vēnišnīh

مخالفت کردن hamēstārēnītan
patērānēnītan
patērānītan
patiyārēnītan
patyārēnītan
patyārakēnītan
purītan
purtan
apāč dāštan

مخالف کاری paitiyār kārīh

مخالف نیروی نیکی paitiyārak

مختار āzāt kām
āzāt kāmīk

مختصر hangirt
hangirtīk

مختلط āmēxtak

مختلف nōk nōk
pēšak pēšak

مختلف الاصل yut gōhr

مختلف العقیده yut dātastān

مختوم ōspūrīk

مخنث vizuxtak
xanzak

مخدر madyān

مخرب apasīhāk
ēbgat
mrnǰēnītār
rēšītār
vināsišnkar
višuftār
viyāpāngar
viyāpānkar
vināsītār
vināsišnīk
ziyānkārīk

مخرب خلقت dahišn apasēnītār
dahišn kāhēnāk
dahišn kāhēnītār

مخزن vārastān
varm
nipast

مخزن خانه bun katak

مخصوص nāmbarak
nāmčišt
mātakvar
vāspuhrakān

مخصوصاً nāmbarak
pat nāmčišt

مخفف kāstak

مخفف کردن kāhītan

مخفی nihān
nihānīk
nihumb
nikān

مخفیانه کاری کردن nihān rawišnīh

مخلوط āmēč
āmēž
darham
gumēčak
gumēčakōmand
gumēxtak
yumāk

مخلوط شدگی gumēčišnīh
gumēčišn
gumēzišn

مخلوط شدن gumēčihītan
hārēftan

مخلوط کردن gumēxtan
vīmēxtan

srištan
šēp-

مخلوق āfrītak
dām
dāmak
dahišn
dātak
brēhēnītak
bandak

مخلوقات dāmān
dahišnān

مخلوقات اولیه bundahišnān

مخلوق اولیه fratōm dām

مخلوق اهریمنی duš-dāmak

مخلوق بد duš-dahāk
duš-dām
duš-dāmak
duš-dāmānak

مخلوق خدا ōhrmazd-dāt
yazdān-kart

مخلوق خوب hūdahak
hūdahāk
hūdām
vēh dahišn

مخلوق سپندارمذ spandmat dām

مخلوق فرشتهٔ بهمن vohuman dām

مخلوق نخستین pēšdāt

مخلوق وهومن	vohuman dām
مدار خورشید	hvarxšēt pāyak
مدافع	pasēmār yātakgōw
مدافعه	vānišn
مداوا	bēšāzīh bēšāzišnīh bēšāzēnišnīh čārak
مداوم	dēr zamānīhā
مداوم بودن	patāyītan
مدبر	rāδēnītār
مدبرانه	čārak kunišnīhā
مدت	gās zim zamān žamān
مدتی از روز	gāh
مدح گفتن	āfrīnītan
مدخل	vitār
مدرسه	frahangistān hērpatistān ērpatistan dipīristān
مدرسه علوم دینی	ērpatistān hērpatistān
مدعو	māhmān
مدعی	hamēmāl pēšēmār pēšimār
مدعی بودن	pēšēmārīh
مدعی علیه	pasēmār
مدفوع	hēxar hixr mutrišn
مدفون کردن مرده	nasā nikānīh
مدلل	čīmīk čīmīhā (از روی دلیل)
مدلل کردن	daxšakēnītan
مدور	girt
مدهوش	apēbōδ star start startak sturt
مدهوشانه	sturtakīhā startīhā
مدهوش شدن	startan
مدهوشی	startakīh startīh
مدیر	framānpat rāyēnītār

مدیریت rāyēnītārīh

مدینه (شهر) madīnak

مدیوزرم (گهنبار اول) mētōkzarm
mātyōkzarem

مدیوشم (گهنبار دوم) mētōkšēm
mētyōšēm
mētyōkšam

مذهب dēn
kēš

مذهب غیررسمی داشتن ahramōgīh

مذکر mart
nar
narīk

مرا man
um

مراد āyaft
kām

مراسم تقدیس هوم hōm stāyišnīh

مراسم مذهبی yazišn
yašt
yaštār (بجای‌آورنده مراسم‌مذهبی)
yazišnkar ~
yaštan (بجای‌آوردن مراسم‌مذهبی)
yaštārīh (برگزاری مراسم‌مذهبی)
nāyevar (مراسم‌مذهبی برای پیشوایان دینی)
yazišndahišn (بجای‌آورندهٔ مراسم‌مذهبی‌یسنا)

مراسم مذهبی برشنوم برای تطهیر yošdāsr

مرافعهٔ دادگستری kartak

مراقب hūdār
nikās-dār
nikīrītār
pāspān
zēnāvand

مراقب بودن zēnāvandēnītan
vigrātan

مراقبت bē sardārīh
dāštārīh
nikās dāštārīh
nikās
nikās-dārīh
nikās dārišn
nikās-dārišnīh
nikās dāštārīh
nikīrišn
pat nikīrišn
tēmār
parvarišn
parvartārīh
pāspānīh
zēnāvandīh
ham čašmīh

مراقبت از چیزی apar āstišnīh

مراقبت دائم hamēšak pāspānīh

مراقبت شده parvartak

مراقبت کردن apāyītan
dāštan
hūdāštan
nikās dāštan
nikīrītan
pahrēxtan
parvarītan
pāspānēnītan
gōš apar dāštan

مراقبت کردن ازچیزی gōš dāštan hač

مراقبت کردنی nikīrišnīk

مراقبت کننده -pān

مراقبت مفرط از بدن tančīnakīh

مراقبت نشده apahrēxtak
avičār

مربا hambak
parvartak
šakarīzeh (نوعی مربا)

مربا ساختن parvartan

مرتب pērāstak
pat rastak
vinārišnīk
vīrāstakīhā (بطور مرتب)

مرتبت pāδak
pāyak

مرتب شدن vinārīhistan

مرتب کردن patrāstan
rāyēnīhītan
rāženītan
sāxtan
pērāstan
vēnārastan
vināristan
vēnārtan
vinārtan

مرتبط patvast

مرتد apāč vaštak
dravand
durvand
druvand

مرتع gāvyōt
gōyōt
vāstar
vāstr
apaxvar
pur vāstar (دارای مرتع)
vāstrōmand ~

مرتع بزرگ frāxv gōyōt
frēh gōyōt

مرتعش بودن fravītan

مرتعش شدن fravītan

مرتعش کردن fravēnītan

مرتکب بودن pēšār būtan

مرجان sag xrūhak
vussat (بسد)
vassat
xrōhak

مرجانی	vassatēn
مرحله	nisang
	ōvām
مرحوم	hūfravart
	murtak
	vitartak
مرد	mart
	mērak
	nar
	vīr
مردار	murtār
مردار پز	nasā pāk
مردار خوار	karp xvār
مردان‌به (نام خاص)	martān vēh
مرد اندام	mart karp
	mart bālā
مردانگی	martānakīh
	mas martih
	narīh
	gadvarīh
	hunar
	hunarīh
مردانه	martānak
مردبالا (باندازه قد یک‌مرد)	mart bālā
مرد بد	vat mart
مرد پارسا	dahm
	mōγmart
	mizdvar
مرد تندرست	drust vīr
مرد جنگی	zāvar
مرد جنگی خوب (دارنده)	hu-artēštār
مرد جوان	rahīk
	rasīk
	rētak
مرد خانه	katak xvatāy
مرد خوب	dahm
	vēh nar
	vēh mart
	hū vīr
	vēh narīh (مرد خوب بودن)
مردد	avičītār
	gumānīk
	gumāngar
	gumānōmand
	gumāngarīk
	vistār
مرددانه	gumānīhā
مرددوست (زن شوهردوست)	mart dōst
مرد زندار	nāirīkōmand
مرد شکل	mart karp
مرد طلبی	mart kāmakīh
مردگان	murtān
مردگی (بی‌جانی)	uzuštānīh
مردم	martōmak
	martōm
	kār

kārān
ram
pātram
kas kas (یک یک مردم)

مردمان — martōmān

مردمان جهان — gēhānīgān

مردمان زنده — hastān martōmān

مرد ماهر — ōstāt mart

مردم چهره (مردم نژاد) — martōm čihrak

مردم دشمنی — martōm dušmanīh

مردم دوستی — martōm dōstīh

مردم زاده — martōm zātak

مردم سرزمین دهستان — dahākān

مردم طبقه پائین — naxēžik

مردم عادی — naxēžik

مردکامگی (زنی که‌خواهان‌مرداست) — mart kāmakīh

مرد مغ — magōg mart

مردم‌کاری — martōm kārīh

مردمک چشم — tītak
syāhak

مردم‌کشور — kišvarīk

مردم‌گیاه (مهرگیاه) — mahrgyā
mahrkyā

مردم مکران وبخشی ازعمان — mēčanīkān

مردم نژاد — martōm čihrak

مرد منحرف ازنظر جنسی — mart vēpīk

مرد منش — mart mēnišn

مرد منشی — mart mēnišnīh

مرد موبد — muγmart

مردمی — martōmīh

مردمی (منسوب بمردم) — martōmīk
ramīk

مردن — murtan
gyān kantan
pat baxt šutan
vitartan
vitārtan
vitaštan
vitāštan
vitīrtan
viturtan

مرد نخستین — maši
mašīg

مرده — murtak
murt
ristak
rist
vitart
vitartak
vitīrān
viturt
bē vitart

uzīt
uzīt bōδ

مرده پزی nasāy pačišnīh

مرده خواری nasāy xvārišnīh
nasāy ǰawišnīh

مرده ریگ (ارث) aparmānd
rēxn

مرده شوی murtak šōy

مرده شویی nasāy šōyišnīh

مرده کش nasā kaš

مرده کشان murt kašān

مرده کشی که جسدرا بتنهایی حمل کند (گناه)
ēvak bar

مرده هل (کسی که مرده را بحال خود رها می کند)
nasāy hil

مردی martīh
gušnīh
narīh
narīk

مردی که بغلام بارگی تن دهد viptēnītak

مرز marz
vīmand
sahmān
sāmān
sāmānak
kiš

مرزبان marzpān

مرزدار marzpān

مرزدار (دارای محدوده معین) sahmānōmand
sāmānōmand
vīmandōmand

مرزش (مقاربت) marzišn

مرزشی (مقاربتی) marzišnīh
marzišnīk

مرزنگوش (گیاه خوشبو) marzangōš

مرزی vīmandīk

مرزیدن marzītan

مرزیده (مالیده شده) maršt

مرض xindakīh

مرطوب xvēt
tarr

مرطوب شدن nambītan

مرغ (چمن) murv

مرغ kark
karg
mōrv
mōrvak
marv
murv
murvak
kamak (نوعی مرغ اساطیری)
čamruš (مرغ اساطیری)
čināmrōš ~

مرغ‌اندیش (فالگیر، غیب گو)	murvandēš
مرغ اوستاخوان	ašōk zušt
مرغ بهمن (جغد)	vohuman murγ
مرغ پرنده	parandak
مرغ پرودرش	murv parōdarš
مرغ خانگی	kark
	karg
مرغزار	rāγ
مرغ شکاری	murv i škarak
	škarak
	sārīgar (نوعی مرغ شکاری)
مرغک	mōrvak
	murvak
مرغ کرشیپتن (رد پرندگان)	karšiptan
مرغ کوچک	murvičak
مرغ همای	humāk
	humāy
مرفه کردن	patēxvēnītan
مرکب	hamēnītak
	hambavišn
	gumēxtak
	bahrōmand
مرکز	miyān
	mēx
مرکز فرماندهی شاه درمیدان جنگ	aparzēn
مرکوس (نام دیو)	markūs
مرگ	marg
	mīrišn
	mīrišnīh
	murt
	ōš
	uš
	hōš
	ōšišn
	vitarg
	vitartak
	vitartakīh
	vitārišn
	vitīrišn
	vitīrišnīh
	vitart
	viturt
	bōʒ vartišnīh
	frōt mīrišnīh
مرگ‌آور	margēnāk
	margōmand
	pur marg
	margīh kartār
مرگ ارزان (کشتنی)	margarzān
	margarzānīk
مرگ ارزانی	margarzānīh
مرگان (جایگاه نجومی)	margān
مرگ مند	margōmand
مرگناك	margēnāk

مرگ ومیر — mīrišn

مرگ ومیرعمومی — margīh

مرگ ومیری — mīrišnīh

مرگی — margīh

مرمت (نوسازی) — nisārišnīkīh

مرمت کردن — vinārtan
vīrāstan

مرو (شهر) — marv
murv

مرو (گیاه خوشبو) — marv

مرو اردشیران (گل وگیاه خوشبو)
marv i artašērān
murv i artaxšatrān

مروارید — marvārīt
morvārīt
murvārīt

مروارید شاهوار — murvārīt i šāhvār

مروج — sūtēnītār

مرور کردن در ذهن — dranǰēnītan

مرو رود (شهر) — marv-rōt

مرو رودی — marv-rōtīk

مرو زرتشتان (شهرمرو) — marv i zartuštān

مرو سفید (گیاه) — marv i spēt

مرو کوچک (شهر) — marv i vačakān

مره (شمار، اندازه) — marak

مرید — hāvišt

مرید بودگی — hāvištīh

مریض — vaštak
xindak

مرئی — pētāk
dītišnīk
nikīrišnīk
vēnāk
vēnišnīk
vēnaft
vēnafdāk
vēnāptāk
dītār
dītārīk
nišak
vēnākīhā (بطور مرئی)
vēnāfdākīhā (بطور مرئی)

مرئی کردن — pētākēnītan

مزاج — hōk
xēm

مزد — mizd
mōzd
nīrmat
pātdāšn

مزدا اهورا	ōhrmazd
مزداپرست	mazdyasn
	mazdayasn
	mazdēsn
	māzdēsn
	mazdayast
	mazdēst
	hūdēn
	vēh-dēn
مزداپرستان	mazdayasnān
	mazdayastān
مزدا پرستی	mazdayasnīh
	mazdayastīh
	mazdēsnīh
مزدایی	ōhrmazdīk
مزد بر	mizdwar
	mozdwar
مزد خوب داشتگی	hūmozdīh
مزد دادن	pātdāšnēnītan
	tūxtan
مزدك بامدادان (نام خاص، دیناور دوران ساسانی)	
	mazdak
	mazdak i bāmdātān
مزدکانی	vas mozdīh
مزدکی	mazdakīh
	zandīk
مزدور	mizdwar
	mōzdwar
مزدی	mizdīh
	mozdīh
مزدیسن	mazdayasn
	māzdēsn
	mazdēst
مزروع	āpāt
	āpātān
	kišt
	avarzīt (نامزروع)
مزرعه	kišnzār
	kištzār
	gāvyōt
مزنیك (نام طایفه‌ای است)	mēčinīk
مزنیکان	mēčanīkān
مزه	mazak
	mačak
	mēčak
	mičak
	mizak
	mīž
	čāšišn
	čaxšišn
	čāšnīk
	xvārūm (مزه وطعم غذا)
مزه‌دار	mazakōmand

mičakōmand

مزه‌داری — mičak dārīh

مزه مزه کردن — mēčītan

مزه‌مند — mičakōmand

مزیدن (چشیدن) — mēčītan
mičētan
mizītan

مزین — pēsītak
pēsīt
pēšīt
barāzišk

مژه — mazag
mēč
mēž
mēžuk
mēčuk
mičak
muzak

مژه برهم زدن — mēčītan
mēčišn

مژه برهم‌نهادن بعلامت رضایت — nimēž

مسؤولیت مشترک (با~) — ēv kartakīhā

مساعد — frayātišnīk

مساعدت — frayāt
frayātišn

مسافت — dūrīh

مسافت دراز — dūr vitarg

مسافر — vaštār
kārdāk
kāravānīk

مسأله — frašn

مسامحه‌کار — sūtak

مسامحه‌کاری — sūtakīh

مساوی — hamtāk
hāvand

مسبب — ǰumbāk
vahānīk

مسبب درد ورنج — dartēnītār

مست — mast
mastūk
mastōk

مست بوسیله آداب مذهبی — yut mast

مستبد — sēzdēn

مستحق — arzānīk

مستحکم — passāxtīhā

مستحکم کردن — passāxtan

مستحکم کننده — passāxtār

مستحکم گردانیدن — ristakēnītan

مسترقه — traft
truftak
taruftak

مستعد	ātāv
	andar tuwān
	tuwānkar
	nērōkik
	arvand
مستعد بودن	tāyītan
مستقر	giyākōmand
	nihāt
مستقر شدن	mānītan
مستقل	kāmkār
	kāmak vitār
	xvatāy kāmak
	kām zīvišn
مستقیم	durust
مستک (نوعی آلت موسیقی)	mastak
	mustak
مستک‌نواز	mustak srāy
مست کننده	madyān
مُستگر (رنجور، آزرده)	mustgar
مستدر	hamāyīk
	hamvār
	pattān
	rōwāk
مستمند	mustōmand
مستمندی کردن	must kunišnīh
مستهزآنه	apsōsgarīhā
مَستی	mastīh
مسجد	mazgat
مسخره	apasōsīh
مسخره کنندگی	apasōsīh
مسخره کننده	afsōsgar
	apasōsāk
مسخ شدگی	vartišn
مسدود	bast
مسدود کردن	bastan
مسرت	dōšišn
مُسرف	vandgar
مسرقان	musrkān
مسرقان رود	masrakān
مسطح	hāmōn
مسکن	mān
	mānišn
	māništ
	katak
	kartak
	hadiš
	nisastak
	nišast
	bunak
	ēstišn
	ašārišn
(دارای مسکن خوب بودن)	hūmānišnīh

مسکن‌دار — mānišnōmand

مسکن دروغ — drūǰōk tmān

مسکن کردن — mānistan

مسلح — zrēh patmōxt
zēnīk

مسلح بودگی — zēnāvandīh
zēnōmandīh
zēn afzārīh

مسلح به‌سلاح خوب — hūzēn

مسلح گرداندن — zēnāvandēnītan

مسلک غلط — yut dātastānīh

مسلم — tāšt
vičart

مسموم — mastōk

مسمومیت — mastōkīh

مسن — purgāh
purgās
dušdaft

مسند — gās
nišast
bālišn

مسؤول — amarōmand
pursišnīk

griftārōmand
xōrtāk

مسیح — masīhā

مسیحی — tarsāk
kalīsāīk

مسیحیت — tarsākīh

مسیر خورشید — hvarxšēt pāyak

مسیل — darrak

مشاجره — patkārīt

مشارکت — patvast ovišīh

مشاطه — hūčihrgar

مشاور — sōbār

مشاور حقوقی — yātangōk

مشاور دربار — dar handarz pat
dar andarz pat

مشاور سلطنتی — dar andarz pat

مشاوره — andarz
uskār
uskārišn
uskārišnīh
ham pursak (طرف مشاوره)

مشاوره کردن — uskārītan

مشت — must
mušt

مشتاق	apatmān varanīk niyāzān niyāzāngar
مشترکاً	hamgās
مشتری	xarītār
مشتعل	tēz sōčāk vaxšak vaxšāk xaxšīk vaxšandak vaxšēndak
مشتمال دادن	muštan
مشتمل	hangart hangirtīk
مشته	kōpēn
مشتی	mustīh
مشخص	hūvičirišnīk vičārtak yutar
مشخص بودگی	yutīh
مشخص کردن	vičārēnītan vičīnīhītan
مشخص کنندگی	vičārtārīh
مشخص کننده	vičārtār vičīnāk
مشرق	hūšastar ūšastar
مشروب نشاسته	dārū i nišāstak
مشروح	dāramak dārmak dōkānak dōkānīk gōkānīk gōvičār
مشروحاً	dārmakīhā pat dōkānak
مشروع	dātīk apēdāt (نامشروع) adātastānīhā (نامشروعانه)
مشغولیت	kār
مشقت	arg bēš ranǰ ranǰakīh škaftīh škaft
مشک (مادهٔ عطری)	mušk
مشک (پوست)	mašk
مشک کوچک	maškīčak
مشکل	anāsān axvār duškar

dušxvār
girān
vitang

مشک نافه
musk i nāfak

مشکوك
gumānīkīh
gumānīk
gumāngarīk
gumānōmand
varōmand

مشکوکانه
gumānīhā

مشمول
parvastak

مشورت
hampursakīh
pursakīh
huskārišn
hūsikāl
hūsigāl
hūsikālišn
handāčišn
sōbārišn

مشورت کردن
huskārtan
hampursītan
handāxtan
sōbārītan
huskārītan

مشوش بودن
tapītan

مشوق
sūtēnītār

مشهود
vēnafdāk
vēnāptāk

مشهور
nāmburtār
nām āwurt
nāmīk
nāmīh
frāč nāmīk
nāmakīh
nāmčištīk
čašmak
čašmkāi
čašmakās
husraw
āšnāk
frāč srūt

مشیانه (حوا)
mašyānē
mahlāi
mahliyānāh
mahrānē
malhiyānāi
mašyānag
mašān
mašāna
mahriyānē
mihriyānē
mihriyānīh
mitryānē
māšyōi

مشیت ایزدی
baγ baxtārīh

مشیه (آدم)
mašya
māšya

maša
maši
mašīg
mahlah
malhā
misēh
mahrē
mihrē
mitre

مصاحب hamdamūn

مصاحبت hampursišn
hampursakīh

مصاحبت بد duš hampursakīh

مصادف hambatast

مصادف شده patkōftak

مُصر dranǰ

مصر (کشور) misr
gibtus

مصرف کننده xvartār

مصر نشین mučrāīk mānišn

مصری mučrāīk
muδrāīk
muzrāyīk

مصلوب کردگی dār kartārīh

مصمم brīnōmand
hangōmand
kāmōmand

مضاعف dōgānak
dōkānīk

مضایقه spōžišn
apāč astišnīh

مضایقه کردن tanūtan
spōxtan

مضایقه کننده spōčkār

مضر ziyānkār
zyānōmand
vizāyišnīk
dušdahāk
frašēw

مضطرب anđarōtak
handarōtak
dušxvār
aram

مضطرب بودن ayārtītan

مضطرب کردن ayārtēnītan

مطابق pat sāy

مطابق بودن hūsačītan

مطابقت sāčišn

مطابق میل pat kāmak
pat xvāδišnīh

مطبوع pat kāmak
pat xvāδišnīh
rāmišn dāt

	dārmak
	šīrēnak
	hūdōšak
	čarp
	xvandrāi
مطلب	čiš
مطلع	ākās
	ākās-kār
	pursišnīk
مطلع شدن	azd matan
مطلع کردن	ākāsēnītan
	azd kartan
مطلقاً	apēčakīhā
مطمئن	ēvar
	ēvarīk
	vāvar
	vistāxv
	abīm
	apēbīm
	xōst
	xvastūk
	ōstowār
	ōstavār
	ōstīkīhā (بطور مطمئن)
مطهر	pākēnītak
	yošdāsr
مطهر گرداندن	yōšdāsrēnītan
مطيع	framān burtār
	framāngar
	framān niyōxš
	hūframān
	parvastak
	niyōšītār
	ōstīkān
	niγōxšāk
	xvatāyōmand
	ēvakānak
مطيع بودن	niγōxšītan
مظلوم	mustōmand
مظنون	gumāngarīk
معادل	hamōk
	hāvand
معادل بودگی	tarāzēnišnīh
معاذالله	pargast
معارض	avīkān
	pityārak
معاشرت بد	duš hampursakīh
معاصر	hamzamān
معاف	pargut
معالجه	bēšāzišnīh
معالجه کردن	bēšāzēnītan
	bēšāzītan
معالجه کردن بوسیله اوراد	mānsrspand bēšāzēnītan

معاوضه کردن gōhrītan

معاونت dastyārīh

معاهده pašn
pašt
patmān
patmānak

معبد kartak mān
ātaxš gās
uzdēs čār (بتکده)

مَعبر vitar
vitār
vitarg
vitarak
tač

مُعبر (خوابگزار) xumr vičār
xvamn vičār

معبر داشتن vitargīh

معتبر ōst
ništavānak
ōstavān
vičurt
vičart

معترف xvastūk
xastuwān

معترف بودن به‌گناه patētīkīh

معترف به‌دین‌بهی stāyītār

معتقد astovān
astuvān
ōspūrīk
virravāk
virravišnīk
stāyītār
xastuwān

معتقدان virravišnīkān

معتقدان به‌تفسیر zand karān

معتقد به‌دوخدایی dō bunyašt-hangār

معتقد به‌دین hūp virravišn
dēn astawān

معتقد به‌دین‌بد dušīh virravēnītār

معتقد به‌دین‌شدن vāvarīkānīhastan

معتقد به‌مسالک مختلف درباره‌ٔ خلقت
vas buništ

معتقد بودن astovānītan
virravistan

معتمد astovān
astuvān
ōstowār
dēr vistāxv
mātakvar
ništavānak
xōst
vistāxvīhā (معتمدانه)

معجزه varz
vitīmās

varč
varč kartīk
vitīmāsīh

معجزه‌آسا varčāvandīhā

معدل mayānak

معدن kān

معدن ثواب kān kirpak

معدوم شده nigēn sār

معده aškombak
kōmīk
ōruswar
ōruspar
mūlān (معده برای موجودات اهریمنی)

معدهٔ گاو و گوسفند aškambak

معرفت حسی sahišn

معرفتی که ازراه قیاس حاصل شود
hangōšītak dānišnīh

معرفی handēmāngarīh
handēmāngarīh (مراسم معرفی)

معرفی کننده handēmāngar

معروف nām-burtār
nāmīk
nāmčištīk
hanǰamanīk
čašmakās
čašmak

معشوق dōšast
dōšītak
dōšīt

معصره karxōš

معطر hūbōy
vahugōn

معطر کردن hūbōyītan
bōyītan

معطل parrēčišn

معطل کردن hištan

معقول xratīk
čimīk
patmānīk

معلق andarvāy

معلق بازی andarvāy vāčīk

معلم čāšītār
frahang pat
zand čāšītār
nimūtār

معلم علوم دینی čāšītār
ēhrpat
hērpat

معلمی ērpatīh

معلومات بد dušākāsīh
dušdānākīh

معلوم داشتن vičēnītan

معما	frašn
	kirtak
معمار	rāz
	rāzigar
	rāz kirrōk
معمولی	šōnīk
معناً	čimīhā
معنوی	mēnišnīk
	vaxšāk
معنی	čim
	čimgān
	zand
معنی دار	čimīk
معنی دارتر	pat čimīktar
معنی داری	čimīh
معوق داشتن	patirānēnītan
معیت	apākīh
	patišīh
	pat apākēnītan
معیت دایم	hamēšak apākīh
معیل	frazandōmand
معین	pētākēṅītak
	vičārtak
	hūvičīrišnīk
	brīṇ
	brīnōmand
	kumand
معین کردن	pētākēnītan
	brīhēnītan
	handāxtan
معین کننده' سرنوشت	brēhēnāk
مغ	mōʏ
	maʏ
	magōg
مغ آزار	magōg bēš
مغاك	mēʏ
	maʏ
	maʏuk
مغ اندرزبد (مغ رایزن)	magōg handarzpat
مغ بد (رئیس مغان)	magōpat
مغتنم داشتن	sūtēnītan
مغ رایزن	magōg handarzpat
مغرب	dōšastar
	xvarwarān (خورواران)
	xvarbarān
مغرور	apartan
	mas mēnišn
	tar mēnišn
	tar
	tarīhōmand
	tarōkmat
	tarōmat

	xvatdōšak hāvand mas
مغرور بودن	tarmēnītan
مغز	mastarg mastōrg mazg uruspar
مغز استخوان	mazg
مغز دار	mazgōmand
مغز داری	mazg čihrīh
مغز سر	mazg
مغزمند	mazgōmand
مغزمندی	mazg čihrīh
مغشوش کردن	āšōftan šuftan
مغفرت	bōžišn
مغلوب	stav
مغلوب ساختن	tarvēnītan
مغ مرد	magōg mart maɣūk mart muɣ mart mōɣ mart
مغی	magīh
مغی وپیشوایی کامل	parōn magīh
مفتخر	buržišnīk garāmīk
مفتخر کردن	buržītan
مفتری	spazg
مفتون	viyāpān viyāwān
مفتون کردن	viyāpānītan
مفتون کننده	viyāpānītār
مفرط	apatmān frāybūt frahist
مفسران	zand karān
مفصل	gōkānīk
مفعول ازنظر جنسی	viptēnītak viftak (مفعول مرد)
مفید	sūtōmand kārōmand apāyišnīk
مفید بودن	sūtēnītan apāyastan
مقابل	patīrak
مقاربت	ham bavišnīh ham karpakīh ham martīh ham vīmēžišnīh marz marzīh marzišn

مقاربت	marzišnīh
	marzišnīk
	māyūt
	māyišn
مقاربت بازن حائض (گناه)	daštān marzīh
مقاربت کننده بازن حائض (گناه)	daštān marz
مقاربت کردن	tan vīmēxtan
	marzītan
	kartan
مقاربتی	marzišnīk
مقارن	hambatast
مُقام	gās
	stān
مقام	awrang
	pād
	pāy
	pādak
	pāyak
	pāyakīh
مقام کوچک	kūtak pāyakīh
مقام ماه	māh pāyak
مقامی	gāsīh
مقاوم	patūk
	pattōk
	patrān
	apāč astēnītār
مقاومت	pattōkīh
	patūkīh
	apāč astišnīh
	hamēmālīh
مقاومت کردن	patūtan
	pattūtan
مقاومت کننده	spōčkār
مقبول	patīrišnīk
مقتضی	apāyastīk
مقتضی بودن	apāyistan
	apāyītan
مقدار	masāk
	handāč
	handāčak
	andāčak
	čandīh
مقدار زیاد	anbūh
مقدار معینی ازطول زمان ومکان	hāsr
مقدار واندازهٔ مکعب	čatrušvātak
مقداری (یک مقدار)	ēčand
مقدر	brēhēnītak
	brīn
	brīnōmand
	handāxtak
مقدر بودگی	baγbaxtīh
مقدر شدن	ētōnīhītan

مقدر کردن baxšēnītan
brēhēnītan
baxtan
hanbaxtan
ōbaxtan

مقدر کننده baxšēnītār
brēhēnītār
brēhēnāk
brīnkar

مقدس ahrav
ahrāy
ahrāδ
artāy
ašōk
pahlom
yazītak
yōšdāsr
pāk
spand
spannāk
hūfravart
varǰāvand

مقدس‌ترین afzōnīktom

مقدم pēš-raftār

مقر xvastūk
astuvān
astovān

مَقر mānišn

مقرر کردن brīhēnītan
vičīrītan
framūtan
ōbaxtan
kartan

مقرری dāsr

مقصود kām
nikēžišn

مقیاس طول dranāy (درازا)
drahnāy (طول)
drahnāδ ~
frapād dranā (باندازهٔ جلوی پا)
sīnak masāi (باندازهٔ پهنای‌سینه)
tan masāi (باندازهٔ تن انسان)
gām (باندازهٔ یک گام = سه‌پا)
nāi (باندازهٔ درازای یک نی)
asp bālāy (باندازهٔ بلندی یک اسب)
angust (باندازهٔ یک انگشت)
yuǰyast (مقیاس طول)
dašmyast (yuǰyast باندازهٔ نصف)

مقید graw
nivandak

مقیم māništak

مکالمه frašn
hamgōwišnīh

مکان	gāh gēvāk nisastak čār mānīh stān (پسوند مکان)
مکتوب	nipist nipistak nipišt nipištak nipīk
مکران (ناحیه)	makrastān mukristān mukrān
مکران رود	mukristān rōt
مکرر	aparvārak dōbār
مکرراً	vasīhā dōkānīhā
مکررانه	vasīhā
مکرر خواندن	dranǰītan
مکرم	burzāvand buržišnīk
مکرستان (مکران)	mukristān
مکرمانه	burzāvandīhā
مکشوف ساختن	paytākēnītan pētākēnītan
ملکوس (نام خاص)	mahrkūs malkōs
ملکوسان (نام‌بارانی‌است‌ویرانگر)	malkōsān
مکن (نهی ازفعل کردن)	mā kun
مکه (شهر)	makkah
مکیدن	mēčītan mičētan
مگر	magar mā hakar bē bē-kā bē kē (مگر اینکه)
مگس	makas magas maxš
مگس انگبین	magas angapēn
مگس حیوانات	kurk magas
مگس عسل	magas i angupēn
مگس لاجوردی	magas kāsakēn
ملاحظه	handāčīh handāčišn handēšišn nikīrišn uskār uskārišn
ملاحظه کردن	dītan handēšitan

ملازم mārtan
uskārtan
huskārītan
hangāštan
mēnītan
niš-

ملازم (نوکر) kartespās

ملاط čārūk

ملاقات ayōǰ
hampursakīh
hamrasišnīh
handēmānīh
patīrakīh
patīrak rasišnīh
pursakīh

ملاقات کردن hamrasītan
masītan

ملاقات موجودات اهریمنی بایکدیگر
hamdwārišnīh

ملاقه kafč

ملامت āvēnišn

ملامت بار āvēnišnīk

ملایم narm
sust

ملایمت čarpīh

ملایم حرف زدن čarp ēvāčīh

ملت pātram
pātarm

ملتزم کردن frēčvānēnītan

ملتمسانه lāpak-garīhā

ملتهب taftīk

ملجأ apastān

ملحد duš-dēn
druvand
asrōšt

ملحدان zand karān

ملحق hambast

ملحق شدن āyōǰītan
patvandītan

ملخ malak
malax
kulak
mayg

ملخص hangirt
hangirtīh
hangirtīk

ملعون dravand
druvand
gaǰastak
giǰistak
gizāstak
guǰastak
nifrītak

مِلک dastkart
hēr

xvāstak
xvēšīh
bar

ملک اربابی vis

ملک‌الطایفه sar xvatāy
kartak xvatāy

ملک سلطنتی ōstān

ملک واقع درسر آب āpsārīk

ملکوس (نام دیو باران ویرانگر) malkōs
markūs

ملکوسی markūsān

ملکه bānbišn

ملوث āhōkēn
nasrušt
hamrēt

ملوث شده hamkarčak
hamkaržak

ملوث نشده avinast

ملوك‌الطوایف kartak xvatāyān

ملهم āsnītak
āsnūtak

ملهم بودن به‌کلام آسمانی mānsr-barīh

ملی kišvarīk

ممانعت arovākīh

ممتاز aparmand
hūgōn

ممتحن nikīrītār

ممزوج gumēxtak
gumēk

ممزوج شدن gumēčīhītan

ممزوج کردن gumēxtan

ممکن nērōkīk
šāyand
šāyandak
šāyēn
tuwānīk

ممکن است šāyēt

ممکن بودن šāyastan
šāyistan
šāyēt būtan

مملکت šahr
šatr

مملکتی šahrīk
šatrīk

مملو pur
hanbār

ممیز vičīnāk
vičīnkār
vizītār

من man
az

من (ترنجبین) taparzat

منازعه anayuxtakīh

مناسب pasačak
pasačāk
sačākvār
niyāp
niyāpak
niyāw
nēvak
drust
xūpsār
xūpīhā (بطور مناسب)

مناسب بودن šāyastan
apāyītan

مناسب گرداندن sačēnītan

مناعت طبع patēxv mēnišnīh

منتج čimīh

منتخب čītak
vičītak
vičītārīhā (بطور منتخب)

منتر (درفارسی عامیانه تهرانی) mānsr

منتری mānsrīk

منتشر کردن srawēnītan

منتظر گذاشتن mānēnītan

منتهی‌الیه bētōm

منج (نام گیاهی است) munǰ

منجم axtarāmār
axtarmār
star ōšmār
kandāk

منجمد afsart

منجمد کردن afsartan

منحرف apērās
aparās
apārak (گناهکار)

منحرف شدن mōšītan
vartītan

منحرف کردن vartēnītan
viškaftan

مند (پسوند اتصاف) -mand
-ōmand

منزل xānak
xōn
aspanǰ
mānišn
māništ
nisastak
nišēmak
āwarišn
nišastak

منزل دادن mānēnītan

منزل دیوان giristak

منزل کردگی mānēnišn
masēnišn

منزل کردن mānītan
māntan

nišastan

منزلگاه ēstišn

منزلگاه روح mēnōk gēvākīh

*منزلی ازستارگان pitištān

منش mēnišn

منشأ bun
buništak
buništīh
čihrak
gōhrak
kūīh
naxun
tuxmakīh

منش پست داشتن anērmēnišnīh

منش خجسته yān mēnišn

منش نامتعادل وافراطی داشتن
frēhbūt mēnišnīh

منش نیک hūmat
vahuman mēnišn
vēh mēnišn
yān mēnišn

منش نیک داشتن hūmat mēnišnīh

مُنشی dipīwar
dipīr
dapīr

منشی mēnišnīh
mēnišnīk

منش یافته mēnišn ayāftak

منصرف شدن ēstātan

منطق pasačāk

منطق (علم) čim gōwākīh

منطقه pāyak
nisang

منظر dīt
dītār
dītišn

منظره dītišn

منظرهٔ خیالی vēnāp

منظرهٔ رویایی که دربیداری دیده شود vēnāp

منظم virāstak
vinārišnīk
rāδēnāk
rāyēnāk
pat rastak
uspurr
ospūr
patmānīk

منظم بودگی rāδēnišnīkīh

منظم شدن vinārīhistan

منظم کردن rāδēnītan
vinārtan
vināristan
virāstan

منع apāč astišnīh

منفصل کردن škastan

منفصل کننده škastār

منفعت vaxš

منفعت جو sūt xvāstār

منفعت جویی sūt xvāstārīh

منفور gujastak
gajastak
ayrand

منقش کردن pēsītan

منقضی شده pār

منقطع کردن brītan

منقل گلی kalak

منکر duš nikīrāy
nikērāy
nakīrāy
nikīrāy

منکر شونده afrāč-guftār

منگ (بنگ) mang

منگ ویشتاسپان (نوعی بنگ)
mang i vištāspān

منوچهر (نام خاص) manūščihr
manūčihr

منهدم ōvēn
višuft

منهدم شدن āpaxšītan

منهدم کردن apasīhītan
apasastan
apasistan
apasīhistan
apasēnītan
apasīhēnītan
marnjēnītan
višōftan
višōpēnītan
ōvēnītan

منهدم کننده apasīhāk

منی šusr
āp andar hambavišnīh

منی (منسوب به من) manīk

مو mōy
rīš

مواجهه dōčārīh

موازنه tarāzēnišnīh

مواشی pasē
pasvīk

مواظب hūdār
nikās-dār

مواظبت nikās-dārīh

موافق brātarōt
hamdātastān
hamdātastānōmand

hamkāmak
pasāxt

موافقت hamdātastānīh
hamdātastānōmandih
sāxtārīh
hamīh
nimēž
āštīh

موافقت کردن sāxtan

موافق ساختن pasāxtan

موبد magōpat
mōpat
maγ
moγ
magōg
mōγ mart
maγūk mart
dastōwar
dastwar
dēn dastwar

موبدان موبد magōpatān magōpat

موبدان موبدی magōpatān magōpatīh

موبد معاون درمراسم مذهبی یسنا rāspīk

موبد موبدان magōpatān magōpat
magōpat i magōpatān

موبدی magīh
magōpatīh

مؤتمن vāvar
vistāxv
ōstavār

مؤثر kārōmand
sūtōmand
sāčišnīk

مؤثر تر kārtar

موثق ōst
ōstavān
stūr
vāvarīkān
mātakvar
ristak
vičurt
mātakvarīhā (بطور موثق)

موجب افتادن شدن nipāstan

موجب افزایش شدن afzāyēnītan

موجب شدن hangēnītan

موجب شمول شدن hangartīkēnītan

موج‌دار drafšnīk

موج زدن drafšītan
fravītan
tāxtan

موجود vindišnīk
hastōmand
būtak

موجودات جهان اهریمنی tamīkān
موجودات دنیای مادی gētīgān
موجود انسانی dō patištān
موجود اهریمنی višūtak
موجود بودگی hastišn
hastakīh
hastīkīh
astakīh
bavišn ēstišnīh
būtīh
būtakīh
astišnīh
موجود کمال‌یافته hangirtēnīt dām
موجود مجرد آسمانی mēnōg
mēnōk
موجود بودن būtan
zīvastan
astītan
موجود دوپا dō zang
dō patišt
dō pāδ
موجود شیطانی dravand
موجود مینوی mēnōg
mēnōk
vāxšīk
موجودیت ēstišn
astišn

astišnīh
astōmandīh
موحش tarsēnāk
arγand
موذی mūtak
مور mōr
mūr
مورچه mōr
mūr
mōrčak
مورد (درخت) murt
مورد اطمینان vāvarīkān
مورد توجه قرارگرفتن sahistan
مور دانه‌کش mūr i dānak kaš
موریانه dēvak
موز (میوه) mōz
موزه (کفش) mōčak
mōzak
mōg
mūk
موسیقی nivāk
huniyāk
huniyākīh (سرگرم موسیقی بودن)
موسیقی‌دان huniyākar
موش mušk
mūšak

موش بودگی mūšakīh

موش پری (نام پری زیانکاری است) mūšparīk

موش کوچک mūšak

موصل (شهر) mōsil

موضع دادن nišāstan

موضوع čiš
dar
darak
kār

موعظه čāšišnīh

موفق pērōč
pērōz
kāmak rawāk
kāmkār

موفقانه pērōč-garīhā

موفقیت čīrīh
čērīh
pērōč-garīh
kāmak hanǰāmīh
vānītārīh
xvahrīh

موفقیت‌آمیز kāmak vitār

موقت بودگی kadīh

موقتی sačišnīk
vitarān
ōvāmīhā

موقر hūškōh
stawr

مولع zamān
žamān
ōvāmīh (بموقع)
āvāmīh (بموقع)

موقعیت pāyakīh
gās
kūīh

موقوف کردن nišastan

موقوفه nihātak

مؤمن hūp virrawišn
dēn astawān

مؤمنان virravišnīkān

مؤمن بدین ōstowār

مؤمن بدین زردشتی ōspūrīk

مؤنث mātak
nāīrīk
nārīk
mātaknām (ازجنس مؤنث)
denūtak (ماده)

موهبت dahišnīh
yān

موهبت‌سعادتمندی ونیک‌انجامی frādahišnīh
fradahišnīh

موی mōd

موی بافته	gēs
موی بدن	vars
	rīšak
مؤید (تأیید شده)	xvastuhīt
موی سر	mōy
موی کندن	rūtan
مویه	mōyak
	mōdak
	mūyak
مویه کنشی	mōyak kunišnīh
مویه گری	mōyak kunišnīh
موی همرنگ دارنده	ham mōy
مویی	mōyēn
موین	mōyēn
مه (نه ، پیشوند نهی)	mā
مه (ابر نزدیک بزمین)	maznāh
	nazm
	dūt
	kup
	mēγ
مه (بزرگ)	mas
	mēh
مهاجر	kārdāk
مهاجرت	frāč fravāyišnīh
	fravāyišn
مهارت	hušnāsīh
	frahaxtīh
	frahaxt kārīh
	awzārōmandīh
	čāpukīh
	ātāvīh
	kērōk
	kīrūk
	kīrūkīh
	kārākāsīh
	nēzūmānīh
	patakīh
	ōstavārīh
مهارت دستی	dast kīrūkīh
مهتر (پرستار اسب)	stōrpān
	āyōxtār
مهتر (بزرگتر)	mastar
مهتران	hačiš masān
مهترین	masist
	mahist
مهد	mātak
مهداد (بزرگسال)	dātmas
مهدی (هدایت کننده‌درآخر زمان)	sōkšyāns
	sōšyāns
	sōšāns
مُهر	mudr

مهر (دوستی) mitr
hūmitrīh

مهر (ایزدخورشید وعهد وپیمان) mitr

مهر (خورشید) mitr
mihr

مهر اسپند (امشاسپند) amahraspand

مهر اسپند (نام؛ وزبیست ونهم ماه) mahraspand

مهر اسپنداذ (نام خاندانی) mahraspandān

مهر اکاوید (نام خاص) mitr akāvēt

مهران (نام خاص) mitrān

مهران رود mitrān rōt

مهرباشکوه (نام آتشکده‌ای است) burzēn-mitr

مهربان mitrōpān
xvāpar
xvāwar
hūapar
hūčašm
hu-ēvāč
narm

مهربان (نام خاص) mitrāpān

مهربانی dilsōčak
hūčašmīh
hu-ēvāčīh
sāxtārīh
hū-aparīh
nāzišn
xvāparīh
xvāwarīh
nīrmat

مهر تاریک (کسوف) mitr i tamīk

مهر ترس (نام خاص) mitr tars

مهر دروغ (پیمان شکن) mitrān drūǰ
mitrōdrūǰ

مهرزاد (نام خاص) mitr zāt

مهر زن (پیمان شکن) mitrō zan

مهر شکن mitr zan

مهرك (نام خاص) mitrak
mihrak
mitrōk

مهرك نوشزادان (نام خاص)
mitrak i anōšak-zātān

مهرکاری (محبت) mitr kārīh

مُهر کردن avištan
āvaštan
hambaštan

مهرگان mitragān

مهرگراز (نام خاص) mitr virāz

مهرگیاه mahrkyā
mahrgyā

مهر ماه mihr māh
mitr māh

مهر ناز (نام خاص) mitr nāz

مهر نرسه (نام خاص) mitr narsahē

مهره muhrak

مهرهٔ بازی muhrak

مهرهٔ پشت muhrak

مهرهٔ شطرنج (فرزین) frazīn

مهری (آدم نخستین) mahrē
mihrē
mitre

مهست masist

مهست اندرخواری (کوه)
mahist andar xvārīh

مه‌کاری mas kārīh

مهلت spōz
spōzišn
spōžišn

مهم mātakvar
mātīkān
mātiyān
girān
vēš-mātak
kār nēst (مهم نیست)

مهمان māhmān
aspanǰ
aspanǰ (جای مهمان)

مهماندار mayazd-pān (میزبان)
nivētvar

مهمانداری aspanǰ
nivētvārīh

مهمان نوازی aspanǰ
māhmānīh
nivētvarīh
spanǰānakīh
višāt darīh

مهمانی māhmānīh
mahmānīh
bazm
sūr
sūr vīrāyīh
spanǰānakīh

مهمانی بزرگ که درآن غذا داده‌شود xvaran

مهمل apardazišn

مهمیز faxēz

مهنه‌ای mēhnāyīk

مهی (بزرگی) masāi
masīh

مهیا pasačak

مهیاکردن patrāstan
vēnārastan
vinārtan

می maδ
may

میان miyān
mayān
andar
andarg
apēsahēnītan (ازمیان بردن)

میان باریک miyān bārīk

میان بهار (گاهانبار) mētōkzarm
mētōk zarmay

میان تابستان (گاهانبار) mētōkšēm

میان تهی gōr

میانجی miyānǰak
mayānčīk
pašn
yātak-gōw
dāt-gōw

میانجیانه miyānǰīkīhā

میانجی بد duš-miyān

میانجیگری miyānčakīh
miyānčīkīh
miyānǰīkīh
miyānǰakīh
yātakgōwīh
dāt gōwīh
miyānčikīhā (میانجی گرانه)
miyānǰīkīhā ~

میانه miyānak
mayānak
miyānčīk
nēm
nēmak

میانه اندام mayānak bašn

میانه بالا mayānak bašn
bālāy miyānčīk
mayānak bālāy

میانه روی miyānǰakīh
patmānak
patmānīkīh
patmān-kārīh
patmān-kunišnīh

میترا mitr
mihr

میترا اکاوید (نام خاص) mitr akāvēt

میتران (مهران، نام خاص) mitrān

میتران رود mitrān rōt

میتر ترس (نام خاص) mitr tars

میترک (نام خاص) mitrak

میترک انوشک‌زادان (نام خاص)
mitrak i anōšak zātān

میتر ویراز (نام خاص) mitr virāz

میتوک زرم (گاهانبار) mētōk zarmay

میتوک ماه (نام خاص) mētyōkmāh
mētōk māh

میخ mēx
mīx

میخ جانان (وتد طالع) mēx i ǰānān

میخ زمان (ستارهٔ قطبی) mēx i gās

میخ زیرزمین (وتدالارض)
mēx i azēr zamīg

میخ میان آسمان (وتد وسطالسماء)
mēx i mayān asmān

میدار (دارای می) mayōmand

میدان asprās
fravand
miyān
mēdān

میدان اسبدوانی asprās
asprēs
koring

میدان بازی asprēs

میدان تیراندازی vitāvanē

میدان جنگ mēdān
razmgās

میدیارم (گاهانبار) maidyāirim
mētyārēm
mētyāirim gās
mētyār

میدیوزرم (گاهانبار) maidyōzarm
maidyōk-zarm

میدیوشم (گاهانبار) maidyōkšam
maidyōšam

میرآخور āxvar-patān sardār
āxvar sardār

میرا hōšōmand
ōšmand
ōšōmand

میرا بودن vitīrān būtan

میراث nihātak
aparmānd

میراندن murnǰēnītan
ōšītan
kuštan

میراندگی murnǰēnītārīh

میراننده murnǰēnītār

میرش mīrišn

میرشی mīrišnīh

میرنده ōšōmand
ōšmand
hōšōmand
sazišnik

میره (شوهر) mērak
mīrak

میزان patmānak
patmān

میزان (ترازو) tarāzūk

میزبان myazd-pān

میزد (چیزخوردنی کهدرمراسممذهبی برخوان‌نهند)
myazd
mayazd

میزد دان myazd-dān

میزدگاه myazd-gās

میزش (ادرار) mīzišn

میزشی (ادراری) mīzišnik

میزیدن (ادرار کردن) mīzītan

میسان (نام محل) misān

میش mēš
varak
varrak

میش بزرگ kurušk

میش تکل mēš takal

میش تیره رنگ mēš i dafr

میش جنگی mēš takal

میش سر (نشانی از فره و شکوه است) mēš sar

میش سیاه رنگ mēš i dafr

میشن mēš sar
mēš sār

میغ mēγ
maznāh

میگو mayg

میگون madgōn

میل kām
kāmak
kāmakīh
kāmakīhā (بامیل)
grāyastakīh
handāčišn
xvāst
xvāstārīh
xvāstārōmandīh
xvāhišn
ōnāmišn
išt
vixāz
vixāzišn
varan
niyāz
apāyast
apāyišn

میل به‌شهوت varan kāmakīh

میل جنسی kām
varan

میل داشتن kāmistan
kāmītan
grāyītan
niyāzītan
apāyastan
apāyītan

میل طبیعی xēm

میل غیر طبیعی varan

میل کردن kāmistan
kāmītan
xvāstan

میمند (می‌دار) mayōmand

میمون بازی kapīk vāčīk

مینا mīn
mīnāk

مینو	mēnōg mēnōk
مینو آشفته	višōp mēnōg
مینو آشوب	mēnōk višōp
مینوبین	mēnōg vēn
مینوبینی	mēnōg vēnīh
مینوچهر (سنوچهر، نام خاص)	manūš-čihr
مینوخرد (مینوی خرد، نام کتاب)	mēnōk xrat mēnōg i xrat
مینودوست	mēnōk dōst
مینوکرداری	mēnōk kartārīh
مینوهای خیر وشر	har dō mēnōk
مینوی	mēnōkīk mēnōkīkīh mēnōyīk
مینوی آفریدگان	mēnōk dāmak
مینویان	mēnōgān mēnōkān
مینویانه	mēnōkīhā
مینوی بد	gannāk mēnōk ganāh mēnōk
مینوی بودگی	mēnōkīh
مینوی خانه	mēnōk xānak
مینوی خبیث	ahrīman
مینوی خرد	mēnōk xrat
مینوی خرد (نام کتاب)	mēnōg i xrat
مینوی کتاب مقدس	mēnōk nask
مینوی مقدس	mēnōk spend spannāk mēnōk spantōmēn spēnāk mēnōk
مینوی موکل برغذای قربانی	mēnōk myazd
مینوی موکل برمراسم مذهبی یسنا	mēnōk yazišn
میور (نام خاص)	mēivar
میوه	bar mīvak mēvak
میوهٔ هسته‌دار وخشک پوست	dānēnak
میهن	mēhan
میی	maδīh

ن

نا آبادان	anāpātān
نا آبادانی	anāpātānīh
نا آب‌مند (بی آب)	anāpōmand
نا آرام	dušxvār aram
نا آرامی	dušrāmīh
نا آرامیدن	arāmītan
نا آزرده	apatiyārak
نا آزموده	anāzmūtak
نا آسان	anāsān
نا آسانی	anāsānīh
نا آسوده	arāmišn
نا آشتی	anāštīh
نا آگاه	anākās
نا آگاهانه	anākāsīhā
نا آگاهی	anākāsīh
نا آلوده	anālūt
نا آمرز (کسی که نمی‌بخشد)	anāmurz
نا آمرزیده	abōžišnīk anāmurzīt
نا آیینی	anāyēnīh
نا ارجمند	aburžišnīk anagarāmīk
نا استوار	anōst
نا استواری	anōstīh
نا امید	anōmēt
نا امیدانه	anōmētīhā

نا امیدی	anōmētīh ōrēpīh
نا اندیشمند	amēnītār
نابالغ	anūpāy apurnāy
ناباورانه	avirravišnīhā
ناباوری	avirravišnīh gumānīkīh
نابخشایمندی	anapaxšāyāvandīh
نابخشاینده	anāmurz
نابخشش کاری	anapaxšišn-kārīh
نابخشودگی	anāmurzītārīh
نابخشوده	abōžišnīk
نابرادری	brātarōt
نابرتری	apahrōmīh
نابردباری	duš-burtīh
نابریده	abrīn
نابسامان	pariš
نابسامان بودن	šiftan
نابلند	anafrāč anafrāz
نابود	apēbūt apēsahišn avēn ēvēn ōvēn
نابود شدگی	ōvēn būtakīh
نابود شدن	āpaxšītan
نابود شده	anāft
نابود فرجامی	ōvēn fraǰāmīh
نابود کردن	apasēnītan apasahītan apasīhītan āpaxšēnītan apasastan apasistan gukāntan apēsahēnītan avēn kartan nasītan nasānēnītan nasēnītan ōsēnītan ōvēnītan
نابود کننده	patērāngar vināsītār
نابود نشدنی	asēǰōmand
نابودی	anāftakīh apasīnišn apaxšišn avīn būtīh apāč nasēnišnīh apēbūtīh gukān

marg (مرگ)
ōš (مرگ)
ōvēn būtīh
ōvēn būtakīh
sēǰ
vināsišn
sēžišn
pašanǰišn

نا به (ناخوب) avēh

نابهی avēhīh

نابین avēn

نابینا kōr
kōr čašm

نابینائی avēnišn
kūrīh

نابینش avēnišn

ناپارسا anašōk

ناپاک apāk
āhōkēn
čirkēn
gannāk
rīman
vinast
nasrušt
patvēšakōmand
druvand
ērāxt
anāpītān

ناپاک بودگی rīmanīkīh

ناپاکی āhītīh
āhōk
āhōkēnišnīh
druvandīh
mutrišn
nasruštīh
nasūš
nē pākīh
palītīh
patvēšak
rīmanīh
vinastīh
vixrūnīh

ناپالودنی abaǰak

ناپایدار sānišnōmand
vitīrān
vitarišnīk
rōč vart

ناپایداری sazišn
vartišnīkīh

ناپتیارگی (عدم مخالفت) apatyārīh

ناپتیاره (نامخالف) apatyārak
apityārak

ناپدید avēnāft

ناپدیداری apēsahišnīh

ناپدید کردن avēn kartan

ناپدیدی — bē vartišnīh

ناپذیرفته — apatīraftak

ناپرستشی — ayazišnīh

ناپرسیدنی — apursišnīk

ناپرهیزکار — apārōn
apuhlīk
afravāft

ناپرهیزکارانه — apārōnīhā

ناپرهیزی — apahrēčišnīh

ناپس — apas

ناپسند — afravāft

ناپسندیده — apasandišnīk

ناپسی — apasīh

ناپشیمان — anapaxšāvand

ناپشیمانی ازگناه — apatētīkīh

ناپوسیدگی — apōhišn

ناپیدا — apaitāk
apētāk
apēvēnāft
apēsahišn
avēnāft
avēnāftāk
avēnišn
avēnišnīk

ناپیدابودگی — avēn būtakīh
avēn būtīh

ناپیدافرجام (کسی که فرجامش معلوم نیست)
avēnāk fražām

ناپیدا کردن — apēsahēnītan

ناپیدایی — apaitākīh
apētākīh
avēnišnīh
apēsahišnīh
avēn būtīh

ناپیروز — apērōč

ناپیروزگری — apērōč-garīh

ناپیش — apēš

ناپیشی (عدم تقدم) — apēšīh

ناتراویدنی — abaǰak

ناتشنگی — apōhišn

ناتشنه — atišn

ناتوان — anafzār
anātuk
anātāv
apātiyāvand
apatuvak
armēšt
atawān
atawānīk
atuwān
atuwāngar
atuwānīk

niruzd
nizār
kam zōr

ناتوان ازنظر جنسی — hušk kūn

ناتوانانه — atuwānīhā
apatuvakīhā

ناتوان شدن — mōšītan

ناتوان کردن — ačārēnītan

ناتوانگر — atuwāngar

ناتوانگری — atuwāngarīh

ناتوانی — anātāvīh
apātiyāvandakīh
apātiyāvandīh
apatūtakīh
atuwānīh
atuwānīkih
mōšīh
nizārīh
kam zōrīh

ناثابت — anōst

ناجوری — anāyēnīh

ناچار — ačār
ačārīk

ناچارانه — ačārakīhā (بناچار)
ačārīhā

ناچاری — ačārīh

ناچنینی — anētōnīh

ناچیز — kam
nisang

ناچیز ترین — nītūm

ناچیزی — kasīh
kamistīh
kūtakīh

ناحق — adātak
apēdāt

ناحیه — vālan
bar
kišvar
kust
kustak
pātkōst
nēmak
vīs

ناحیه‌ای — vīsik
zandīk

ناحیه بناحیه — kustak kustak

ناخرسند — anaxōnsand
axōnsand

ناخرسندانه — axōnsandīhā

ناخرسندی — anaxōnsandīh
axōnsandīh
axvansandīh

ناخشنود — axvašnūt

ناخفتگی — axvaftakīh

ناخن — nāxan
nāxōn
srūb
srūw

ناخوار (سخت ، مشکل) — axvār

ناخواری (سختی) — axvārīh

ناخواهانه — ahonsandīhā

ناخواهشی — axvāyišnīh

ناخوردار — axvartār

ناخوش — axvaš
vīmār
hiyandak
vašt
vaštak

ناخوشانه — axvašīhā

ناخوش کننده — vīmārkar

ناخوشنودی — axvansandīh

ناخوشی — axvašīh
vīmārīh
vištīh
vaštīh
raxtakīh
yask
hiyandakīh

ناخویشکار (وظیفه ناشناس) — axvēškār

ناخویشکارانه — axvēškārīhā

ناخویشکاری — axvēškārīh

ناداده — adātak

ناداری — vitangīh

نادان — adān
dušākās
duš̆dānāk
vat xrat

نادانانه — adānīhā
dušdānākīhā

نادانی — adānakīh
adānīh
dušdānākīh

نادرست — apārōn
ērang
mēt
tanbān
zaspān
zēpāk
anāpuhlak

نادرستانه — mitōxtīhā
drūǰanīhā

نادرستی — apārōnīh
ērangīh
mitōxtīh
zēfānīh

نادروغ	adruǰišn
نادروغی	adruǰišnīh
نادشمنی	apatyārakīh
نادشمنانه	apatyārakīhā
نادلبسته	aviyāwān
نادوست	adōst
نادوستی	adōstīh adōšišnīh vat dōšārmīh
نادولتمندی	anafzārīh
نادیده	avēnāk
ناراحت	dušrām dušxvār
ناراحت کردن	ayōzītan
ناراحتی	anāsānīh dušrāmīh dušxvārīh
ناراست	arāst avērāy drūǰan mēt mitōxtīk
ناراست گو	anāst gōwišn
ناراستی	drūž drūžīh drōgīh drōyīh mitōxtīh
ناراضی	axōnsand anaxōnsand
نارس بودگی	arasīh
نارسی	arasīh
نارضایتی	adōšišnīh axōnsandīh anaxōnsandīh
نارگیل	anārgil
ناروا	arawāk
ناروانی	asačišnīh
ناروایی	arawākīh arowākīh
نارویی (ناراست بودگی)	arawākīh
نارویدگی (عدم رویش)	arōyišn
نازا	starvan
نازادگان	azātān
نازاده	anazāt azāt azātak arōyišnīk
نازدار	nāzūk
نازداری	nāzēnakīh

نازش	nāzišn
نازك	nāzūk nāzīk bārīk tunuk tarrōk
نازکشیدگی	nāzēnakīh
نازك‌کمر	miyān bārīk
نازل شدن	frōtīhītan
نازناکی	nāzēnakīh
نازنده (بی‌جان)	azīvandak
نازو (نازدار)	nāzūk
نازیستگی	azīvandakīh
ناساختار	asāxtār
ناساختاری	asāxtārīh
ناسازشی	asāčišnīh
ناسازگار	asāxtār
ناسپاس	anaspās aspās
ناسپاسانه	anaspāsīhā
ناسپاسی	anaspāsīh
ناستوده	anāfrīkān
ناسرگشته	aviyāwān aviyāwānīk

ناسزا (ناسزاوار)	apasačāk asačāk
ناسزا (دشنام)	dušnām
ناسزاوار	apasačāk
ناسزاواری	apasačākīh asačākīh
ناسزایانه	asačākīhā
ناسزایی	asačākīh
ناسودگی	abē-sūtakīh
ناسودمند	apē-kār apē-sūt
ناسوده	asūtak
ناسوزشی	asōčišnīh
ناسوزندگی	asōčišnīk
ناشادمنش	ašāt mēnišn
ناشایست	ašāyast
ناشایستگی	asačākīh
ناشایسته	asačāk apasačāk anarzānīk
ناشبیه	dušmānāk
ناشتا	nāštak
ناشکیبایی	duš-burtīh
ناشمردنی	anāmārišnīk
ناشناختاری	anašnāxtārīh

ناشناس anašnās
apēnām

ناشناسنده anašnās

ناشناسی anašnāsīh

ناشنوا anašnavāk
aniγōxš
asrōšt
kar
karr
karak

ناشنوایی asrōštīh

ناشنیدگی asrāyišnīh

ناشیگری apēsūtkārīh

ناصحیح tanbān

ناطق viyaxman

ناعادلانه adātīhā

ناعامل (غیر عامل) akartār

ناف nāf
nāfak

ناف آب (سرچشمه) āpān nāf

نافراز anafrāč
anafrāz

نافرجام afarǰām
afraǰām
afražām

نافرجامی afraǰāmīh
afražāmīh

نافرسودگی abē-sūtakīh
afrasāvandīh

نافرسودنی afrasāvand

نافرسوده asūtak
afrasāvand

نافرمان aburt-framān
aniγōšītār
aniyōxšītār
aniγōxš
aniyōxš
duš framān
aburt framān
apāč sar
framān spōz
handarz anigōxš
spōzkār
asrōšt (نافرمان درامور دینی)

نافرمانانه aniyōšakīhā

نافرمانبرداری aburt-framānīh

نافرمانی duš framānīh
aburt framānīh
aniyōxšītārīh
apāč sarīh
asrōštīh
asrāyišnīh

	spōz
	spōzišn
	spōžišn
نافرمانی کردن	framān spōxtan
	framān bē spōxtan
نافرهختی (تربیت نشدگی)	afrahaxtīh
نافریاد رس	afrahāt
نافریفتاری	afrēftārīh
نافه	nāfak
ناقص	abavandak
	apēbūt
ناکار	akār
ناکارشدن	akārīhastan
ناکارکردن (ناموثر کردن)	akārītan
	ačārēnītan
ناکاره	akārak
ناکاری (عاطل بودگی)	akārīh
ناکاریدن(عاطل کردن،عاطل بودن)	akārēnītan
	akārītan
ناکاشته	avarzīt
ناکام	akām
	akāmakōmand
	akāmōmand
ناکامل	anaspūrīk
	anuspurrīk
ناکامه	akāmak
ناکامی	akāmōmandīh
	akāmakīh
	akāmakōmandīh
ناکرانه‌مندی	akanārakōmandīh
ناکردار (عاطل)	akārēnītār
	akartār
ناکرداری	akartārīh
ناکرده	akart
ناکوشا	akōšītār
	avarzītār
ناکوشیدار	akōšītār
ناگرامی	anagarāmīk
ناگردشی (عدم گردش)	apēvartišnīh
ناگردیده	avartāk
ناگرسنگی	asōhišn
ناگرفتار	agriftār
ناگرو	agrav
ناگروشی (عدم اعتقاد)	avirravišnīh
ناگزیدار	avičītār
ناگزیدگی	avičārtārīh
ناگزیر	avičīrišnīk
ناگستاخ	avistāxv
ناگستاخی	avistāxvīh

ناگمان agumān

ناگمانی (عدم تردید) agumānīh

ناگواریده agukārit

ناگویا agōyāk

ناگویایی agōvākīh
agōyākīh

ناگهان ēv-bār
pat gēvāk
ham-damān
ham-zamān

نالان nālān
barmān
garzān
rāpak karīhā

نالایق akār
anātuk
apātixšāy

ناله nāl
mōyak
garzišn
rāpak karīh
barm
must

ناله کنان rāpak karīhā

ناله کننده garzītār

نالیدن burāmītan

نام nām
anāmak (بی‌نام)

نام آور nāmburtār
nāmāwart
nāmāwurt

ناماهر anafzār

نام ایزد اهریشونگ ahrišvang

نامبردار nāmburtār

نامبرداری frāč-nāmīh

نامتأخر apas

نامتحرك arawāk

نامتعادل apatmān
avērāy

نامتمایز avičīrišnīk

نامتناقض anahambasān
anhambatīk

نامتنبه anapaxšāvand

نامحتاج aniyāz

نامحدود akanārak
asāmān
asahmān

نامحکم anastuvān

نامخالف apatyārak
apityārak

نامختص	axvēšīk
نامخلوط	apēčak
نامخواست (نام خاص)	nāmxvāst
نامدار	nāmburtār frāč srūt
نامدار شدن	srūwēnītan
نامداری	nāmakīh nāmīkīh
نام داشتگی	nāmīh
نامرگ مند (بی‌مرگ)	amargōmand
نامرئی	apēvēnāft avēn avēnāftāk avēnišnīk avēnāk
نامرئی بودگی	avēnišnīh
نامزروع	anāpītān anāpātān
نامستعد	akār
نامشخص	anāmčištīk avičīrišnīk
نامشروعانه	adātastānīhā
نامطبوع	afravāft axvaš axvašīhā (بطور نامطبوع)
نامطبوع بودگی	axvašīh
نامعتدل	apatmān
نامعتقدانه	avirravišnīhā
نامعتمد	avistāxv
نامعروف	anāmčištīk
نامعلوم	varōmand
نامعلومی	varōmandīh
نامعین	anāmčištīk avičīrišnīk
نامغایر	anahambasān
نامفهوم	vāhar
نامقدم	apēš
ناممکن	atavānīk atavān nē šāyēn
نامناسب	asačāk apēčim apēčimīhā (بطور نامناسب)
نامنظم	apērāyēnītār tanbān
نام نهادن	nāmēnītan
ناموافق	apasačāk yut dātastān
نامؤثر	akārēnītār
نامؤثر کردن	akārītan

نامه nāmak
gatak
fravartak
parvastak

نامبر شاهی baydēspān

نامهٔ درپیچیده که رسولان آورند fravartak

نامی nāmīk
nāmīh

نامیدن nāmēnītan

نامیده شدن xvānīhastan

نان nān
kurāčak

نان بادامی lōzēnak
xvar i lōzēnak

نان تازه garmak

نانجیب anēr

نانزار anizār

نان شیرینی که باهلو سازند šaftēnak

نان فطیر drōn

نان کلوچه kulāčak

نانیکویی anēvakīh

نانیوش (نافرمان) aniyōxš
aniyōxš

نانیوشانه aniyōšakīhā

نانیوشیدار (نافرمان) aniyōšītār
aniyōšītār

نانیوشیداری aniyōšītārīh
aniyōšītārīh

نانیوشیدن aniyōxšītan

ناواضح apaitāk
apētāk

ناوتاك (قابل کشتی‌رانی) nāvtāk
nāyūtāk

ناور (یکی ازمراسم مذهبی است) nāvar

ناورزشی (بیکاری) avarzišnīh

ناورزیده avarzīt

ناهئیدیا (نام دیوی است) nāhaidyā

ناهست anahast
anast

ناهستی anahastīh
anastīh

ناهم‌آهنگ بودن ayōǰītan

نا هم‌آهنگی ayōǰišn
ayōǰišnīh

ناهمانند ahumānāk
dušmānāk

ناهمجنس yut sratak

ناهمرأی yut dātastān

ناهمرأیی	yut dātastānīh
ناهمکیش	yut dēn
	yut kēš
ناهمنژاد	yut gōhr
ناهمی (جدا بودگی)	anahamīh
ناهید	anāhīt
نای	nāi
	nād
نای (آلت موسیقی)	nāy
نایاری	anayyārīh
نایافت	avindišn
نایافتگی	anayāpakīh
	avindišnīh
نایافتن	anāyāftan
نایب‌السلطنه	kai bāg
	šahrap
	bētaxš
نای بن	nāy bun
نبات	giyāh
نبات (قند متبلور)	taparzat
نبرد	ham rānīh
	kārēčār
	kōšišn
	kōšišnīh
	kōšītārīh
	kōxšākīh
	kōxšišn
	kōxšišnīh
	kōxšītārīh
	napart
	nipart
	patist
نبردکردن	nipartītan
نبردکردن باهم	ham nipartītan
نبردکننده	kōšītār
	kōxšītār
نبرده	nipartak
نبردی	kōxšišnīk
نبردیدن	nipartītan
	patkārītan
نبیره	napīrak
نتیجه	anǰāmišn
	bar
	čim
	dātak
	fraǰām
	hačišīk
	kār
	patsār
نتیجه گرفتن	fraǰāmēnītan
	fražāmēnītan (به‌نتیجه رساندن)
نجابت	āzātakīh
	ērīh
	āzāt martīh
	āzātīh

نجات	bōžākīh
	buxtišn
نجات دادن	bōǰītan
	bōžēnītan
	buxtan
	buxtītan
	rastār kartan
نجات دهندگی	bōžākīh
نجات دهنده	buxtār
نجات روان	ruwān buxtārīh
نجات یافتن	bōǰītan
	bōžīhītan
	buxtan
نجات یافته	hūbuxt
	buxtak
	ǰastak
	rastār
	anēraxt
نجار	drōtgar
	durgar
نجاست	palītīh
	rīmanīh
	rīmanīkīh
	nasūš
	nasruštīh
	mutrišn
	guh
نجس	nasrušt
	patrēt
	rīman
نجس بودگی	rīmanīkīh
نجوم	axtarāmārīh
	axtarmārīh
نجیب	aparmānīk
	buržišnīk
	āznāwar
نجیب‌زادگان	āzātakān
	vazurgakān
	āzāt martān
	vāspuhrakān
نجیب زادگی	vēh zāyišnīh
	vāspuhrakānīh
نجیب زاده	ēr
	hūpēt
	hūzahāk
	hūzāt
	vāspuhrak
	vispuhr
	vāspuhr (نجیب‌زاده ازخاندان‌شاهی)
نجیب زاده‌ای	vāspuhrakānīk
نجیب‌زادهٔ پارسی	pārs āzāt
نجیب‌زاده سکایی	sak āzāt
نخ	rāk
	rēštak

šnor
zīk

نخجیر naxčīr

نخست naxust
naxvist
fratōm
pēšōpāy

نخست بودگی frahistīh
fratōmīh

نخست وزیر mahist
bītaxš
vazurg framatār

نخستین naxustēn
naxvistēn
nazdist
fratōm
frāčtōm
frahist
buništak
pahrōm

نخستین آدم misēh

نخستین آفریده ēvak-dāt

نخستین‌آموزگاران‌دینی fratōm dānišnān
poryōtkēšān

نخستین دانندگان fratōm dānišnān

نخل kūyak
mōg

نخو اورمزد (نام خاص) naxv-ōhrmazd

نخوت apar mēnišnīh
tarmēnišnīh
tarmānīh
vāt

نخود naxvat
naxot

نخورداری (نخوری) axvartārīh

نخوشیدگی (خشک نشدگی) ahōšišn

نداری nēst čišīh

نذر patist

نذرکردن patistātan

نر gōšn
gōšnak
gušn
nar

نر بودگی gōšnīh

نرد (تخته‌نرد) nēv-artaxšēr

نردبان pīlakān

نرسه (نام خاص) narsah
narsē

نرگس nargis

نرم narm
namr

taranak
sust
čarp

نرماه (نام خاص) narmāh

نرم کردن narm kartan
sūtan
sūdan

نرمی sustīh

نری gušnīh
narīh
narīk

نر یا ماده‌طلبیدن حیوان vartakīh

نریمان (نام خاص) narīmān

نریوسنگ (ایزد) nairyōsang
nēryōsang
nērōsang

نزار nazār
nizār

نزار شدن nizārīhastan

نزار کردن nazārtan
nizārtan
nizārēnītan

نزار نشدنی anizār

نزاری nizārīh
nizōrīh

نزاع ǰang
kārēčār
kāričār
patkār
patkārīt
nipart
kōxšišn
kōxšišnīh
hamēstārīh
ham patkārišnīh
ayōǰišn
ayōzišn
ayōǰišnīh

نزاع کردن patkārtan
patkaftan
ēraxtan
ayōǰītan

نزاع کرده patkaftak

نزاع کننده patkārtār
patkārdār

نزاعی kōxšišnīk

نزد nazd
pēš

نزدیک nazdīk
nazd hač

نزدیکان (خویشان و یاران) kasān

نزدیکانه xvēšīhā

نزدیک بودگی xvatīh

نزدیک بین	kūtak bīn
نزدیک پیوند	nazdīk patvand
نزدیک‌تر	xvēštar
نزدیک‌ترین	nazdist
نزدیک شونده (آینده)	matār
نزدیک صبح	nazd bām
نزدیک مانی	nazdīk mānīh
نزدیکی	nazdīkīh xvēšīh
نزولی	ōsānišnīk
نژاد	čihr čihrak čitr gōhr nāf tōhm tōm tuxm tuxmak vēǰ
نژاده	hūčihr hūtōhmik pat gōhrīk girān tuxmak anāk tuxmak (بدنژاد)
نسا (جسم مرده)	nasā
نسا پز (پزندهٔ لاشه)	nasā pāk
نسا پزی	nasāy pačišnīh
نسا خواری	nasāy xvārišnīh
نسا شویی	nasāy šōyišnīh
نساکش (مرده‌کش)	nasā kiš
نسامند (نجس‌شده دراثرتماس بامرده)	nasāōmand
نسا هل (مرده رها کن)	nasāy hil
نسب	gōhr tōhmak patvand
نسبت	handāč sāmānīha (به نسبت)
نسبت‌دادن چیزی به‌کسی	hārēftan
نسب‌نامه	tuxmak sraw
نسترن	nastarvan
نسج	rāk rēštak
نسخه	pačēn
نسخه بدل	pačēn
نسخه دوم	pačēn ham pačēn
نسل	dūtak hanbātak napat ōbātak

zahak
zahāk
zāyak

نشاسته nišāstak

نشان nišān
daxšak
čihr
čihrak
mārīk
drōšom

نشان دادگی dēsakīh

نشان دادن nimūtan
frāč nimūtan
paitākēnītan
pētākēnītan
vīnēnītan
daxšakēnītan
nikēžītan

نشان دار čihrōmand
daxšakōmand

نشان داری daxšakōmandīh
daxšakīh

نشاندن nišānēnītan
nišāntan
nišāstan
nišītan

نشانده nišānītak

نشان دهندگی nimūtārīh
nimāyišn

نشان دهنده nimūtār

نشان زندگی zīvand daxšak

نشان کردن drōšītan

نشان مرزی sāmān

نشانه drōš
drōšom

نشانیده nišānītak

نشدنی nē šāyēn

نشست nišast

نشست گاه nišast gās

نشستن nišastan
apar nišastan (برنشستن)

نشسته nišastak

نشکسته ašikand

نشیب nišēp
anišēp (بی‌نشیب)

نشیبی nišēpīk

نشیم (نشیمن) nišīm

نشیمن nišīm

نصف nēm

نصفه nēmak

نصیبین (شهر) nasībīn

نصیحت	handarz
	pand
نصیحت کردن	āvēnītan
	handarzēnītan
نطفگی	šusrīh
نطفه	šusr
	tōhmak
	tōm
نطفه‌ای	šusrīh
نطق	gōwišnīk
نظارت	vinārišn
نظام (سامان)	nihišn
نظامی	artēštār
نظر	nikās
	dōisr
	čašm
	sahišn
نظر بد	duš čašmīh
نظر خوب	drust čašmīh
	kāmak dōisr
	hūčašmīhā (بانظر خوب)
نظر رشک‌آمیز	čašm ariškīh
نظم	ārāyišn
	ēv-sānīh
	patmān
	rāδēnākīh
	rāδēnišnīh
	rāδēnītārīh
	rāyēnišn
	rāyišn
	rāyēnītārīh
	rāžēnišn
	nihātak
	sahmān
	srōšikīh
	vinārtārīh
	vinārišn
	vināríšnīh
	vīrāstakīh
	vīrāstārīh
	vīrāyišn
	apar vinārišn
	dāt
	dātastān
	sāčišn
	rastak
نظم دادن	rāδēnītan
	rāyēnītan
	rāyēnīhītan
	rāyēnīt kartan
نظم دهنده	rāyēnāk
	rāyēnītār
	rāδēnītār
نظیر	mān
	mānāk
	tāk

نعش	nasā
	nasūš
	ɼist
نعش کش	ɼist kēš
نعل	sumb
نعلین	nālin
نعمت	frēh dahišnīh
نعنا	nānuk sparham
نعنا سپرغم	nānuk sparham
نعوذ بالله	pargast
نغز	naxšak
نفاق	anāštīh
	ayōǰišn
نفت	naft
نفرت	kēn
نفرت‌آور	aɣrand
نفرت انگیز	guǰastak
نفرین	nifrīn
	nafrīn
	nafrītak
	duš saxvanīh
	garzišn
نفرین شده	nifrītak
نفرین کاری	nifrīn kārīh
نفرین کردن	vizūtan
	gazūtan
نفرین کننده	nifrīn kar
	duš saxvan
نفرین گر	nifrīn kar
نَفَس (دم)	dam
	dafišn
	vāi
	vaxš
	vēn
نفس بریدگی	damišn
نفس پرست	varanīk
نفس پرستی	varan
	varanīkīh
نفس تنگی	tūsak
نفس زدن	damišn
نفس نفس‌زدن	xvistan
نفع	sūt
	sōk
نفوذالمشیه	kām rawākīh
نفی	nikērāyīh
نقاشی	nikār
نقب زن (حیوان نقب‌زن)	sūrākīk
نقر کردن	nipištan
نقره	āsīm
	asēm

	sīm sēm
نقره‌ای	sīmēn sēmēn āsīmēn āsēmēn
نقره فام	āsīmēn
نقش	nikār (نگار) nikārak
نقص	abavandakīh frōt mānd mōšīh apēbūtīh kamīk
نقصان	kamīh narfsišn nirfsišn afrayūt (بی‌نقصان)
نقصان نپذیرفتنی	afrayūt hačišihā
نقض	ul varzišnīh
نقطه اوج ستاره	bālist
نقطه مرکزی	miyānak
نکوهش	nikōhišn
نکوهشی	nikōhišnīk
نکوهیدن	nikōhītan nikōhīdan nikōēnītan
نکوهیده	nikōhēnak nikōhītak
نگار	nikār
نگاره	nikārak
نگاه	nikās nikīrišn
نگاهبان خانه	mān-pān
نگاهبان گردن (سلاح)	garīv-pān
نگاهدار	nikāsdār nikāstār nikās dāštār vinārtār
نگهدارنده	dārāk dāštār gīrāk
نگاهداری	yatārīh
نگاهداری بد	duš nikīrīh
نگاهداری شده	vinārtak
نگاه داشتگی	nikās dārišnīh
نگاه داشتن	nikās dāštan
نگاه داشتنی	dārišnīk
نگاهداشته	dāštak
نگه کردن	nikīristan nišītan kasītan (اهریمنی)

نگاه کننده	nikīrītār
نگاه مهرآمیز	kāmak dōisr
نگذشتگی	afrāč sačišnīh
نگر	nikīr
نگرا	nikīrāy nikīrītār nikīr
نگران شدن	āšōftan
نگرانی	ayārtišn
نگرای کل(صفت خداست)	harvisp nikīrītār
نگرش	nikīrišn
نگرش به گیتی (گیتی نگری ، توجه باسورسادی)	gētīh nikīrišnīh
نگرشی	nikīrišnīk
نگرفتگی	agīrišnīh
نگریدار همه (صفت خداست)	harvisp nikīrītār
نگریدن	nikīrītan
نگریده مرد پرهیز کار	dahmān nikīrīt
نگریستن	nikīristan nikērītan
نگون	nikun
نگونسار	nikunsār niɣansār nigōsār nigēn sār
نگون کردن	nikūnītan
نگونی	nikūnīh
نگهبان	bān pahr pātār pātyār pānak pānak kartār pāspān pās pāspānēnītār grōkāndār stūr sardār pušt
نگهبان انگشت در تیراندازی	angust pān
نگهبان تن	tan pānak
نگهبان خانه (سگ نگهبان)	viš hōrv
نگهبان کوه	kōfdār
نگهبان گله	pasuš harv
نگهبان مرز	pahr
نگهبان ناحیه	kustīg pān
نگهبانی	pānākīh panākīh

pās
sardārīh
pānak kartārīh

نگهبانی کردن — pānakīh kartan
pāspānēnītan
pāšpātan
pās dāštan
sardārēnītan
pātan
pāyītan

نگهدارنده — pāspānēnītār
bān

نگهداری — dārišn
dārišnīh
nikās-dārīh
nikās-dārišn
nikās-dāštārīh
parvartārīh
pāspānīh
vinārišn
vinārišnīh
vinārtārīh

نگهداری کردن — pahrēxtan

نگهداری نام — nāmgānīh

نگهداشتگی زبان — pāt uzvānīh

نم — nam
namb
parvār

نماز — namāč
niyāyišn

نماز بردن — namāč burtan
anāmītan

نمایان — frāč pētāk
ǰastak
ǰastīhā (بطور نمایان)

نمای پشتی خوب — huparrōn

نمای خوب دارنده — huōrōn

نمایش — nimāyišn
nimūtārīh

نمایشانه — nimāyišnīhā

نمایش دادن — nimūtan

نمایش دهنده — nimūtār

نمد — namat

نم‌دار — tar

نم‌دارانه — tarīhā

نم‌دارشدن — xvistan

نمرده — apē-vitart

نمک — namak

نمکزار — sōrak

نمناک — tarr
tarīhā
xvēt

نمناک شدن — nambītan

نمناکی xvētīh
tarīgīh

نمو bālišn
vālišn
ōruswar
vaxš
vaxšākīh
vaxšārišn
vaxšēnišn
vaxšīh
vaxšišn
vaxšišnīh
gavākīh

نمو دادن bālēnītan
pazāmēnītan
pazzāmēnītan

نمودار nimūtār

نمودار کردن frāč nimūtan

نموداری nimūtārīh

نمودن nimūtan

نمو دهندگی vālišn dahišnīh
vaxšēnītārīh

نمو دهنده vālišn dātār
vaxštōmand

نمو کردگی vaxšēnišnīh

نمو کردن rōδītan
rōyīhītan
rustan
vālītan
vaxšēnītan
vaxšītan
anbūsītan
vihēč-

نمو کردنی vaxšēnītanīh
ārōyišnīk

نمو کننده āzāyišnīk
vaxšāk
vaxšak
vaxšēnītār

ننگ nang

ننگ پرستی nang parastišnīh

ننگ کاری nang-garīh

ننگ گری nang-garīh

نو nōk

نوا nivāk

نو آفرینندگی nōk dātārīh

نواحی kustakīhā

نواختگی nivāxtakīh

نواختن nivāzītan

نواختن آلت موسیقی vāzišn
vāzītan
srūtan
pazdītan

نواختن سرنا	mār vāčīk
نواختن‌شیشک (رباب چهار تار)	šīšak vāčīk
نواخته	nivāxtak
نواده	napat napātak ōbātak zayāk
نواده شاه	xvatāy nāf
نوازش	nivāzišn nivāxtakīh
نوازك (شهر)	navāzak
نوازنده	srāy
نوازنده نی	nāi srāy
نوازنده وین	vin srāy
نوازیدن	vivāzītan
نوای خوش	huniyāk
نوبتی	ǰāvar-ē
نو بنو	nōk nōk
نوبه	bār
نوجوان	aparnāy kōtak
نوجوانان	apurnāy zātakān
نوجوانی	rahīkīh rasīkīh
نود	nahvat navat
نوذر	nōtar
نوذران (نام خاندانی)	nōtarān
نور آفتاب	xvaršēt
نور ازلی	asar rōšnīh
نور الانوار	harvisp rōšnīh
نورانی	tāpīk rōšn rōšnīhā
نور خدایی	varčak
نور خورشید	hvaršēt hvarxšēt xvaršēt
نور کل	harvisp rōšnīh
نوروز	nōk rōč
نوزاد	nōt zāt nōk zātak
نوزود (رسم مذهبی)	nōk zōt
نوزده	navazdah nōzdah
نوزدهم	navazdahom nōzdahom
نوسازی	nisārišnīkīh
نوسان	škarvītakīh

نوسان کننده škarvan

نوشاندن xvārēnītan

نوشتار (نویسنده) nipistār

نوشتن nipištan
nipistan

نوشته nipīk
nipist
nipistak
nipišt
nipištak
dīp
nask

نوشته خوب xūp nipīk

نوشته دینکرت (کتاب دینکرت)
dēnkart nipīk

نوشته شدن nipēsīhītan

نوشته شده nipištak
nipistak

نوش خسرو (نام خاص) anōš husraw

نوشدارو anōš

نوشزاد (نام خاص) anōšak-zāt

نوشنده xvartār

نوع gōn
gōnak
sardak
saredak
sartak
sratak
sartakīhā (بانواع)
šōn
zan
zanak
advēnak
hamākmand (دارای انواع گوناگون)
pur sartak

نوع انسان martōm

نوع دیگر yut sratak

نوك čakāt
čagāt
sar
tēh

نوك تیز dūzēnak
gažāk
stīk
tīr

نوکر kārān
kartespās

نوك کوه tērak

نوك گاو (نام خاص) nēvak gāv

نوك ناور (تشریفات مذهبی) nōk nāwar

نو نو nōk nōk

نو نوار (درفارسی عامیانه) nōk nāwar

نوه	nāf nap napat
نوه آزار	nāf bēš
نوه پسری	puhr i puhr
نوی	nōkīh
نوید	nivēd
نوید بر	nivētvar
نوید دادن	nivēdītan
نوید دهنده	nivēdēnītār
نویسا	nipēsā
نویسنده	dapīr dipīr nipistār nipēsā
نویسندگی	dapīrīh dipīrīh nipīkīh
نَه	nē mā
نُه (عدد)	nah nav noh
نهاد (سرشت)	nihāt nihātak xōk
نهاد متمایز داشتگی	yut nihātakīh
نهادن	nihātan hištan
نهاده	nihāt nihātak
نهال	nihāl
نهان	nihān nihumb nikān
نهان‌خیمی (نهان کردگی سرشت)	nihān xēmīh
نهان روش	nihān rawišn
نهان‌روشی (رفتارپنهانی)	nihān rawišnīh
نهان کردگی	nihānīh
نهان کردن	huftan nihumbītan nihān kartan nikānēnītan nikānītan nikān kartan
نهان مانی	nihān mānīh
نهانی	nihānīk nihānīhā (بطور نهانی)
نهانیدن	nikānītan
نهاوند (ناحیه)	nihāvand
نهایت	frajām

نه بار	noh rīn
نهر	kānakīh yōy ǰōy
نهر آب	ǰōb nāyčak
نهر تیرك (شهر)	nahr tīrak
نهش (وضع ، ابداع)	nihišn
نهصد	noh sat
نهفتاری	nihuftārīh
نهفتگی	nihuftakīh nihuftārīh nihumbišn
نهفتن	nihuftan huftan nihambītan
نهفته	nihuftak
نهم	nahom nohom
نهیب	nihīp
نی (آلت موسیقی)	nai naδ nay nāy
نیا (جد)	niyāk
نیا (جده)	niyāki
نیاز	niyāz niyāzak apāyastīh apāyišn
نیازاندن	niyāzānēnītan
نیازدار	niyāzīk
نیاز داشتگی	niyāzakīh
نیازش	niyāzišn
نیازم (نام خاص)	nayāzem
نیاز مشترك	ham apāyastīh
نیازمند	niyāzōmand niyāzāngar niyāzān mustōmand abavandak astānakōmand
نیازمند بودن	niyāzītan
نیازمند کردن	niyāzānēnītan
نیازمندی	niyāzōmandīh niyāzakīh niyāzīh
نیازی	niyāzīk
نیازیدن	niyāzītan
نیالوده	anālūt
نیاکان	niyākān

نیام niyām

نیامدگی anāyišn
anāyišnīh

نیامرزیداری anāmurzītārīh

نیامرزیدگی anāmurzišn

نیامرزیده anāmurzīt

نیایش azbāyišn
niɣāyišn
niyāyišn
stāyītārīh
yasn
yast
yašt
yazišn
hōmast (نوعی نیایش)

نیایش سروش srōš niyāyišn

نیایش طولانی dēr yazišnīh

نیایش کردن niyāyišnēnītan
nyāēnītan
nyāītan
yazītan
yaštan

نیایش گر niyāyišn gōftār

نیایش گو niyāyišn gōftār

نیایش مند niyāyišnōmand

نیایشمندی niyāyišnōmandīh

نیایشی niyāyišnīh

نیت mēnišn
čim

نیت بد anākīh kāmakīh

نیت خوب bavandak mēnišnīh
huskārišn

نیت خوب داشتن hūsikālītan

نیچه nāyčak

نیرنگ (دعا) nīrang
nērang

نیرنگ ور (دعای پیش‌ازسوگند خوردن)
nīrang var

نیرو nērōk
zōr
tuwān
tuwānīh
tavīh
ōz
ōǰ
ōž
ōžīh
afzār
awzār
patakīh
patūkīh
pātiyāvandīh
tuxšn

vazdvarīh
varz
āhanǰak

نیروبخشی nērōk dātārīh

نیرو بخشیدن tuwānēnītan

نیرو دهندگی nērōk dātārīh

نیرومند nērōkōmand
frāy nērōk
amāvand
arvand
attōk
atūk
apar ōž
gatvar
ham martāčōk
mazan
nēv
nēvkār
afzārōmand
ōǰak
ōǰōmand
ōžōmand
pātiyāvand
pattōk
patūk
pat nērōk
stawr
tuxšēnītār
tuxšn
tagīk
takīkōmand
tahm
tahmak
xružd
xrušd
zand
zōrōmand

نیرومندانه amāvandīhā
tuxšākīhā
tagīhā
pātiyāvandīhā

نیرومندی nērōkmandīh
ōžōmandīh
ōǰōmandīh
amāvandīh
garōmandīh
čērīh
afzārīh
ham martāčōkīh
tagīh

نیروی برتر mēh ōžīh

نیروی بسیاردارنده frāy nērōk

نیروی پراکنده viškīt nērōk

نیروی پشتیبانی pahrēčkārīh

نیروی تشخیص وداوری dātastānōmandīh

نیروی تن	tan vazdvarīh
نیروی توانا	tuwān afzārīh
نیروی جادویی	nērōk
نیروی جسمانی	karp tuxšn
نیروی خرد	xrat afzār
نیروی زیاد	tuwān afzārīh
نیروی سخن گویی	guftārīh
نیروی عقل	xrat afzār
نیروی فوق طبیعی	nīrang
نیروی ِ کشنده	zōr i āhanǰak
نیروی مردانه	martān ōǰ
نیروی مؤثر	tuwān afzārīh
نیروی نظامی	zāvar
نیروی هاضمه	zōr i guhārāk
نیرویی	nērōkīh nērōkīk
نیز	-č -ič ham nēz nīz
نیزشت (نام دیوی است)	nizēšt
نی زن	nāy pazd nāy srāy
نیزه	nēzak nēčak nēžak aršt fraš sel
نیزه پرانی	nēzakvārīh
نیزه خونین (دارند ~)	xur druš
نیزه وری	nēzakvārīh
نیسا (شهر)	nisāi
نیستان	nehistān nadistān
نیست کاری (انهدام)	anahast-kārīh
نیست کننده	anahast-gar
نیست گر	anahast-gar
نیست مو (بی مو)	nēst mōy
نیستی	nēstīh anahastīh nēst čīšīh
نی سرا (نی نواز)	nāi srāy
نیش	mīvūk nīš
نیشابور (شهر)	nišāpuhr nišāpūr nixšāpūr nēv-šāhpuhr

نیشابوری nišāpūrīk

نیش حشره dūzēnak

نیش زدگی gazišn

نیش زدن gazītan

نیش زننده gažāk
šapāk

نی شکر nai šakar

نیک nēv
nēvak
nīk

نیک اندیش hūmat mēnītār
hūmēnītār

نیک اندیشی hūmat mēnišnīh

نیک‌بخت کردن patēxvēnītan

نیکخواه hūčašm
nēvakīh kāmak

نیکخواهانه hūčašmīhā
hūvarzīhā

نیکخواهی hūčašmīh

نیک خیم yazdān xēm

نیک داشت nēvak dāštārīh

نیک دوستی vēh dōstīh

نیک روزی hūbāmīh

نیک سرشت hūnihātīk

نیک سرشتی nēvak gōhrīh

نیک کنشی nēvak kunišnīh

نیک گفتار huxt gōftār
hūgōwišn

نیک گفتاری huxt gōwišnīh

نیک گوهری nēvak gōhrīh

نیک منش hūmēnišn

نیک‌منش کامه (دارای امیال خیرخواهانه)
hūmēnišnīh kāmak

نیکنام anōš husraw
husraw
hūnāmīk
hū-āp

نیکنامی husrawīh

نیک نژاد hūčihr

نیکو nēv
nēvak
nēvakēn
nēvakōk
vēhīk

نیکوترین nēvaktom

نی کوچک nāyčak

نیکوداشتی nēvak dāštārīh

نیکو روشی nēvak rawišnīh

نیکو فرجامی nēvak frajāmīh

نیکوکار	frārōn hūdāk hūgar hūvaršt varzītār hūvarz kirpakar kirpakgar kirpak dōst xvābar xvāpar
نیکوکارانه	hūvarzīhā
نیکوکارکامه	hūvaršt kāmak
نیکوکاری	frārōnīh kirpak-garīh kirpak-karīh kirpak varzītārīh xvābarīh xvāpargarīh vēh kartārīh
نیکوکامه (نیک‌خواه)	nēvakīh kāmak
نیکوکرداری	vēh kartārīh nēvak kunišnīh
نیکوکنش	nēvak kunišnīk
نیکومنشی	kirpak mēnišnīh
نیکویانه	nēvakōkīhā
نیکویی	nēvakīh nēvakōkīh
نیکویی بسیار	pur nēvakīh
نیکویی تام	harvisp nēvakīh
نیکویی ورزیدن	hūvaršt varzišnīh
نیکی	vēhīh xūpīh yān
نیکی بخشی	nēvak baxtārīh
نیکی کامل	harvisp nēvakīh
نیل (رنگ)	nīl
نیلوفر	nīlōpar
نیم	nēm
نیماسپ (برج قوس)	nēmāsp nēmasp
نیم بهره	nēm večak
نیم پر	nēm-pur
نیم دینار	nēm dīnār
نیمروز	nēm-rōč rapīh rapiswin rapitwin
نیمروزگاه	nēm-rōč gās
نیم روشن	nēm rōšn
نیم قسمت	nēm večak
نیمه	nēmak nēm

نیمه انسان — nēm martōm

نیمهٔ اول روز — frāyar

نیمه تاریک — nēm tārīk
nēm tansrak

نیمهٔ تن — nēm tan

نیمه دیو — nēm dēv

نیمه شب — nēm šap

نیمه شب گاه — nēm šap gās

نیمهٔ شمالی — apāxtar nēmak

نی نواز — nāi srāy
nāi pazd

نیو (دلیر) — nēv
nīv

نیو (رودی درمصر) — niv

نیو اردشیر (تخته نرد) — nēv-artaxšēr

نیواسپ (نام خاص) — nēv asp

نیوشا (فرمانبردار، شنوا) — niγōšāk
niγōxšāk
niyōxšāk

نیوشش (شنوایی، فرمانبری) — nigōšišn
niyōšišn
niyōxšišn

نیوشش مند — niyōxšišnōmand

نیوششی — nigōšišnīh
niyōxšišnīh

نیوشنده — niyōšītār

نیوشیدار — niγōkšītār
niγōxšītār
niyōxšītār

نیوشیداری — niγōkšītārīh
niyōxšītārīh

نیوشیدن — niγōkšītan
niγōšītan
niγōxšītan
niyōšītan
niyōxšītan

نیوی (دلیری) — nēvīh

و

و (واو عطف) — ut
u
-č
-ič

وئوروبرشت (نام کشوری ازهفت کشور)
vohukrubaršt
vōrubaršt

وئوروجرشت (کشوری ازهفت کشور)
vohukruǰaršt
vōruǰaršt

وئوروکش (دریا) — varkaš

وابستگان ما — amākān

وابسته بزمان — zamānōmand

واتگیس (بادغیس ، نام کوه) — vātgīs

واج (دعائی که در سر خوان غذا خوانند) — vāǰ

واجب — frēčpānīk
patēmār

واج گرفتن — vāč dāštan
vāč griftan
vāč kartan

واج گفتن — vāč guftan

واج گیری — vāč gīrišnīh

واچیدن (جمع کردن ، بردن) — vāčītan
vāčīnītan

واحد — tāk
ētōm
ēvaktāk
hamēn

واحد حجم (قفیز) — kafīz

واحد طول — nay

واحد طول (باندازهٔ شش پا) — yut nāy

وادار بحرکت کردن rānēnītan
rānakēnītan

وادار برفتن کردن rawēnītan

وادار بستایش کردن stāyēnītan

وادار کردن hangēnītan

وادار کننده rānēnītār

واداری hāčišn

واداشتن naxvārītan

وادشت (نام خاص) vādašt

وارد آوردن nimūtan

وارد شدن rasītan

وارونگی nikūnīh

وارونه nikun
nikunsār
sarkun

وارونه کردن nikūnītan

وازنش spōžišn

واژگون apāč kun

واژه vač
vāčak

واژیدن (سخن گفتن) vāčītan

واس (بزرگترین مخلوق آبی و نگهبان موجودات آبی)
vās

واستریوش (کشاورز) vāstryōš

واسطه vihān
bihān
yātak-gōw
miyānǰak
mayānčīk
miyānčīk

واسطه بد duš-miyān

واسطه بودگی mayānčīkīh

واسه (برایِ درگویش عامیانهٔ تهرانی) vasnād

واضح paytāk
rōšnāk
rōšnak
vēnāk
čimīh
gōvičār
ǰastak
tāštīk

واگذاردن parēxtan
parrēxtan

واِلا bē

والا burzēn
burzōk
burzāk
buržišnīk
buržišnōmand

والد (برای موجودات اهریمنی) čardār

والدین zāyēnītārān
zātēnītār

وام	awām
	apām
	ōwām
وامانده	afkār
	xvastak
وام پرداختن	apāmēnītan
	awāmēnītan
وام داشتن	apāmēnītan
	awāmēnītan
وامن (نام خاص)	vāman
وامی	ōwāmīh
وانیت خوره (نام خاص)	vānēt xvarrah
واو عاطفه	ut
	ud
وای (ایزد هوا)	vāi
	vāy
وای (فریادی که ازرنج ودرد برآورده‌میشود)	vāi
وای درنگ خدای	vāy i dirang xvatāy
وای ووخت (نام خاص)	vāy vuxt
وتد	mēx
وتدالارض	mēx i azēr zamīg
وتد طالع	mēx i ǰānān
وتد وسط السماء	mēx i mayān asmān
وتک (نام خاص زن)	vatak
وثیقه	grōkān
وجب	vitast
	vitist
	vatist
	vidast
وجبی	vitistīk
	vatistīk
وجدان	bōd
	bōy
	varōm
	dēn
	axv
وجداناً	mēnišnīhā
وجدان دلخواه	kāmak axv
وجدان دینی	dēn
وجر (حکم)	vičar
وجوب	frēčvānīh
وجود	astakīh
	astišn
	stī
	stīh
	axv
	bavīh
	bavišn
	būtakīh
	vindišn
	xvatīh
	anast (لاوجود)

anastīh (لاوجودیت)
anastakīh (عدم وجود)

وجود آمدن anbūsītan

وجود دارنده hastōmand

وجود داشتگی bavišnīh

وجود داشتن astītan

وجود داشته būtak

وجودی axvīk

وجود یافتن در شکم مادر hanbavīhītan

وجه advēnak

وجین vičēn
vičin

وجین نشده avičin

وحدت ēvakīh

وحدت ذات ēv gōhrīh

وحدت سرشت ēv čihrīh

وحدت طبع ēv čihrīh

وحدت گوهر ēv gōhrīh

وحشت nihīp

وحشی aramak

وحی mānsr

وحی‌آور mānsrbar

وخشور (پیامبر) vaxšvar

وخشوری (پیامبری) vaxš-burtārīh
vaxšvarīh

ودگن (نام خاص زن) vadagan

ودیعه nihātak
ōstān

ودیعه گذاشتن nihātan

وَر (آزمایش ایزدی) var

ور برسم (سوگندی که با دردست گرفتن برسم انجام میشود) barsamak var

وراجی کردن žūtan

ورج varč

ورجاوند varčāvand
varǰāvand

ورجاوندانه varčāvandīhā

ورج دار varčēn

ورجمکرد var i yamkart
var i ǰamkart
ǰamkart var

ورجمند (شکوهمند) varǰōmand

ورجمندی varčōmandīh

وِرد afsōn
mārīk
nīrang
nērang
niγāyišn

ورد خواندن vāč griftan

ورد خوانی	vāč gīrišnīh
وردست	dastwar
ورز (کار، عمل، کشت)	varz
ورزش	varzišn
ورزشی	varzišnīh varzišnīk
ورزکردار (برزگر)	varz kartār
ورز و کشت	varz ut kišn
ورزکننده	varz kartār
ورزگاو	gāv i varzāk
ورزی	varzīh
ورزیداری	varzītārīh
ورزیدن	varzītan
ورسردار (کسی که تشریفات سوگند را فراهم می کند)	var sardār
ورطه	vīm zufāy zufāyak
ورکش (نام دریا)	varkaš
ورگرم (نوعی سوگند)	garmōvar
ورن (ناحیهٔ گیلان)	varen
ورو برشت (کشور پنجم ازهفت کشور)	vōrubaršt vōrubaršn vohukrubaršt
وروجرشت (کشور ششم ازهفت کشور)	vōruǰaršt vōruǰaršn vohukruǰaršt
وروچهر (نام خاص)	vōručihr
ورود	rasītan
وروکش (نام دریا)	vōrukaš varkaš
وزارتخانه	dīwān
وزارت دارایی؟	dīwān i kartak
وزش	vāyišn vazišn
وزش باد	vāt damak vāyišn
وزغ	vak vazaγ vazag
وزغ شکل	vazag dēs
وزن شعر	pay
وزن کردگی	tarāzēnītārīh
وزن کردن	sanǰītan saxtan tarāzēnītan
وزنه	sang
وزیدن	vāzītan pazdītan yōd- daftan
وزیدن باد	vāyītan

وزیر	dastwar
وزیر اعظم	bītaxš
وزیر دربار شاهی	darīk pat
وزیر فرهنگ وآموزش	dar handarzpat
وساطت	miyānǰīkīh
وسط	mayān
	miyān
	miyānak
	miyānčīk
وسعت	zahyīh
	čandīh
وسواس درنظافت	tan čīnakīh
وسوسه	gumān-kārīh
وسیع	frāxv
	yut kust
	dūr karānak
	anaγrān
وسیله	čār
	čārak
	afzār
	awzār
وسیله بکار بردن	čārak kartan
وسیله‌دار	awzārōmand
وسیله داری	čārōmandīh
وسیله سازی	čārak kartārīh
وصل در زناشویی	gumēčak
وصل کردن بهم	apiyuxtan
	apyōxtan
وصی	patēmār
وصیت	andarz
	handarz
وصیت کردن	andarzēnītan
وضع	astišnīh
	bavanīh
	kūīh
وضع (برقرار کردن)	nihišn
وضع حمل	zāyišnīh
وضع شده	nihātak
وضع کردن	nihātan
وضع محقر	kūtak pāyakīh
وضع مدعی علیه	pasēmārīh
وضع موجود	astišn
وضوح	āškārakīh
	āškārīhā
	paitākīh
	vēnākīh
	rōšn vēnākīh
	vēnāfdākīhā (به‌وضوح)
وظایف	kunišnān

وظیفه xvēškār
kār
kunišn
harg
frēč
frēčpānīh (کار بیش‌ازحد وظیفه)
daxšak
nikērāy (منکرشوندهٔ وظیفه)

وظیفه‌ای frēčpānīk

وظیفه‌دار griftārōmand

وظیفه دینی frēčpānīk

وظیفه شخصی xvēškār
xvēškārak

وظیفه شناسانه xvēškārīhā

وظیفه شناسی xvēškārīh

وظیفه ناشناس axvēškār

وظیفه نشناسانه axvēškārīhā

وظیفه نشناسی axvēškārīh

وعده nivēdēnišn
pašt
patist
patistāk
paštak

وعده کردن nivēdēnītan
nikēžītan
patistātan

وفادار ōstowār
mēnišnīk

وفاداری ōstowārīh
vāvarīkānīh

وفا کردن tūxtan

وفاکنندهٔ بعهد tūxtār

وفای بعهد mitr
tūzišn

وفگان (شهر) vēfagān

وفور frahistīh

وقت awām
āwām
ōwām
rōčkār
hangām
damānak
zamān
žamān
žamānak
zamun
yāvar
jāvar

وقت شناس awām vičītār
hangām būtīk

وقت مقرر zamānīk

وقت نداشتنگی aparrēčišnīh

وقتیکه	kā
وقف	nihātak
وکالت	yātakgōwīh
وکترگا (نام خاص)	vōktargā
وکیل	dātgōw yātakgōw dātwar patēmār
وکیل دعاوی	yātakgōw yātangōk
وکیل مدافع	yātakgōw
وگرنه	bē ēnyā
ولایت (شهرستان)	nasang
ولخش (نام خاص)	valaxš
ولی	bē
ون (نام خاص زن)	van
وناوت (نام کوه)	vanāwat
ونجک (آلت موسیقی)	vanǰak
ونجک نوازی	vanǰak vāčīk
ونداد گشسب (نام خاص)	vindāt gušnasp
وندیداد (نام کتاب)	vidēvdāt yut dēvdāt
ونفروشن (نام خاص)	van frōšn
ونیوت‌بش (نام خاص)	van i yut bēš
وه رود (رود)	vēh rōt
وه‌شاپور (نام‌خاص)	vēh-šāpūr
وی	ōi avē
ویدات (نام دیو)	vīdāt
ویدتفش (کشور چهارم از هفت کشور)	vīdatafš vīdadafš vītatafš
وئدیشت (نام خاص)	vaēdišt
ویر (هوش)	vīr
ویراستار	vīrāstār
ویراستگی	vīrāstakīh
ویراستن	vīrāstan
ویراسته	vīrāstak
ویراف (نام خاص)	vīrāf
ویران	avērān avērak anāp višōftak višōp tapāh sēz anāpātān
ویران بودگی	vani būtīh
ویران شدن	tapāhīhastan

ویران شدنی
sējōmand
višōpišnīk

ویران شده
mūtak
vany

ویران کردن
apasahēnistan
apasīhistan
kantan
kandan
kaftan
marnǰēnītan
mrnǰēnītan
murnǰēnītan
nasānēnītan
nasēnītan
ōsēnītan
ōšītan
vāčīnītan
stōwēnītan
škastan
vikāftan
šuftan
vānītan
višōftan
višōpēnītan
vimuštan
vināsītan

ویران کننده
kantār
kastār
kāstār
višōp
vināsītār
vināsišnīk
viyāpāngar
vīyāpānkar

ویرانگر
mar
marnǰēnītār
mrnǰēnītār
murnǰēnītār
mūtak
sēǰdāt
sēzišnōmand
vināsišnkar
vināsišnīk
vināstār
višuftār
višupāk
zanišnōmand
zatār

ویرانگر خلقت
dahišn apasēnītār

ویرانگر عالم مینوی
mēnōg višōp

ویرانگر گیهان
gēhān marnǰēnītār

ویرانگری
marnǰēnītārīh
murnǰēnītārīh
nasānišnīh
vināstārīh
višōpišn
viyāpānkarīh
vanigarīh
vanibūtīh

ویرانی	avērānīh
	anāpišn
	āšuft kārīh
	tapāhīh
	kastārīh
	kanišn
	vināsišn
	mrnjēnišn
	nasānišn
	nasēnišn
	nāsišn
	višōpišn
	vināsišnīk (قابل ویرانی)
ویروی پهر (نام خاص)	virōi pahr
ویزرش (نام خاص)	vizarš
ویزك (نام خاص)	vīzak
ویژگانه	apēčakīhā
ویژه	apēčak
	nāmbarak
	nāmčišt
	nāmčištīk
	vāspuhrakān
	vāspuhrakānīh
ویسپرد (بخشی‌است از اوستا)	visparat
ویسپ شادخسرو (شهر)	visp-šāt xōsrōi
ویسمکان (نام سلسلهٔ پادشاهی)	visēmakān
ویسه (نام خاص)	vīsak
	vēsak
ویشتاسپ (نام خاص)	vištāsp
وین (آلت موسیقی)	vīn
وین کنار (آلت موسیقی)	vīn kannār
وین نواز	vīn srāy
ویونگهان (نام خاص)	vīvanghān

ه

هاتک مانسریک (بخشی از اوستای قدیم)
hātak mānsrīk
hāt mānsr
mānsrīk

هادخت نسک (بخشی از اوستا) hātōxt
hādōxt

هاروت hurdat
harvdāt
xvardat

هاسر (مقیاس زمان ومسافت) hāsr

هامون (سیستان) hāmōn

هامون (دشت) hāmōn

هاون hāvan

هاونان (پیشوایی که درمراسم‌یسنا شرکت میکند)
hāvanān

هاونگاه (از سپیده‌دم تاظهر) hāvan-gās

هتک حرمت hišt škōhīh

هجده hašt dah

هجدهم hašt dahom

هجوم tak
hēnīh

هجوم کردن patrōtan
tak kartan apar

هدایت parvānakīh

هدایت شده توسط پیشوای مذهبی ratunay

هدایت کردن nītan
nayītan
ānīhītan
hāčītan
jāmēnītan

	zamēnītan
	vāzēnītan
	vitārtan
	vitārēnītan
	haxtan
	hāxtan
هدایت کردن گله	raftēnītan
هدایت کننده	parvānak
هدیش (نام ایزدموکل برخانه)	hadiš
هدیوش (نام گاو اساطیری)	hadayōš
	hatayōš
هدیه	dahišn
	dāsr
	dāšn
	pārak
	āyaft
هدیه‌ای	dāšnīk
هدیه نذری	ostōfrīt
هر	har
	harv
	harvisp
	harvispēn
	harvist
	harvistēn
هرآنچه	čēkāmič
	čikāmčī
هرات	harāi
	harāk
	harē
هراتی	hirātīk
هراسان	nīhīk
هران (شهر)	harān
هرآینه	har advēnak
هرچقدر	marčikāmči
هرچند	andčand
	hančand
	harčand
	kā
هرچون	har čēγōn
هرچه	har čē
	andčand
	kēč
	katārčihē
هرچه باشد	čīš-ič čīš
هرچه دیگر	katārčē
هردار (نام خاص)	hardār
هردو (نام خاص)	haraitar
هردرشن (نام خاص)	hardaršn
هردو	har dōān
	ǰōmā
هردوجهان	har dō axvān

هردومینو (اورمزد واهریمن)	har dō mēnōk
هرزگی	tarmānīh
هرزه	harzak halak hazarag gadōk duš nikīrāy
هرطور	har čēγōn
هرقدر	čand
هرقدرکه	hančand
هرقدرهم	marčikāmči
هرقسم	čikāmči
هرکدام	čikāmči katārčē katārčihē
هرکدام‌هم	katārčē
هرکس	harvīn katārčē katārčihē
هرکه	katārčē
هرگاه	hamē kā
هرگر	hakarč bāstān
هرگونه	har čēγōn
هرگونه سود دارنده	vispān sūt
هرمزان (نام خاص)	ōhrmazdān
هرمزد (اهورامزدا)	hormazd ōhrmazd ōrmazd
هرمزد خدای	ōhrmazd xvatāy
هرمزد شاپوران (نام خاص)	ōhrmazd i šāpuhrān
هرمزدی	ōhrmazdīh ōhrmazdīk
هرمزدیار (نام خاص)	hormazdyār
هرنوع	hāmōdēn hāmōgēn čikāmči
هری (هرات)	harē
هریرود (رود)	harēvrōt
هریک	har ēvak harvīn katārcihē
هزار	hazār
هزاران (نام خاص)	hazārān
هزار برگ (گل)	gul i ēv-hazār varg
هزارساله	hazārīhā
هزارگانه	hazārakānak
هزارگوشی	hazār-gōšīh

هزاره hazārak
hazangrōzam
hazangrōk zam

هزوارش huzvārišn
uzvārišn

هزینه uzēnak
ōzīnak
uzēn

هژده haštdah

هژیر hūzīrišnīk

هست hast
ēstēt

هستان (زندگان) hastān

هست بودن astišnīh
ēstišnīh

هستش astišn

هست شدن būtan

هستگر (هستی بخش) hast-kar

هستم ham
hōm

هستمند (دارای وجود) hastōmand

هستن ēstātan
būtan

هستند hand
hēnd

هسته astak

هستی astakīh
hastakīh
hastīh
hastīk
stī
stīh
hastišn
astišn
ēstišn
bavanīh
bavišn
bavišnīh
būtakīh
ahu
axv
zīvandakīh

هستی ابدی hamāk būtīh

هستی بخش hast-kar

هستید hēt

هستیم hīm

هستی مشترک ham būtīh

هستی همیشگی hamē būtīh

هشت (عدد) hašt
ašt

هشتاد haštāt

هشتصد hašt sat

هشتم	haštom
هشتمین روز ماه	day
	dadv
هشتن	hištan
هشتی (هشت ضلعی)	haštīh
هشیار	zēnāvand
هضم	gukārišn
	pazāmišn
هضم کردن	gukārtan
	gukārītan
	gukārīhitan
	guvārītan
هضم کننده	guhārāk
هضم نشده	agukārīt
هفت	haft
هفتاد	haftāt
	haftād
هفت اورنگ (دب اکبر)	haftōirang
	haptōkring
هفت بار	haft-rīn
هفتالها	hēftālān
هفتان بوخت (نام خاص)	haftān buxt
هفت اورنگ	haftōrang
	haftōirang
هفت سر (اژدها)	haft kamār
هفت سیاره	haftān
هفتصد	haft-sat
هفت کشور	haft kišvar
(یکی از کشورهای هفت کشور)	vaurujaršt
~	vaurubaršt
هفت کشور خدای (پادشاه هفت کشور)	haft kišvar xvatāy
هفتم	haftom
هفت ماهه	haft-māhak
	haft-māhīk
هفتورنگ	haptōkring
	haftōirang
هفته	haftak
هفت هات (بخشی از یسنا)	haft hāt
هفت هندوکان (ناحیه)	haft hindūkān
هفده	haft-dah
هفدهم	haft-dahom
هلاك	sēǰ
	sēz
	sēž
هلاکت	sēžišn
هلاك شدنی	sēžōmand
	sazišnīk
هلاك کننده	sēzišnōmand
	sēǰdāt
هلال شدن ماه	narfsītan

هلال گشتن ماه (ازبیستم تابیست وپنجم ماه) višaftas

هلش (رها کردگی) hilišn

هلش نامه (طلاق نامه) hilišn nāmak

هلمند (هیرمند) hētōmand

هلو šaft

هلیله halīlak

هلیلهٔ پرورده halīlak i parvartak

هم ham

هُما (نام خاص) hūmāy

هما (مرغ همای) humāk

هم ارزش hāvand

هم آرزو ham-kāmak

هماره hamār

هم اصل hamgōhr

هم افزار (همکار) hamafzār

همال hamāhl
hamāl
hamēmāl
hamarz

هم آمیختگی (بهم آمیختگی)
hamgōmēčišnīh

همان ham

هم اندازه ham handāčak
hamōk handāč
ham bašn

هم اندرزمان (فوراً) ham-zamān

همان طریق (بهمان طریق) ham-advēnak

همانطور ham gōnak
ham-ētōn
ōγōn

همانطور بودگی ham ētōnīh

همانطور که ōγōn čēgōn

همانقدر and čand
hand čand

همالگونه ham gōnak
hamgōn
ōγōn

همانند ēv sān
hamarǰ
hamarz
ham gōnak
hamōk
hamtāk
handāčak
hāvand
hamānāk
hūmānāk
mānāk
mānākāi
mānišnīk
ham angušītak

همانندانه hangōšītakīhā

همانند بودن	mānītan mānistan māntan
همانند کننده	parčītišnkār
همانندی	hamgōnīh hangōšitak hāvandīh hamānākīh hūmānākīh mānākīh ham-ētōnīh
هم آواز	ham vāng
هماورد	avīkān
هم آهنگی	patvast axvīh hamīh
هم آهنگی کامل	bavandak ham-kartārīh
همای (مرغ)	humāy humāk
همای (نام خاص)	humāy
همای چهرآزاد (نام خاص)	humāy i čihrāzātān
هم ایدون	ham-ētōn
هم ایدونی	ham-ētōnīh
هم آیین	ham advēnak ēvak advēn
هم بالش (رفیق)	ham bālišn

هم‌بانگ (هم‌آواز)	ham-vāng
هم بخششی	ham baxšišnīh
همبر (درکنارهم)	hamvar
هم برادر (دوست)	ham brāt
هم برادری (دوستی)	ham brātīh
هم بستر	ham vastarg hanbašn
هم بستر شدن	tan vīmēxtan ǰuftan
همبستگی	ham patvandīh
همبستن (بهم بستن)	hambastan
هم بسته	hambast hambastak hamband
همبندی	hambandīh
هم‌بهر با شاه	kai bāg
همپرسش (هم صحبت)	ham pursišn
همپرسگی (مصاحبت)	ham pursakīh
همپرسیدن (گفتگو کردن)	ham pursītan
هم پهلو	hamvar ham kust
هم پیکاری (نزاع)	ham patkārišnīh
هم پیمانی	hampatmānakīh
هم پیوند	ham patvand

هم پیوندی	ham patvandīh
همتا	hamtāk
همتان (نام خاص)	hēmētān
هم تاوان	ham tōčīk ham tōžīk
هم تخمه	ham tōxmak ham tōhmīk ham-tōhmak
هم تن	ham tan
هم ثواب	ham-kirpak
هم‌ثوابی	ham kirpakīh
هم جثه	ham tan
همجنس	ham sartak
هم جوار	nazdīk
هم جواری	nazdīkih
هم جهت	ham kust
هم چرا (بهمین علت)	ham čim rād
هم چشمی	ham čašmīh
همچنان	ham čēγōn
هم چنین	nēz nīz -č -ič
همچون	ham čēγōn
هم خاندان	ham dūtak ham patvand
هم خاندانی	ham patvandīh
هم خانگی	ham damūnīh
هم خانواده	ham dūtak ham patvand ham zahāk
هم خانه	ham damūn
همخوابگی	ham karpakīh ham martīh ham vimēžišnīh marzīh hamgōmēčišnīh marzišn vēpīk
همخوابگی کردن	ham bavēnītan
همخوابه	hanbašn ham vastarg
هم خوراك	ham xurun
هم خوراکی	ham xvarišnīh
هم داستان	hamdātastān hamdātastānōmand
هم داستانی	hamdātastānīh hamdātastānōmandīh
همدان (شهر)	hamadān hamtān hamatān hanmatān
همدردی	dil sōčak handarōtakīh

همدستی — adiyārīh

همدم — hamdam

هم دودمان — ham nāfān
ham zahāk
ham dūtak

هم دوستی — ham dōšišnīh

هم دوده — ham dūtak

همدیس (همشکل) — ham dēsak

همدین — ham-dēn
xvēš-dēn
ham kēš

همرانی (نبرد) — hamrānīh

همراه — ham rās
ham ayōǰ
ham barišn
ham būtīk
ham harz

همراه بردن — pat apākēnītan

همراه بودگی — patišnīh

همراهی — apākīh
ambāzīh

همراهی کردن — apākēnītan

هم رأی — hamdāstān
hamdātastānōmand

هم رأیی — hamdātastānīh
hamdātastānōmandīh

همرسیدن (بهم‌رسیدن) — ham-rasītan

هم روش — ham rawišn
ham advēnak
ēvak advēnak
ham-gōnak

هم روشی — ham brahmakīh

همزمان — ham-damān
ham-zamān

هم زنشی (زد وخورد) — ham zanišnīh

هم زور — hāvand zōr
ēvak zōr

هم زوری — ham-zōrīh
ēv zōrīh

هم زیست — ham būtīk
ham bavišn

همزیستی — ham bavišnīh
ham būtīh

همزیستی کردن — ham bavēnītan

همسان — hāvand
ham-arǰ

mānāk
ham-arz

همسائی
hāvandīh
mānākīh

همسایگی
nazdīh
nazdīkīh

همسایه
hamsāyak
ham kustak
ham vīmand

هم سپاهی
ham-spāhīh

همسپتمدم(گاهانبار)
hamaspamaidayam
hamaspasmēdēm
hamaspatmaidēm
hamaspatmētyaēm

هم سخنی
ham-gōwišnīh

همسر
zan
nāirīk
nāirīg

هم سرشتی
ham gōhrīh

هم سطح
hamvar

هم سهمی
hambāgīh

هم شکلی
hamkarpīh

همشهری
xvat šatrīk

هم صحبت
hamvāčīk
ham dranǰišn

هم صحبتی
hampursakīh
hamgōwišnīh

هم طبع
ham gōhr

هم عقیده
ham dātastān

هم غذا
ham xurun

هم فکری
patvast axvīh

هم قامت
ham brēh

هم قد
ham brēh
ham bašn

هم قرض
hamtōčīk
hamtōžīk

هم قطار بودگی
ham spāhīh

هم قوه
hāvand nērōk

همکار
hamkār
ham kartār
ham kunišn
ham afzār
ham brāt
ham brātak

همکاری
ham kartārīh
ham kunišnīh
ham zōrīh
ham kārīh
ēv kartakīh

همکاری با دزد
duzāpastīh

همکاری کامل bavandak hamkartārīh

همکامه ham kāmak

همکامی ham kāmakīh

همکردار ham kartār

همکرداری ham kartārīh

هم کرفه (هم ثواب) ham kirpak

همکنش ham kunišn

همکنشی ham kunišnīh

همکوشش ham kōxšišn

همکیش ham kēš
xvēš-dēn

همگان harvin

همگانی harvistēn

همگاه (با هم) ham-gās

همگناه ham-vinās

همگونه ham gōnak

هم گوهر ham gōhr

هم گوهری ham gōhrīh
ēv gōhrīh

همگی hamākīh
hamakīh
hamagīh
hamāīk
hamahīh
hamāīkīh
hamākīhā
harvispēn
hamōgēn

هم مرز ham sāmān
ham kustak

هم مسلک ham-dēn

هم منزل ham-damūn

هم منزلی ham-damūnīh

هم مو ham mōy

هم میل ham-kāmak

هم میهن xvat šatrīk

هم نبردی ham nipartīh

همنبردی کردن ham nipartītan

هم نژاد ham gōhr
ham tōhmak
ham tōhmīk
ham nāfān

هم نسب ham zahak

همنشین hamdam

همنشینی ham nišīnišnīh
pat ham nišīnišnīh
ham sartak

همنوع ham sratak

هم نیرو hāvand nērōk

هموار
hāmōn
hamōg
hāmvār
hamār

هموار (راحت)
hanbār
hamāīhā
hambār
hamvār
hāmvār
hamvārak
hamār

هموار فروزان
hamafrōk

همواری
hanbārīh

هم واژه (هم صحبت)
ham-vāčīk

همه
hamāk
hamak
hām
hamē
hamis
hamist
hamōgēn
visp
visēn
harv
har
harvin
harvēn
harvisp
harvispēn
harvist
harvistēn

همه‌آگاه
visp ākās

همه آگاهانه
visp ākāsīhā

همه آگاهی
harvisp ākāsīh

همه‌ای
harvistēn

همه پزشک (درخت اساطیری)
hamāk bazišk

همه تن
harvisp tan

همه توانا
hamāk afzār

همه چشم
hamāk doisr

همه خرد
hamāk xrat

همه دانایی
hamāk dānākīh

همه روشی (تحرك دائمی)
hamē hamē rawišnīh
hamē rawišnīh

همه شکفتگی (گل)
hamāk viškuftīh

همه‌کامه
hamāk kāmak

همه کردار (عامل همه چیز)
harvisp kartār

همه گونه
hamāk gōnak

همه نگریدار (صفت اورمزد)
harvisp nikīrītār

همه وقت
harvisp zamān

همی
hamē

همیار	ham ayyār
همیارانه	ham ayyārīhā
هم یاری	ham ayyārīh
همیدون	hamētōn
همیشگی	hamēšakīh hamēīk hamāīk hamagīh hamahīk hamāīkīh ǰāvītān yāvītān hamākīhā (بطور همیشگی)
همیشه	hamēšak hamār hāmvār hamvār hamvārak hamēv hamāīhā hambār hamē bāstān hakarč
همیشه بهار (گل)	hamāk vahār
همیشه پاسبانی	hamēšak pāspānīh
همیشه زنده	hamē zīvandak
همیشه سود	hamēšak sūt
همیشه سوز (آتشکده)	hamēšak sōč hamafrōk
همیشه کارانه	hamēšak kārīhā
همین جهت (بهمین جهت)	ham-čim
همین سبب (بهمین سبب)	ham-čim rāδ
همینکه	hamē kā
همین معنی (بهمین معنی)	ham-čim rāδ
هم یوغ	ham ayōǰ
هم یوغ شدن	āyōǰītan
هنجار	hanǰār
هنجیدن (برکشیدن)	hanǰītan
هند	sind hind
هندسه	zamīk patmānīh
هندو	handūk hindūk
هندوستان	hindūkān hindūkistān
هندی	hindūk handūk
هندیان	hindūkān

هنر	hunar
	kīrūk
	kīrūkīh
هنرمند	hunarōmand
	hunarāvand
	awzārōmand
	hūtuxš
	hūtuxšāk
هنرمندی	hunarōmandīh
	hunarāvandīh
	hūtuxšīh
	nēzumānīh
هنرمندی خوب	frārōn hunarīh
هنری	hunarīh
هنگام	hangām
	hangāmīk
	zamān
	zamun
	āvāmīh (بهنگام)
هنگام روز	rōčkār
هنگام زایمان	āpustan gās
هنگام طلوع خورشید	ōšbām
هنگام وهیز کی	zamun vēhīčakīk
هنگامیکه	kā
هنگامیکه او	kā-š
هنگامیکه ایشان	kā-šān
هنگامیکه ترا	kā-t
هنوز	hanōz
	hakarč
	bē
	-č
	-ič
	pas-ič
هوا	vāi
	vāy
	vāt
هواسپ (نام خاص)	hvāsp
هواکش	damīg
هوای ابری	mīz vāy
هوای بد	vāi vattar
هوای خوب	vāi vēh
هوبوی خسرو (شهر)	hubōy xōsrōi
هوتخش (صنعتگر)	hūtuxš
	hūtoxš
هوتوخشی	hūtuxšīh
هوتوس (نام خاص)	hūtōs
هور (نوعی مشروب الکلی است)	hūr
هور چهر (نام خاص)	hvaršēt čihr
هورشید (خورشید)	hvaršet
	hvarxšēt

هوس varan

هوسباز varanīk

هوسبازی varanīkīh
tan-kāmakīh

هوسپارم نسک (یکی از بخشهای اوستا)
huspāram nask

هوسناکی varanīh

هوش hōš
ōš
vīr
xrat
rād
rāy
kīrūkīh
šnāsakīh
šnāxtārīh

هوش خواستار (خواستارسرگ) ōš xvāstār

هوش دار hōš dāštār

هوشداری hōš dāštārīh

هوش داشتار (نام کوه) hōš dāštār

هوش داشتگی kīrūkīh

هوشمند hōšōmand
ōšōmand

هوشنگ (نام خاص) hōšang
hōšyang

هوشی ōšīh
hōšīh
kīrūkīh

هوشیار hōš adiyār
hōšiyār
ōšīdār
ōšyār
frazānak

هوشیارانه hōšiyārīhā
zēnāvandīhā

هوشیاری hōšiyārīh
frazānakīh

هوشیدر hūšētar

هوشیدران hušētarān

هوشیدر ماه (نام خاص) hōšētar māh
hūšētar māh

هوگر (نام کوه) hukar
hugar

هوم hōm

هومان (نام خاص) hūmān

هوم ایزد hōm yazat

هوم پالا hōmān pālāy
hōm pālāk

هومت پایه (پایهٔ آسمانی اندیشه‌نیک)
hūmat pāyak

هومت گاه hūmat gās

هومتنام (نام‌نیایشی است) hūmatanām

هوم خواری hōm xvarišnīh

هوم دار (آمیخته به‌فشردهٔ گیاه‌هوم) hōmōmand
hōmēn
hōmīkān

هوم درون (نان‌مقدسی که بنام هوم داده‌میشود) hōm drōn

هوم سپید (درخت اساطیری) gōkart
hōm i spēt

هوم کوبی hōm hūnišnīh

هوم مند hōmōmand

هوم نوشی hōm xvarišnīh

هومی hōmēn
hōmīk

هون (ترکان‌آسیای مرکزی) xion

هوو (نام خاص) hvōw

هوواسپ (نام خاص) hūvāsp

هوورش (نام خاص) hūvarš

هووی (نام خاص) hvōvi

هویت katāmīh
čīšīh

هویدا nišak
paitāk
čašm dīt

هویدا ساختن paitākēnītan

هیئت (شکل) brēh

هیاطله heftālān

هتیوش (نام گاو اساطیری است) hatayōš

هیجان xrōstakīh

هیجده hašt dah

هیجدهم hašt dahom

هیچ hēč
hēč-gōn
nē
ham bunič

هیچ بودگی hēčīh

هئچت اسب (نام خاص) haēčatasp

هیچ چیز čiš-ič
katārčē

هیچ کردن ēčēnītan

هیچکس mā kas
katāmčē
kasič (حتی کسی)

هیچکس دیگر katārčē

هیچگاه hakarč

هیچگونه hēčgōn

هیچه (دو چرمین) hēčak

هیچی hēčīh

هیچ یک	ēvak-ič
هیختن	hēxtan
هیربد	hērpat ēhrpat ērpat
هیربد زاده	ērpat zātak
هیربدستان	hērpatistān ērpatistān
هیر بدستانی	hērpatistānīh
هیربدی	hērpatīh ērpatīh
هیرمند (رود)	hētōmand
هیزم	ēsm ēzm hēmak hēzom
هیزم دان	ēsm dān
هیزمی	ēsmīh
هیمه	hēmak hēzom

ی

يا aivap
ayvap
ēvap
hast... hast

ياء وحدت ē

يابش (يافتگی) ayāpišn

يابندگی āyaftīh
ayāpišnīh

يابنده ayāftār
ayāpak
ayāpāk

ياد awyāt
awyātakīh
ayāsišn
ayāt
ayyāt
daxšak
mānak
varm
anayāt (بی‌ياد)

ياد آوردن awyātēnītan
ayātēnītan
ayāsītan
ayāstan
varm kartan
rānēnītan (ازياد بردن)

يادآوری ayātēnītārīh
ayāsišn
ayāsišnīh
ōšmurišnīh
ōšmurišn

يادبردن (ازيادبردن) framōštan
az daxšak hištan

یادبود nāmgānīh

یاد دادن āmōxtan
āmōzānītan
āmōžānītan
azdēnītan
čāšišn

یادداری vīrōmandīh

یادداشت ayyāt kārīh

یادداشتگی awyātakīh

یادداشتن ōšmurtan
pat daxšak dāštan

یاد دهندگی āmōžišn
āmōzišn

یاد سپردن varm kartan

یاد کردن awyātēnītan
ayāt kartan

یادگار awyātkār
ayātkār
nāmgānīh

یادگار زریران (کتاب)
ayātkār i zarērān

یادگاری ayyāt-kārīh

یادگرفتن āmōxtan

یار adiyār
ayār
ayyār
hayyār
yār
ham rās
apāk
frayātišnīk

یارانه ayyārīhā

یارایی داشتن ayyārītan

یارستن adiyārītan
ayyārītan

یارمند (رفیق) ayyārōmand

یارمندی (یاری) adiyārōmandīh

یاری adiyārīh
adiyārōmandīh
ayyārīh
hayyārīh
apāstīh
frahāt
frayāt
frayātišn
nīrmat
kōč
ham-ayyārīh (یاری بایکدیگر)
duzāpastīh (یاری با دزد)

یاری برتر apar apākīh

یاری خداوندی apar apākīh

یاریدن ayyārītan
adiyārītan

یاری دهنده frahāt
hayyār

یاری شده	friyāhīt
یاری کردن	ayyārītan adiyārītan apākēnitan frayātītan friyātītan ristakēnītan
یاری کردنی	frayātišnīk
یاری همیشگی	hamēšak apākīh
یازده	yāzdah
یاسمن	yāsmīn
یاغی	apāč sar mustgar
یاغیگری	apāč sarīh
یافت	ayāpišn ayāft
یافتار (یابنده)	ayāftār
یافتگی	vindišn
یافتن	ayāftan ayāpēnitan vindātan vindītan vijustan jastan
یافتنی	ayāpišnīk ayāpāk vindišnīk
یافته	ayāftak
یافته شده	vindītak
یاقوت	yākand yākind
یاکسارت (رود)	čašrit
یال	bōš buš
یاوری	ayyārīh
یتاهوئیریو (دعا)	yatahūkvēryōk
یخ	pazd
یزت	yazat
یزدان	yazatān yazdān
یزدان ارخت (نام خاص)	yazdān ēraxt
یزدان دوست	yazdān dōst
یزدان شناختن	yazdān šnāxtan
یزدان شناس	yazdān šnās
یزدان شناسی	yazdān šnāsīh
یزدان‌کرد (نام خاص)	yazdān-kart
یزدان نشناسی	yazdān anašnāsīh
یزدگرد (پادشاه ساسانی)	yazdakart yazdēkart yazdkirt
یزدگری	yazdakartīk

یزش
yazišn
izišn
ēzišn

یزش کننده
yazišn kar

یزش گری
ēzišn garīh

یزشمند (قابل پرستش)
yazišnōmand

یزشی
yazišnīh

یزیدن
ēzītan
izītan

یسن (ستایش)
yasn
yast

یسنای هفت هات
haft hāt

یشت (ستایش)
yašt

یعنی
ēt
hat
ay

یقه
grīvpān

یقین
xvastūkīh

یقین دینی
hāzišn

یک
ē
ēv
ēvak
yak

یک آهنگ (هم آهنگ)
ēv-āhang

یک آیین (هم آیین)
ēvak advēn
ēvak advēnak

یکان
ēvakān

یکانی
ēvakānīh

یکایک
ēvak ēvak

یکبار
ēbār
ēv-bār
ēvak bār
ǰāvar-ē

یکباره
ham-zamān
pat ēv kartakīh

یک پادشاهی (فرمانروائی پادشاه واحد)
ēv-xvatāyīh

یک پارچگی
hamāyīh

یک پارچه
ēv kartak

یک پنجم
pančōtak
panǰ-tak
panǰ ēvak

یکتا
ēvtāk
ētōm
ēvak-tāk
ēvak-tōk
ēvāzīk

یکتا خلق شده
ēv-dāt

یکتا داده
ēv-dāt

یکتایی
ēvtākīh

یک تنه
tanīhā

یک جور	ēvak āhang
یک جهت	ēv-āhang
یک چند	ēčand ēv-čand ēvak čand
یک چهارم	čatrušvātak tasom
یک خدایی	ēv-xvatāyīh
یک دفعه	ēbār ēv-bār
یک دوم	dō ēvak
یک دهم	dah ēvak
یکدیگر (به یکدیگر)	ēvak ō dit
یک زور (هم زور)	ēvak zōr
یکساله	ēvak sālak
یکسان	ēvsān
یکسانی	ēv-sānīh ham kunīh
یک سوم	srišvatak srišōtak se ēvak yak sē
یک شبانروز	rōčak šapān
یک ششم	šaš ēvak
یک صد	ēv sat
یک کوهانه	ēvak kōf
یک گوهری	ēv čihrīh
یک لنگه کفش برپای دارنده (گناه)	ēv mōk
یک ماهه (کودک)	ēvak māhak
یک نژادی	ēv čihrīh
یکنواخت	ēv kartak
یک هزار	ēv hazār
یکی آفریده شده	ēvak dāt
یکی از روزهای کاثانی	ahuvēt gās
یکی بودگی	ēvakīh
یک یک	ēvak ēvak
یکی کردن	hamēnītan
یکی کننده	hamēnītār
یکی یکی	kas kas
یگانگی	ēvakānakīh ēvakānīh ēvakīh ēvīh hamīh hamīkīh ayōǰišn
یگانه	ēvakānak ēvakēn ēvak-tāk ētōm
یگانه منش (دارای منش یگانه)	ēvakānak mēnišn

یل	yal
یم (= جم، نام خاص)	yama
یمن (سرزمین)	yaman
یمه (= جمه، نام خاص)	yimak
یمین لشکر	dašnak
یوز	yōz
یوزپلنگ	yōz
یوشت (نام خاص)	yōšt
یوغ	ayōǰ yōg yūg
یوغ بر گردن اسبان نهادن	āyōxtan
یوغ بندی	ayōǰišn
یوغ دار	ayōtār
یوغ داری	ayōtārīh
یوغ گاو	gāv yūg
یونان	hrōm
یونانی	yūnānāyīk hrōmāyīk hrōmīk hrōmāy
یونانیان	hrōmāyān
یونجه	aspast
یهودان	yahūtān
یهودی	yahūt yahūtīh
یهودیان	yahūtakān
یهودی بودن	yāhutīh

PERSIAN-PAHLAVI DICTIONARY

by

Bahrām Faravashi

Second Edition

ISBN 964-03-4391-9
بها: ۳۱۰۰۰ ریال